

کتابهایی که تاکنون از این نویسنده به چاپ رسیده‌اند

۱- روش تماس خانوادگی با ارواح جلد یک و دو

۲- گفتگو با خدا (مناجات)

۳- ارواح از بهشت خبر می‌دهند

۴- خود درمانی‌های روحی

۵- اثرات تلقین و خوابهای روحی

۶- برون فکنی‌های روحی

۷- دایره خلقت (وجود خدا از نظر ارواح)

۸- انرژی درمانی یا شاهکار خلقت

۹- دیوان اشعار روحی (جلد یکم)

۱۰- شناخت ارواح جلد یکم و دوم

کتابهایی که به زودی از نویسنده انتشار خواهند یافت

۱- کلیات علوم روحی

۲- تقدیر و سرنوشت

بنام خدا

مقدمه

مطالبی را که خوانندگان در این کتاب استثنایی می‌یابند، اگر به روشهای علمی و آموزشی و تحقیقی آنها توجه کامل نمایند، بطور یقین پس از گذشت اندک زمان با شناخت‌های جدیدی نسبت به قدرتهای ذاتی خویش و انرژی‌های محیط و کارآیی‌هایی که در وجود نسل بشر نهان است مواجه خواهند شد که قبلاً تصور چنین نیروهایی را در خود نمی‌کردند.

برای اینکه خوانندگان بدانند: در این کتاب چه موضوعاتی را مطالعه خواهند کرد و در نهایت درک و انجام مطالبی که در این کتاب نوشته شده است به چه درجه‌ای از شناخت ذات و وجود دست خواهند یافت، باید بگویم که در این کتاب مطالب بسیار مهم و علمی و عملی‌ای از خودشناسی و خوددرمانی و در نهایت دگردرمانی ذکر گردیده‌اند، یعنی اگر فردی بداند که خود کیست و چه نیرو و قدرتی در جسم و روح و روان وی نهفته است، آنگاه زندگی را با دید جدید و تازه‌تری می‌نگرد و ما بقی عمر را با آرامش و سلامت کامل سپری می‌سازد، چون زمانی که شخصی توانست نیروهای خود را بشناسد، بطور حتم قدرت درمان ناراحتی‌های خویش را نیز بدست خواهد آورد، چون ناراحتی و درد و غم و غصه و... چیزی غیر از تجمع یک سری از توده‌های امواج نامتجانس و منفی، در وجود افراد نمی‌باشد و زمانی که فردی از قدرت و نیروهای عقلی و روحی و مشتقات آنها که امواج ذهن و حافظه، درک، شعور، فهم و... می‌باشند با خبر شد و دانست که این نیروها در وجود

وی به مراتب قوی‌تر از امواج خارجی‌ای است که بصورت درد، افکار، نادرست، ضعف و... به فرد نفوذ کرده‌اند می‌باشد، آنگاه قادر خواهد شد با قدرتی جدید و با شناختی عمیق‌تر، این تازه واردهای بدون دعوت جسم و روح و روان را از کالبد خویش به بیرون افکند و سلامت و نشاط را در وجود خود جایگزین نماید.

منظور از نگارش کتاب انرژی درمانی عملی این است که هر خواننده معتقد و آگاهی با بکارگیری مطالبی که در آن آمده‌اند، در مرحله نخست بتواند بر ضمیرهای خویش مسلط گردد و آنرا بطور کامل بشناسد و پس از آن در صدد رفع کلیه ناراحتی‌های روحی و روانی و حتی بسیاری از ناراحتی‌های جسمی، که در اثر فشارهای روحی و روانی بدست آورده است، برآید و در صورت بروز هر ناراحتی جزئی، فوراً به پزشک مراجعه ننماید و به مصرف دارو و... نپردازد چون درست است که برخی از داروها بر بعضی از ناراحتی‌های افراد اثر می‌گذارند و از نظر ظاهر درد و مرض وی را بر طرف می‌نمایند، ولی اثرات مصرف داروهای شیمیایی، در دراز مدت موجب ناراحتی و ضعف قوا در ارگانهای دیگری از بدن خواهد شد.

زمانی که خداوند متعال می‌فرماید که من اشرف مخلوقات خویش را به نام انسان آفریده‌ام و یا در روی کره خاک، این نسل بشر را به عنوان خلیفه خویش گمارده‌ام، مسلماً این برتری آنها به دلیل شکل و قیافه و هیكل و زور و قدرت و شغل و مقام و ثروت و... نیست، بلکه ارجحیت او بر سایر موجودات، بر مبنای فضیلت و علم و درک و شناخت و عقل و روح و... وی می‌باشد، کما اینکه در سطح کره خاکی گاهی افرادی را می‌توان یافت که در اعمال و رفتار و

کردار آنها، ذره‌ای از قدرتهای پروردگار را می‌توان مشاهده کرد و من با نوشتن این کتاب قصد دارم که شکوفایی این نیروهای ناشناخته الهی که در اکثریت قریب به اتفاق افراد جهان وجود دارند را در افراد جوامع مختلف، روز به روز افزایش یابند تا هر کس با توکل قلبی و عملی به خداوند و کسب علم و پشتکار، خود را بشناسد و یقین کند که در اعمال صالح و پاک و درستی و...، همان خلیفة الله است، چون کسی را می‌توان جانشین خدا دانست که اعمال او الهی باشد و در زندگی به دنبال جاه و مقام و ثروت بی حساب و بخل و کینه و کشتار و... بر نیاید و با قلم، قدم، حرکت، رفتار، منش خود، و... ذره‌ای از قدرتهای پروردگار را در ذات وجودی خویش بنمایاند.

در تمام کل خلقت پروردگار چیزی بالاتر از خودشناسی و خود درمانی نیست، چون کسی که توانست خود را به نحو احسن بشناسد، یقیناً به مراتب بهتر از دیگران می‌تواند خداشناس باشد و کسی که در تمام طول عمر نتوانست خود را بشناسد و پی به قدرتهای نهان و ناشناخته خویش ببرد، چگونه ممکن است اظهار خداشناسی نماید، زیرا خودشناسی موجب خداشناسی افراد می‌گردد، چون کامل‌ترین مخلوقات کره خاکی، افراد نسل بشر می‌باشند و هر آنچه که در طبیعت کره خاکی یافت می‌شود، تمامی آنها، بگونه‌ای در این نسل وجود دارند که این خود از عجایب خلقت نسل بشر است.

با خواندن این کتاب و انجام تمرینات آن، افراد به سادگی در خواهند یافت که چگونه می‌توانند اعتماد به نفس کافی در زندگی خویش بدست آورند و بدون توجه به اعمال دیگران، این نقیصه را از وجود خویش دور سازند و

پس از مدتی به سایرین نیز کمک‌هایی را بنمایند و آنها را از ناراحتی‌های مختلف نجات دهند بدون اینکه ذره‌ای از داروهای شیمیایی و... مصرف کرده باشند.

فروردین سال ۱۳۸۰ رهبرزاده

شفادهی یا درمانهای مختلف، بدون مصرف دارو

کسانی که مطالب این کتاب را مطالعه می‌نمایند، در هر شغل و مقام و منصبی که هستند، باید قدری واقع بینانه و بدون حب و بغض یا کینه و عناد و تنگ نظری و تحجر و تعصب، به مطالب این کتاب، منجمله همین مبحث توجه دقیق و انسانی و الهی بنمایند و سپس قدری در خود فرو روند و به قدرت و عظمت پروردگار پی ببرند که خداوند متعال چه نیروهایی را در نهاد نسل بشر قرار داده است که یک نفر از بندگان او، توانسته پدیده‌ای نو و نوآوری جدیدی را در چگونگی روش درمان کلیه ناراحتی و امراضی که در جهان متداول هستند بوجود آورد و با توکل و توسل به ذات پروردگار و با اتکاء به اراده و علم و دانش و بینش و تجربه خویش، بر اینهمه مریضی و ناراحتی‌هایی که در حقیقت علم پزشکی با در دست داشتن اینهمه وسایل فیزیکی و شیمیایی و دانشگاهها و... فائق آید و با استفاده از روش علمی و قدرت جسمی و روح و روان خویش، آنان را درمان نماید و به این مطلب با رویی باز و خوش بینی بنگرد که در آینده‌ای نه چندان دور، با پخش این کتاب و بکارگیری افراد از مفاد و موارد آموزنده و تجربی آن، در سراسر جهان قادر خواهند شد بر بسیاری از ناراحتیهای متداول جامعه و افراد آن فائق آیند و بکارگیری این روش که هیچ مغایرتی با علم محیط و الهی ندارند دگرگونی‌های تازه‌ای در انتظار نحوه درمان جهانیان خواهد بود.

سالها است که در سراسر جهان در صدد فراگیری علوم روحی و

شناخت امواج و نیروهایی که در پیرامون ما و محیط کره زمین وجود دارند می‌باشم و در نتیجه پس از گذشت حدود ۳۰ سال با شگفتی و حقایق بسیاری از ناشناخته‌های خلقت مواجه شده‌ام که در نتیجه مقداری از اندوخته و درک و شناخته‌های خویش را تاکنون بصورت کتب متعددی به چاپ رسانیده‌ام و علاوه بر آن بر نیرویی دست یافته‌ام که در ذات کلیه افراد نسل بشر بعنوان قدرت درمانگر یا شفادهنده وجود دارند و این قدرت چیزی نیست که فردی به علت عدم آگاهی و کمبود دانش، اظهار نماید «خداوند این نیرو را فقط به من و احتمالاً به تعداد محدودی از نسل بشر عطا فرموده» بلکه خدا همه نسل بشر را آفرید و تمامی مخلوق و جزو بندگان او هستند که هر یک از آنان با کسب علوم الهی و معرفت و دانش روز و... می‌توانند برتری خود را نسبت به دیگری بنمایانند و من سعی بسیاری نمودم تا بتوانم وجود این انرژی موجود در نسل بشر را به مراکز و قسمتهای مسئول درمان بقبولانم، ولی هر چه کوشیدم، به علت ناباوری و عدم شناخت، کافی برخی در این زمینه، مطالب مرا نپذیرفتند و حتی کمیسیونهایی برای رد گفته‌های من ترتیب دادند و در آن کمیسیونها کسی حاضر به شنیدن حقایق و چگونگی درمانگری من نسبت به واکوردگان علم پزشکی و افراد لاعلاجی که درمان کرده بودم نبود و هیچ یک از مسئولین هم از من سؤال نکردند که تو چگونه قادر هستی چنین اعمال خارج از شناخت علمی که در کتابهای دانشگاهی به ما آموخته‌اند انجام دهی و کار خود را به دیگران هم بیاموز تا «دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد»، بلکه در هر جلسه‌ای که در این مورد تشکیل دادند، مرا محکوم به دخالت در امر پزشکی نمودند، در صورتی که نمی‌دانند، علم و دانش پزشکی که بنام

آلویات، نامیده می‌شود بسیار تازه و جوان است و فقط وسایل فیزیکی و شیمیایی امروزی هستند که به کمک پزشکان آمده و در اصل خود پزشک درمانگری ندارد و چنانچه این وسایل از آنها گرفته شوند، بطور حتم روش درمانگری آنان هم متوقف می‌شود، ولی عملی را که من ارائه داده‌ام، بدین معنی است که بدون استفاده از وسایل پزشکی هم می‌شود شفا داد و حتی کسانی که وسایل پزشکی و علم و داروی مربوطه اثری به آنها ندارند را می‌شود تا حد بسیار زیادی با این روش درمان کرد و جهت همین اعمال مثبت و درمانهایی که می‌نمودم، از سوی مسئولین درمان در روزنامه‌ها توهین‌هایی را تحمل نمودم و مجازات مادی و جسمی و... نیز گردیدم که اگر توکل و توسل به ذات و قدرت پروردگار نداشتیم، مسلماً از اعمال خویش دلسرد می‌شدم و از آن دست بر می‌داشتیم، ولی همچنان به راه خود ادامه دادم و خواهم داد تا اینکه امروز موفق با ارائه مدارک موجودی که در آرشیو مؤسسه‌ای که در همین راستا و آموزش علوم روحی در کشور دائر نموده‌ام، حقایق را ارائه دهم که اگر خواننده‌ای که ذره‌ای احساس مسئولیت، الهی، ملی، انسانی، علمی و... داشته باشد، توجه کاملی به مطالب این کتاب و حقیقت وجود نیروهایی در ذات نسل بشر خواهد نمود.

شفادهی

در این مبحث سعی شده تعداد محدودی از نامه کسانی را که توسط انرژی درمانی و بدون مصرف دارو و با دستهای من، سلامت خود را یافته و با خوشحالی و شادمانی به آغوش خانواده و در نتیجه اجتماع ملی خویش بازگشته‌اند، درج نمایم، ضمن اینکه مشابه این مطالب را در نامه‌های چند صد

برگی برای مسئولین درمان ارسال نموده‌ام که متأسفانه به دلایل خاصی که شاید یکی از دلایل آن ناباوری بود به آنها پاسخی ندادند و اگر هم به یکی از آنها پاسخ داده شد، در کمیسیون‌ها مرا محکوم به دخالت در امر پزشکی نمودند در صورتی که اگر قدری عقلانی و علمی به ریشه علم پزشکی بنگریم، متوجه خواهیم شد که در پیش برد علم پزشکی کنونی، اغلب کسانی در دنیا سهم بوده‌اند، که هیچ اطلاع قبلی از علوم کلاسیک پزشکی نداشته‌اند.

نمونه‌هایی که ذیلاً از نظر خوانندگان می‌گذرد، نمایانگر این حقیقت است که اگر به مطالب کتاب توجه نمایند و تمرینات آنرا بطور کامل و سالم انجام دهند، پس از مدتی موفق خواهند شد چنین درمانهایی را در سطح بالا یا پائین‌تر، بر مبنای کسب علم و تمرین و تجربه‌ای که بعدها بدست خواهند آورد، انجام دهند.

علاوه بر انجام نمونه درمانهای مختلفی که ذیلاً مشاهده خواهید نمود، با استفاده از قدرت روحی، پدیده جدیدی را در علم طب بوجود آوردم که نه در ایران، بلکه مشابه آن در تمام دنیا بی سابقه و منحصر به فرد است و این مطلب را نیز به چندین قسمت از مسئولین درمان و... گزارش نمودم، ولی هیچ توجهی به آن نشد و آن بدین صورت است که فردی را تحت نیرو و انرژی‌های روحی و مادی خویش قرار دادم تا اینکه او را بدون بی‌هوشی، جراحی نمایند و در آن شرایط، وی متحمل کوچکترین دردی نگردد و در کمال صحت و عقل و هوش، و بدون مصرف داروی بی‌هوشی، تحت انجام عمل جراحی قرار گرفت که آنرا بعنوان اولین مدرک علمی و عملی خویش ذیلاً درج می‌نمایم و این عمل در بیمارستان نیروی هوایی در حضور بسیاری

از پزشکان و... انجام گرفت، در صورتی که من در آن زمان در محل دفتر کار خویش، یعنی میدان هفتم تیر که حدوداً بین این دو نقطه کیلومترها فاصله است، نشسته بودم.

در این قسمت می‌بایست مسئله مهمی را بیان نمایم و آن اینکه من پزشک نیستم و هیچ ادعا و آرزوی پزشکی هم ندارم و اگر در نامه‌هایی که برخی از شفایافتگان مرا بعنوان دکتر خطاب کرده‌اند، از کسانی که نسبت به این اسم حساسیت خاصی دارند، معذرت می‌خواهم، ضمن اینکه دکترای من در رشته‌های دیگر است که هیچ ارتباطی با طب کلاسیک ندارد، و در گزارشاتی که از بیماران ذیلاً به ثبت می‌رسد، سعی گردیده شهرت پزشکان معالج یا گزارش دهنده‌ها نوشته نشوند تا خدای ناخواسته اهانتی به کسی نشود یا بدون اجازه اسم و شهرت کسی را در این کتاب درج نکرده باشم، ضمن اینکه اصل تمام نامه‌هایی که ذیلاً درج خواهند شد، تمامی آنها در آرشیو مؤسسه اینجانب وجود دارند. چون در اصل شفادهنده خدا است و پزشک، دارو و... وسیله‌ای بیش نیستند، ولی اگر افراد بتوانند از وسایل مختلف که خداوند در اختیار عقل نسل بشر قرار داده است. بطور کامل و صحیح استفاده نمایند، تا زمانیکه عمر فرد مریضی به دنیا می‌باشد، از آرامش بیشتری برخوردار خواهد بود، و در اینجا افراد درمانگر را هم باید بعنوان همان وسایل الهی منظور نمود، چون گاهی اتفاق می‌افتد که فردی بالای سر مریض می‌رود، بدون اینکه به وی دارویی داده باشد، مریض تا حدی سلامت خود را بدست می‌آورد، چون آن شخص دارای هاله‌های بلند و امواج مثبت زیادی است که وجود آنها موجب بهبود حال مریض گردیده‌اند و

جهت آگاهی خوانندگان، در مباحثهای بعدی در این زمینه بیشتر توضیح خواهم داد.

هدف از گزارشاتی را که از بیماران، ذیلاً درج می‌نمایم این است افرادی که با خواندن این کتاب یا سایر کتبی که در مورد انرژی درمانی نوشته‌اند، بدانند که در جهان روشهای دیگری هم برای درمان هر نوع بیماری، غیر از مصرف دارو وجود دارد، مشروط به اینکه افراد به علم و عمل انرژی درمانی کاملاً مسلط باشند و در خود تقوی و درستی و حتی ذره‌ای از قدرت الهی را مشاهده نمایند، در غیر اینصورت، هم به خود و هم به دیگران لطمه وارد خواهند کرد.

بنام خدا

اینجانب دکتر همایون ... اظهار می‌نمایم در تاریخهای ۷۵/۱۲/۳ و ۷۵/۱۲/۱۰ بیماری بنام خانم ظاهره ... ۲ مرتبه جهت جراحی (جراحی لثه) مراجعه نمودند و اظهار داشتند که جراحی بدون بی‌هوشی انجام شود که به اصرار ایشان این کار انجام شد و من و تعدادی از دندانپزشکان در بیماران بخش دندانپزشکی بیمارستان نیروی هوایی مشاهده نمودیم که ایشان هیچگونه دردی را احساس نمی‌کند و در مقابل اعمال جراحی هیچگونه واکنشی را از خود نشان نمی‌دهند و در ضمن با وجودی که ایشان چشمهای خود را بسته بودند به خواسته‌های من، مثلاً باز نمودن دهان پاسخ میدادند. به علت عدم تزریق خونریزی محل جراحی بیشتر از حالت تزریق بود. ایشان برای آماده شدن برای انجام جراحی مدت خیلی کمی را صرف نمودند و از ابتدا اعلام داشتند که آماده‌اند. پس از جراحی هم ایشان کاملاً عادی و سر حال بودند و بطور عادی صحبت می‌کردند و دیگر خونریزی نداشتند. تعدادی از دندانپزشکان ناظر جراحی عبارتند از: دکتر سهراب ...، دکتر عباس ...، دکتر سید محمود ...، دکتر حسن ...، دکتر کامبیز ...، دکتر همایون ...

شماره نظام پزشکی: ۱۳۷۴۵

بنام خدا

اینجانب ملک ... حدود یک ماه پیش در سینه چپ احساس کردم گدهای وجود دارد به پزشک متخصص زنان مراجعه کردم ایشان مرا به ماموگرافی و جراحی معرفی کردند، ولی قبل از انجام ماموگرافی به وسیله یکی از دوستان که به دفتر استاد دکتر رهبرزاده مراجعه کردم، تحت انرژی درمانی ایشان قرار گرفتم در همان جلسه اول احساس کردم که هیچ گده چربی در بدنم وجود ندارد و کاملاً از بین رفته است از ایشان سپاسگزارم و آرزوی سلامتی و سعادت دارم در تاریخ ۱۸ مهر مراجعه کردم و امروز که ۱۳ آبان است. هیچ گونه گده در سینه وجود ندارد.

آدرس: نارمک، فرجام شرقی، کوچه شهید بوستانی... طبقه دوم

بنام خدا

استاد محترم جناب آقای حسن رهبرزاده

با عرض سلام و احترام

پس از سومین جلسه که در محضر جنابعالی بودم، هر آنچه فکر کردم که با زبان و کلمات از شما قدردانی نموده و احساس خود و اطرافیانم را برای شما به نحوی بیان نموده و منتقل نمایم عاجز ماندم، ضمن اینکه فکر نمی‌کنم

با نوشتن این چند سطر بتوانم در این امر موفق شوم و جز اتلاف وقت گرانبهای جنابعالی چیزی در بر نخواهد داشت، اما احساس مسئولیت مرا بر آن داشت تا هر چند ناقص در قبال بزرگواری شما تقلائی نموده باشم که تشکر نکردن از مخلوق ناسپاسی، از نعمات خالق است.

اینجانب در پائیز سال ۷۵ متوجه مشکلات شدید بینائی و شنوایی گردیدم که قبل از آن نیز مرارنج می داد تا جائیکه باعث نگرانی و مشکلاتی در انجام امور شخصی من گردید و پس از مراجعه به پزشکان عمومی و متخصصین چشم پزشکی و شنوایی سنجی و عدم حصول نتیجه به پزشک متخصص داخلی مغز و اعصاب معرفی گردیدم که خدمت (دکتر ط...) رسیدم و ایشان پس از انجام معاینات بالینی و اینکه اسکن مغز چیزی نشان نداد، امر به انجام آزمایش M.R.I نمودند که طی آن شروع بیماری (N.S) مالتیپل اسکلروزیس گزارش گردید و برای دستیابی به نتیجه قطعی آزمایش کامپیوتری پتانسیلها فراخواند (E.V.P) انجام شد که طبق آن نیز نتیجه قطعی بیماری M.S صدماتی در ناحیه ملین مغز بود.

ابتدا با روش حمله ای کورتن در بیمارستان جم تحت مداوا قرار گرفته که مورد تأیید پرفسور لطفی قرار گرفت و پس از آن مصرف داروهای کورتن قرار بود که فاصله شدت حملات بیماری بیشتر گردد که متأسفانه از بهار سال ۷۶ به بعد شروع حملات تشدید یافت که منجر به مصرف مقدار بیشتر دارو می گردید و همانگونه که مستحضرید پس از بروز هر حمله آثاری در اعضا باقی می ماند که طول مدتی که حدوداً پنج سال می باشد جمع این آثار باعث فلجی می گردد.

اینجانب ضمن مصرف این داروها که روزانه بیست میلی گرم کورتن به همراه داشت، دچار عوارض دیگری شدم، اما در این میان هیچگاه از توکل من بر آن قدرت لایزال کاسته نشد و همواره راضی به رضای او بودم. از طرف دیگر با معرفی دوستان نسبت به شناخت و انجام راههای دیگر معالجه اقدام نمودم که از آن جمله هومیوپاتی و طب سنتی گیاهی و انرژی درمانی و پزشکان متخصصین دیگر بود که از هیچکدام نیز نتیجه‌ای گرفته نشد و حتی پیش از یکسال قبل ضمن مطالعه و آشنائی روش معالجه یکی از پزشکان ایرانی که مقاله‌ای در یکی از مجلات آمریکائی به چاپ رسانده بودند متوجه اثرات زیانبار داروها گردیدم که باعث شد مصرف آنها را بتدریج قطع کنم اما تا قبل از اینکه تحت مداوای شما قرار بگیرم با سستی و حتی لمسی دست چپ و فشارخون بالا بصورت دائمی و مشکلات بینائی و شنوائی و عضلات سمت راست صورت، بصورت دوره‌ای درگیر بودم ضمن احساس درد شدید در کمر و پاها که این موارد باعث عدم تحرک و ماندن در منزل و عدم وجود کارائی عادی می‌گردید که خود باعث ایجاد فشارهای روانی مضاعف برای خود و خانواده‌ام شده بود و زندگی بسیار سختی را پیش‌روی می‌دیدم که باعث وحشت من می‌گردید. تا اینکه مدتی قبل توسط یکی از دوستان، وقتی از جنابعالی گرفته شد و خدمت رسیدم و جنابعالی عنایت نموده با روش خاص خودتان اقدام به معالجه نمودید و اکنون هیچگونه از عوارض قبلی را نداشته و در بهبودی کاملی قرار دارم که شاید معدود افرادی لذت آنرا بدانند و نیز در حل مطالعه کتب شما هستم که مصداق از این یومنون بالغیب در آن به وفور یافت می‌شود و این دوران فوق‌الذکر برای من چیزی جز هدایت پروردگارم

نمی باشد که به برخی از بندگان مواردی را که کاملاً ملموس باشد نشان می دهد.

طمع آن دارم که آن رب کل عالم ما را بیش از پیش مورد رحمت بی منتهای خود قرار داده و به شما صبر و توفیق روز افزون در انجام امور محموله عنایت فرماید.

با دعای خیر

منزل: کوی نصر (گیشا) خیابان..... کوچه..... پلاک ۲۳ طبقه ۴

بنام خدا

اینجانب حوریه ... کارشناس هنرهای نمایشی با توجه به مشکلات شدید روحی، افسردگی و تنش های عصبی که منجر به بروز اختلالات جسمانی شده بود، برایم هیچ گونه امیدی شادی بخش برای زندگی نمانده بود لذا پس از مراجعه به پزشکان متعدد روان درمان و پزشکان متخصص اعصاب نتیجه مثبتی دریافت نکردم در اثر گرفتگی و ورم عصب دست راست در ناحیه کتف نمی توانستم به هیچ نوع فعالیتی دست بزنم پس از دو جلسه انرژی درمانی برای اولین بار اتفاق عجیبی در زندگی برایم رخ داد. زندگی با رنگی دیگر و بویی دیگر به من رو کرد. اینبار پنجره را گشودم و زندگی و بهار و خنده را با هم از آن خود کردم. و اینک آرامش چنان عمیق و چنان

پایدار و چنان روشن و زنده در من جای گرفته که چون کوهی عظیم در برابر هر مشکلی ایستاده‌ام. هر چه دارم از این به بعد، مدیون لطف و توجه و انرژی زندگی بخش و نجات‌بخش استاد گرامم جناب آقای حسن رهبرزاده است و امیدوارم که خداوند یاریگر و سلامت بخش ایشان در تمام مراحل زندگی و درمان باشد.

آدرس: تهران، میدان بهارستان - خیابان - رویروی
کوچه پلاک ۵ طبقه دوم

بنام خدا

اینجانب محمد رضا... فرزند ابوالقاسم متولد ۱۳۱۲ شماره شناسنامه ۷۸ صادره از شبستر - چون دخترم بنام فرحناز برای ناراحتی مادرش مریض شده بود بمدت دو ماه در بیمارستان میمنت و ۴ ماه در بیمارستان روزبه بستری شده بود و معالجه نشد و هر جا بردم خوب نشد. از شهرستان بما تلفنی گفتند ببرید پیش آقای حسن رهبرزاده. تلفنی نوبت گرفتیم و پیش ایشان رفتم. ایشان با یک جلسه و بدون هیچ قرص یا آمپول و دوائی دختر مرا خوب نمود. از ایشان بی نهایت متشکر هستم. محمد رضا.

آدرس: تهران، خیابان و رویروی بانک پلاک

بسمه تعالی

بدینوسیله گواهی می‌شود اینجانب یعقوب..... بانک ملت شاغل در اداره کل اطلاعات اعتبار دارای فرزندى ۱۱ ساله به نام علیرضا می‌باشم در سال ۱۳۷۴ این بچه دچار بیماری قلبی شد جهت درمان نزد پزشک متخصصی بیماری‌های قلب آقای دکتر امیر (آدرس مطب میدان ونک ابتدای جهان کودک) بردم پس از تشکیل پرونده پزشکی و معاینات مکرر انجام نوار قلب و اکوکاردیوگرافی که کلاً پیوست می‌باشد اعلام بیماری غیرقابل درمان پربلاس را نمودند و اظهار شده این بیماری تا آخر عمر همراه این بچه خواهد بود حدود ۱/۵ سال تحت نظر این پزشک بود ولی بهبودی حاصل نگردید بناچار فرزندم را نزد آقای حسن رهبرزاده بردم و با توجه به یکبار انرژی درمانی، فرزندم سلامتی کامل خودش را بطور معجزه آسایی بدست آورد و در حال حاضر نیز در کمال صحت و سلامتی بسر می‌برد لازم به ذکر است. زمانیکه بچه از بیماری قلبی رنج می‌برد، پزشک معالج اجازه دویدن و فوتبال بازی کردن را به ایشان نمی‌داند حتی اظهار داشتند اگر چنانچه می‌خواهد فوتبال بازی بکند حتماً داخل دروازه بایستد در حالیکه پس از بهبودی و نجات یافتن از بیماری یاد شده، در حال حاضر در باشگاه تهران نو، زیر نظر مربیان ورزش رزمی سبک کیوکوشینی کاراته را انجام می‌دهد و در حال دریافت کمر بند مشکی می‌باشد. توضیح آنکه پس از بهبودی مجدداً فرزندم را نزد پزشک معالج آقای دکتر امیر... بردم و تحت معاینات دقیق و اکوکاردیوگرافی قرار گرفت و اعلام بهبودی ۱۰۰٪ نمودند ضمن اینکه آقای

حسن رهبرزاده هیچ گونه مبلغی بابت انرژی درمانی دریافت ننمودند.
آدرس منزل: تهران..... تلفن.....

بسمه تعالی

اینجانب عصمت..... شماره شناسنامه ۱۹۶۱ صادره از خوانسار
فرزند حبیب متولد ۱۳۳۴ بعلت داشتن بیماری آرتورز گردن و داشتن زائده
گردنی دچار دست درد شدیدی شدم و از سال ۷۴ به پزشکان مختلف از جمله
آقای دکتر.... و آقای دکتر... مراجعه کردم ولی نتیجه‌ای نگرفتم که اواخر سال
۷۵ توسط یکی از دوستانم آدرس آقای دکتر رهبرزاده بمن داده شد و پس از
سه جلسه مراجعه به ایشان و انجام امور شفادهی، آرتورز گردن اینجانب
بهبودی حاصل کرد بطوریکه اکنون کلیه دردهای آن بر طرف شده و به
راحتی زندگی می‌کنم.

آدرس: تهران،... تلفن.....

بسمه تعالی

اینجانب اکرم..... طی هشت سال سر درد و سرگیج داشتم به
پزشکان مختلف مراجعه نمودم دازوهای بسیار زیادی مصرف نمودم

سی تی اسکن و نوار مغزی و... را اجراء نمودم. این حالات بیشتر در زمان پریود یا قبل از آن دچار این سردرد می شدم خوشبختانه یکی از دوستان استاد رهبرزاده را به من معرفی نمودند و به ایشان مراجعه نمودم خوشبختانه بهبودی حاصل شد و به شکر خدا با ۳ جلسه، الان پس از ۴ سال کاملاً درمان شده‌ام بدینوسیله از استاد بزرگوار جناب آقای رهبرزاده کمال تشکر و قدردانی را می نمایم.

باتقدیم احترامات.

آدرس: تهران،... تلفن....

بسمه تعالی

اینجانب سروش..... اسفند ماه سال ۷۷ در پای راستم احساس سنگینی نمودم که به تدریج این سنگینی بیشتر و به پای چپ هم سرایت کرد و سپس به دکتر جراح مغز و اعصاب دکتر عباس..... مراجعه کردم و ایشان M.R.I را تجویز نمودند و مرا به دکتر... (داخلی مغز و اعصاب) معرفی کردند و دکتر... پس از مشاهده عکسها آمپولهای را (کورتن) تجویز کردند و بعد از تزریق آنها پای بنده بهتر شد اما بعد از تعطیلات عید احساس خواب رفتگی طرف چپ صورت را نمودم و بعد از مدتی دست راست من هم از کار افتاد و مجدداً به دکتر... مراجعه نمودم و این بار به جهت تزریق آمپولهای تجویز شده در

سرم (متی پردنیزول) در بیمارستان بستری شدم (۴ روز) و بعد از مرخص شدن قرص پردنیزول را مصرف کردم تا اینکه کمی بهتر شدم ولی مجدداً چشم راستم به صورت لحظه‌ای دو بینی پیدا کرد و در آن لحظه دست راست هم از نوشتن باز می ماند تا اینکه به دکتر رهبرزاده مراجعه کردم و ایشان به من انرژی دادند و بعد از یک روز چشم من خوب شد و نوار مغز من هم نرمال بود و دکتر... گفتند که بیماری من فعلاً خوب شده و ممکن است برگردد و شاید هم برگردد که در مراجعه مجدد به دکتر رهبرزاده ایشان مجدداً به من انرژی دادند و گفتند انشاءالله بیماری دیگر بر نمی گردد.

والسلام

آدرس: تهران، ... تلفن: ...

بسمه تعالی

حدود ۴ ماه قبل بنا به اصرار پدرم با آقای حسن رهبرزاده تماس گرفتم و از ایشان وقتی را جهت ملاقات با پدرم گرفتم.
پدر اینجانب دکتر فرخ ... به شماره نظام پزشکی ۵۹۸۶ ساکن مشهد هستند. ایشان حدود چهار سال قبل توسط آقای دکتر حسین ... جراحی قلب باز شدند و پس از عمل دردهائی در سینه و دست داشتند. پس از مراجعه با آقای رهبرزاده و دادن انرژی توسط ایشان، طبق اظهارات پدرم دردها کاملاً بر طرف شده است و ضمن میزان انرژی و تحرک ایشان نسبت به قبل به

میزان زیادی افزایش پیدا نموده است.

مادر بنده هم توسط آقای رهبرزاده انرژی دریافت نمود، که پس از انرژی درمانی دردهائی که در مفاصل زانو داشته‌اند به میزان زیادی تخفیف پیدا نموده و هم اکنون از تحرک بیشتری نسبت به قبل برخوردار هستند.

ضمناً در مورد فوق می‌توانید مستقیماً با شماره تلفن من..... تماس حاصل نمائید.

۷۸/۲/۲۰

دکتر محمود. ص شهاد نظام پزشکی ۱۹۹۸۴

بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانب فریباً..... بعلت بیماری اعصاب به مدت ۸ ماه تحت نظر دکتر.... متخصص اعصاب و روان بودم که با مصرف داروهای آرام بخش بهبودی حاصل نشد و پس از معرفی یکی از دوستان با مراجعه به آقای رهبرزاده طی دو جلسه بهبودی خود را در زمینه اعصاب و نیز ناراحتی تیروئید حاصل نمودم و رضایت کامل خود را از ایشان اعلام می‌دارم.

باتشکر

آدرس: تهران،... تلفن.... محفوظ است

بنام خدا

نام: علی ...

احتراماً به اطلاع می‌رساند اینجانب به مدت حدود هفت سال مبتلا به بیماری کولیت اولرا زخم روده بزرگ بودم. در طی این مدت دوره‌های حاد بیماری همراه با خونریزی شدید داشتم. طی مراجعه به متخصص و انجام آزمایشات متعدد و بیوپسی و تشخیص بیماری تحت معالجه شیمی‌درمانی با داروهای سولفامالازین و سپس ترکیبات کورتون تحت عنوان داروهای Cortinma قرار گرفتم. ضمن اینکه در مدت معالجه خویش مقاومت دارویی نیز پیدا کرده و همراه عود بیماری به مدت یک هفته نیز در بیمارستان مهر بستری بوده و تحت نظر دکتر پزشک معالج و دکتر ملک مشاورم و در طی مدت ضمن بیوپسی مجدداً تحت تزریق وریدی داروهای کورتون قرار گرفته (همراه با استعمال) و پس از بهبودی مرخص شدم. در حدود دی ماه سال ۱۳۷۷ بیماری بنده بصورت بسیار حاد بروز کرده و پس از مراجعه به پزشک متخصص امکان جراحی و خارج نمودن روده بزرگ به عنوان گزینه‌ی علاج مطرح گردید. که با جراح متخصص نیز مشورت کردم. سپس به توصیه یکی از دوستان به خدمت آقای رهبرزاده رسیدم. تحت سه دوره به فاصله هر ۱۵ روز به ایشان مراجعه کردم و اکنون به لطف خداوند و مولا و تحت نظر ایشان مشکل بنده برطرف شده و طی مراجعه به پزشک متخصص خود موضوع جراحی و خارج نمودن روده و از وضعیت جسمانی بنده اظهار رضایت کامل داشته‌اند.

توفیق روز افزون جناب آقای رهبرزاده را در پیشبرد علمی و جا
انداختن این مورد انرژی درمانی را در جامعه و فرهنگ خود، از خداوند متعال
و مولا علی خواهانم و آرزوی موفقیت برای ایشان در همه زمینه‌ها را دارم.
با تشکر

تهران: خیابان فرمانیه، تلفن

بنام خدا

نازیلا ... متولد ۱۳۵۸

من در حدود ۹ ماه بود که هفته‌ای ۳ یا ۴ روز سر دردهای طولانی
مدت داشتم و در این مدت نزد چندین دکتر رفتم (دکتر... متخصص مغز و
اعصاب) که گفتند ناراحتی اعصاب داری و باید دارو بخوری و داروهای
خواب آور دادند که بعد از ۱ ماه هم اثری نکرد و دوباره نزد دکتر ... رفتم که
ایشان آزمایش دادند و گفتند که میگرن داری و دارو دادند که زیاد اثری هم
نکرد تقریباً ۱۸ روز پیش بود که نزد دکتر رهبرزاده آمدم در طی انرژی
درمانی ایشان کاملاً خوب شدم و به هیچ عنوان سر درد نداشتم البته از طریق
معرفی یکی از بستگان که ایشان هم به دکتر رهبرزاده مراجعه کرده بودند و
بکلی سردردشان از بین رفته بود در این مدت سلامتی خود را باز یافتم.

آدرس: قل‌هک - تلفن

بنام خدا

اینجانب مهین..... در مدت چهار سال معالجه انرژی که منجر به قطع حس بویایی ام شده بود تحت نظر پزشکان متخصص گوش و حلق و بینی قرار گرفتم و تمامی داروها را به موقع استفاده کردم، اما حس بویایی ام را از دست داده بودم که خوشبختانه با مراجعه به جناب آقای استاد رهبرزاده در بهمن ماه ۷۷ طی یک جلسه انرژی درمانی پس از حدود ۲۰ روز بویایی ام را یافتم و امروز در ۷۸ آبانماه ۷۸ که در دفتر جناب استاد هستم تا کنون با مشکلی از نظر بویایی مواجه نشده‌ام و از ایشان کمال تشکر را دارم. البته جناب آقای رهبرزاده به من گفتند که حتماً پس از یکماه از انرژی درمانی بگذرد بویایی ام بر میگردد و همانطور هم شد.

آدرس، سنندج،.....

بسمه تعالی

اینجانب کارینا..... بمدت ۱۵ سال است که از یک بیماری عصبی و روانی (تیک عصبی) در عذاب بودم و به دکتر و متخصصین مغز و اعصاب شناخته شده‌ای مراجعه نمودم و بالاخره بمدت ۱۰۰ روز در بیمارستان بستری شدم و بیش از ۲۰ روز از قرصهای متفاوت روزانه مصرف می‌کردم

که متأسفانه هیچکدام از درمانها مؤثر واقع نشد و قرار بر این شد که اینجانب به یکی از کشورهای اروپایی (انگلستان) جهت درمان مسافرت کنم. که قبل از سفر به آقای رهبرزاده معرفی شدم و ایشان پس از عملیات انرژی درمانی بمدت یکی دو دقیقه کاملاً تیک عصبی بنده را بر طرف نمودند و این عذاب ۱۵ ساله را که پزشکان موفق به درمان آن نشده بودند بر طرف نمودند. لذا از ایشان کمال تشکر را دارم و امیدوارم بزودی کلینیک انرژی درمانیشان برای درمان همگان برقرار گردد.

کارینا

آدرس: پاسداران -

بنام خدا

من نسرین ۴۷ ساله مدت هفده سال از درد میگردن رنج می بردم و تقریباً سه ماه پیش با یک جلسه انرژی درمان تقریباً معالجه کلی شدم و این برای من تعجب آور بود چون کلیه داروها را مصرف می کرده و حالا هیچ دارویی مصرف نمی کنم و سالم هستم.

آدرس: خ دولت، تلفن:

بسمه تعالی

اینجانب فاطمه.... از سال ۷۵ مبتلا به بیماری سرگیجه و عدم تعادل بدن گردیدم و از همان سال تا آبان ماه سال ۷۷ تحت درمانهای مختلف قرار گرفتم و در چندین بیمارستان بستری شدم و بهبودی حاصل نشد در آبان ماه به توسط معرفی یکی از اقوام به دفتر استاد رهبرزاده آمدم با حالی فوق العاده خراب و در همان جلسه اول توسط ایشان درمان گردیدم و من کسی بودم که وقتی به دفتر استاد مراجعه نمودم، یکطرف بدنم را شوهرم و طرف دیگر را خواهرم گرفته بود ولی موقع بیرون رفتن از دفتر استاد، خودم به تنهایی و بدون کمک آنجا را ترک نمودم و همیشه و در همه حال دعاگویی استاد هستم و خواهم بود و امیدوارم که ایشان در همه مراحل زندگی موفق و پیروز باشند به امید خداوند متعال. ضمناً متذکر می شوم در همان جلسه اول تحت انرژی درمانی ایشان بهبودی کامل را بدست آوردم و الآن در سلامت و صحت کامل به سر می برم.

آدرس: تهران،..... تلفن.....

بنام خدا

استاد ارجمند جناب آقای رهبرزاده

ضمن آرزوی توفیق روز افزون و نیل به اهداف مقدسی که در پیش رو دارید، خلاصه مشکلاتی که برایم پیش آمد و به لطف شما بهبودی کامل حاصل شد در ذیل بصورت خلاصه‌ای بیان مینمایم به توصیه یکی از بستگان جهت مداوای آرتروز خواهرم در شهرستان اهواز به نزد خانمی که به آنها زاری می‌گویند رفتیم که مدعی بود، افراد زیادی را معالجه نموده و اشیاء گمشده‌ای را با ذکر عامل آن پیدا نموده که متأسفانه خواهرم از کار او نتیجه‌ای نگرفته بود. ما مدت یکماه هر چهارشنبه و یکشنبه نزد این خانمی رفتیم که بدن خواهرم را با روغن مخصوصی چرب مینمود منم از این موقعیت استفاده کردم و او بدنم را روغن مالی میکرد، یکی از روزها به این خانم گفتم در منزل من گاهی اشیاء جابجا و یا گم میشوند، او از من خواست، دستم را جلو ببرم، سپس وردهایی خواند که پس از مدتی بدن من شروع به لرزیدن شدید نمود بطوری که کنترل خود را از دست دادم و شروع به فریاد زدن کردم. یک هفته تمام این لرزش دست و پا و سر و کوبیدن دست و پا به زمین و فریاد زدن‌ها ادامه داشت تا اینکه خانم گفت روز جمعه زن دیگری می‌آید و ما با زدن دایره دعا میخوانیم تا همزاد شما از بدن شما دور بشود. ساعت ۴ عصر خانم و چند نفر بیمار دیگر که به گفته او همزاد داشتند، دور هم جمع شدیم و آن خانم دایره را بدست گرفت و شروع به زدن نمود و متعاقب آن، ما بدون اختیار شروع کردیم به لرزش سر و کوبیدن دست و پا به زمین و

فریاد زدن .

هنگامیکه زدن دایره و خواندن تمام میشد، ما هم ساکت میشدیم.
و وقتی که دوباره شروع به دایره زدن مینمود به ما هم همان حالت
قبلی دست میداد. این برنامه دو ساعت طول می کشید. پس از این مراسم، گاه
و بی گاه در منزل حالات ذکر شده به من دست میداد بطوری که کنترل کامل
خود را از دست میدادم و شروع میکردم به لرزش و پایکوبی و فریاد زدن به
حدی که امان اطرافیان خود را در اهواز بریده بودم. موضوع را برای آن خانم
عنوان نمودم ایشان گفت شما سه همزاد داشتید یکی دیگر باقیمانده و من
شما را به شخص دیگری معرفی مینمایم چون نزد شخص بعدی رفتیم پس از
سوال و جواب جهت رفع مشکل تقاضای مقداری پول و ۱۶ مرغ زنده نمود
برای گرفتن خون آنها و برای رفع مورد مشکل من سپس یک انگشتی طلا
بمن دادند و گفتند زیر آن را دعا نوشته ایم همیشه همراه داشته باش با تلقین
چند روزی بهتر شدم اما پس از مراجعت به تهران مجدداً حالات فوق الذکر
بمن دست میداد که به توصیه برادرم نزد شما شرفیاب شدم. که با عنایت
پروردگار و لطف و همت جنابعالی در همان جلسه اول بهبودی کامل حاصل
شد. و اکنون مدتها است که دیگر آن حالتها به من دست نداده اند. که
بدینوسیله مراتب قدردانی و سپاسگزاری خود را اعلام میدارم

با سپاس فراوان

آدرس: تهران، تلفن.....

بنام خدا

اینجانب آفاق.....من در سال ۱۳۷۵ بعلت بیماری قلب و طپش و درد در ناحیه قلب و اضطراب شدید و دلهره از شدت این ناراحتیها از خواب میپریدم و دیگر تا صبح خوابم نمی برد بعد از دوستان شنیدم که چنین مؤسسه ای هست و استادی زبردست که با نیروی خارق العاده ای که در ایشان سراغ دارند میتوانم با مراجعه بایشان حالم را بهبود بخشند، منم فوراً باین مؤسسه مراجعه کردم و ایشان (آقای حسن رهبرزاده) با امواجی که برای من و قلبم فرستادند از همان جلسه اول حالم بهبود یافت و تمام ناراحتیهای جسمی و روحیم و ناراحتیهای قلبم رفع شده و دیگر هیچگونه دارویی مصرف نکردم و ۲ سال است که کاملاً سالم میباشم ضمناً پرونده پزشکی من نزد آقای دکتر درخشان (پزشک قلب) می باشد و البته به ۲ دکتر دیگر هم مراجعه کردم که نتیجه عاید نشد و به لطف خدا الان حالم کاملاً خوب است با سپاس فراوان از خدا و استاد محترم آقای حسن رهبرزاده
آدرس شهرک غرب - تلفن....

بسمه تعالی

سلام علیکم

اینجانب مسعود.....فرزند اسماعیل - دارنده ش ش ۳۳۵۱ صادره از تهران متولد ۱۳۵۲ در رابطه با درمان شدن مادرم که مدت سه سال به

سردردهای شدیدی دچار بود و معالجات دکترها و بستری شدن در بیمارستان هیچ سودی را برای بهبودی مادرم حاصل نکرد و ما به هر دکتری مراجعه می کردیم یا تشخیص داده می شد که میگردن است و یا به هیچ عنوان تشخیص نمی دادند. تا اینکه روزی یکی از دوستان در رابطه با درمان آقای رهبرزاده به ما آدرس ایشان را دادند و ما هم که امیدی در رابطه با درمان مادرم نداشتیم و هر کس، هر جا را آدرس می داد می رفتیم، به آقای رهبرزاده مراجعه کردیم و ایشان با دو مرحله معالجه بهبودی کامل را برای مادرم فراهم کردند که بعد از معالجه ایشان که حدود یکسال می شود، هیچ علائمی از سردرد در مادرم نیست و ما از معالجه ایشان راضی و از ایشان کمال تشکر و قدردانی را می نمایم / مسعود جدیری.....

آدرس: بازار عباس آباد،.....

بنام خدا

اینجانب محمد..... فرزند مراد از بدو تولد دچار لکنت زبان بوده، در زمان کودکی بسیار ضعیف بود ولی رفته رفته با زیاد شدن سن، این بلای خانمانسوز هم قویتر شده و از زمانی که فهمیدم این بیماری درمان هم دارد. به فکر درمان بودم، ولی جایی و مکانی برای مراجعه برای بهبود بیماری سراغ نداشتم.

تا اینکه در سال ۱۳۶۵ در زمان انجام خدمت مقدس سربازی، با معرفی یکی از فرماندهانم به گفتار درمانی واقع در بیمارستان شهید اشرفی

اصفهانی اعزام شدم

و حدوداً یک ماه تحت تعلیم یکی از اساتید بودم ولی تاثیر چندانی در بهبودی لکنتم حاصل نشد.

تا اینکه با معرفی موسسه جناب آقای رهبرزاده توسط یکی از همکارانم که در نیروی دریایی خدمت می کرد توانستم با شکر خداوند، و دست شفابخش استاد بهبودی حاصل نمایم.

نشانی: بندر عباس،.....تلفن.....

۷۸/۴/۵

۷۷/۱۲/۱

بنام خدا

ضمن تشکر از آقای دکتر رهبرزاده با توجه به اینکه اینجانب فیبرم رحم داشته ام و با مراجعه به دکتر دو دفعه سونوگرافی ۶ ماه به ۶ ماه گرفته ام و یک فیبرم ۲ سانتی در داخل رحم داشته ام، با مراجعه به پیش آقای دکتر رهبرزاده بعد از سونوگرافی. فیبرم به کلی از بین رفته است.

آدرس: خیابان اشرفی اصفهانی.....تلفن..... رویا

۷۷/۱۲/۱

بنام خدا

اینجانب مهرانگیز..... متولد سال ۱۳۳۱ فرزند آدینه که از بیماری

فشار خون زجر می بردم و پیش پزشکان متعددی رفته بودم در اواخر دچار سردردهای شدید می شدم که همگی ناشی از فشار خون بوده است. همینطور گاهی دچار ضعفهای شدید می شدم که در پی آن لرزش شدید بدن داشتم و با خوردن غذا هم آرام نمی شدم و در آخر هم بی حسی شدید داشتم. از نظر عصبی نیز وضع بدی داشتم. در تنهایی با حالتی عصبی با خودم صحبت می کردم که پس از دو جلسه که خدمت آقای رهبرزاده آمدم، حالتهای عصبی و تند مزاجی کاملاً بهبود پیدا کرد. همینطور سردردهای شدید و عصبی و لرزش بدن نیز از بین رفت. نفخ و سفت شدن شکم نیز که گاهی احساس می کردم مثل کوهی شده است نیز کاملاً خوب شده است. اکنون بمراتب ناراحتی کمتری دارم. به طور کلی من از این نوع معالجه بسیار بسیار راضی هستم و بسیار مؤثرتر از داروهای تجویز داده شده توسط پزشکان می دانم و از آقای رهبرزاده کمال تشکر را دارم.

مهرانگیز

آدرس: شهرک امید - بلوک - پلاک - طبقه چهارم

بنام خدا

این جانب اکرم اله به مدت ۵ سال ناراحتی اعصاب داشتم و به دکترهای مختلفی مراجعه کردم و با خوردن داروهای مختلف متأسفانه ناراحتی اینجانب برطرف نشد تا اینکه خدمت استاد محترم آقای رهبرزاده رسیدیم و با یک جلسه این ناراحتی خوشبختانه برطرف شد و در حال حاضر

در سلامت کامل به سر می‌برم.

نشانی: فلکه چهارم تهرانپارس..... تلفن.....

بنام خدا

اینجانب پدر امیر..... پسر ۱۳ ساله که مدت یکسال درد شکم و اسهال شدید داشته که به بیمارستان بوعلی جهت درمان مراجعه و تحت درمان قرار گرفتند تقریباً چک کامل از نظر آزمایشات و آندوسکوپی و نوار مغزی که متأسفانه هیچ گونه تأثیری در بهبودی ایشان حاصل نشد پس از بیمارستان به دکترهای درجه یک که معرفی کرده بودند مراجعه، تمام آزمایشات نرمال بوده ولی درد شکم و اسهال قطع نشده که به لطف خدا و به یاری یکی از دوستان از انرژی درمانی دکتر حسن رهبرزاده استفاده کرده و بهبودی کامل حاصل گردید خداوند عمر با برکت به آقای دکتر رهبرزاده داده و خدا را شکر می‌گویم که چنین اشخاص با خدا وجود دارند.

آدرس - خ آذربایجان..... تلفن.....

بنام خدا

اینجانب ناهید... بمدت ۸ سال از درد ناحیه میچ رنج می‌بردم.
و با مراجعه به پزشک متخصص و تشخیص پزشکی ایشان که درد

مربوط به مهره گردن می باشد بعد از مداوا بهبودی حاصل نشد و فقط با مسکن قوی کمی کاهش درد داشتم. و با مراجعه به آقای رهبرزاده تحت انرژی درمانی ایشان قرار گرفته و در طی یک جلسه بهبودی کامل بدست آوردم و الان هیچ گونه دردی احساس نمیکنم و بدین وسیله نهایت تشکر خود را از لطف و مرحمت آقای رهبرزاده اعلام می دارم.

آدرس - یوسف آباد - خیابان تلفن.....

بنام خدا

اینجانب مژگان..... فرزند منوچهر متولد ۱۳۴۸/۳/۲۸ تهران، در عید ۱۳۷۸ پس از یک سرماخوردگی شدید، رفته رفته حس بویایی خود را بکلی از دست دادم. پس از مراجعه به چندین پزشک متخصص به هیچوجه بهبود نیافته، تا پس از مراجعه به دفتر آقای رهبرزاده و معالجه ایشان با انرژی درمانی، در همان روز بکلی بهبود پیدا کردم.

۱۳۷۸/۸/۲۲

آدرس: خیابان شریعتی - تلفن.....

بنام خدا

اینجانب علیرضا..... فرزند حسن به شماره شناسنامه ۳۴۷۹ صادره از تهران، دارای تحصیلات دیپلم متوسط نظام قدیم. به استحضار

می‌رساند که مدت زمان مدیدی بود که از لکنت زبان رنج می‌بردم از وقتی که به خاطر دارم پزشکان متعددی را ملاقات کردم ولی متأسفانه تأثیری نکرد. حتی به روانشناس هم مراجعه کردم و چون بی‌فایده دیدم ناامید از تلاش‌هایم، اجباراً با آن ساختم ضمن اینکه هر چه می‌گذشت بر شدت آن افزوده می‌شد. ولی از لطف خداوند متعال و اقبال بنده، توسط یکی از دوستانم به دفتر جناب آقای دکتر رهبرزاده که ایشان از نظر بنده دکتر واقعی هستند، راهنمایی شدم و از فضائل و کمالات ایشان مستفیض گشتم. و توانستم یکبار بعنوان بیمار خدمت ایشان شرفیاب شوم. پس از معالجه که حداکثر پنج دقیقه به طول انجامید احساس عجیبی به من دست داد. دوستی که همراه من بود گفت که ایشان معجزه کرده. چرا که آنچنان صحبتی می‌کردم که برای خودم هم عجیب بود هر چه تند صحبت می‌کردم تا بلکه علامتی از لکنت را ببینم دیدم خبری نیست. ایشان اظهار داشتند که به مدت دو هفته از عصیانهای عصبی دوری کنم و مجدداً به ملاقاتشان روم. ولی چنین نشد و در اثر عصبانیت مجدداً این مرض به سراغم آمد. با ملاقات مجدد ایشان رفتم و دوباره خوب شدم و حالا هم رفته رفته بهتر و بهتر می‌شوم. بنده در کمال هوشیاری اظهار می‌دارم که فضائل و کمالاتی که در ایشان دیدم و کلمات شیرین و حقایقی که به زبان می‌آوردند از هر صوت و نوایی خوش‌آهنگتر و شیرینتر است و به من کاملاً ثابت شده و هیچ‌گونه تردیدی ندارم حتی کوچکترین تردیدی به خودم راه نمی‌دهم.

ارادتمند علیرضا

آدرس محل سکونت، تهران - خ هفده شهریور..... تلفن.....

بنام خدا

اینجانب داریوش..... جهت افتادگی دریاچه میترال و کمردرد خدمت جناب آقای رهبرزاده رسیده و هر دو بیماری به طور کامل بهبود یافته است البته صحت و بهبود را ECG دکتر قلب تأیید نموده است. امیدوارم ایشان در کلیه مراحل زندگی موفق باشند.

احمدی

آدرس: خیابان آزادی.....تلفن.....

بسمه تعالی

اینجانب سعید..... دانشجوی دندانپزشکی به استحضار می‌رساند به مدت ۲ سال از تاریخ ۷۵ لغایت ۷۷ دچار عارضه روحی روانی شدم و در این مدت با مراجعه به پزشکان مختلف و کارهای زیاد به نتیجه بهبودی نرسیده و با توجه به تقبل مبلغ مادی ۱/۰۰۰/۰۰۰ تومان عارضه خود را به همراه داشته و نتیجه‌ای نگرفتم تاریخ ۷۸/۱/۲۳ با مراجعه به استاد محترم جناب دکتر حسن رهبرزاده تمام عارضه خود را به دست فراموشی سپرده و خود را باز یافتم، لازم به ذکر است که با یک جلسه ویزیت ایشان نتیجه مطلوب را بدست آوردم

با احترام سعید

تهران خیابان شهید نامجو کوچه.....تلفن.....

بنام تعالی

اینجانب سهراب..... متولد ۱۳۴۹ ساکن تهران شغل کارمند که به مدت ۸ سال دچار بیماری افسردگی شدید بودم و با مراجعه به پزشکان متعدد از جمله آقای دکتر..... از سال ۷۴ تا ۷۸ تحت درمان بودم و با مصرف قرصهای زیاد بهبودی حاصل نشد و با ناامید شدن از مصرف دارو و خواندن مقاله‌های جناب استاد گرامی و ارجمند رهبرزاده در روزنامه خبر، متوجه درمان افسردگی بوسیله استاد شدم که در پاییز سال ۷۸ با یک بار مراجعه خدمت استاد بزرگوار و تحت درمان قرار گرفتن من توسط استاد بهبودی کامل حاصل نمودم و در حین درمان (انرژی درمانی) توسط استاد معظم ایشان فرمودند که برو و دیگر شاد زندگی کن - و از آن موقع تا بحال حتی یک بار دچار بیماری افسردگی نشده‌ام و در کنار خانواده‌ام با کمال شادابی و تندرستی به زندگی خودم ادامه می‌دهم خداوند به انسانهای شریف و دانا از جمله استاد شریف رهبرزاده توفیق عنایت بفرماید. انشاءالله

با تقدیم احترام سهراب.....

آدرس اداره: چهار راه شهید قدوی،..... تلفن.....

بنام خدا

اینجانب کبری..... ساکن شهرستان تبریز از مدت یک سال پیش

ناراحتی معده داشتم که به تشخیص دکترها زخم معده بود که بعد از یک دوره خوردن دارو، کمی بهتر شد، ولی بعد از مدتی شروع به درد کرد. دوباره از معده‌ام نمونه‌برداری کرده باز تشخیص زخم دادند که به دستور دکتر معالج جهت عمل جراحی به پیش متخصص جراحی عمومی رفته و تحت عمل جراحی قرار گرفتم ولی بعد از مدتی گاه گاهی معده‌ام درد می‌کرد که در تاریخ ۱۳۷۸ به دفتر آقای رهبرزاده آمدم و تحت انرژی درمانی در دو جلسه در تهران و شاگرد ایشان دکتر رنج..... در ۳ جلسه در تبریز، قرار گرفتم و هم اکنون در سلامتی کامل هستم.

با تشکر فراوان از زحمات استاد محترم آقای دکتر رهبرزاده

نشانی: تبریز - تلفن:

بنام خدا

با سلام، محترماً بعرض میرسانم. من طیبه..... متولد ۱۳۳۰ ش ش ۴۳۴ بعلت گرفتگی عصب دست راست در سال ۱۳۷۳ تحت عمل جراحی قرار گرفتم ولی بعد از مدت یکسال مجدداً احساس ناراحتیهای قبلی تکرار و اضافه بر آن گرفتگی انگشت میانی نیز به آن اضافه گردید پس از مراجعه به پزشک معالج، ایشان تزریقی در کف دست من انجام دادند و متذکر شدند چنانچه مؤثر واقع نگردید بایستی عمل مجددی صورت گیرد. البته تزریق مؤثر نبود و من هم دیگر جهت عمل جراحی مجدد مراجعه ننمودم، زیرا از عمل

قبلی نتیجه رضایت بخشی نگرفته بودم.

تقریباً دو سال بعد از عمل جراحی بود که به استاد محترم آقای حسن رهبرزاده مراجعه نمودم و ایشان بعد از یکبار انرژی درمانی بر روی آرنج تا نوک انگشتان دست، مشکل مرا بر طرف نمودند. بعد از ۳ روز من دیگر گرفتگی و دردی در دستم احساس نمی کردم و تاکنون هم مشکلی ندارم
تهران - تهرانپارس خ تلفن

بنام خدا

اینجانب مهین..... در مورخه ۷۴/۵/۲۲ بعثت از کار افتادن عصب بینائی چشم چپ بنا به نظر متخصصان چشم بسیاری منجمله دکتر محمد رضام.... و دکتر ش..... و غیره مراجعه نموده و نتیجه ای عاید نگردیده بود، لذا بنابه توصیه دوستی جهت مداوا خدمت استاد حسن رهبرزاده مراجعه و در طی پنج جلسه مداوا بصورت انرژی درمانی قادر به رؤیت اشیاء شدم که با مراجعه به متخصصان سفارش استفاده از عینک برای چشم را نمودند.

با احترام مهین

آدرس: بلوار آیتا..... تلفن.....

بنام خدا

اینجانب طاهره..... بعلت ناراحتی کلیه تحت درمان پزشکان متعدد برای درمان کلیه قرار گرفتم که با سونوگرافی و عکس رنگی تشخیص سنگهای متعدد در کلیه دادند که با مراجعه به دفتر آقای رهبرزاده تحت انرژی درمانی ایشان قرار گرفتم و مجدداً به پزشک خود مراجعه دستور سونوگرافی جدید دادند، ولی سونوگرافی هیچگونه سنگی را نشان نداد به توصیه پزشک معالج، مجدداً سونوگرافی کردم چیزی نشان داده نشد و در حال حاضر هیچگونه دردی ندارم و بهبودی کامل خود را بدست آورده‌ام. از زحمات ایشان جناب آقای رهبرزاده بی نهایت سپاسگزارم. خداوند به ایشان توفیق دهد.

با تشکر طاهره ۷۷/۱۱/۱۵

آدرس: اراک خ کشتارگاه.....تلفن.....

بنام خدا

اینجانب قدرالله..... به مدت پانزده سال به تریاک معتاد بودم بطوریکه خود و اجتماع و خانواده‌ام را از دست داده بودم و خودم هم در مرز نابودی بودم تا اینکه به توصیه خانواده آقای دکتر صفایی به آقای رهبرزاده معرفی و ایشان مراحل انرژی درمانی ترک اعتیاد را روی من شروع کردند و در طی یک هفته مرا درمان و اعتیاد مرا ترک دادند و اینک با ترک کامل و تنفر

از گرایش به مصرف اعتیاد سلامت هستم و به آغوش خانواده و اجتماع
برگشته‌ام

قدرالله.....

آدرس - تهران - مجیدیه شمالی.....تلفن.....

بنام خدا

اینجانب زهرا..... دارنده شناسنامه ۱۶۶۰۳ بعرض میرسانم با ۲
جلسه حضور خدمت آقای رهبرزاده، نارسائی قلبی و خونریزی معده تا این
لحظه که تقریباً ۲ سال میگذرد بهبود کامل حاصل شده که بدینوسیله از آقای
رهبرزاده هم بی نهایت متشکرم

زهرا

آدرس منزل خیابان فرمانیه.....تلفن.....

پرونده بیمار در مورد انفاکتوس قلبی در بیمارستان پاستور نو
موجود می باشد (دکتر.....). که در حال حاضر اسکن ایشان هیچگونه
عارضه‌ای را نشان نمیدهد.

بنام خدا

خدمت استاد گرامی جناب آقای دکتر رهبرزاده

بعد از عرض سلام و سلامتی امیدوارم همیشه در کارهایتان موفق و موید باشید اینجانب..... کارمند اداره راه می باشم که همسرم از سال ۷۱ دچار ناراحتی روحی و روانی شد، بنده به تمام دکترهای اعصاب و روان مراجعه چه بیمارستان و چه مطب‌های خصوصی و هرکسی آدرس و یا نام دکتری رامیگفت، بدون معطلی همسرم را برای مداوا به آنجا میبردم و نام دکتر و مطب‌هایی که تاکنون مراجعه نمودهام نمی‌خواهم نامشان فاش شود و حتی دکتری که خیلی از ایشان تعریف می‌کردند در یکی از معروفترین بیمارستان‌های مدرن بودند دکتر اعصاب و روان انجام وظیفه می‌نماید بعد از معاینه، دستور عکس سی تی اسکن و آزمایش داد که ماهم بعد از انجام عکسبرداری و آزمایش برای تشخیص مجدداً بایشان و در مطب خصوصی ایشان در یکی از خیابانهای بالای شهرتهران مراجعه کردیم که بعد از دیدن عکس و آزمایش، یکسری قرص برای همسرم تجویز نمود که بعد از مصرف قرص بعد از یکی دو هفته حال همسرم مجدداً بهم خورد و بناچار به تشخیص همان دکتر همسرم برای مدت یک هفته در بیمارستان بستری گردید و هیچ نتیجه مثبتی نگرفتیم و یکسری قرص خواب آور تجویز نموده بودند که همسرم همیشه در خواب و یا گیجی کامل بسر میبرد و هرچه در اطراف او میگذشت، هیچ اطلاعی نداشت و برای آخرین بار مریضی همسرم که توام با دل شوره و ناراحتی اعصاب بود بطول انجامید و فرشته نجات بنام

سرکارخانم..... در شهرستان گرمسار که معلم فرزندم میباشد، مارا به جناب آقای دکتر هبرزاده معرفی نمود که پس از تماس تلفن و گرفتن وقت، در روز معین بایشان مراجعه نمودیم و بدون اینکه قرصی به همسرم بدهند همسرم را بنحو احسن درمان نمود و در حال حاضر بعد از گذشت ۸ ماه تا کنون هیچ گونه ناراحتی به همسرم دست نداده و اینجانب و خانواده‌ام که نزدیک بود از هم بپاشد هم از خانم.... و هم از جناب آقای دکتر هبرزاده کمال تشکر را داریم و امیدوارم همیشه در کارشان بیش از پیش موفق باشند و اینجانب آن طور که شایسته ایشان میباشد نمی‌توانم احساسات قلبی خود را به ایشان بیان نمایم و دعای خیر ما همیشه بدرقه راهشان باد.

با تقدیم شایسته‌ترین احترامات....

بنام خدا

اینجانب سوسن.....

من دخترم را به دکتر روان پزشک بردم کاری برایش نتوانست انجام دهد بیماری دخترم این بود که ابروها و مژه هایش را می‌کند و خیلی عصبی بود و به مدت شش ماه این کار ادامه داشت و من از این موضوع رنج می‌بردم بطوری که هرکس می‌دید او را می‌گفت، چرا این کار را می‌کنی تا اینکه جناب آقای دکتر هبرزاده را معرفی کردند و گفتند دخترت را ببر پیش او، من او را خیلی ناامیدانه پیش او بردم ولی خدا شاهد است که او در اولین مرحله او را

خوب کرد و من و دخترم راضی هستیم و دیگر ابروها و مژه هایش را نکند و
 آلان یک دختر عاقل است و من از آقای دکتر سپاسگزارم.
 آدرس.....تلفن.....

بنام خدا

اینجانب سولماز به اتفاق مادرم به دفتر آقای رهبرزاده مراجعه
 کردیم و با انرژی درمانی ایشان بهبودی کامل بدست آوردم و دیگر آن
 کارهایی که مربوط به کندن ابرو و مژه‌هایم بود انجام نمی‌دهم و از ایشان
 بسیار سپاسگزارم.
 آدرس: شهرک قدس (غرب)،.....تلفن.....

بنام خدا

اینجانب فرحناز.... فرزند قدرت الله متولد ۱۳۴۰ در تاریخ ۷۶/۹/۵ به
 علت بیماری افسردگی شدید که مدت ۱۵ سال بود مرارنج میداد به آقای حسن
 رهبرزاده برای معالجه مراجعه نمودم و سپس از یک جلسه شفادهی بوسیله
 ایشان ناراحتی ۱۵ ساله من به کلی برطرف شد و اکنون کاملاً طبیعی
 می‌باشم.
 آدرس: میدان هفت حوض،.....تلفن.....

بنام خدا

اینجانب سهیلا..... از سن ۹ سالگی بینایی خود را از دست دادم و در طول این مدت تحت نظر چشم پزشک بودم، ولی نتیجه درمانی برایم حاصل نشد. در ضمن دچار دست درد شدید و بی حسی درد و دست خود شدم، بنا به توصیه یکی از بستگانم، بدفتر آقای رهبرزاده جهت انرژی درمانی مراجعه کردم. و در همان جلسه اول، شب موقع مراجعه به منزل یکی از آیات قرآن را بصورت خط برجسته توانستم براحتی بخوانم و در این حالت آنچنان هیجان زده شده بودم که هم خودم و هم کل خانواده از شدت شوق به گریه افتادیم. و اکنون در مراجعه در جلسه دوم به دفتر آقای دکتر رهبرزاده برای ادامه درمان بسیار راضی و خشنودم. از آقای دکتر رهبرزاده جهت درمان ضمن صمیمانه سپاسگزارم.

آدرس: کریمخان،.....تلفن.....

دختر گفت و مادرش مطالب فوق را نوشت

بنام خدا

اینجانب فاطمه کارمند بهزیستی که در تاریخ ۷۴/۵/۲۵ از ناراحتی اعصاب به علت مشکلی که برایم پیش آمده بود حالت روانی پیدا کرده بودم و زندگی برایم مشکل شده بود، آمدم پیش استاد رهبرزاده و یک جلسه بیشتر مرا درمان نکرد و انگار آب روی آتش ریخته باشند مرا درمان کرد و

همینطور مدت ۴ سال از کشیدن سیگار رنج می بردم و یکسال پیش در تاریخ ۷۵/۸/۱۵ به استاد مراجعه کردم و ایشان با روش خودشان مرا بدون دارو درمان کردند بطوریکه از سیگار کشیدن متنفرم و از این بابت از آقای رهبرزاده بسیار سپاسگزارم و خود را مدیون ایشان می دانم.
با تقدیم احترامات فاطمه

تلفن.....

بنام پروردگار میثاق

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت جناب دکتر حسن رهبرزاده امیدوارم که در کلیه مراحل زندگیتان موفق و مؤید باشید و همیشه لطف و عنایت خداوند شامل حالتان باشد تا بتوانید برای رضای خدا در خدمت مردم کشورمان باشید.

اینجانب خانم.... متولد ۱۳۴۱ هستم که سابقاً دارای دو فرزند بوده‌ام که فرزند اولم متولد ۱۳۶۱ و فرزند کوچکم (دوم) متولد ۱۳۶۵ هستند. از سال ۶۵ تا سال ۷۷ به مدت دوازده سال بچه دار نشدم تا اینکه در اسفند ماه ۱۳۷۷ به خدمت شما مشرف گردیدم تا اینکه به لطف خداوند و مراجعه‌ای که برای معالجه نزد شما داشتم، الحمدالله بچه دار گردیده‌ام و من از همین شهرستان خیلی کوچک، فرسنگها از شما دور هستم برایتان آرزوی سلامتی و موفقیت مینمایم.

یا تشکر

آدرس: شیراز، شهرستان لارستان،.....

بنام خدا

اینجانب مریم که قبلاً به علت دلهره و اضطرابی که داشتم پیش چندین دکتر از جمله دکتر.... و دکتر سید.... متخصص اعصاب و روان رفته بودم که آقای دکتر داروهای آرامش بخش به من دادند (ش پ ۳۳۷) ولی بعد از قطع داروها دوباره دلهره هایم شروع شد و بعد به پیشنهاد یکی از دوستان به آقای رهبرزاده مراجعه کردیم و این جانب طی یک جلسه که پیش ایشان آمدم، تمام دلهره و اضطرابم رفع شده و تا این ساعت هیچ گونه ناراحتی ندارم و ضمناً چون روز به روز لاغر میشدم و بعد از مراجعه به آقای رهبرزاده نه تنها لاغر نشدم بلکه چند کیلو وزنم زیاد شد.

آدرس: بزرگراه چمران، تلفن:
مریم.....

بنام خدا

اینجانب ژاله..... به شماره شناسنامه ۲۰۶۷ متولد تهران به سال ۱۳۳۸ مدت دو سال از ناراحتی قلب، تنگی نفس و درد شدید در ناحیه پشت رنج می بردم؛ اواخر چنان بود که از رفتن به سرکار به تنهایی، وحشت داشتم؛ زیرا قلبم می گرفت و دیگر نمی توانستم هیچ حرکتی بکنم. دهانم خشک می شد و.... به پزشکهای مختلف مراجعه کرده بودم و نوار قلبی هم گرفته بودند. آخرین بار در نیمه شب به صورت اورژانس به بیمارستان قلب رفتیم. ولی همه بی نتیجه بود. تا آنکه به نزد آقای رهبرزاده معرفی شدم. ایشان پس

از یک جلسه شفادهی، مریضی مرا بهبودی کامل بخشیدند. در ضمن، در همین جلسه، پاهایم که مدتها درد می‌کردند، کاملاً خوب شدند. درد پاهایم به قدری شدید بود که هر شب باید ساعتی آنها را ماساژ می‌دادند؛ اما با همان یک جلسه، احساس کردم که دیگر دردی در بدن ندارم.

آقای رهبرزاده اگر بیماری را نمی‌توانستند خوب کنند، در همان لحظه می‌گفتند. امیدوارم خداوند همواره ایشان را در پناه داشته باشد.

آدرس: خیابان طالقانی، خواجه نصیر طوسی،تلفن..... ژاله....

بنام خدا

این جانب هوشنگ مدت ۲ سال ناراحتی اعصاب داشتم و با مراجعه به پزشک داروهای آرام بخش استفاده می‌کردم تا اینکه این ناراحتی منجر به دست درد و گردن درد اینجانب شد که با مراجعه به استاد بزرگ آقای رهبرزاده انرژی درمانی نمودم و در حال حاضر بهبود کامل حاصل نمودم و من از آن استاد بزرگ کمال تشکر را دارم. هوشنگ

آدرس: فلکه چهارم تهرانپارس،تلفن.....

بسمه تعالی

با عرض سلام و خسته نباشید

اینجانب مریم به علت بیماری افسردگی روحی حدود دو سال تحت

مشاوره درمان دکتر مهری و دکتر گو... بودم ولی بهبودی نیافتم و با مراجعه به دکتر بزرگوار آقای حسن رهبرزاده توانستم به زندگی عادی خود بازگردم.

آدرس: تهران،تلفن.....
 مریم.....

بنام خدا

اینجانب ربابه ضمن تقدیر و تشکر از آقای دکتر رهبرزاده که بعد از مدت پنج سال نازائی به مدد و همکاری آقای دکتر بچه دار شدیم. در مدت پنج سال تحت نظر هر پزشک مجرب که قرار می گرفتیم نتیجه ای حاصل نشد اما با تنها درمان آقای دکتر نتیجه مطلوب حاصل گردید و ما اکنون دارای یک فرزند پسر بنام محمد مهدی..... هستیم. با تشکر از آقای دکتر.

با تشکر از آقای دکتر

آدرس: گلوگاه، خیابان.....تلفن.....
 ربابه.....

بنام خدا

اینجانب مهین ... به مدت ۲۰ سال از ناراحتی اعصاب و فشارهای روحی رنج می بردم و با مراجعه به دکتر آقای کاووس و دکتر پو ... که در روش درمانی ایشان دارو درمانی و استفاده از شوک الکتریکی که از نظر ظاهری به صورت مقطعی بهبودی حاصل می شد، ولی مجدداً این بیماری در

من بروز می‌کرد، ولی با مراجعه به آقای رهبرزاده و انرژی درمانی ایشان در یک جلسه بهبودی کامل حاصل شده و در حال حاضر در کمال صحت و سلامت کامل هستم و مراتب قدردانی و تشکر و سپاس را از ایشان می‌نمایم.
 مهین.....

آدرس: پیروزی،تلفن.....

بنام خدا

اینجانب سیمین دارنده شماره شناسنامه ۴۶۷۵۰ صادره از تهران متولد ۱۳۲۶ بمدت ۲ سال بود که ناراحتی درد پهلوی چپم گرفتار بودم و به پزشکان مختلف و درمانگاه‌های مختلف مراجعه می‌نمودم، ولی حال خوب نمیشد تا اینکه روزی از دوستان، آقای رهبرزاده را به من معرفی کردند و بایشان مراجعه کردم و با انرژی‌هایی که ایشان بمن دادند بیماریم بکلی برطرف شد و از آن تاریخ به بعد دیگر هیچ درد و ناراحتی ندارم و از این بابت از آقای حسن رهبرزاده کمال تشکر را دارم و ضمناً در حال حاضر هیچگونه ناراحتی‌های قبلی را ندارم و در کمال سلامتی و راحتی زندگی می‌کنم.

سیمین

نشانی: شهرک امید، بلوک.....

بنام خداوند یکتا

با اهداء سلام و ضمن تشکر از زحمات استاد عالیقدر جناب آقای رهبرزاده:

به اطلاع می‌رساند در خصوص وضعیت مداوای مادر اینجانب پس از یک جلسه ویزیت شدن، بهبودیهای زیر حاصل گردید:

- بهتر شدن بینایی چشم تا حدی که بدون عینک قادر به مطالعه خطوط ریز روزنامه می‌باشند.

- برطرف شدن زانودرد شدید ایشان که یکسال گریبانگیر ایشان بود و بطور کامل این عارضه برطرف شد.

- برطرف شدن خروپف بلندایشان که حدود ۱۰ سال وجود داشت.

- برطرف شدن فشارهای عصبی و متعادل شدن همراه با انبساط

خاطر کامل و شادابی

- کم شدن اشتها.

جعفر.....

و من...التوفیق

نشانی: پاسداران، انتهای گلستان،.....تلفن.....

بنام خدا

اینجانب الهام... متولد ۱۳۵۹

در سال ۱۳۷۳ مبتلا به بیماری کم کاری کلیه گشتم که در اثر این

بیماری روزانه در حدود ۱۴ میلی گرم/لیتر پروتئین از بدنم دفع می‌گشت (در انسان عادی این مقدار باید حدود ۰/۱ میلی گرم/لیتر باشد) یعنی حدود ۱۴۰۰۰/ برابر انسان سالم در همان سال مورد آزمایشات فراوانی برای تشخیص بیماری قرار می‌گرفتم و بنابه تجویز پزشکان مختلف و هیات پزشکان مصرف داروهای کورتون را با مقدار و دوزهای بسیار بالا شروع کردم.

تا سال ۱۳۷۹ مصرف این داروها ادامه داشت و مقدار پروتئین در من از ۱۴ میلی گرم/لیتر به ۴ میلی گرم/لیتر رسیده بود و پزشک این نظر را داشت که تا آخر عمر، استفاده از این داروها باید ادامه داشته باشد و هرگز امکان بهبودی بیشتری را ندارم و مقدار دفع پروتئین از این رقم کمتر نخواهد شد. قابل ذکر است که من در اثر مصرف داروهای کورتون و غیره دچار بیماری‌های چربی خون و فشارخون بالا، سردردهای شدید و ضعف فراوان شده بودم.

در سال ۷۷ از طریق پدرم با جناب آقای دکتر رهبرزاده آشنا شدم و بنابه تجویز ایشان برای ۴ یا ۵ جلسه مورد انرژی درمانی قرار می‌گرفتم. آخرین آزمایش من قبل از انرژی درمانی مقدار دفع پروتئین را ۴/۸ میلی گرم/لیتر نشان داد و قرار شد بعد از انرژی درمانی بازهم آزمایش تکرار شود.

پس از کسب انرژی، تمام آزمایشات من تکرار شد و با ناباوری فروان مشاهده نمودم که مقدار دفع پروتئین به رقم ۰/۴ میلی گرم/لیتر رسیده است که پزشکان قبلا این مقدار را انکار کرده بودند و گفته بودند تا آخر عمر

مقدار دفع پروتئین من از رقم ۴ میلی گرم / لیتر کمتر نخواهد شد حتی با مصرف داروهای جدید، در حالیکه من با کمک انرژی درست ۴ جلسه این مقدار را به ۰/۴ میلی گرم / لیتر رسانیده بودم که برای پزشکم بسیار عجیب و خوشایند بود و این امر را بیشتر معجزه می دانست.

در ضمن در سال ۷۷ من در کلاسهای روحی و روانی جناب آقای دکتر رهبرزاده نیز شرکت کردم و حضور در این جلسات خود باعث تقویت روحیه و اعصاب من گشت، بطوریکه از من که فردی گوشه گیر و غمگین و بیمار بودم، انسانی شاد با روحیه ای بسیار بالا و سالم شدم.

در حال حاضر کوچکترین اثری از بیماریهای چربی خون و فشارخون و دفع پروتئین در من نیست و تمام این سلامتی را در درجه اول از لطف و عنایت عقل کل عالم هستی دارم و سپس مدیون زحمات بی دریغ استادم جناب آقای رهبرزاده هستم و امیدوارم بتوانم با کسب درجات علم روحی به تکامل خویش کمک کنم تا شاید از این طریق بتوانم گوشه کوچکی از زحمات استادم را جبران کنم.

الهام.....

از شاگردان حقیر جناب آقای رهبرزاده

آدرس: تهران.....تلفن.....

بسمه تعالی

گواهی میشود همسر اینجانب محمد صادق ... کارمند بانک ملت بنام

خانم فاطمه از مدتها پیش دچار بیماری روحی و روانی بود که به اطباء

مختلف مراجعه نمودیم، ولیکن متاسفانه نتیجه‌ای نگرفتیم بنابه توصیه یکی از دوستان، به آقای حسن رهبرزاده مراجعه نمودیم و ایشان بعد از شنیدن شرح حال بیمار، بایک جلسه انرژی درمانی موفق گردید همسر را از بیماری فوق رهائی بخشید، امیدوارم خداوند به ایشان عمر باعزت و برکت اعطا فرماید. ضمناً ایشان هیچگونه وجهی بابت هزینه درمان دریافت ننمودند /
 با تقدیم احترام

صادق.....

آدرس: تهران.....تلفن.....

بسمه تعالی

اینجانب ماندانا ... فرزند مهدی متولد ۱۳۵۱ از سال ۱۳۷۰ بر اثر فوت مادرم دچار بیماری افسردگی و دل‌مردگی شدم که هیچ پزشکی قادر به تشخیص و درمان آن نشد و با توجه به این بیماری و ضربه‌های روحی شدیدی که با مرگ مادرم و قبل از آن، مرگ پدرم برایم پیش آمده بود، هر روز به ناراحتی‌ها و سردردها و فشارهای روحی من که اکثراً منجر به افت فشار خون می‌شد افزوده می‌شد. چندین بار در خیابان و مراکز عمومی دچار مشکل روحی بصورت صرع بودم و گاهی با افت فشارخون در خیابان به طوری بود که مردم فکر کرده‌اند مرده‌ام و ساعتی در خیابان افتاده بودم. خلاصه اینکه با این همه مشکلات، ناامید از درمان‌ها بودم، که به توصیه یکی از دوستان به آقای رهبرزاده مراجعه کردم و پس از دو جلسه انرژی درمانی

به کلی بیماری چندین ساله من که به نوعی می توان آنرا یک بیماری کهنه دانست، درمان شد و الان که حدود ۱۷ ماه از آن می گذرد، هیچ گونه ناراحتی و بیماری ندارم و کاملاً راضی ام با توجه به اینکه دارای روحیه ای شاد و سرحال شده ام و اصلاً افسردگی و بیماری ندارم. ماندانا.....
 آدرس: بلوار فرحزاد،..... تلفن.....

بنام خدا

بدینوسیله تأیید می شود که فرزند من علی..... به بیماری تشنج مبتلا بود و روزانه ۸ عدد قرص کاربا مازبین و یک عدد قرص فنوبارمیتال مصرف می کرد که با چندبار مراجعه به آقای دکتر رهبرزاده بیماری فرزندم بهبود یافته است. ضمناً دکتر معالج قبلی ایشان دکتر..... بوده که پرونده پزشکی علی نیز نزد ایشان می باشد. سید مهدی.....
 آدرس: تهران..... تلفن.....

بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانب گیتا... به مدت چهار سال مبتلا به بیماری پرکاری تیروئید بودم و نزد آقای دکتر نیل... و دکتر حا... تحت درمان قرار داشتم و در جلسات آخر، دکتر نیل... به اینجانب اعلام فرمودند که به ناچار می باید یدرادیواکتیو مصرف نمایم تا غده تیروئید به کل از بین برود و در تمام طول عمر پس از آن

روزی یک قرص بجای هورمون تیروئید مصرف نمایم که تمامی اطلاعات در پرونده پزشکی اینجانب در مطب دکترها موجود می باشد. پس از آن به جناب آقای رهبرزاده مراجعه نمودم و در طی ۵ جلسه انرژی درمانی هورمونهای T_3 , T_4 کاملاً عادی گشت و پس از ۲ جلسه دیگر هورمون TSH نیز به حالت عادی درآمد و تاکنون که یک سال و نیم از آن زمان می گذرد مشکلی از این نظر ندارم و از آقای رهبرزاده کمال تشکر و قدردانی را دارم.

با تشکر: گیتا.....

تهران: خیابان مطهری،.....تلفن.....

بنام خدا

اینجانب مینو ... ۳۵ ساله

مدت: ۹ سال سردردهای میگرنی شدید - و عصبی داشتم.

در این مدت پیش پزشکان زیادی رفتم از جمله دکتر بر... که ایشان داروهای اعصاب و خواب آور برای من تجویز کردن، اینها فقط خواب آور بودند ولی اثر زیادی در دردها نداشت. مخصوصاً زمانی که داروهایم را کنار گذاشتم، دچار مشکلاتی بدتری شده بودم - مدتهای زیادی سمت چپ صورتم لرزشهای محسوسی داشت که به غیراز خودم - دیگران هم متوجه می شدند - قرصهای دکتر بر... برای من نوشته بودن، وقتی پیش دکتر طبای... متخصص اعصاب رفتم، ایشان آن قرصها را رد کردند و خودشان با گرفتن نوار مغز، ایشان هم شروع کردن به یک سری داروهای جدید - مثل نورتریلن

- پروپرنانول - بلادون - و.....

قرص نورتون را به سختی پیدا کردم - ولی بعد از مصرف آن هم اثری نداشت - و همانطور هرروز این سردردهای میگرینی را داشتم .

تازمانی که جناب استاد رهبرزاده را به من معرفی کردند، از زمانی که آمدم پیش ایشان یعنی از ۴ اسفند ۱۳۷۷ تا یکم فروردین، من فقط یکبار دچار سردرد شدم - کسی که تمام هفته دچار سردردهای میگرنی بود، برای خودم خیلی باعث خوشحالی و رضایت بود. دفعه اولی که ۴ اسفند ماه بود می توانم بگویم (۷۰ درصد بهتر شده بودم) برای دفعه دوم که پیش استاد آمدم دیگر تقریبا همان یکی دوبار را به صورت خیلی کنترل شده، یعنی با خوردن یک قرص (مسکن) مانند استامینیوفن آرام می گیرد. در صورتی که حتی قرصهای که از کانادا برای من به اسم اکسدرین فرستاده بودند، دیگر تاثیر نداشت. یعنی حتما باید یک یا دو تزریق دیکلوفناک برای حالت تهوع می زدم تا فردای آن روز بهتر شده باشم.

و آآن که سومین جلسه است خدمت استاد رسیده ام، دیگه مشکل سردرد ندارم و هیچ نوع مسکن استفاده نمی کنم - و از جناب استاد حسن رهبرزاده بسیار سپاسگزار هستم بخاطر تمام زحماتی که برای سلامت کشیده اند.

مینو.....

آدرس: جنت آباد شمالی،.....تلفن.....

بنام خدا

با اهداء سلام و ضمن قدردانی از زحمات جناب آقای رهبرزاده استاد
گرانقدر:

به اطلاع میرساند وضعیت مداوای پدر اینجانب پس از یک بار ویزیت
شدن توسط استاد به شرح زیر است:

- بدست آوردن آرامش کامل روحی درحالیکه بسیار عصبی بودند.

- بدست آوردن نشاط جوانی.

- اضافه شدن قوای جسمانی.

ومن...التوفیق

با سپاس و احترام

رضا.....

نشانی: پاسداران، انتهای گلستان.....

بنام خدا

سلام علیکم

اینجانب حسین.....حدود هشت ماه است که بر اثر فوتبالی و
زمین خوردن از ناحیه کمر آسیب دیدم که دو هفته بعد به مطب دکتر آز... در
مجیدیه رفتم و ایشان گفتند بین مهره چهار و پنج کمر تو فاصله افتاده است و
در مدت شش ماه، هر سه ماه، یکبار باید یک آمپول بین مهره‌ها زده شود و با

این عمل اگر چنانچه خوب نشدید کمر شما بایستی عمل جراحی شود چون اگر عمل نشود فلج میشوید و هزینه عمل هم مبلغ ۸۰۰۰۰۰۰۰ ریال هشتصد هزار تومان می باشد و اینجانب به دلیل اینکه ترسیدم در نوجوانی به گفته بعضی از دوستان فلج شوم نرفتم که معالجه را ادامه دهم، نتیجتاً بعد از مدت ۸ ماه به توصیه یکی از بیماران آقای دکتر رهبرزاده به خدمت ایشان آمدم و ایشان در مدت ۳۰ ثانیه تحت انرژی درمانی قرار گرفتم و الحمدا... خوب شدم و اکنون سلامتی خود را بدست آوردم.

حسین.....

تهران، نظام آباد،..... تلفن.....

بنام ایزد منان

خدای را سپاس می گویم که راهگشای درمان بیماری اعصاب گردید و از سرگردانی در مطب اطبای مختلف که به روش داروهای شیمیایی تلاش در معالجه ام داشتند، رهائی بخشید. اینجانب سالهای متمادی است که از بیماری ضعف اعصاب رنج می برم. برای درمان بیماریم نزد اطبای مختلفی از جمله آقایان: دکتر تاج...، دکتر داوید... مراجعه نمودم و تحت درمان از طریق مصرف قرصهای اعصاب قرار گرفتم که نتیجه چندانی حاصل نگردید، تا بالاخره اطلاع حاصل کردم آقای رهبرزاده، از طریق انرژی درمانی، نازاحتی های اعصاب را برطرف می نمایند. لذا در سال گذشته به ایشان مراجعه نمودم و تحت درمان قرار گرفتم و از مصرف داروهای شیمیایی

خلاصی یافته و روز به روز بیماریم رو به بهبود نهاد و اکنون ضمن احترامی که برای آقایان اطباء سابق خود قائل هستم، رضایت کامل خود را از جناب آقای رهبرزاده اعلام نموده و از خداوند متعال استغاثه می‌نمایم، ایشان را در این کار نیک، مورد عنایت خود قرار داده و از شر حسادتها و عداوتها محفوظش بدارد. هنگامه

آدرس: تهران.....تلفن.....

بنام خدا

اینجانب مجید.... در تاریخ ۱۷ فروردین بعلت ناراحتی‌ای که داشتم با معرفی یکی از دوستان خدمت جناب آقای رهبرزاده رسیدم و ایشان ترتیب معاینه خود را که متفاوت معمول از دکترهای عمومی بود تصریح کردند و معاینه انجام دادند، در این میان چند جمله سؤال و جواب، رد و بدل شد. و معاینه بدون ابزار پزشکی انجام گرفت و ایشان فرمودند که پس از بیست روز، روز به روز بهتر خواهم شد که در آن موقع خودم هم باورم نمی‌شد، پس از مدتی همینطور هم شد. من الان نود درصد بهبود یافته‌ام. و ضمناً من آدم خرافاتی نیستم و اعتقاد دارم که ایشان تخصصی که در این رشته دارند به بیشتر مردم شناخته شده نیست. من از آقای رهبرزاده رضایت دارم. و امیدوارم در کارش موفق شود.

مجید....

آدرس: خیابان قزوین،.....تلفن.....

بنام خدا

من بهرام:

بیماری من: سپاتیک در اثر ورزشهای زیاد: بمدت ۱۳ سال پی در پی درگیر این بیماری بوده‌ام، البته هر چند گاهی مثلاً هر بار به مدت ۱ یا ۲ ماه درد من تسکین پیدا می‌کرد. ولی باز در اثر بی‌مبالاتیهای خودم درد به سراغم می‌آمد. در ظرف این مدت به چند پزشک هم مراجعه کردم، ولی علاجی حاصل نشد که مواردش بسیار مفصل است که می‌دانم درخور حوصله نخواهد بود که توضیح بدهم. دردم به صورتی بود که این‌اواخر یکی از پاهایم بطور وحشتناکی خواب می‌رفت که قادر به حرکت نبودم و بیشتر مواقع روز، من در حال درازکش و استراحت بودم. استعمال قرصهای متعدد دستگاه گوارشی مرا کاملاً تحت تأثیر قرار داده بود. خلاصه هر چه انسان از دردهای فیزیکی خود بگوید کم گفته است خصوصاً این که احساس کند علاجی ندارد.

تا امروز بعد ظهر خدمت استاد دکتر رهبرزاده رسیدم و تاثیر و اثراتی را ملاحظه کردم و این که بعد از این انرژیها، تسکینی را در پای خودم احساس کردم ناگفتنی. البته استاد یک جلسه دیگر هم مرا خواهد دید. کار ایشان در یکی دو خط من که صاحب نظر نیستم نخواهد گنجید. این گنجینه را باید خود ایشان به خط خودشان به مردمیان ارائه دهند.

بهرام.....

آدرس: سعادت آباد، میدان..... تلفن.....

بنام خدا

اینجانب گیتی مدت ۱۶ سال است که دچار بیماری افسردگی شده‌ام
 حدود ۷ یا ۸ سال پیش در بیمارستان میمنت شوک الکتریکی داده‌ام و نتیجه‌ای
 نگرفته بلکه دچار اضطراب شدیدتری نیز شده‌ام. پس از خوردن داروهای
 مختلف، بیماری من نتیجه نداشت که پس از مدتی به توصیه یکی از دوستان
 خدمت استاد رهبرزاده رسیده و تحت معالجه انرژی درمانی قرار گرفتم که
 بسیار مؤثر بود. در حال حاضر در سلامتی کامل هستم. از ایشان صمیمانه
 تشکر و سپاسگذاری می‌نمایم و توفیق روز افزون ایشان را از یزدان پاک
 می‌طلبم.

گیتی

۷۶/۱۰/۱۴

آدرس: بزرگراه آیت ا... کاشانی، تلفن.....

بنام خدا

شرح نوع ناراحتی‌های مادر و برادرم و معالجه آن توسط استاد

رهبرزاده

- مورد اول: مادر اینجانب تا حدود سه سال پیش دچار سردردهای شدیدی می‌شد بطوری که باعث کبودی صورت و سرگیجه و سنگینی در سر او می‌گردید و مجبور بود گوشه‌ای بنشیند تا سردرد وی کم کم برطرف گردد. مدت زیادی به دکتر مراجعه کرده ولی هیچ اثری نداشت چون فقط باعث می‌شد که با خوردن قرصهای خواب آور مادرم بی‌حس و خواب‌آلود باشد و به محض اینکه خوردن قرصها قطع می‌شد، دو مرتبه سردردهای وی شروع می‌شد. پس از آزمایشهای زیاد دکتر گفت مغز سر او به دلیل نرسیدن خون، دچار کم‌خونی و در نتیجه سردرد شده. امکان سکته مغزی و یا فلج در وی وجود دارد. با استاد صحبت کردم و یک روز مادرم را پیش او بردم پس از معاینه گفتند مشکلی برای مغز پیش نیامده و با چند جلسه انرژی درمانی کاملاً خوب خواهد شد. و سپس شروع به دادن امواج بوسیله دست کردند. بعد از چند دقیقه حال مادرم خیلی بهتر شد طوری که چهره صورت او از حالت گرفتگی و فشردگی عضلات آزاد شد و از سردرد هم هیچ خبری نبود. به خانه آمدیم همگی از رنگ و روی صورت و آرامش مادرم تعجب کردند و متوجه تأثیر امواج شدیم. کلاً یک مرتبه دیگر هم برای ادامه معالجه سردرد، مادرم را نزد استاد بردم و تا امروز به شکر خدا هیچ نوع سردردی به سراغ مادرم نیامده است. کاری که پزشکان می‌خواستند با قرص خواب آور و...

انجام دهند، آن هم طی این مدت، استاد با یک ربع زمان آن را انجام داد و تنها چیزی که از علم پزشکی برای مادرم ماند یک معده خراب بود.

- مورد دوم: مربوط به کشکک زانوی پای چپ مادرم است که حدود سه سال پیش کشکک زانوی پای مادرم هنگام پائین رفتن از پله از جا درآمد و زیر پوست حرکت کرده و به سمت پائین آمد که همیشه با درد شدیدی همراه بود. او را به بیمارستان امام حسین منتقل کردیم. در آنجا کشکک را جا انداختند و پا را گچ گرفتند. بعد از دو ماه که پا از گچ خارج شد زانو دیگر خم نمی شد با یک دوره فیزیوتراپی قابل حرکت بود، ولی سائیدگی کشکک به استخوان با درد زیادی همراه بود. دکترها گفته بودند که باید عمل شود و کشکک مصنوعی بگذاریم که آن هم صددرصد قابل اطمینان نیست. چون ممکن است پا کاملاً باز یا بسته بماند. این او آخر درد خیلی بیشتر شده بود تا اینکه مادرم را پیش استاد بردم. نظر استاد این بود که مادرم اضافه وزن دارد و اگر لاغر شود پا درد نمی گیرد و سپس شروع به موج دادن به پا نمود. و برای لاغر شدن هم توسط امواج دست به مادرم انرژی داد که قدرت جذب معده او کم شود. تأثیر آن خیلی خوب بوده، درد خیلی کم شد و لاغری هم ادامه دار است.

- مورد سوم: در رابطه با برادر کوچکم می باشد که در سال سوم راهنمایی آنقدر مایوس و افسرده بود که هیچ علاقه ای به درس خواندن نداشت طوری که آن سال ۹ تجدیدی آورد. هیچ کس حتی خودش امیدی به قبولی نداشت وقتی تحت تأثیر امواج استاد قرار گرفت قدرت حافظه و یادگیری او زیاد شد و توانست همان سال ۹ تجدیدی را با موفقیت امتحان

داده و قبول شود، چیزی که هیچ کس انتظار نداشت. همیشه و در همه حال خدا را شکر می‌کنم که باعث آشنایی من با استاد شد. شخصی که دارای چنین نیرویی است باید از او قدردانی شود چون چنین اشخاص نزد خدا ارج و قرب خاص دارند:

فیض روح القدس از باز مدد فرماید

دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد

امیدوارم لطف پروردگار شامل حال ما باشد که بتوانیم بهره بیشتری از این استاد گرانقدر ببریم.
غلامرضا.....

آدرس: ماشین سازی اراک،..... تلفن.....

بنام خدا

اینجانب علییار...مدت دو روز دچار افسردگی و پرش فک شده بودم توسط مادرم به استاد حسن رهبرزاده مراجعه نمودم و ایشان در طی یک جلسه انرژی درمانی نشاط و سلامتی را به من برگرداندند و آثاری از ناراحتی‌های قبلی دیگر در من وجود ندارند و در حال حاضر بسیار خوشحال هستم و در کلاسهای ایشان نیز ثبت نام نمودم. و ضمن عرض تشکر فراوان امیدوارم که همیشه در زیر سایه این استاد تعلیم درست زندگی را بگیرم.

با تشکر فراوان

علییار.....

تهران، خیابان استاد مطهری،.....تلفن.....

بنام خدا

حدود ده ماه قبل از مراجعه از حادثه یک حمله وحشتناک در تاریکی، دچار ترس بدی شده بودم که حتی به تنهایی نمی توانستم به بیرون از خانه بروم و اگر هم مجبور می شدم در روز و با کسی به خیابان بروم مدام به پشت سرم نگاه می کردم که کسی دنبالم نباشد و هر شب کاووس های وحشتناک می دیدم تا اینکه در اردیبهشت ماه سال... دکتر رهبرزاده عزیز این ترس و اثرات این خاطره را از ذهن من پاک کردند. و دیگر هیچ نوع، ناراحتی و ترس و وحشتی در منزل یا خارج از آن ندارم.

با سپاس فراوان فاطیما.....

آدرس: تهران، خیابان سید جمال الدین اسدآبادی،.....تلفن.....

بنام خدا

اینجانب رضا..... مدت یک سال دچار فشار خون از حدود ۱۸ الی ۱۹ بودم ولی پس از مراجعه به استاد رهبرزاده و معالجه ایشان، به فشار خون نرمال رسیده ام و بدون اینکه از هیچ دارویی استفاده کنم. و قبل از مراجعه به ایشان از داروهای اتتونول و اگزاسپام استفاده می کردم. و اکنون در سلامت کامل هستم. و هیچ دارویی هم مصرف نمی نمایم.

رضا.....

آدرس: خیابان تهران نو، ایستگاه مدرسه،.....تلفن.....

بنام خدا

اینجانب سمیرا.... بر اثر خونریزی در دستگاه گوارش و مراجعه به چندین پزشک متخصص و با توجه به این که تشخیص بالینی مثبت و درست نبوده و بیماری من ادامه داشت، به مدت هفت سال، به طول انجامید تا روزی به دفتر آقای رهبرزاده مراجعه کردم و تحت انرژی درمانی ایشان، همراه با رژیم خاص، تشخیص زخم اثنی عشر دادند و با یک جلسه انرژی درمانی کاملاً معالجه و درمان شدم و خونریزی معده من از روز بعد قطع شد.

آدرس: کرج، شهرک اوج،..... تلفن.....

سمیرا....

بنام خدا

من اعظم....، ناراحتی من از ناحیه اعصاب بود و در طی چند سال به دکترهای زیادی مراجعه کردم از جمله دکتر محمدرضا...، دکتر ناصر...، و مرتب قرصهای اعصاب مصرف می کردم در ضمن دچار بیخوابی نیز بودم، ولی داروها هیچ فایده ای نداشت و من همچنان دچار افسردگی و سردرد و فشارهای زیادی بودم که یکی از دوستان آقای دکتر حسن رهبرزاده را به من معرفی کرد و من حدود ۲ سال پیش، به ایشان مراجعه کردم و با یکبار مراجعه درمان کامل شدم و وقتی که مطب را ترک می کردم خیلی شاد و سر حال بودم و اصلاً احساس غم و اندوه و درد نداشتم و خواب خوبی هم داشتم

مدتها است که اصلاً دارو مصرف نمی‌کنم.

اعظم.....

آدرس: خیابان شهید نامجو،.....

بنام خدا

اینجانب یعقوب.....، حدود ۶ سال به مرض روحی و افسردگی دچار بودم در سال ۷۳ وضع بدی داشتم و به معرفی شخصی، خدمت آقای رهبرزاده با شرایط بسیار بدی که روی تخت خواب بیمارستان اینجانب را به اینجا آوردند. و اینجانب در آنجا کاملاً شفا پیدا کردم و به زندگی جدیدی با امیدواری کامل به آینده رسیدیم و حالا وضعیت خیلی خوبی دارم و اصلاً مشکل ندارم. اینجانب روزی ۱۲۰ عدد قرص‌های دیوانه‌کننده‌ای که مربوط به اعصاب بودند استفاده می‌کردم و تمام دکترهای اعصاب و روان تا حتی دکترهای خارج دیده، اینجانب را درمان نکردند، و در بیماری من ناعلاج ماندند. حالا خیلی خوب هستم. خداوند انشا... به همه بیمارها شفا عنایت فرماید.

یعقوب.....

آدرس: کرج،..... تلفن.....

بنام خدا

باستحضار می‌رسانم اینجانب احمد..... پس از معاینه دقیق دکترها و

نظر آنها که از تاریخ ۷۷/۱/۲ تا تاریخ ۷۷/۲/۵ پلک چشم اینجانب بسته بود و هیچ دارویی مؤثر واقع نمی شد، با مراجعه به آقای رهبرزاده، ایشان با انرژی درمانی و یاد و ذکر خداوندی، پلک اینجانب از همان موقع باز گردیده است. خداوند به ایشان اجر دهد.

ضمناً قابل ذکر است که پزشک متخصص و معالج طبق مدرک موجود مرض من را فلج زوج سوم مغز طرف راست تشخیص داده بود.

دکتر احمد

آدرس تهران.....تلفن.....

جناب آقای دکتر...

با سلام و عرض ارادت

آقای دکتر احمد... با سابقه D.M دچار فلج زوج سوم مغزی طرف راست شده اند. لطفاً بذل توجه فرمائید.

باتشکر

۷۷/۱/۱۷

نشانی: فلکه دوم تهرانپارس،.....

بنام فرمانروای مطلق کل همه جهان هستی

و به حق بهترین انسانهایش

حضور گرامی پدر دانشمند و استاد عظیم الشأن عالی جناب آقای

حسن رهبرزاده،

موضوع: دست شفا

از تقدیم بهترین سلامها و بهترین احترامها، چون اینجانب بر اثر خوردن زمین و نخته شدن خون در مغزم (سمت راست) دچار مشکل حاد بودم و یقین می‌دانستم که می‌باید تحت عمل جراحی مغز قرار بگیرم، لذا به واسطه مهر خداوند، خدمت جنابعالی رسیدم و حضرتعالی در طول یک جلسه ۳ دقیقه‌ای با مهارت خاص خودتان باعث شدید که نخته خون مغز اینجانب و سر درد شدیدم بر طرف گردد، لذا از حضرتعالی بدینوسیله صمیمانه‌ترین تشکرها را ابراز می‌دارم و از خداوند کریم و حکیم طول عمر پر برکت حضرتعالی را از محضر بزرگ حضرت حق صمیمانه و شجاعانه مسئلت می‌نمایم. با تجدید بهترین احترامها.

عبدالله

نیت پاک، برترین عمل است.

از گرانبهاترین فرامین حضرت رسول اکرم، حضرت محمد مصطفی (ص).

آدرس تهران - خیابان دامپزشکی... بین نواب... شماره... تلفن.....

بنام خدا

اینجانب مهستی ... دارای شناسنامه شماره ۵۰۴ صادره از تهران

فرزند... به عرض می‌رسانم که در سال ۱۳۷۵ دچار بیماری روحی و ضعف

اعصاب شدم و برای معالجه خدمت دکتر ط ... رسیدم. ایشان بعد از معاینه

مرا برای نوار مغزی به مرکز مغز و اعصاب ایران خدمت دکتر فر...، معرفی کردند. جناب دکتر ط...، بعد از خواندن نوار و معاینه نظریه خود را طی یک نامه برای دکتر ط...، نوشته‌اند در ضمن داروی پیشنهادی خود را در ادامه آن برای دکتر ط... متذکر شدند. بعد از اینکه من نامه را خدمت دکتر ط...، بردم، ایشان داروهای مذکور را برای من تجویز کردند و به من توصیه کردند که هر پانزده روز یک بار برای معاینه و تجویز دارو خدمت ایشان بروم. بعد از ۳ ماه مصرف، دارو که تأثیرات مطلوبی نداشت، بلکه تا حدودی هم نامطلوب بود. من متوجه شدم که باردار هستم و طی تماسی که با دکتر ط...، داشتم ایشان دستور قطع داروها را داد. بعد از حدود ۳ ماه قطع دارو دوباره دچار حالات شدیدتر روحی شدم به دلیل اینکه دکتر ط...، نوار مغزی را خوانده بود و دارویی را که دکتر ط...، برای من تجویز کرده بود نظریه دکتر ط...، بود من ترجیح دادم که نزد دکتر ط...، مراجعه کنم. ایشان بعد از اینکه متوجه شد من باردار هستم دارویی که قبلاً تجویز نموده بودند عوض کردند و توصیه نمودند حتماً باید دارو مصرف کنم. متوجه شدم که ایشان تشخیص بیماری صرع داده‌اند و من شروع به مصرف دارو کردم. و هر چه بیشتر دارو مصرف کردم حالات من هیچ تغییری نکرد به اضافه اینکه حالات جدیدتری نیز به من دست داد و چون حالات من شدیدتر می‌شد من مرتباً به ایشان مراجعه می‌کردم و هر بار ایشان مقدار داروی مرا اضافه می‌کردند باز هم حالات من شدیدتر می‌شد و ایشان هیچ توجهی به حالات جدید من نمی‌کردند و من احساس کردم که دکتر ط...، بیماری مرا نمی‌تواند تشخیص دهد زیرا هیچگونه بهبودی در خودم احساس نمی‌کردم. به همین دلیل به توصیه یکی

از آشنایان به یک پزشک داخلی بنام دکتر ش.ح... مراجعه کردم و ایشان بعد از معاینه تأکید کردند که بیماری من صرع نیست و هیچ احتیاجی به این داروها ندارم و تشخیص ایشان افسردگی مزمن بود و من داروهای دکتر پ... را به گفته دکتر ش.ح... قطع کرده و شروع به خوردن داروهای ایشان کردم و رفته رفته نسبتاً حالم بهتر شد و با توجه به این که ایشان دکتر داخلی بودند لازم دیدم که به یک دکتر متخصص مغز و اعصاب دیگر هم مراجعه کنم. و با معرفی یکی از آشنایان به دکتر ق... در بیمارستان لقمان الحکیم مراجعه کردم و تشخیص ایشان هم افسردگی بود نه صرع. وقتی که متوجه شدم که صرع ندارم، بهتر دیدم که دارو مصرف نکنم تا اینکه زایمان کردم و فرزند من به دلیل مصرف داروهایی که دکتر ط... تجویز کرده بود پس از زایمان به علت آشفتگی مغزی و نارسائی ریه فوت کرد. بعد از مدتی که از زایمان گذشت با توجه به این که فرزندم را از دست داده بودم حالتهای روحی من شدیدتر شد ولی با این حال به پزشک نمی توانستم مراجعه کنم چون اعتماد من نسبت به پزشکان کم شده بود. به توصیه یکی از آشنایان به دفتر استاد حسن رهبرزاده رفتم و ایشان بعد از اینکه صحبتهای مرا شنیدند به روش خودشان در دو جلسه مرا مداوا کردند. لازم به ذکر است در مدتی که من به پزشکان مراجعه کردم چیزی حدود ۳۰۰۰۰۰ تومان پول ویزیت دارو و ایاب و ذهاب دادم اما استاد حسن رهبرزاده بابت مداوا پولی از من دریافت نکرد. این بود که من سعی کردم ارتباطی دائمی با استاد داشته باشم و از کلاسهای ایشان استفاده کردم. لازم به ذکر است که شماره پرونده من در مرکز مغز و اعصاب ایران، الف - ۱۴۳۶ است و از محضر محترم دادگاه تقاضا

دارم از انسانهایی که مانند استاد حسن رهبرزاده از داشتن نیروهای خدادادی برای درمان بیماران بدون هیچ چشم داشتی استفاده می کنند حمایت شود. نه اینکه آنها را محکوم کنید. مهستی.....

با تشکر والسلام علیکم ورحمه الله وبرکات

آدرس: تهران، خیابان نواب، کوچه.....

- توضیح: این بیمار قبل از مراجعه به مؤسسه، شش بار مرتکب

خودکشی شده بود که خوشبختانه نجات یافته بود.

خیابان: کمیل، کوچه.....

بسمه تعالی

اینجانب محمد ابراهیم ساکن تهران به آدرس و تلفنی که در ذیل مرقوم می شود به عرض می رسانم که همسرمدتها دچار بیماری سردرد شدید بود و با مراجعه به پزشکان تشخیص دادند که این سردرد شدید از نوع میگرن است. بارها به پزشکان مختلف مراجعه کردم آزمایشهای گوناگون را تجویز کردند آنان داروهایی نیز دادند که با وجود خیلی سال پیگیری جهت معالجه و درمان همسرمدتها نتیجه ای نگرفتم و داروها تنها مسکن فعلی بودند این مشکل همچنان ادامه داشت تا اینکه یکی از دوستان آدرس رهبرزاده را به من داد و گفت ضرری ندارد سری به آنجا بزنید و با گرفتن وقت قبلی همسرمد

را نزد آقای رهبرزاده آوردم او هم معاینه کرد و گفت این ناراحتی ناشی از ناراحتی عصبی است، آنگاه طی یک مرحله او را انرژی درمانی کرد و گفت برای مرحله بعدی حدود سه ماه دیگر بیاید تا مراحل درمان کامل شود پس از رفتن به منزل و گذشت روزها با کمال تعجب متوجه شدیم که همسرم بدون اینکه دارویی مصرف کند سردردهایش کاملاً برطرف شده و در هیچ شرایطی سردرد سراغش نمی آید این مسأله ما را خیلی خوشحال کرد چون با رفتن پیش پزشکان متعدد و صرف هزینه سنگین هیچ نتیجه‌ای نگرفته بودیم اما اینک همسرم کاملاً در دسرهايش مرتفع گردیده بود و مدت سه ماه هیچگونه سردردی به سراغش نیامد در حالی که سردردهایش گاهی تا یک هفته هم طول می کشید و گاهی با تهوع و ناراحتی‌های دیگر همراه بود با توجه به این که آقای رهبرزاده گفته بود سه ماه بعد دوباره برای تکمیل دوره درمان مراجعه کنید، ما نیز با دفترش تماس گرفتیم که متأسفانه متوجه شدیم جلوی کارش را گرفتند و این مسأله باعث شد که نتوانیم دوره درمان را تکمیل کنیم و در نتیجه به مرور سردردهای همسرم شروع شد و هر روز بیشتر می شود در حالی که اطمینان دارم اگر این دوره درمان انجام گیرد بیماری همسرم برای همیشه خوب خواهد شد حتی اگر سه ماه به سه ماه هم تمدید شود باز بهتر از انواع داروها را خوردن و نتیجه نگرفتن است، چون خوردن دارو نیز عوارض جانبی دیگری را به وجود آورده بود به هر حال امید وارم که آقای رهبرزاده کارش را دوباره شروع کند چون من علاوه بر همسرم چند بیمار از خانواده و اقوام و خویشان خود را نیز معرفی کرده بودم و چون آنها هم نتیجه مطلوبی گرفته بودند تمایل داشتند ادامه درمان دهند اما متأسفانه کار

متوقف شده است نکته دیگری که قابل ذکر است من برای مراجعه به پزشکان دیگر جهت مداوای همسرم هزینه سنگینی را اعم از ویزیت پزشک - پول دارو - پول آزمایشگاه و غیره متحمل شده بودم اما برای مراجعه به آقای رهبرزاده کمترین هزینه را در بر نداشت و او گفت هر وقت نتیجه قطعی گرفتی و خواستی چیزی بده و در واقع مراجعه به او با توجه به نتیجه مطلوبی که گرفتم بدون هزینه بوده است. در پایان اعلام می دارم آنچه را که گفتم به آن اطمینان دارم و حاضرم در هر مرجعی شهادت بدهم. والسلام.
محمد ابراهیم....

نشانی: تهران، لویزان،.....، تلفن.....

بنام خدا

اینجانب زهرا..... به طور ناگهانی دچار درد کلیه شدم که با مراجعه به پزشک معالج با گرفتن عکس رنگی و آزمایش و سونوگرافی پزشک معالج دستور به بستری شدن به عمل جراحی کلیه دادند که با مراجعه به دفتر آقای رهبرزاده، تحت انرژی درمانی ایشان قرار گرفتم و بعد به پزشک معالج مراجعه کرده و ایشان دستور اسکن دادند برای عمل جراحی که نتیجه اسکن این بود که من احتیاج به عمل جراحی نداشتم و این نتیجه درمان یقیناً انرژی درمانی آقای رهبرزاده بود که من بهبودی کامل خود را بدست آوردم از ایشان بی نهایت سپاسگزار و ممنون هستم.
زهرا.....

آدرس: تهران، جوادیه،.....، تلفن.....

بنام خدا

محترماً به استحضار می‌رساند: اینجانب آرش....مدتها از ناراحتی اعصاب ((سرفاً عصبانیت و عدم کنترل و اختیار)) رنج می‌بردم. و بارها به دکتر بهمن.... واقع در ابتدای خیابان طالاقانی مراجعه کردم و متأسفانه نتیجه نگرفتم. به طور اتفاقی به جناب آقای دکتر رهبرزاده معرفی شدم و ایشان طی یک جلسه ناراحتی مرا درمان نمودند و همان طور که فرمودند طی یک هفته به کلی حالت عادی پیدا کردم و اینک زندگی راحت خود را مدیون ایشان هستم لازم به ذکر است تقریباً از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۷۵ ناراحتی حقییر شدت پیدا کرده بود که در سال ۱۳۷۵ توسط جناب رهبرزاده معالجه شدم.

نشانی: تهران، بازار پاچنار،.....تلفن.....

آرش....

بنام خدا

جناب آقای رهبرزاده استاد ارجمند با اهداء سلام لازم دانستم به استحضار برسانم اینجانب محمد حسن....در سال ۱۳۷۳ به ناراحتی ریه مبتلا شدم به چندین پزشک قلب و ریه مراجعه نمودم در بیمارستان آریا بستری شدم، که بهبودی نصیبم نشد به توصیه یکی از دوستانم خدمت شما رسیدم با مشکل فراوان چهار طبقه را بالا آمدم بعد از ملاقات با جناب عالی و اقدام آن استاد بزرگوار (خروج الکتریسیته منفی از بدن) حالم خوب شد به

طوری که به راحتی و بدون هیچ گونه ناراحتی در همان یک جلسه بهبود یافتم. ضمن تشکر برای آن استاد ارجمند سلامتی و طول عمر با عزت آرزومندم.

محمد حسن.....

۷۸/۳/۱۰

نشانی: نیاوران، خیابان مصطفی مقدسی،.....

بنام خدا

اینجانبان فاطمه..... و محمد رضا..... در تاریخ ۱۳۷۲/۶/۱۳ ازدواج کردیم، زندگی مشترک ما بسیار آرام و دلنشین می گذشت زیرا با توافقی که با هم داشتیم به مدت ۵ سال بچه ای از خداوند متعال نخواستیم، گذشت این زمان که به دید اطرافیان زمانی بسیار طولانی به نظر می رسید، تصمیم گرفتیم از خداوند تبارک و تعالی را طلب نماییم بعد از گذراندن شش ماه خبری از بارداری نشد، لذا به پزشک متخصص زنان مراجعه نمودیم اولین پزشک، خود او ناامیدمان کرد و گفت چون کار بیمارستانی انجام نمی دهد لذا ما به پزشکی دیگر مراجعه کنیم ناچاراً به پزشکی دیگر مراجعه کردیم هر کدام تجویز خود را برای هر دو ما انجام میدادند و داروها و آزمایشات متفاوتی انجام میگرفت. در دسرتان ندهم، بعد از تعویض شش پزشک و موسسه های رویان و امید که مراکز مربوط به این امر می باشند، موفق به آشنا شدن به این مرکز خیریه و جناب آقای رهبرزاده شدیم که خدا اجر معنوی به ایشان عطا فرماید با همان یک بار ویزیت که فقط روی اینجانب

انجام گرفت و یک سال مداوای بی فایده که بی نتیجه بوده به گفته جناب رهبرزاده که به من گفتند، پس از سه ماه که از این درب بیرون رفتی بچه‌ای زیبا خدا به تو می‌دهد: همان شد و در خرداد ماه بارداری مسجل شد و خوشحالی و شور شعف وجود ما دو تن را فرا گرفت، اشک شوق می‌ریختم و دعا گوی آقای رهبرزاده بودم و اسفند ۷۸ پسر کوچولوی ما زیبا و سالم بدنیا آمد به لطف خداوند و ارزش معنوی کاری آقای رهبرزاده. لازم به ذکر می‌دانم که اضافه کنم بماند که چقدر داروهای ۲۰ تا ۴۰ هزار تومانی مصرف کردم چقدر آزمایشات مختلف از اسپرموگرام و سونوگرافی و رادیولوژی از رحم که مرا به مرز مرگ برد و آورد، تست TUT و لاپاراسکوپی و غیره انجام دادیم و حالا ثمر آن را دیدیم خدا را شکر با تشکر فراوان. فاطمه.....

خدارا شکر

۸۰/۲/۵

آدرس: تهرانپارس، خیابان.....

بنام خدا

اینجانب ناهید..... تکنسین سیتی اسکن شاغل در بیمارستان دی گواهی می‌نمایم که مبتلا به ناراحتی اعصاب، دلشوره حالت ترس و سردرد شدید بودم و بارها به پزشک متخصص اعصاب مراجعه و بجز بدتر شدن حالت دیگری به من دست نمی‌داد و مصرف دارو نیز اثر بخش نبود خوشبختانه پس از دو تا سه جلسه مراجعه به آقای رهبرزاده بسیار بسیار بهبود یافته به

طوری که اکنون کوچکترین ناراحتی ای را احساس نکرده و به حالت طبیعی زندگی خودم برگشته امیدوارم که ایشان بتوانند به کار خود ادامه داده سایر مریضها رانیز معالجه نمایند ایشان به هیچ عنوان قصد سوء استفاده از موقعیت خود را نداشته و همواره در راه خدمت به مردم گام بر می دارند.

با تشکر از آقای رهبرزاده

آدرس: خیابان کارگر شمالی، خیابان شهید..... ناهید.....

بنام خدا

اینجانب پونه.....متولد ۱۳۵۱ دارای شماره شناسنامه ۸۵۳ حدود یک سال پیش به علت درد شدید معده و ریزش موی سر به آقای رهبرزاده مراجعه نمودم و به وسیله انرژی در مانی معالجه گردیدم و تا کنون نیز مشکلی ندارم همچنین در حدود ۸ ماه پیش نیز به علت ناراحتی چشمی به ایشان مراجعه نمودم که در این مورد نیز مشکلم رفع گردید در صورتی که برای این ناراحتی به پزشکان متعددی مراجعه کرده بودم، و هیچ نتیجه ای عاید نشده بود.

پونه.....

تلفن.....

تهران، تهرانپارس، خیابان.....

بنام خدا

اینجانب جمشید..... دارای شماره شناسنامه ۲۸۶۱ به تاریخ تولد

۱۳۵۰ هجری شمسی متولد و ساکن شهر تهران به علت انفجار گاز مایع بیش از ۷۰٪ بدنم در آتش دچار سوختگی شدید شد و مدت ۳۰ روز در بیمارستان سوانح و سوختگی شهید مطهری تهران بستری شدم و بعد از ترخیص شدن از این بیمارستان متوجه گردیدم که تمام اعضای سوخته شده من شروع به ساختن گوشت اضافه می‌کنند لذا همین گوشتهای اضافه اعضای سوخته من، مرا نگران کرد و بنده نیز خود را به دفتر جناب آقای حسن رهبرزاده رسانیدم و ایشان نیز بوسیله انرژی‌هایی که در خود دارند قسمتی از همین گوشتهای اضافه بدن مرا با یک جلسه انرژی درمانی کاملاً مداوا و سالم کردند و بنده مشاهده کردم که همان گوشتهای اعضای سوخته من بعد از گذشتن ۳ روز کمی گود افتاده و چاله‌هایی روی عضوهای سوخته من ایجاد شده و بعد همین چاله‌های ایجاد شده به مدت ۱۰ روز به پایان رسید و پوست واقعی خودم را نمایان کرد لذا بنده اعتقاد پیدا کردم که این استاد عزیز و ارجمند قدرتهایی را در خود از خداوند به موهبت دارند که موجب شفای بنده شد و همین معالجه باعث خوشحالی و حیرت من و خانواده‌ام گردید.

آدرس: میدان سپاه، خیابان سرباز، تلفن: جمشید.....

خوانندگان محترم با خواندن گزارشات تعداد معدودی از افراد جامعه و گزارش درمان شدگان که توسط انرژی درمانی سلامت کامل خود را پس از سالها رنج و مشقت و مصرف دارو و مخارج هنگفت و... به دست آوردند، توجه فرمودید که انرژی درمانی علم و عمل و روش جدیدی است که مسئولین هر جامعه و حتی در سطح جهان لازم است که در این زمینه تصمیم گیری جدی و قاطعی، بدون در نظر گرفتن سود یا زیان افراد خاصی و برای سلامت نیازمندان جوامع بعمل آورند. حتی بصورت تبلیغی برای حفظ سلامت افراد، به آنها بگویند به محض اینکه احساس ناراحتی و درد و... در هر قسمت از بدن خویش نمودند قبل از مصرف دارو و عمل جراحی و... در مرحله نخست می بایست به مراکز انرژی درمانی که هیچ نوع خرج اضافی یا اثر سوئی در جسم و روح آنها بجای نمی گذارد مراجعه کنند و چنانچه از این طریق نتوانستند به نتیجه مطلوبی دست یابند، پس از آن می بایست به پزشکان متخصص برای رفع ناراحتی های خویش اقدام نمایند، ضمن اینکه در انرژی درمانی هم در دنیا افراد متخصص وجود دارد و هر درمانگری، به نوع خاصی از ناراحتی ها تسلط دارد و آنها را درمان می نماید و یقیناً هر مریضی می داند که با انرژی درمانی نمی شود شکستگی و پارگی و مسدومیت و مسمومیت و... را از بین برد، بلکه می شود نیروهای بدن، به خصوص قدرت اعصاب را در تمام قسمت های بدن، حتی درون سلولی تقویت کرد و موجب گردید که امواج و عوامل نامتجانس خارجی نتوانند در آنها نفوذ کنند و در نتیجه عدم تجاوز به سلول ارگانهای مختلف، می بایست یا این نیروهای منفی از محیط خارج شوند یا اینکه تسلیم قدرتهای قوی تر جسم

و روح و روان فرد گردند.

روش انرژی درمانی را در مرحله نخست اگر پزشکان که شناخت کافی از کلیه ارگانهای بدن دارند بیاموزند به مراتب بهتر است، ولی اگر افراد عادی با خواندن این کتاب یا سایر کتبی که در این زمینه در جهان چاپ می‌شوند تصمیم به انرژی درمانی گرفتند، حتماً باید شناخت کافی از قسمت‌های مختلف بدن و غدد و اعمال آنها داشته باشند و حتی امراض را در حد مقدماتی بتوانند بشناسند که آیا با انرژی درمانی می‌شود آنها را معالجه کرد یا خیر، در غیر اینصورت هرگز نباید درمان مریض را به تاخیر اندازند و باید از مریض بخواهند که هر چه سریعتر خود را به پزشک متخصص آن مرض معرفی کند و چنانچه کلیه معالجات بالینی و... در او مؤثر واقع نشده بود و در اصل فرد مراجعه کننده جزو و اخوردگان علم پزشکی بود، آنگاه باید از او بخواهد تا در مرحله نخست رعایت کلیه دستورات پزشک معالج خود را ادامه دهد و مدتی هم به انرژی درمانی بپردازد تا به امید خدا، سلامت خویش را بدست آورد ضمن اینکه برای مریض، تنها کسب سلامت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و برای او مهم نیست که چه شخص یا با چه وسیله‌ای او را درمان نموده‌اند، و این مطلب را به این دلیل نوشتم که هنوز انرژی درمانی در اکثر کشورها بخصوص ایران از جایگاه خاصی برخوردار نیست، لذا در این زمینه اعتراضی هم پیش نیاید.

قبل از اینکه خواسته باشید مطالب آموزش و روش درمانهای مختلف این کتاب را بخوانید، باید به این نکته بسیار مهم اشاره نمایم. هر فرد دارای قدرت و انرژی خاصی است و هر چه بتواند بگونه‌هایی که در این کتاب بیان

گردیده، آنها را تقویت کند، به همان نسبت هم روش و زمان و تجربه درمان نمودن وی تغییر می یابد.

فرضاً در این کتاب زمان مدت انرژی دادن ها را به مراکز مختلف بدن مریض ها، من (نویسنده) بر مبنای شناخت و قدرت نیروهایی که خودم بدست آورده و به آن عمل می نمایم نوشته ام، ولی ممکن است زمان انرژی دادن برای فرد دیگری با نیروی مازادی که دارد تغییر کند.

برای مثال، من برای درمان از ثانیه ها استفاده می کنم، ولی ممکن است این زمان برای دیگری حتی تا دو دقیقه به طول انجامد و به همین علت هم تأکید فراوانی برای شناخت انرژی مازاد و نیروهای افراد نسبت به خودشان نموده ام که هر شخص بتواند خود را بشناسد و نیروهای خویش را اندازه گیری نماید و پس از آن بر مبنای برداشتهای عقلی و علمی درمانهایی را که انجام می دهد، اقدام به انرژی درمانی نماید، یعنی اگر مدت سی ثانیه انرژی دادن در سوژه اثری نکرد، برای بار دوم می بایست از زمانی حدود یک دقیقه انرژی دادن به محل اتصال ریسمانهای نقره ای استفاده کند تا با همین تغییرات و بدست آوردن معیارهای تجربی، قدرت و انرژی خویش را نسبت به زمان مورد نیاز بدست آورد.

حالت‌های تکاملی نسل بشر را بشناسید

آنگاه خود را در مان نمایند

از بدو خلقت، بخصوص از زمان شناخت‌های علمی و الهی نسل بشر در این کره خاکی، همیشه افراد دستخوش عوامل مختلف محیطی یا درونی و اعتقادی خویش بوده و هستند، زیرا تمام عناصر و موجوداتی که در سطح این کره وجود داشته‌اند و هستند، از جماد و نبات و حیوان و نسل بشر همیشه در حال تغییر و دگرگونی بوده‌اند، کما اینکه از نظر علم انسان شناسی یا زیست‌شناسی و... در نسل‌های گذشته بشر افرادی زندگی می‌کرده‌اند که شکل ظاهری آنها مانند شکل کنونی ما نبوده و یا حیواناتی در سطح این کره می‌زیسته‌اند که دیگر زندگی نمی‌کنند و یا تغییر شکل و حالت داده‌اند.

از نظر حالت‌های روحی گاهی اشخاصی را در این کره می‌توان یافت که از خوبی و درستی و پاکی بی‌همتا می‌باشند و از نظر علم و عرفان گاهی تا مرز شناخت کامل الهی پیش رفته‌اند و از سوی دیگر، در همین جامعه کسانی زندگی می‌کنند که از نظر روحی و اخلاقی و رفتاری به مراتب پست‌تر از حیوانات می‌باشند و هیچ عملی غیر از شیطانی و ناپاکی جنگ ستیزی و... ندارند. برای اینکه در زندگی بتوانیم پی بوجود و دلیل این اختلاف ببریم، قبل از شناخت‌های اجتماعی باید نظری به اصل خلقت بیافکنیم و علت این اختلافات را در آن جستجو نمائیم و بدانیم که خلقت از کجا شروع شده که امروز این حالت‌های مختلف را در آن می‌توان مشاهده کرد.

زمانی که از نظر علمی و الهی به چگونگی بوجود آمدن خلقت در عالم و

کائنات نظری بیافکنیم، متوجه سه نظریه کلی در این زمینه می‌شویم.

۱- اغلب ادیان بر این باورند که این عالم وهستی در یک زمان بخصوص بوسیله خداوند یکتا شکل گرفته و بوجود آمد است و کلیه موجودات در آن، بعداً به حکم خالق تولید شده‌اند.

۲- دانشمندان (و پژوهشگران علم زیست و زمین‌شناسی و... جهان) همگی بر این باورند که تمام مواد اولیه و عناصر مادی عالم در میلیاردها سال پیش از پیدایش جهان در اثر ترکیب و اختلاط و امتزاج گازهای فشرده و متراکمی که در خلقت وجود داشته‌اند، در اثر یک انفجار بزرگ که در بدو امر میلیونها درجه گرما بوجود آورده است (بیگ بنک) تولید شده و این کرات در اثر گردش و قدرت اولیه همان انفجار به نقاط مختلف خلقت پراکنده شده‌اند و بعد از گذشت ملیونها سال، به مرور زمان عالم و خلقت به این شکل کنونی در آمده و نظم گرفته است و کلیه عناصر و موجودات سطح کرات نیز در اثر ادامه تکامل‌های مختلف از جمادی به گیاهی و از گیاهی به حیوانی و... بوجود آمده‌اند و چنانچه در حال حاضر نیز به مسیر تکاملی کلیه موجودات و عناصر عالم منجمله همین کره خاکی توجه گردد، به وضوح در می‌یابیم که تمام موجودات به گونه‌ای زنجیر وار و وابسته به یکدیگر، پیوستگی ذاتی و درونی دارند و گوئی تمام موجودات و عناصر عالم، همه بدنبال هم قرار گرفته‌اند و به دلیل قدرت عقلی ای که در تمام عناصر و موجودات وجود دارند، لذا هر عقلی در پی عقل کاملتر از خود بوجود می‌آید و خلق می‌گردد.

۳- اخیراً دانشمندان و اخترشناسان در خلقت به مجموعه‌ای در

کهکشان برخوردده و آنرا شناسایی کرده‌اند که بطور دائم در حال ساختن

ستاره و سیاره بوده و به قسمت‌های مختلف خلقت زمینهای پروردگار که قطر آن حدود دو میلیارد و پانصد هزار سال نوری است، انتقال می‌دهند، یعنی در زمانی که به علت پیری و گذشت زمان، ستاره یا سیاره‌ای در عالم از بین می‌رود، ستاره یا سیاره جدیدی جای آن را می‌گیرد تا کمبودی در خلقت بوجود نیاید، عمل این مجموعه سازنده را در خلقت، می‌توان به عمل آب در روی کره زمین خودمان تشبیه نماییم آنگاه بهتر می‌توان به عظمت خلقت در زمینه ساختن ستاره و سیارات پی برد.

همانگونه که می‌دانیم، آب سطح دریاها و... زمانی که تبخیر می‌شوند به سطح بالای زمین انتقال می‌یابند و در آنجا توسط انرژی باد به نقاط مختلف انتقال می‌یابند و پس از مدتی در اثر برخورد با برودت، بصورت ابر در می‌آیند و باد مجدداً ابرها را به نقاط مختلف اطراف کره زمین می‌برد و در محل‌های خاصی شروع به باریدن می‌کنند و مجدداً همان آبهایی که روزی بصورت بخار در آمده بودند، مجدداً به شکل آب بر سطح کره خاکی نزول می‌کنند و اغلب راه همان دریاهایی را که بخار آب از آنها بر خواسته بود پیش می‌گیرند و مجدداً وارد دریا می‌گردند و تقریباً نقصانی در سطح و اصل اقیانوسها بوجود نمی‌آید. باید به وجود آمدن این کرات که بصورت ستاره و سیاره در آن مجموعه بوجود می‌آیند و وارد خلقت می‌گردند را عملی مشابه همان تبخیر آب و نزول باران و... در نظر گرفت، یعنی زمانی که ستاره یا سیاره‌ای منهدم یا نابود می‌گردد، این عمل به آن معنی نیست که تمام انرژی و قدرتهای سازنده آن، برای همیشه در خلقت محو و نابود شده است. بلکه ماده در شرایط خاصی بصورت انرژی درآمده که این انرژی مانند همان بخار آب

در خلقت به حرکت در می‌آید تا به آن محل یا مجموعه سازنده ستاره و یا سیاره می‌رسد و بصورت توده‌ای فشرده‌تر در می‌آید که این عمل همان تولید ابر در بخار آب است و این امواج در همان مجموعه بصورت مادی، کرات جدیدی را می‌سازند و عقل خلقت یا آن مجموعه، این کرات را به همان محل‌هایی که چندی قبل کرات آنها محو و ناپدید شده بودند، برای حفظ تعادل و تسلسل تکامل روانه می‌نماید.

ابتدا باید گفت مطلبی که در بالا بیان شده در حال حاضر بصورت یک نظریه یا فرضیه است تا روزی به صورت واقعی و عملی‌تر در آید و در اختیار افراد جوامع بشری قرار گیرد و از مسیر چگونگی بوجود آمدن ستاره و سیاره در حال حاضر نیز پرده ابهام برداشته شود کما اینکه با کشف این منظومه جدید، بر بسیاری از سئوال‌ها، پاسخ علمی داده شده است، ضمن اینکه اکثریت قریب به اتفاق قوانینی که امروزه در فیزیک و شیمی و جهان و... وجود دارند بدو به صورت فرضیه‌ای بیش نبوده که بعدها با حقایق علمی و عملی‌تری به اثبات رسیده‌اند.

در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم، نسل بشر با دست‌یابی به رایانه و اعمال و حرکات عجیبی که این سیستم‌های علمی می‌توانند محاسبه نمایند، نسل بشر و علم محیط با شناخت و آگاهی‌های بسیار شگفت‌انگیزی دست یافته که حتی تصور آن در اوایل قرن بیستم هم برای آنها قابل قبول نبوده و مسلماً در چند دهه یا قرن آینده نیز قادر خواهد شد، بر بسیاری از ناشناخته‌ها تسلط یابد و مطالبی که امروزه برای ما بعنوان قدرت‌های ناشناخته و فرضیه و خارج از درک و فهم می‌باشند را بصورت عملی درآورد

و در اختیار افراد قرار دهد و حتی بر بسیاری از آنچه امروزه بعنوان قانون پذیرفته‌ایم، خط بطلان بکشد و مطالب دیگری را در قبال آن ارائه نماید.

در بین مخلوقات نسل بشر که نهایت ادامه تکامل حیوانی است، آنها را می‌توان بعنوان عالی‌ترین مخلوقات کرده‌خاکی دانست، زیرا این تیره حیوانی از نظر عقلی و روحی از تمام موجودات برتر است. در بین این نسل بشر نیز تیره‌های مختلفی را از نظر تکامل عقل و روح می‌توان یافت که هر یک از آنها دارای اختلافات زیادی از نظر شعور و خصلت با سایرین می‌باشد که به طور کلی این تیره را می‌توان به چهار گروه بشر - آدم - انسان - انسان اولی تقسیم بندی نمود.

۱- بشر: با توجه به اینکه این گروه زندگی انفرادی، اجتماعی و... دارند و حتی در حد تکاملی خویش تعقل می‌نمایند، معذالک هنوز خوی حیوانی در آنها به چشم می‌خورد و دارای خصوصیات هستند که دائماً موجب اذیت و آزار و ناراحتی و حتی قتل نفس و جسم هموعان خود می‌شوند، با توجه به اینکه بسیاری از آنان در جهان در مشاغل بزرگی هم دیده می‌شوند، ولی جزو ناراحت‌کنندگان افراد اجتماع و جامعه خویش هستند و در ذات و وجود این گروه، درستی، صداقت، پاکی، گذشت، صفا، صمیمیت، ایمان واقعی به خالق و حتی محبت به خانواده و اجتماع و اطرافیان و... وجود ندارد و ضرر و زیان این گروه به اشکال مختلف به هر گونه‌ای به دیگران می‌رسد، ولی سود اخلاقی، اجتماعی، معنوی، علمی، مادی، کاری و... آنها هرگز متوجه هیچ کس دیگری نمیشود و این گروه اغلب به افراد خانواده خود هم رحم و شفقت ندارد. و اغلب در حال زجر دادن و اذیت و آزار آنان به طرق مختلف می‌باشند

و به همین علت است که خداوند متعال در کتب آسمانی به نسل بشر می‌فرماید: به شغل و مقام و ثروت خود مغرور مشو، چون تمامی آنها را برای آزمایش، به شما داده‌ام و آنها به این مهم توجه ندارند و در جای دیگری خدا می‌فرماید: در بین شما افرادی زندگی می‌کنند که از حیوانات پست‌تر می‌باشند، هدف پروردگار این گروه می‌باشد.

۲- آدم: این گروه تکامل یافته‌تر از بشر می‌باشند و تا اندازه‌ای خوی حیوانی از آنها دور شده و برتری این نسل از گروه قبلی در این است که نه سود آنها به کسی می‌رسد و نه زیان آنان متوجه اشخاص دیگر می‌شود و این افراد در زندگی فقط به فکر خود می‌باشند و اغلب به زندگی خانوادگی خویش نیز توجهی می‌نمایند و این گروه نیز از نظر اجتماعی و اخلاقی و خانوادگی و... مفید به حال جامعه کوچک و بزرگ خود نخواهند بود.

۳- انسان: این گروه از افراد نسل بشر، از نظر حالت‌های روحی و اخلاق و رفتار، اختلاف بسیاری با گروه‌های قبلی دارند، چون در همه احوال علاوه بر اینکه به فکر خود و خانواده خویش... هستند، به فکر دیگران هم می‌باشند و کوشش دارند تا بگونه‌ای در حد امکانات بتوانند به اطرافیان خود سود برسانند و این سود می‌تواند عقلی، عملی، قلمی، قدمی، مادی، و الهی و محبت و... باشد.

۴- انسان اولی: پیشرفته‌ترین افراد نسل بشر را انسان‌های اولی تشکیل می‌دهند، چون آنان در مسیر تکاملی، از نظر حالت‌های روحی و شناخت قدرتهای الهی به درجه نهایی رسیده‌اند. این نوع اشخاص را بطور پراکنده در بین افراد جوامع نسل بشری می‌توان دید و آنها در تمام مراحل زندگی

کوشش دارند تا بگونه‌ای به دیگران سود برسانند، حال اگر این عمل گاهی به زیان خود آنها نیز تمام شود در حد عقلی آن را انجام خواهند داد و در بین این دسته از اشخاص که تعدادشان در جوامع بسیار اندک است می‌توان رسولان الهی یا خلیفه خدا را یافت و زمانی که خداوند در کتب الهی می‌فرماید من در بین شما خلیفه یا افراد برتری را بصورت شناخته شده و یا ناشناس گمارده‌ام تا بوسیله آنان راهنمایی شوید، منظور پروردگار این گروه از افراد نسل بشر است نه اشخاصی که هنوز به خودشناسی نرسیده‌اند تا چه رسد که خداشناس شده باشند و بتوانند در راه حق و حقیقت و درستی گام بردارند و خلیفه خدا در سطح کره خاکی باشند! با توجه به مطالب فوق به این نتیجه می‌رسیم که هر فردی در جامعه دارای خو و خصلت و حالت روحی خاص خود می‌باشد با حالت دیگران تفاوت دارد، یعنی اگر خواسته باشیم در مورد خو و خصلت تمام افراد مطلبی بنویسیم می‌بایست برای هر فرد جهان، یعنی امروزه که حدود شش میلیارد و چند میلیون فرد در سطح کره خاکی زندگی می‌کنند، به همان تعداد حالت‌های روحی نیز ذکر گردد که این تقریباً جزو نشدنی‌های روزگار است. و تا زمانی که فردی در قالب بسته یا چهارچوبی از مقررات و قوانین خانوادگی یا اجتماعی قرار دارد، خود را با محیط و معیارهای آن چهار چوب وفق می‌دهد و اعمالی را مرتکب می‌شود که قانون گذار یا مربی از وی می‌خواهد، ولی به محض اینکه روزی آن چهار چوب یا فشار از روی او برداشته شود، آنگاه وی شخصیت حقیقی و ذات اصلی خویش را نشان می‌نماید و اعمال و حرکاتی را مرتکب می‌شود که قوانین آن با چهار چوب قبلی کاملاً متفاوت است، کما اینکه فرد خلافت‌کاری را که زندانی

است، مدتی در چهار چوب قوانین و مقررات زندان اداره می‌نمایند و آن شخص هم از نظر وجودی با آن حالت مدتی خود را عادت می‌دهد و مسئولین با مشاهده این حالت‌های جدید تصور می‌کنند که ذات آن فرد در اثر فشارهای زندان و دوری از خانواده و اجتماع و... تغییر یافته و احتمالاً پس از مدتی، زمان حبس او را تخفیف می‌دهند و آن شخص آزاد می‌شود، ولی پس از مدتی که خود را از قید و بند و فشار قوانین و آن چهار چوبی که در زندان برای وی بوجود آورده بودند رها می‌بیند، از آن پس، حالت وجودی خویش را که پیروی اجباری از مقررات و چهار چوب بسته‌ای بود که او را در بند نگهداری می‌کرد، تغییر می‌دهد و به دنبال ذات خویش که همان خلافاکاری است می‌رود و مجدداً در بند می‌شود که مشابه چنین افرادی را در سطح تمام قسمت‌های جوامع بشری می‌توان به حد و فور یافت. و به همین علت هم وراثت‌های مختلف و متفاوتی را علما و دانشمندان در سطح کره خاکی بیان کرده‌اند که در اینجا ما با یک وراثت جدیدتری که سازنده قدرتهای روحی و چگونگی حالت افراد جامعه در خودشناسی است مواجه می‌شویم که متأسفانه تا امروز این وراثت به صورت روشن و واضح از سوی اساتید و دانشمندان جهان بیان نگردیده و شاید هم من این مطلب را، در کتابی نخوانده باشم، ولی کسانی که از این نوع وراثت که نام آن را وراثت روحی گذارده‌ام آگاهی یابند، از آن پس به مراتب بهتر و جدی‌تر میتوانند با حقایق هستی و قدرت روحی که در بدو تولد بر اسپر ماتزوئید و اول دمیده می‌شود آشنا شوند و علت اینکه چرا فرزندی خوی پدر یا مادر خود را نگرفته و با اعمال و اخلاقی کاملاً متفاوت با آنها به زندگی خود ادامه می‌دهد پی ببرند

از نظر علم روحی وراثت بر دو گونه است

الف: وراثت جسمی: این وراثت عبارت از انتقال صفات معین و ویژگیهای فیزیکی بدن مادی والدین به فرزندانیشان می باشد و وراثت جسمی را می توان به چهار دسته کلی تقسیم کرد.

۱- وراثت مشهود = فردی صفات و مشخصه‌ای را از والدین خود، از نظر شکل ظاهری بدن مادی به ارث می برد و گاهی این امر کاملاً مشهود و قابل رؤیت برای همگان است که در این شرایط، فرزندى به طور کامل یا قسمتی از بدن شبیه پدر یا مادر خود گردیده است.

۲- وراثت غیر مشهود = در این وراثت‌ها فرد صفات و مشخصه‌ای را دارد که شباهت به پدر و مادر خود نیست، ولی زمانی که به شجره نامه او مراجعه گردد متوجه می شوید که کودک به جد یا جده پدری یا مادری خود رفته است و از نظر شکل و قیافه یا قسمتی از بدن شبیه آنهاست.

۳- وراثت مختلط = در این وراثت‌ها، افراد از نظر جسمی دارای صفات یا مشخصه‌هایی از دو وارث ظاهری فوق را ندارند، ولی شکل آنها به اقوام درجه ۲ یا ۳ خود، مانند خاله دایی و عمو و عمه و خاله یا فرزندانیشان شبیه می باشند.

۴- وراثت آزاد = در این نوع وراثت‌ها فرزندی که متولد شده است از نظر شکل ظاهری و جسمی کاملاً آزاد است، یعنی شبیه هیچیک از موارد فوق یعنی والدین یا اقوام خویش نمی باشد.

ب = وراثت روحی: این نوع وراثت هیچ ارتباطی به حالت جسمی افراد ندارد، ولی در زمینه حالت‌های روحی آنها بسیار چشم گیر و قابل اهمیت است.

زیرا حالات روحی و خصوصیات رفتاری فرزندان یک خانواده معمولاً هیچ گونه شباهتی از نظر روحی به یکدیگر و حتی پدر و مادر و سایر اقوام ندارد، چون با این عمل در می‌یابیم که وجود این تفاوت‌های روحی، هیچ ربطی به وراثت ژنتیکی آنها نخواهد داشت، زیرا نحوه تربیت خانوادگی و محیط خانواده و آموزش اجتماعی و... تاثیر چندانی نمی‌تواند در رشد حالت‌های روحی کودک داشته باشد، چون این خصوصیات رفتاری مربوط به روحی است که هنگام ترکیب شدن اسپرماتوزوئید با اوول، از سوی خلقت به نطفه دمیده شده و به همین دلیل هم حالت روحی فرزند هیچ شباهتی با حالات روحی والدین و... ندارد.

وراثت‌های روحی را از نظر حالت‌های اخلاقی و کرداری و رفتاری افراد، در جوامع می‌توان به سه دسته عمده تقسیم بندی کرد. **۱ - وراثت تکمیلی:** این نوع وراثت مربوط به کسانی است که در این حیات ادامه تکامل زندگی قبلی خود را می‌گذرانند، یعنی مردی که در زندگی قبلی اش مرد بوده است در این تولد نیز مرد خلق شده و زن قبلی زن خلق شده است، زیرا حالت‌های روحی و رفتاری و کرداری هر کدام از آنها از هر نظر بطور کامل می‌باشد، ولی از نظر اعمال و حرکات دیگر با هم متفاوت هستند و دارای خو خصلت عملی، اجتماعی، خانوادگی و... متفاوتی نسبت به یکدیگر می‌باشند و در هر تکاملی که باشند فقط اعمال زن و مرد بودن آنها کامل است.

۲ - وراثت صعودی: این وراثت مربوط به کسانی است که از حالت احساسی به حالت عقلی صعود کرده‌اند برای نمونه در این گروه زنانی را

مشاهده می‌کنید که در زندگی رفتار و حالت و اعمال مردان را از خود بروز می‌دهند و هم نشین آنان اغلب مردان هستند. چون از مصاحبت با آنان احساس آرامش بیشتری می‌نمایند و ارضاء می‌شوند. که متأسفانه اکثر افراد زمانی که با چنین افرادی مواجه می‌شوند به علت عدم شناخت و دانش کافی نمی‌دانند که بروز چنین حالت‌هایی مربوط به حالت روحی آنها است نه خواست نفسانی و جسمی.

۳ - وراثت نزولی: افرادی که در این گروه قرار دارند، معمولاً از حالت‌های عقلی بسوی رفتار احساسی پیش می‌روند، یعنی در جوامع مردانی را می‌توان دید که در طول زندگی خود سعی دارند رفتار و حالت زنان را تقلید کنند، یعنی لباس زنانه بپوشند و خود را به شکل ظاهری آنان در آورند، که در این مورد هم اکثر افراد جوامع برداشته‌های بسیار نامناسبی را برای این قبیل از افراد دارند و نمی‌دانند که بروز چنین حالت‌هایی مربوط به تغییرات تکامل روحی آنها است. زیرا وراثت‌های روحی مربوط به حالت و قدرت‌های تن پوش در مسیر تکاملی روح است. که قسمتی از حالت و وضع زندگی‌های قبلی بشخص را در این تولد با خود ارائه می‌دهد. زیرا تن پوش همیشه به روح شخصیت و به جسم شکل و حالت تکاملی آن دوره از زندگی تکاملی را می‌دهد.

تن پوش، در طی زندگی‌های مختلف، و تا شروع زندگی در جهان چهارم روحی، تغییرات زیادی پیدا می‌کند که در اشکال مختلف و در تولدهای متفاوت، خود را نشان می‌دهد و ثقل و سنگینی خود را بتدریج از دست می‌دهد، تا اینکه روزی بطور مطلق تغییر امواج داده و کم‌کم خالص تر شده و جنس

روح را به خود بگیرد و در نهایت به جهانهای روحی بالاتر صعود نماید. یکی از شگفتی‌های خلقت موجودات، بخصوص در نسل بشر، وجود تن پوش یا جسد اثیری، یا قالب مثالی آنها می‌باشد که دارای حالت و اعمال و مشخصات بسیاری است و نقش عمده‌ای را در تکامل حیات مخلوقات از خود بروز می‌دهد.

برخی از مشخصات تن پوش در نسل بشر را به شرح زیر می‌توان بیان نمود.

۱= نظر به اینکه روح عنصری است لطیف و سیال و الهی و نمیتواند در جسم مادی خشن و سخت بطور مستقیم قرار گیرد. لذا روح وارد تن پوش می‌شود، و تن پوش است که رابط اتصال روح با بدن را برقرار می‌کند.

۲= تن پوش مانند غلافی تمام بدن را احاطه کرده است و به کلیه سلولها، از هر نظر، اثر مستقیم می‌گذارد.

۳= روح و تن پوش پس از جدا شدن از بدن فرد زنده، تظاهراتی را انجام می‌دهند. مثلاً گاهی اتفاق می‌افتد که فردی را همزمان در دو محل جداگانه می‌توان دید، که به آن دوگانگی روحی یا زوجی بودن یا همزاد و فانتوم و... نیز گفته می‌شود. پس از مرگ هم مسلماً این نوع تظاهرات را روح و تن پوش، کامل‌تر از زمان حیات می‌تواند انجام دهند.

۴= تمام ملکات اخلاقی و شخصیتی فرد در تن پوش وی جمع است. و این تن پوش کاملاً تابع قدرت روحی فرد است و به همین علت هم ملکات و حالات گذشته را در هر زندگی، بعنوان ذات از خود بروزی می‌دهد و با رفتار و اخلاق و خصوصیات رفتاری در هر فرد متجلی می‌شود.

۵=روح، تن پوش را در تمام دوران تکامل با خود همراه دارد، و در هر تولد و تکامل شکل و قیافه و شخصیت خاصی را به نسبت ادامه مسیر تکاملی به فرد می‌دهد.

۶=پس از فرار رسیدن مرگ و قطع شدن طنابهای نقره‌ای، روح همراه تن پوش جسم را ترک می‌کند، و به جهانهای روحی مربوطه عزیمت می‌نماید.
۷=وظیفه اصلی تن پوش در این است که در هر تولدی به روح شخصیت و به جسم شکل بدهد.

۸=پس از ورود روح به جهان چهارم روحی، روح به پاس خدمات تن پوش، امواج آنرا بتدریج تغییر داده و مطابق امواج خود می‌کند، تا در نهایت قابلیت جذب شدن به جهان پنجم و ششم و هفتم روحی را داشته باشد.
رابطه تن پوش با جسم مادی نیز یکی دیگر از عجایب و شگفتی‌های آفرینش نسل بشر است، چون برخلاف تصور عده بسیاری از افراد جامعه که در حیات خویش، فقط جسم مادی را می‌شناسند، وجود حیات همین جسم، در اصل مربوط به قدرت تن پوش یا جسم اثیری وی است. زیرا کالبد مادی بدون وجود جسم اثیری توانایی ادامه حیات و هیچ تحرکی را ندارد و ذیلاً جهت آگاهی بیشتر خوانندگان محترم مطالب مختصری در این زمینه بیان می‌گردد تا در این باره شناخت بیشتری حاصل گردد.

۱=تمام موجودات زنده دارای نوعی تن پوش یا جسم اثیری هستند. که مشابه جسم مادی آنها می‌باشد.

۲=هر گاه جسم اثیری بطور کامل از جسم مادی جدا شود، جسم مادی از همان لحظه شروع به تجزیه و متلاشی شدن می‌کند.

۳= جوهر ذاتی جسم اثری با ماده تفاوت بسیاری دارد و به همین علت هم بطور دائم نمی‌تواند با آن زندگی کند.

۴= جسم اثری مرکز و محل عقل و احساس و نیروی حیات در موجودات جاندار است، کما اینکه تک یاخته‌ای ها هم دارای عقل و نوعی احساس می‌باشند.

۵= جسم اثری یا تن پوش است که در هر حیاتی موجب شخصیت دادن به روح و شکل دادن به جسم مادی می‌گردد.

۶= پس از مرگ جسم مادی، بسیاری از صفات موجودات زنده در جسم اثری آنها همچنان باقی می‌مانند تا در زندگی دیگر بنام ذات آنها متجلی شود، کما اینکه گاهی مشاهده می‌شود کودک خردسالی رهبر ارکستهای بزرگ جهان می‌شوند یا در نوجوانی خلاقیت‌هایی دارند که از سن و علم آنها خارج است.

۷= ضمیرهای مختلف نسل بشر (مانند آگاه، ناخودآگاه، سیار) در تن پوش قرار دارند و مطالب مربوط به گذشته‌ها همیشه در آن ثبت می‌باشند.

۸= پس از مرگ جسم مادی، جسم اثری که کلیه نیروهای عقلی (شعور، درک و غیره) را به‌مراه دارد، بدون وجود مغز مادی، تمام اعمال عقلی را اداره کرده و همه افعال لازم را انجام می‌دهد، زیرا قدرت و حرکات و اعمال ارواح پس از ترک جسم مادی دلیل وجود این حقیقت است.

۹= تن پوش توسط چهارده رشته نقره‌ای در نقاط مختلف مشابه در تن پوش، به بدن وصل است و هر یک از این رشته‌ها دارای قدرتهای خاص، در درمان‌های روحی و جسمی افراد، می‌باشند که زرد پوستان تعداد آنها را

کمتر و چاکراه می نامند.

۱۰= پس از مرگ و جدا شدن ریسمان های نقره ای از جسم مادی، آنها به تن پوش متصل می شوند و قدرت اولیه خود را بدست می آورند.

۱۱= اگر جسم مادی فردی آسیب ببیند و یا عضوی از آن قطع شود، جسم اثری یا تن پوش وی همچنان سالم باقی می ماند. کما اینکه افراد فلج و مریض اکثراً خود را در زمان خواب سالم می بینند، چون در زمان خواب، آنها تن پوش یا بعد دوم خود را مشاهده می نمایند که سالم است.

رابطه روح با تن پوش

محل استقرار روح در تن پوش است و علت آن شرایط خاصی است که در تن پوش برای این منظور وجود دارد. که ذیلاً به شرح قسمتی از آن می پردازیم.

۱= برتری حسن تن پوش در این است که گاهی می تواند بصورت نوعی ماده و زمانی هم چون روح بصورت امواج، سیال باشد. لذا روح به سهولت می تواند در آن جای بگیرد.

۲= امواج روح و تن پوش بر تمام قسمت های جسم مادی، و حتی درون سلولها تسلط کامل دارد و قدرت آنها را اداره کرده و تحت تسلط خود دارد.

۳= در زمان خواب، روح و تن پوش از جسم مادی خارج شده از آن فاصله می گیرند. ولی رابطه آنها بوسیله ریسمان های نقره ای همچنان برقرار باقی می ماند، این حالت در زمان بیداری هم برای معدودی از اشخاص رخ می دهد که آنرا دوگانگی روحی یا برون فکنی می نامند. و در این شرایط جسم

اثیری و روح آسیب‌پذیر نیستید.

۴= در تن پوش تمام خاطرات حیات‌های گذشته و حال جمع است و هر فردی همیشه آنها را به زندگی‌های بعدی خویش انتقال می‌دهد، ضمن اینکه در کلیه تولد و تکامل‌ها روح و تن پوش یکی است و هر بار خالص‌تر از دوره قبلی خود می‌گردد.

۵= وجود تن پوش باعث می‌گردد که هاله‌هایی در اطراف بدن جانداران بوجود آید که این هاله‌ها در سلامت حالت‌های روحی افراد، نقش به‌سزایی را ایفا می‌نمایند و یکی از نقش‌های عمده هاله‌های اطراف بدن در این است که امواج آن اجازه ورود هر نوع موجی را به جسم مادی نمی‌دهند و علاوه بر آن قدرت مدیومی را در اشخاص مشخص می‌کنند و هر چه ارتفاع هاله‌ها بیشتر باشند، قدرت مدیومی افراد نیز به همان نسبت بیشتر است و فرد مصون‌تر از ناراحتی‌ها و امواج محیط می‌گردد.

۶= امواج روح و تن پوش به طور کامل در هم ادغام شده‌اند، و پس از فرارسیدن مرگ، رابطه آنها با جسم مادی قطع می‌گردد، و آنها تواناً به هر محل یا عالم خاصی که از پیش برای آنها مشخص شده است حرکت می‌کنند.

۷= گاهی روح و تن پوش در بیداری از جسم فاصله می‌گیرند و در این حالت فاصله مرکز عقلی، یعنی روح و تن پوش با مغز که در جسم است زیاد می‌شود و هر چه این فاصله در فردی بیشتر گردد، به همان نسبت هم حالت دوگانگی روحی در وی زیادتر می‌شود، که ادامه آن، نوعی جنون و بی‌خبری است که همگان در زمان خواب شاهد آن می‌باشیم و هر چه فاصله روح و تن پوش از بدن بیشتر باشد، شناخت و درک و احساس فرد، ضعیف‌تر عمل

می‌نماید. و بطور کلی قسمت‌هایی از حالت‌های مشترک روحی در افراد را می‌توان به شرح زیر بیان نمود. ضمن اینکه در این جهان، هر فرد قدرت و حالت روحی مربوط به خود دارد. ولی برخی از این حالت‌های روحی، در تمامی افراد به صورت همگانی مشترک می‌باشند که آنها عبارتند از:

۱- قدرت مدیومی: این نیرو به نسبت‌های مختلف در کلیه افراد وجود دارد و مدیومی دارای انواع گوناگونی می‌باشد، و کسی را در جهان نمی‌توان یافت که قدرت مدیومی و درمان‌گری نداشته باشد.

۲- خواب و خواب دیدن (رؤیا): این حالت نیز در تمامی افراد وجود دارد و کسی را نمی‌توان یافت که احتیاج به خوابیدن نداشته باشد. زیرا دلیل عمده خواب، کسب انرژی برای تقویت و سیاله‌های حیات از خلقت است و روح در زمان خواب قادر است به مراکز بخصوصی در عوامل روحی مراجعه کند و انرژی لازم را کسب نماید و چنانچه در این زمینه افراد دانش کافی روحی داشته باشند، آنگاه در زمان خواب هم می‌توانند استفاده‌های مختلفی از قدرتهای روحی خویش بنمایند مانند خواب درمانی، نزدیک کردن دو ضمیر به یکدیگر، انجام سیر و سفرهای روح در زمان خواب بنابه میل شخص، تقویت سیالات حیاتی، افزودن قدرتهای مدیومی و بسیاری از اعمال که در زمان خواب می‌توان آنها را انجام داد.

۳- چنانچه امکان خوابیدن در زندگی از کسی سلب شود، به تدریج قدرت سیالات روحی او رو به تحلیل می‌روند و شخص حال ضعف پیدا می‌کند و کسانی که در یک زمان طولانی و معین در زندگی خود نمی‌خوابند، آنها یقیناً از کسب انرژیهای لحظه‌ای در زمان بیداری استفاده می‌نمایند، و به هر

صورت، سیالات حیات را برای ادامه زندگی در تمام شبانه روز، به صورت لحظه‌ای کسب می‌نمایند یعنی یک لیوان را اگر زیر شیر آب بگذاریم، قطره قطره هم پر می‌شود.

۴- هر روحی که به کره خاکی می‌آید، در اوایل وابستگی چندانی به جسم و ماده ندارد، ولی به تدریج دلبستگی آن به این مطالب بیشتر می‌شود به طوری که اکثریت قریب به اتفاق افراد، در زمان حیات خویش، فقط مسیرهای مادی و ماده پرستی را می‌پیماند و به همین علت وابستگی است که در اوایل تولد خواب افراد بیشتر از زمان پیری آنهاست و این حالت فقط در نسل بشر که دارای روح کاملی است پیش می‌آید، ولی در سایر حیوانات هر چه تکامل آنها کمتر باشد، خواب نوزادانشان بیشتر است.

۵- از زمانی که روح به نطفه دمیده می‌شود و ادامه شخصیت تکاملی قبلی را، تن پوش در این جسم بوجود می‌آورد، نوزاد به تدریج کامل می‌گردد و معمولاً تا سن هفت سالگی، تمام واحدهای روحی در کالبد وی جای می‌گیرد و از این زمان به بعد است که فهم و درک و شعور و عقل کودک رو به افزایش می‌گذارد و فراگیری وی بیشتر می‌شود و به همین علت هم که در تمام دنیا، کودکان را از این سن به مدرسه می‌فرستند.

۶- هر فردی در زمان تولد، دارای سیالات خاص و مربوط به مسیر تکاملی خود می‌باشد که ارتباط مستقیم به ذات وی دارد، به همین دلیل هم عده‌ای زن یا مرد، ضعیف یا قوی و گروهی بیمار و عده‌ای علیل و غیره متولد می‌شود، و اغلب تا پایان عمر، با همان وضع ادامه سیالات تکاملی گذشته خود، زندگی می‌کند.

۷- در هر تولد افراد از سیالات تکمیلی حیات قبلی روح خود استفاده می‌کنند، و هیچ فردی در جهان وجود ندارد که امتیازی کمتر از تولد قبلی خویش داشته باشد. فرضاً اگر حداکثر امتیاز رسیدن به اصل و خلقت را ۱۰۰ بدانیم، اگر فردی در تولد قبل دارای ۳۰ امتیاز، از ۱۰۰ امتیاز خلقت خود بوده است، در تولد بعدی، یعنی زندگی فعلی، این امتیاز از ۳۰ بیشتر است. و در اصل می‌توان چنین گفت «که تکامل هرگز به عقب بر نمی‌گردد یا توقیفی ندارد. ضمن این که، ممکن است روح فردی در عالم‌های روحی بتواند امتیازات خود را افزایش دهد، ولی این برتری هرگز از امتیازات قبلی کمتر نخواهد شد بلکه به آن افزوده می‌گردد» گروهی که در یک سطح تکامل روحی قرار دارند دارای یک نوع تجانس روحی می‌باشند و به دلایلی جذب یکدیگر می‌گردند، کما اینکه مشاهده می‌گردد.

اکثر افراد که گاهی به مجلسی وارد می‌شوند و در آنجا شخصی را برای اولین بار می‌بینند، بدون هیچ دلیل ظاهری و سابقه شناخت قبلی، از او خوششان می‌آید، و یا از او ناراحت شده، و یا هیچ کششی نسبت به وی در خود احساس نمی‌کنند. دلیل آن این است که با فرد اولی تجانس روحی داشته و با فرد دومی فاصله زیادی از نظر فرکانس‌های روحی دارند.

هر چند رابطه بین فرکانس روحی یک نفر با نفر دیگر نزدیکتر باشد، بهمان نسبت هم علاقه و محبت و وابستگی‌های بین آن دو، عمیق‌تر و پر دوام‌تر است، بطوریکه گاهی ممکن است این دو نفر عمری را بدون هیچ گونه اختلاف با همدیگر سپری کنند. ولی اگر فرکانس روحی دو نفر از هم فاصله بیشتری داشته باشد، دوام دوستی و کشش‌های روحی آنان نیز به همان

نسبت کمتر می‌شوند.

همان گونه که از نظر علمی می‌دانیم، هر موجی دارای مشخصات و مختصات و ضرائب خاصی است که توسط آن ضرائب می‌شود امواج را نسبت به یکدیگر تفکیک کرد و آنها عبارتند از طول موج، سرعت، دامنه، رنگ، بو، ارتعاش و که هر یک از آنها موجب جدا شدن موجی از موج دیگر می‌گردد و یکی از مهمترین دلایل متارکه افراد پس از سالها زندگی، مربوط به همین خصوصیات روحی و مشخصات و مختصات امواج آنها است که بعد از گذشت زمانهای طولانی، فردی اظهار می‌دارد که من با همسرم تفاهم روحی نداریم و از یک دیگر جدا می‌شوند یا تنها زندگی می‌کنند و برای اینکه افراد بتوانند در چنین شرایطی در زندگی خویش مقاومت نمایند و زندگی چندین ساله را بگونه‌ای اداره نمایند. در مرحله نخست باید به خودشناسی روی آورند و زمانی که فردی به خودشناسی دست یافت، با روشهای بسیاری می‌تواند بقای زندگی و سلامت خود را بدست آورد که ساده‌ترین روشهای آن شناخت ضمیرها در افراد است، چون درمانهای روحی و روانی نیازی به مصرف دارو و استفاده از وجود دکتر و... ندارند و چنانچه فردی خودشناسی را در حد متوسط بداند، در شرایط خاصی به راحتی می‌تواند اکثر ناراحتی‌های خویش را رفع نماید و خود را درمان کند، چون با تغییر فرکانس امواج خواهد توانست بر بسیاری از ناراحتی‌های خویش تسلط یابد.

اگر تغییرات موجی‌ای را که شخص در خود بوجود می‌آورد، در حد کافی باشد، از آن پس اکثر گرفتاریهای روحی و روانی و حتی جسمی وی رفع می‌گردند. زیرا همانگونه که می‌دانید در افراد دو ضمیر وجود دارد که

استفاده درست و صحیح از این ضمیرها، موجب سلامت روح و روان و حتی جسم فرد می‌گردد.

روشهای زیادی را می‌توان برای تغییر دادن امواج بیان نمود، ولی یکی از ساده‌ترین روشهای درمان، خودصحبتی یا تسلط بر ضمیر ناخودآگاه که همان معمار و سازنده وجود است میباشد که با اجرای صحیح آن، شخص بهتر می‌تواند از توانائیهای خویش استفاده نماید.

جهت اجرای خودصحبتی میبایست به نکات زیر توجه نمود

۱- افراد می‌توانند خود صحبتی را در هر نقطه یا محل و شرایطی انجام دهند. ولی مؤثرترین و بهترین زمان آن صبح و شام، ایستادن در مقابل آینه و با خود صحبت کردن است و در اینجا عامل میبایست تصویر خویش را در آینه، بعد دوم یا ضمیر ناخودآگاه خویش بداند، آنگاه به صورت جدی با تصویر خود شروع به صحبت کردن نماید تا عمل خود صحبتی مؤثرتر واقع گردد.

۲- خود صحبتی می‌بایست حداقل روزی دو بار صبح و شب و حداکثر چهار بار، در شبانه روز صورت گیرد.

۳- در هر بار از خود صحبتی، می‌بایست زمانی بین یک تا دو دقیقه، مبادرت به گفتگوی جدی با تصویر خود در آینه بنمائید و آن تصویری را که در آینه می‌بینید، خارج از بعد مادی خویش، او را فرد دیگری بدانید، آنگاه متوجه خواهید شد که، به چشمهای تصویر خود هم نمی‌توانید مدت زیادی خیره شوید و حتی گاهی از آن وحشت می‌کنید.

۴- بهتر است اعمالی را که فرد می‌خواهد در آن روز و یا در آینده انجام

دهد، قبلاً کلیه نکات مهم آنها را بنویسد و سپس در زمان خود صحبتی اجرا و انجام تمامی آنها را در مقابل آینه از ضمیر ناخودآگاه یا بعد دوم خویش بخواهد که بعد دوم وی از آن پس کلیه آن مطالب نوشته شده را بموقع انجام دهد.

۵- شب هنگام، وقتی که در مقابل آینه قرار می‌گیرید، تمام کارهایی را که انجام آن را در روز به خود قول داده بودید که اجرا شوند را از ذهن خویش بگذرانید و هر کدام که انجام گرفته، در روی کاغذی که قبلاً مطالب و خواست‌های خود را در آن نوشته بودید، خط می‌زنید و بخاطر انجام گرفتن هر یک از آنها، در مقابل آینه، از ضمیر یا بعد دوم خویش بطور جدی تشکر می‌نمائید.

۶- هر یک از آن اعمالی را که فرد در آن روز نتوانسته انجام دهد، شب در مقابل آینه به ضمیر خود قول می‌دهد که در اولین فرصت یا در ظرف چند روز آینده، که حداکثر از یک هفته تجاوز نخواهد کرد، می‌بایست تمامی آنها با کمک ضمیر ناخودآگاه شما انجام شوند، چنانچه پس از آن هم آن خواست‌ها انجام نگرفتند، آنگاه باید دلیل ضعف آن را از ضمیر خویش جویا شوید و باید آن را توسط خواب‌های هیپنوتیکی در خود ریشه‌یابی نمائید و سپس آن معایب را رفع کنید.

۷- هر شب باید تمام مطالب انجام شده یا انجام نشده مربوط به روز را یکبار در ذهن خویش مرور نمائید، چون با این عمل اولاً، مطالب مجدداً در ذهن مجسم می‌گردند و اثرات مثبتی را در ضمیر آگاه برای پی‌گیری‌های مجدد از خود بجای می‌گذارند. ثانیاً، اگر عملی انجام نشده باشند، دوباره

یادآوری ذهن می‌گردد تا ضمیر در انجام آن کوشا باشد و تمام این خواسته‌ها می‌بایست بصورت عقلی از ضمیر خواسته شوند، تا مورد قبول آن قرار گیرند.

۸- چنانچه اعمال خود صحبتی در زمانهای بخصوص و معینی از شبانه روز انجام شوند، اثرات بسیار قوی‌ای را از خود در ضمیر بجای می‌گذارند، ولی در هر ساعت و در هر جایی که فرد نیاز داشته باشد می‌توان آن را انجام دهد.

۹- چنانچه فردی خود صحبتی را از روی عشق و ایمان و خواست قلبی و بطور جدی انجام دهد، یقیناً پس از کوتاه مدتی قادر خواهد شد بر بسیاری از ناراحتی‌های روحی و روانی و حتی جسمی یا برخی از صفات منفی و گرفتاری‌های زندگی و اعتیادهای خویش، حداکثر تا مدت سه ماه فائق آید، چون در این مدت توانسته است، ضمیر ناخودآگاه خود را سرشار از خواسته‌های مثبت ضمیر آگاه خویش نماید، بطوریکه در این زمان حجم محفوظات ضمیر ناخودآگاه از آگاهی فرد در آن زمینه بیشتر شده است و در نتیجه آن عیب یا ناراحتی و حتی خواست و عقده، توسط خود شخص، پس از اندک زمانی از بین رفته است.

۱۰- باید توجه داشت که اگر این عمل بیش از حد متعارف در شبانه روز انجام پذیرد، پس از مدتی موجب بوجود آمدن حالت‌های دوگانگی روحی یعنی نوعی جنون در برخی از افراد می‌گردد، لذا باید در کارهای روحی، همیشه حد اعتدال و دستورات اساتید یا مطالبی که در کتب روحی توسط متخصصین نوشته شده‌اند را افراد رعایت نمایند تا خود را گرفتار ننمایند.

با خواندن مطالب فوق یا برخی دیگر از مبحث‌هایی که در کتاب ذکر شده‌اند، ممکن است برای تعدادی این ابهام پیش آید که، برخی از مطالب، چه ارتباطی با انرژی درمانی عملی دارد. باید به این گروه از خوانندگان بگویم که اولاً: برای آموختن و بکارگیری علوم روحی، عجله نباید کرد و پس از شناخت کافی است که افراد می‌توانند به امور روحی تسلط یابند و آنرا بطور صحیح و سالم و کامل بکار گیرند.

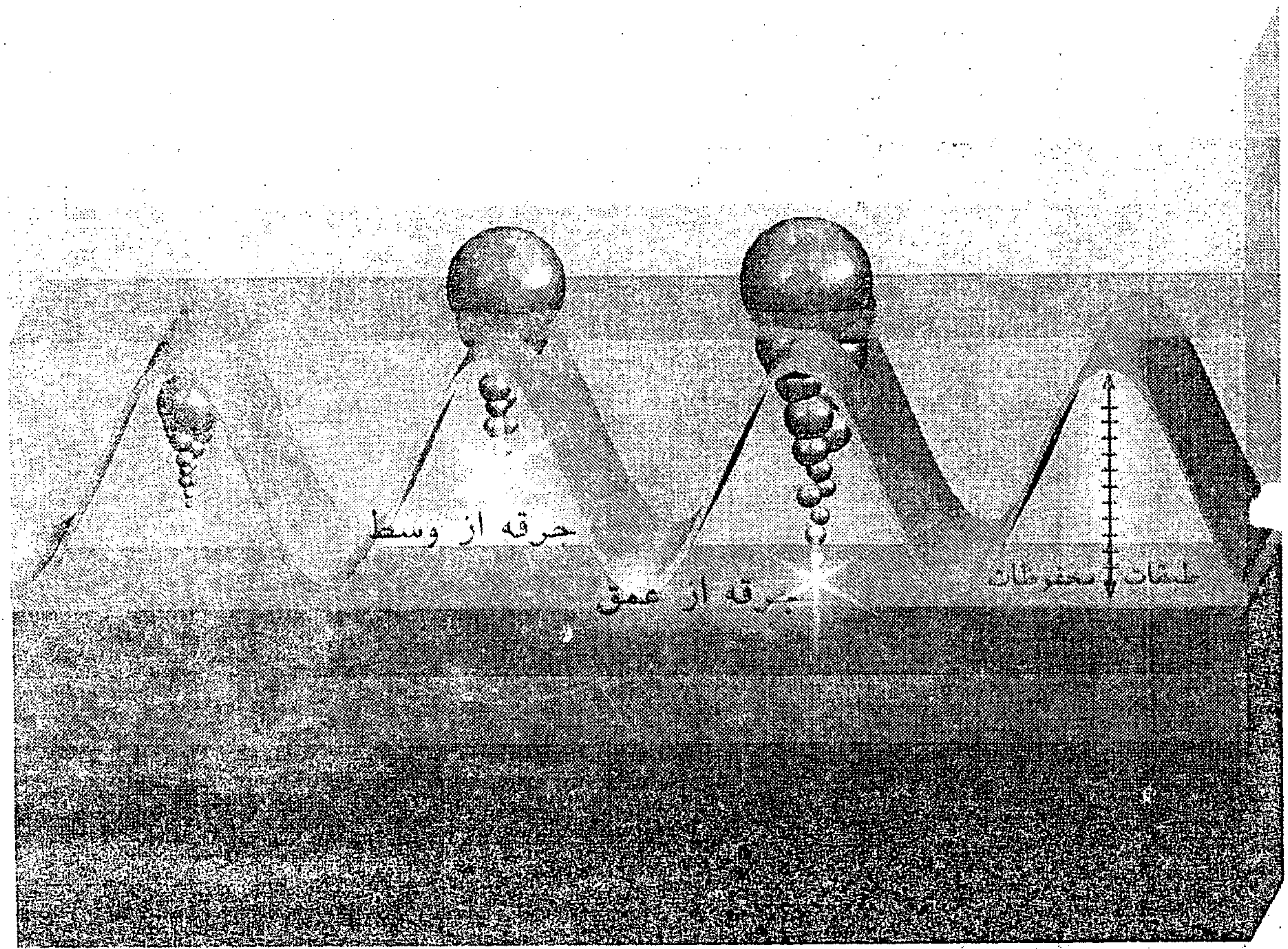
ثانیاً: تا فردی خودشناسی و نیروهای موجود در خویش را نشناسد و تمرینات مختلف روحی را نیاموزد تا بتواند سیالات روح و روان و حتی جسمی خویش را تغییر دهد، مسلماً فقط با خواندن چند کتاب نمی‌تواند عمل خاص روحی را انجام دهد و در صدد تقویت قدرتهای ذاتی و وجودی خویش باشد تا چه رسد بتواند به دیگران نفوذ نماید و تأثیر گذاری امواج نماید.

باتسلط بر ضمیرها، خود و دیگران را درمان کنید

ضمیر عبارت از مجموعه قدرتهای عقلی و روحی ای است که فرکانس و امواج عقلی بگونه‌ای در آن خلق یا نگهداری می‌شوند و هر فردی دارای سه ضمیر است که در زمان‌های بخصوصی، هر کدام از آنها بنوبه خویش فعال می‌شوند و آنان عبارتند از: ۱- ضمیر آگاه ۲- ضمیر ناخودآگاه ۳- ضمیر سیار (تصویر شماره ۱)

۱- ضمیر آگاه: این ضمیر مربوط به زمان بیداری افراد است، و آنچه را که اشخاص در زندگی انجام می‌دهند، از طریق این ضمیر است و مطالب روزمره مدتی در این ضمیر باقی می‌مانند، و اگر از آنها استفاده روزانه یا دائم نشود، پس از مدتی به ضمیر ناخودآگاه شخص انتقال می‌یابند. اصولاً مطالب در ضمیر آگاه زمانی قابل شناخت و اجرا هستند که از سطح آگاهی به مرحله حرکت در آیند. در غیر اینصورت گاهی مطلبی به یاد فردی می‌آید، ولی فوراً فراموش می‌شود، چون آن مطلب از آگاهی به مرحله حرکت نرسیده است و هرچه حرکت بیشتر باشد مطلب به صورت ملکه ذهن در می‌آید و فراموش نمی‌گردد.

۲- ضمیر ناخودآگاه: این ضمیر تمام اسرار و مطالب و اطلاعات گذشته‌ای را که مربوط به تکامل‌های فرد بوده، یا در زمان ادامه همین حیات به دست آورده است، در طبقات مختلف خود جای می‌دهد که پس از مدتی، به نسبت ارزش و توقف آنها از قسمت حافظه، به فراموشی و فراموشی مطلق انتقال می‌یابند.



حرکت
ضمیر آگاه
مز
ضمیر ناخود آگاه
ضمیر بسیار
فرا موشی
فرا موشی مطلق

نمودار طبقات ضمیرهای نسلی بشر

محفوظات این ضمیر معمولاً ارتباط مستقیمی با زندگی روز مره افراد ندارد مگر اینکه فردی بخواهد اطلاعات خاصی را که مربوط به زمانهای گذشته است، به دلایلی بیاد آورد آنگاه با تمرکز فکر کافی و مناسب، از قسمت حافظه یا محفوظات، که طبقات مختلفی دارد، آن مطلب را خارج کند تا به مرز آگاهی برسد و سپس به مرحله حرکت درآمده و قابل شناخت و اجرا گردد. قدرت این ضمیر را افراد عادی بسادگی نمی‌توانند در وجود خویش بیابند، چون دارای اثرات ظاهری نمی‌باشند که به آسانی قابل تشخیص باشد، ولی از روی عقل و ادراک و شعور می‌شود آن را شناخت. فرضاً در خوابهای مغناطیسی می‌شود به آن نفوذ کرده و دسترسی یافت و مطالبی از گذشته را به یاد آورد.

گاهی اتفاق می‌افتد که فردی بدون هیچگونه دلیلی خوشحال یا ناراحت می‌شود علت بروز آن حالت‌ها این است که یک مطلبی بطور ناخواسته از ضمیر ناخودآگاه به سطح آگاهی فرد حرکت کرده و بدون شناخت فرد موجب تغییر حالت‌های خاصی در وی گردیده است و علت آن را شخص نمی‌تواند بطور دقیق بداند، چون آن مطلب هنوز به سطح آگاهی نرسیده است تا قابل تشخیص و درک و فهم باشد.

چنانچه فردی بتواند بر ضمیر ناخودآگاه خود دست یابد و اطلاعاتی را که می‌خواهد از آن به سادگی دریافت کند، آنگاه در طول زندگی با شناخت و حقایق فراوانی مواجه خواهد شد. بسیاری از افراد، در اثر تمرینات یا استفاده از روش‌هایی بر ضمیر ناخودآگاه خویش مسلط می‌شوند و بر برخی از وقایع گذشته خود تسلط می‌یابند. این ضمیر قدرت ترمیم، و اداره نیازهای

حرکتی و مادی زمان حیات را نیز دارا می‌باشد و مدیریت نظم کلیه ارگانهای بدن را به عهده دارد و در زمان خواب و بیداری - کلیه قسمت‌های بدن را تحت حمایت و کنترل خود دارد.

۳- ضمیر سیار: علاوه بر اعمال ضمیرهای فوق، در زمان خواب یا بیداری نیز گاهی حالت‌هایی در بعضی افراد بوجود می‌آیند که از نظر ظاهر هیچ ارتباطی با ضمیر آگاه و ناخودآگاه آنان ندارند. لذا آنها را می‌توان جزو قدرت ضمیر سیار نامید، زیرا گاهی در زمان خواب یا بیداری اتفاقات یا اعمالی توسط برخی از افراد مشاهده می‌شوند که بعداً بوقوع می‌پیوندند و فرد مطالبی را که قبلاً در خواب دیده است را عیناً مجدداً در بیداری مشاهده می‌نماید، این عمل مربوط به ضمیر سیار فرد است و ارتباطی با ضمیر آگاه و ناخودآگاه وی ندارد. یعنی شخص در بیداری به حالتی می‌رود و صحنه‌ای را مشاهده می‌کند، یا در زمان خواب مطلبی از آینده را رؤیت می‌نماید که بعداً آن واقعه عیناً در زمان بیداری بوقوع می‌پیوندد.

افراد با توجه به نکات زیر و با بکارگیری حرکات و اعمال و تمرینات روحی می‌توانند بر ضمیر ناخودآگاه خویش تسلط یافته و آنرا جهت منظوره‌ای خاصی تقویت نمایند و از آلودگی آن جلوگیری بعمل آورند. برای تقویت ضمیر ناخودآگاه و حفظ سلامت روح و جسم، افراد می‌بایست به نکات زیر توجه نمایند تا آرامش خود را در هر شرایطی حفظ کنند.

۱- افکار پلید و یاس آور را باید از وجود خویش دور ساخت و اجازه نداد که اندیشه‌های منفی در ذهن نفوذ نموده و در ضمیر ثبت گردند.

- ۲- معاشرین خانوادگی و اجتماعی را باید از بین افراد شایسته انتخاب کرد و سپس با آنها صمیمی بود، و در مقابل معاشرتهای دوستانه از خود عدم سازگاری بروز نداد.
- ۳- با معاشرین زندگی باید صدیق بود و به آنها هرگز دروغ نگفت، چون پس از برملا شدن آن دروغ، ضربه شدیدی به ضمیر آگاه و ناخودآگاه فرد وارد می آید، که گاهی موجب بروز ناراحتی های روحی نیز در افراد می شود.
- ۴- به شخصیت فردی و اجتماعی نزدیکان و دوستان به هیچ وجه نباید صدمه ای وارد ساخت، زیرا در صورتی که فرد عکس العملی انجام دهد، اثر آن موجب و اخوردگی ضمیر شخص می گردد.
- ۵- در معاشرتهای دوستانه و خانوادگی، حتماً میبایست خواست دیگران را محترم دانست، در غیر این صورت، نباید با آنها معاشرت داشت، حال ممکن است این خواست برخلاف میل شخص نیز باشد، ولی با خودداری باید آنرا بگونه ای عقلی و الهی و اجتماعی پذیرفت، مشروط بر اینکه آن خواست، لطمه ای به زندگی فردی، اجتماعی، خانوادگی و... وارد ننماید.
- ۶- برای اینکه ضمیر صدمه ای نبیند، از افراد متکبر و خودخواه و دروغگو میبایست دوری جست.
- ۷- هیچ عملی را بدون شناخت کافی نمیبایست انجام داد. زیرا در صورت شکست، به ضمیر لطمه وارد می شود، و شخص خود را فردی عاطل و باطل می داند.
- ۸- هرگز نباید تحت نفوذ گفته و نظر نادرست دیگران قرار گرفت و هر

چه را که عمل می‌کنید، اول به عقل کامل خود رجوع کنید و سپس اجرا نمائید. (عقل کامل و سالم عقلی است که افراد جوامع عالم و عاقل آنرا بپذیرند.)

۹- برای آرام سازی ضمیر بهتر است که به اصل قدرت خلقت مؤمن و معتقد باشید و همیشه نیروی خارجی و قدرتهای الهی را ناظر بر اعمال خود بدانید. در این صورت است که، درباره بروز هر مطلب یا واقعه‌ای آرامش خاصی را بدست خواهید آورد و در این شرایط ضمیر آلوده نمی‌گردد.

۱۰- هرگز در صدد نفرین برای فردی بر نیائید. حتی برای بدخواهان خود هم دعای خیر کنید که خداوند آنها را به راه راست هدایت کند، تا ضمیر خود را از آلودگی و ناراحتی و گرفتاریهای آینده نجات دهید.

۱۱- برای رهایی از آلودگی ضمیر، انتقام جوئی و کینه ورزی و دشمنی را از وجود خود دور سازید، و سعی کنید اعمال خلاف دیگران را که قدرت حل منطقی آنها ندارید، به خدا بسپارید تا او بر مشیت خویش عمل کند. در غیر این صورت همیشه با کنش و واکنش‌های احساسی عقلی و روحی برخورد خواهید کرد که خود موجب خرابی ضمیر شما می‌گردد و گاهی آینده‌ای بسیار بد و خطرناک را در پیش دارد.

۱۲- در حد امکان سعی نمائید، وابستگی‌های مادی را از خود دور سازید و در اثر بروز اتفاقات غیر مترقبه، ذهن خود را آلوده آن واقعه ننمائید، حال این واقعه می‌تواند از دست دادن ثروت یا پدر و فرزند و باشد.

۱۳- درباره زندگی پس از مرگ و حقیقت آن، شناخت کافی الهی و علمی بدست آورید تا در صورت بروز چنین اتفاقاتی زیاد ناراحت نشوید و

مدتها به ضمیر خود فشار بیهوده وارد ننمائید و خود را به مرز جنون نکشانید، چون در این موقع دو چیز از دست داده‌اید، اول آن مطلب غیر مترقبه و دوم آرامش وجود خویش را.

۱۴- در زندگی با هر مقدوراتی که دارید برای خود برنامه صحیح تنظیم نمائید و با آنچه که دارید، بصورت عقلی بسازید و از خدا شاکر باشید تا در اثر حرص و آز، صدمه‌ای به روح و روان شما وارد نشود.

۱۵- از حقیقت گوئی هرگز دست بردارید، زیرا اکثر ضررها را میشود جبران کرد، ولی ضررهای روحی، بخصوص لطمه به ضمیر و دروغگویی و ضعف‌های دیگر را بسادگی نمی‌توان درمان نمود.

۱۶- ضمیر خود را تحت تأثیر امواج مثبت و سازنده قرار دهید، و سازندگی‌های مثبت را در ذهن خویش پیورانید تا اینکه روزی به آن دست یابید، چون تمام مردان بزرگ با بکارگیری همین روش موفق شده‌اند، البته باید دانست که اکثر موفقیت‌ها نیاز به زمان و تجربه دارد که بتدریج فراهم می‌شوند.

۱۷- هرگز خود را در مقابل دیگران بی اهمیت و ناچیز و ناتوان ندانید، بلکه در همه احوال خود را ذره‌ای از اصل خلقت بدانید و با اعتماد به نفس و سرافرازی زندگی کنید و سر تعظیم غیر از خدا به سوی کسی فرود نیاورید، چون روزی در پیشگاه عدل الهی، از کرده خلاف عقلی و روحی خویش، بخاطر جاه و مقام و کسب مادیات و... شرمنده خواهید شد و این شرمندگی می‌تواند حتی در نزد وجدان خودتان هم باشد.

نحوه آرام سازی جسم مادی

در محیط، عوامل بسیاری وجود دارند که موجب ناراحتی های جسم مادی می گردند که آنها عمدتاً دارای دو ریشه اصلی هستند:

الف = ناراحتی های روح و روان که بگونه ای در جسم مادی افراد اثراتی را از خود بجای می گذارند.

ب = ناراحتی های مادی که در اثر خستگی از کار و کوفتگی، در جسم بروز می نمایند. زمانی که فردی در صدد رفع ناراحتی های جسمی خویش برمی آید، در مرحله نخست می بایست علت بروز و ریشه آن را بشناسد و بعد از آن اقدام به آرام سازی جسم خویش نماید، در غیر این صورت نتیجه مطلوبی نخواهد گرفت. استفاده از این روش در مواردی است که فردی به علت کارهای زیاد، دچار درد عضلات بدن و کوفتگی های موضعی یا جسمی می گردد که ذیلاً روش بسیار ساده ای جهت آرام سازی جسم مادی بیان می گردد و چنانچه افراد کلیه روش های آن را بطور دقیق و صحیح و از روی خواست و ایمان انجام دهند، بطور یقین قادر خواهند شد بسیاری از ناراحتی های بوجود آمده در جسم مادی را از خود مرتفع نمایند.

جهت اجرای آن باید به نکات زیر توجه نمود:

۱- در محل آرامی به پشت دراز بکشید و چند تنفس عمیق نماید تا گرمای خفیفی را در قسمت سرو گردن خویش احساس نمائید، چون در این موقع، بدن اکسیژن کافی بدست آورده و می توانید به شروع تمرینات برنامه های جسمی و روحی بپردازید.

- ۲- سر و گردن را حدود نیم متر از زمین بلند کنید و آنقدر آنرا بالا نگه دارید تا خسته شود. سپس سر و گردن را به محل اول خود باز گردانید.
- ۳- پای راست و چپ را حدود ۵۰ سانتیمتر بطور مستقیم و کشیده از زمین بلند کنید و آن را در همانجا به همان حالت، مدتی نگه دارید تا کاملاً خسته شود و پس از خسته شدن کامل، پاها را از همانجا رها کنید. ضمن اینکه در تمام طول تمرینات باید نفس عمیق بکشید.
- ۴- پس از پاها، همین حرکات را با دستها انجام دهید، بطوریکه آنها را با زاویه‌ای حدود ۴۵ درجه با بدن و زمین نگهدارید و پس از خسته شدن از همانجا دستها را رها سازید.
- ۵- این بار، سر و گردن و کمر را تماماً حدود ۵۰ سانتی متر از زمین جدا کنید و آنقدر در این حالت باقی بمانید تا عضلات کمر و شکم کاملاً خسته شوند سپس خود را رها کنید و نفس عمیق را همچنان ادامه دهید.
- ۶- این بار عمل فوق را با اضافه کردن پاها به سر و گردن انجام دهید، بطوری که فقط روی باسن خود باشید و آنقدر در این حالت باقی بمانید تا کاملاً خسته شوید، آنگاه بدن خود را رها سازید و هنوز نفس عمیق را ادامه دهید.
- ۷- سپس همان طوریکه دراز کشیده‌اید، با چشم بسته، مردمک چشم‌های خود را حول محوری فرضی از چپ به راست و بالعکس حدود یک دقیقه بچرخانید سپس نفس عمیق کشیدن را قطع نمائید و آرام در همان محل استراحت نمائید و سپس ملاحظه خواهید کرد که آرامش بسیار خوبی به جسم روی آورده است و تمام خستگی و کوفتگی‌های گذشته از بدن شما

خارج گردیده‌اند.

بشر دارای نیرو و قدرتهای خارق العاده‌ای است؛ ولی متأسفانه به علت عدم آگاهی و شناخت‌ها نمی‌تواند از این نیروهای خویش استفاده نماید، چون هر فردی با بکارگیری قدرتهای روحی و روانی و جسمی خویش، می‌تواند بر بسیاری از ناراحتی و مریضی‌هایی که در زندگی وی پیش می‌آیند فائق آید. فرضاً اگر قسمت سر و گردن فردی درد کند با استفاده از همین روش بسیار ساده و چرخانیدن حدقه چشم در حول محوری، می‌تواند آن درد یا ناراحتی را از آن قسمت‌ها دور سازد و برای اجرای این کار علاوه بر چرخانیدن حدقه چشم‌ها حدود یک دقیقه حول محور فرضی از چپ به راست و راست به چپ، به ذهن خویش می‌قبولاند که با چرخانیدن چشمان در حول محوری از چپ به راست و از راست به چپ، تمام ناراحتی و دردها از سر یا گوش وی خارج می‌شوند و اگر این عمل از روی صدق و شناخت و ایمان اجرا گردد، به احتمال قوی تمام آن درد یا ناراحتی‌ها از شخص دور خواهند شد، چون درد چیزی غیر از یک سری از امواج نامتجانس و تراکم یافته در محلی نمی‌باشد و فکر و عقل و تمرکز و ... هم چیزی غیر از یک سری از امواج متجانس تمرکز یافته نیستند، مسلماً زمانی که قدرت قوی‌تری وارد محلی شود، نیروهای ضعیف‌تر یا غریبه، می‌بایست تابع آن گردند یا اینکه آن محل را ترک نمایند، امواج درد یا نامتجانس هم چون پایگاه قوی‌ای در وجود افراد ندارند، لذا در مقابل اراده و خواست واقعی و قدرت ایمان شخص، تاب مقاومت ندارند و اجباراً می‌بایست از آن محل خارج گردند.

با استفاده از امواج محیط چگونه می توان خود و دیگران را درمان کرد

امواج نامرئی و ناشناخته بسیاری در اطراف ما وجود دارند که بطور کلی آنها را می توان به چهار گروه عمده تقسیم بندی کرد:

گروه اول = امواجی که توسط علم و دست آوردهای نسل بشر بوجود می آیند. مانند امواج رادیوئی، ایکس و غیره

گروه دوم = امواجی که علم بشر در بوجود آوردن آنها دخالت چندانی ندارد، اغلب آنها با علم محدود بشر نیز شناخته نمی شوند، چون دارای طول موج و فرکانسهای ناشناخته ای از نظر علم محیط هستند، بطوریکه نیم طول موج آنها که برابر با یک بطن از طول موج است را می توان از کره زمین تا فاصله کره ماه تخمین زد.

گروه سوم = امواجی که هر موجود زنده برای ادامه حیات خود از آنها استفاده می نماید، زیرا دستگاه آفرینش زمانی که موجودی را خلق می کند، جهت بقا و دوام حیات، برای هر یک از آنها، تسهیلات موجی خاصی را نیز برای ادامه زندگی آنان بوجود می آورد تا آنها بتوانند ادامه حیات دهند و شکار و محل غذای خود را بیابند.

گروه چهارم = امواج کیهانی بسیاری کره خاکی را احاطه کرده اند، این امواج با گذشتن از مسیرهای بسیار دور، به محیط کره خاکی می رسند و این امواج را، ثوابت و سیارات بسیاری به اطراف این کره ارسال می نمایند، بطوریکه زندگی اغلب موجودات زنده در سطح کره خاکی، بستگی به وجود

برخی از همین امواج دارند، مانند امواج ماه و خورشید و سایر ستارگان و موجودات عالم در خلقت، هر یک به نسبت برداشتهای عقلی خود، به صورتهای مختلف از این امواج استفاده می نمایند: که طرز استفاده از این امواج به روشهای زیر میباشد.

الف - تحریکات : این امواج موجب تحریک نمودن برخی از قسمت‌های حساس موجودات زنده می شوند و آنها را بسوی خود می کشانند و این امواج در آنها بصورت‌های رنگ، طعم، بو، مزه و غیره احساس می گردند.

ب - امواج الکترومغناطیس : این امواج به نسبت‌های مختلف از موجودات زنده ساطع می شوند و موجب می گردند دیگری را بسوی خود جلب یا دفع کنند. مثلاً گروه بسیاری از حیوانات بدون داشتن چشم و گوش و غیره می توانند غذای خود را بدست آورند و حتی جفت و یا فرزند خود را بیابند و ادامه حیات دهند و گاهی هم این امواج بصورت حرکتی، اعمالی را در موجودات انجام می دهند، مانند دسته بزرگی از ماهیها یا پرندگان که تحت تأثیر قدرت این امواج قرار می گیرند و با اینکه این موجودات در حرکتها از هم فاصله دارند، مشاهده می گردد که در یک لحظه همگی به سمت چپ یا راست و غیره توأمأ حرکت می کنند بدون اینکه کوچکترین تداخلی در حرکت یکدیگر بوجود آورند و یا تصادف و برخوردی با هم داشته باشند.

پ - ارتعاشات : این امواج باعث بوجود آوردن صوت، ضربه، جابجائی و غیره می شده، و همچنین موجب ارتباط پیدا کردن گروه‌های مختلف مخلوقات با یکدیگر می شود که نتیجه آن ادامه حیات هر گروهی از جانداران می گردد.

در اطراف بدن موجودت زنده امواج خاصی وجود دارند که به آنها هاله می‌گویند و این هاله‌هایی که بصورت امواج مختلف پیرامون بدن را پوشانیده‌اند، بطور مدام حرکت و چرخش‌هایی دارند که همیشه جهت آن از داخل به بیرون است و انرژی آنها اثرات زیادی در زندگی افراد یا موجودات زنده دارند بگونه‌ای که وجود هر یک از این هاله‌ها، یک نوع کشش‌های خاصی را در جانداران بوجود می‌آورند. (تصویر شماره ۲)

هاله‌هایی که در اطراف بدن نسل بشر وجود دارند، دارای سرعت، قدرت، ارتفاع، رنگ، بو، و ... خاصی می‌باشند که رنگ و ارتفاع آنها اغلب در حال تغییر است، ارتفاع آن بین افراد مختلف از، چند میلیمتر تا حدود ۱۲ متر هم گاهی می‌رسد و هرچه ارتفاع این هاله‌ها بیشتر باشند، به همان نسبت هم قدرت مدیومی در افراد تغییر می‌یابد. اگر رنگ این هاله‌ها با برخی از رنگ‌های محیط زیست فرد هماهنگی مناسبی را نداشته باشند، فرد بدون آگاهی بتدریج اثرات ناگواری را از خود در شخص بجا می‌گذارند. مثلاً عده‌ای از افراد که همیشه لباس‌های تیره می‌پوشند، پس از مدتی حالت روحی آنان تغییر می‌یابد، و اغلب افسرده می‌شوند بگونه‌ای که خودشان هم علت بوجود آمدن این تغییر حالت‌های روحی را در خود نمی‌دانند، زمانی که بطور ناگهانی و بر حسب اتفاق لباس‌های خویش را به رنگ‌های روشن تغییر می‌دهند، متوجه می‌گردند که حالت روحی آنان نیز دگرگون شده و شاداب گردیده و سلامت خود را بدست آورده‌اند.

از رنگ این هاله‌ها می‌توان پی به شخصیت ذاتی و وجودی و حتی مریضی و نازاحتی افراد برد و آنها را شناخت و حتی با تغییر رنگ دادن

 هاله های جسم مادی



هاله های اطراف بدن که توسط دستگاههای فیزیکی گرفته شده است (اینترنت)

هاله‌ها برخی از ناراحتی‌های آنان را مرتفع کرد.

از نظر علمی و عملی می‌دانیم که اطراف کره خاکی را امواج مغناطیسی زیادی فرا گرفته، و در هر نقطه‌ای از زمین که خواسته باشید می‌توانید وجود آن را احساس یا آزمایش نمایید و بسادگی قادر خواهید شد تا این حقیقت را از نظر عملی و عینی نیز با بکارگیری تکه‌ای عقربه مغناطیس شده دریابید. در اصل نقطه خاصی را در کره زمین نمی‌شود پیدا کرد که این امواج در آنجا وجود نداشته باشد و برای شناخت و درک چگونگی بوجود آمدن آن می‌بایست به این مطلب روحی توجه شود، چون همانگونه که در طرز نشستن افراد، در جلسات روحی گفته می‌شود، زمانیکه افراد با سیالات مختلف طوری کنار یکدیگر بنشینند که کاملاً بیکدیگر چسبیده باشند، در این حالت امواج محیطی افراد در یکدیگر ادغام می‌شوند و در نتیجه، در اطراف آن تعداد از افراد، امواج بسیار قوی تری که مجموع انرژی کلیه آنها است بوجود می‌آیند، وجود همین امواج مثبت موجب می‌گردند تا نتیجه‌ای بسیار خوب و مثبت روحی در جلسات بدست آید، در اینجا می‌توان علت بوجود آمدن امواج الکترومغناطیس زمین را هم درست یک چنین حکمتی دانست. یعنی امواج هر عنصری در محیط خاص، دارای قدرت و وسعت جداگانه‌ای است، ولی زمانیکه این عناصر به یکدیگر متصل می‌شوند، امواج آنها در هم ادغام می‌گردند و حوزه دیگری را با قدرتی بسیار زیادتر از اولی به وجود می‌آورند، و همان امواج کلی مغناطیسی اطراف کره خاکی را می‌سازند.

بدن نسل بشر نیز، درست مانند کره خاکی در بوجود آوردن این امواج

عمل می‌نماید، چون جسم مادی افراد دارای کلیه عناصری است که در سطح

کره زمین یافت می شوند، علاوه بر آن، دارای امواج منفی و مثبت، و حتی دارای دو قطب است، که این امواج از سوی قطب مثبت و منفی، در محور سر و ستون فقرات، هر کدام در یک جهت بدن در حرکت و گردش می باشند.

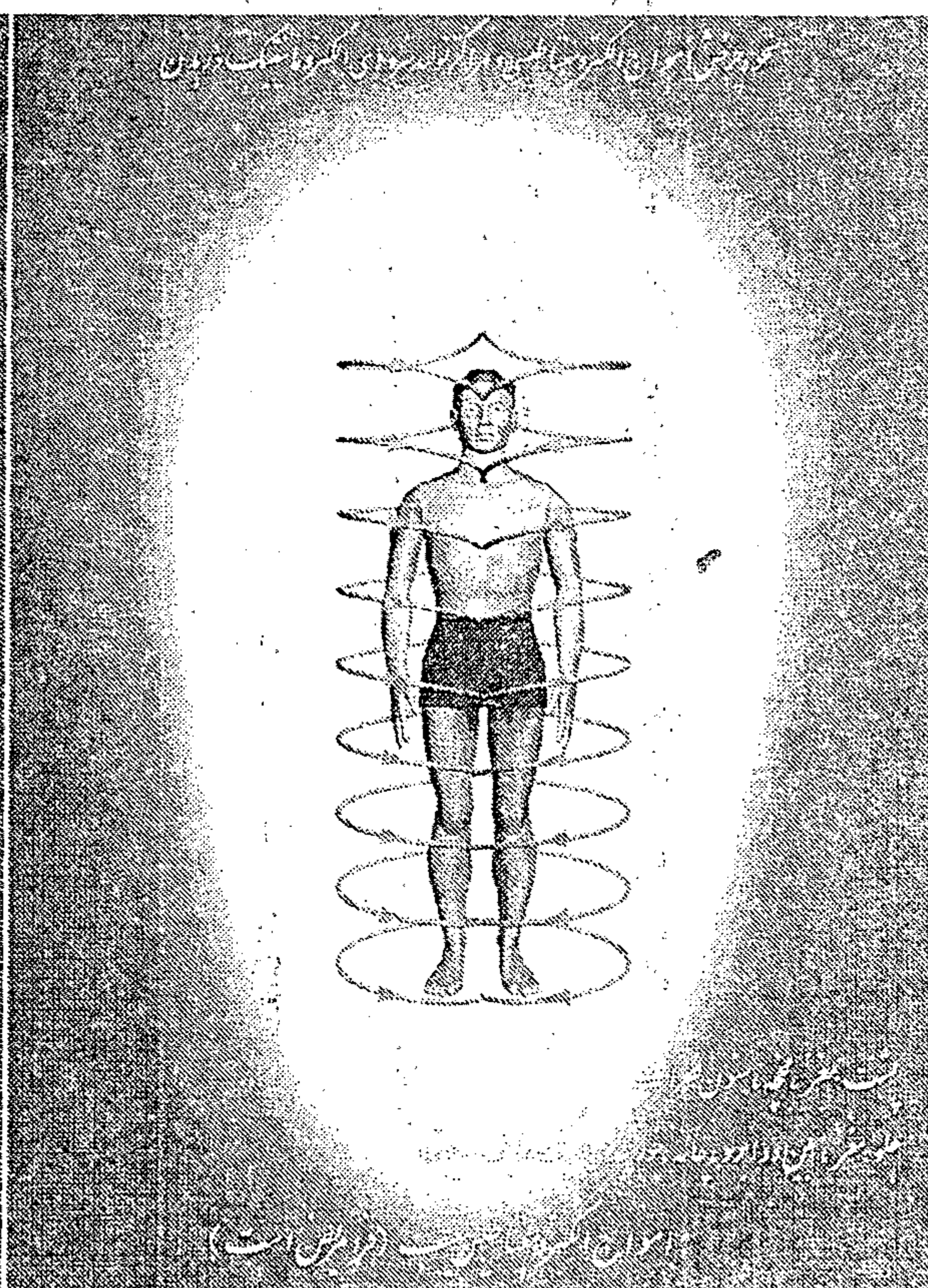
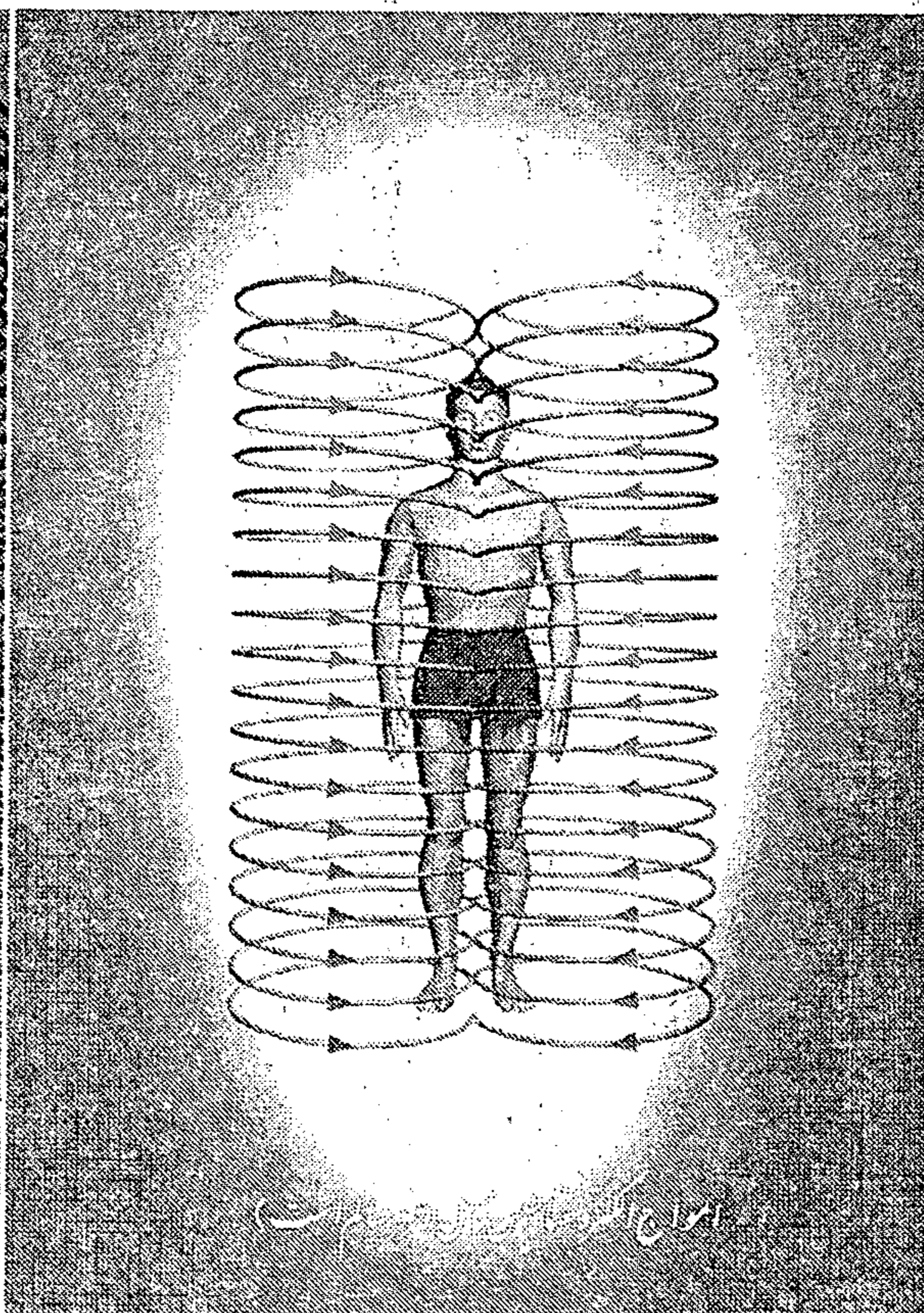
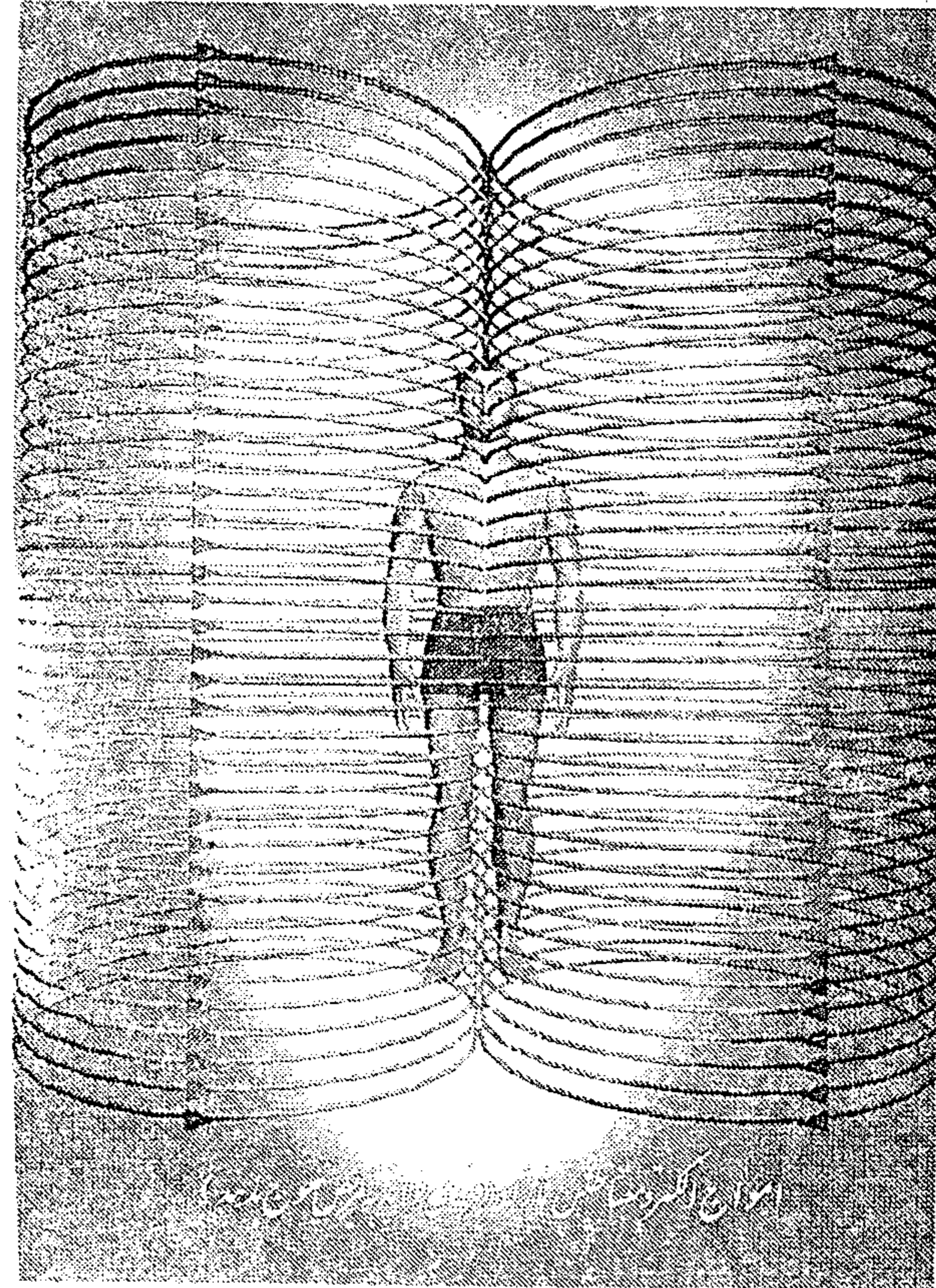
(تصویر شماره ۳)

در سمت راست امواج مثبت و در سمت چپ بدن امواج منفی وجود دارند که در محل محور، این دو نیرو به یکدیگر می رسند و چنانچه در هر نقطه ای از بدن ناراحتی و مرضی بوجود آید، ارتفاع یا ارتعاش و یا قدرت این امواج، کمتر از محل های دیگر می شوند و در نتیجه تغییر رنگ در هاله بوجود می آید که توسط انرژی های مازاد الکترومغناطیسی می توان آنرا ترمیم نمود یا سرعت آنرا به حد تعادل رسانید و علت تأثیر امواج بر جسم مادی وجود همین قدرتهای امواج الکترومغناطیسی موجود در افراد است و به همین علت هم می بینیم که خداوند متعال در کتاب مقدس انجیل مرقس - باب ۱۶ شماره ۱۷ و ۱۸ در زمینه وجود قدرت مازاد در افراد چنین می فرماید.

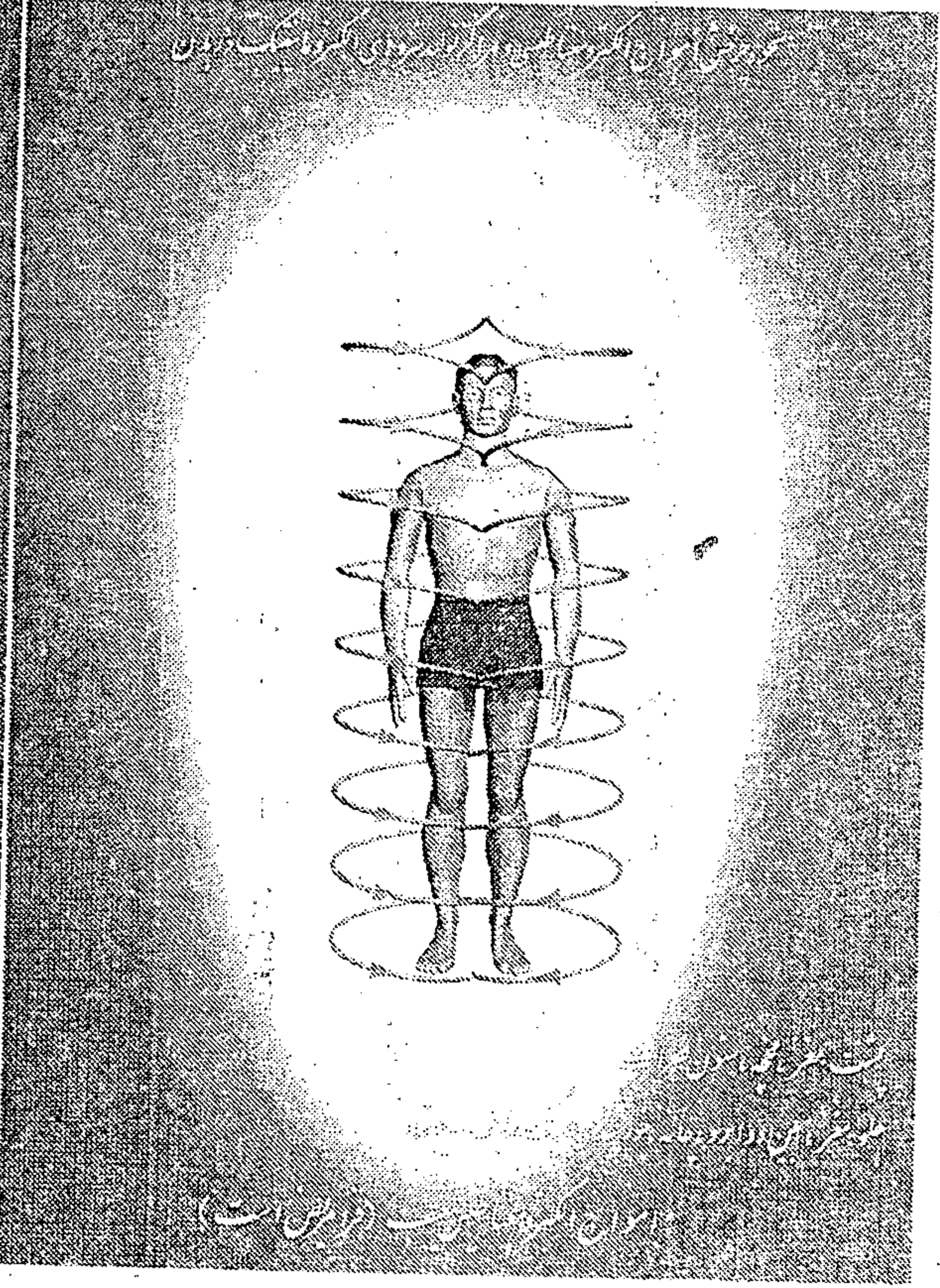
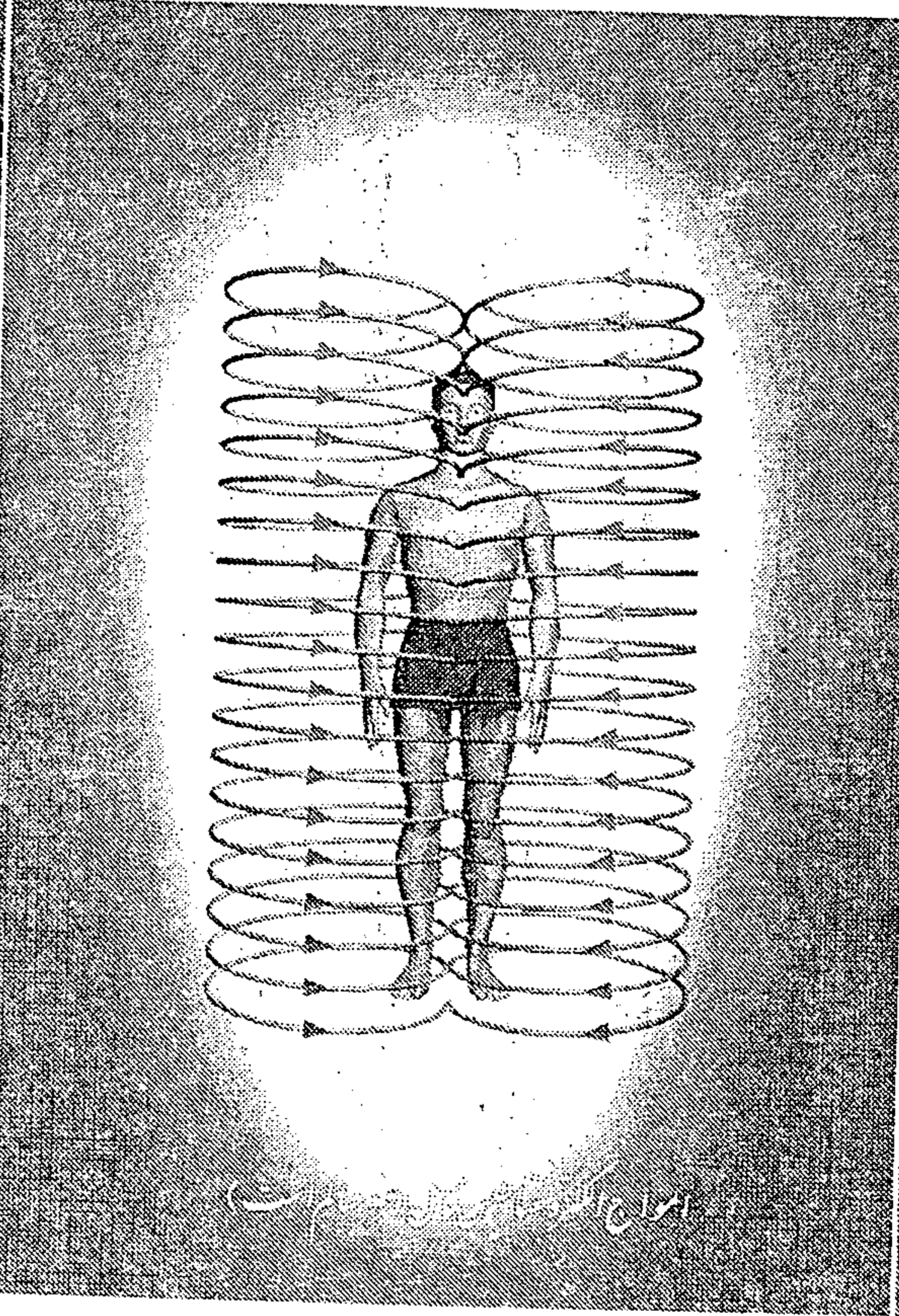
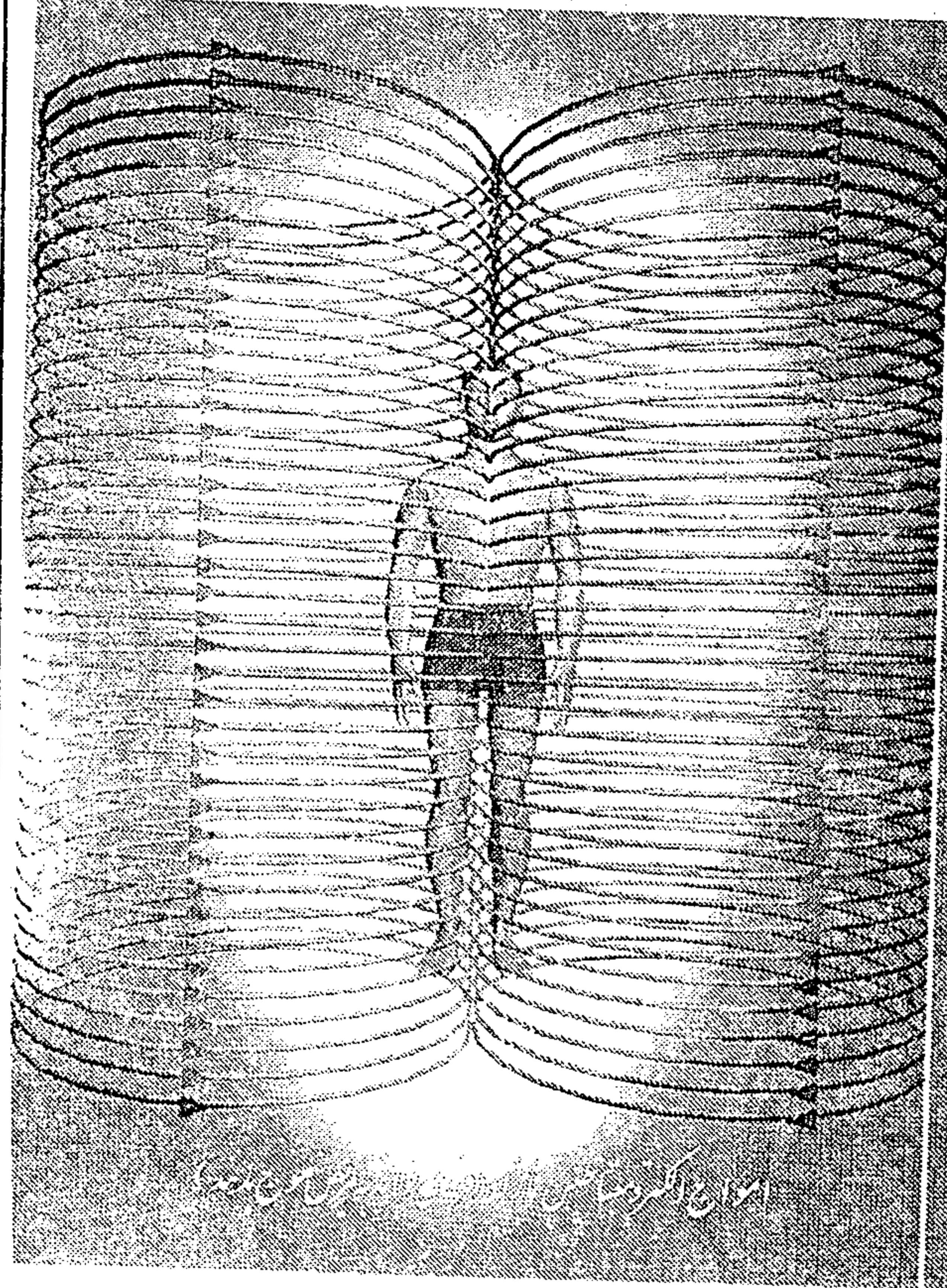
«کسانیکه ایمان می آورند، با قدرت من روح های ناپاک را از مردم بیرون می کنند و به زبانهای تازه حرف می زنند. می توانند دست به مار بزنند و در امان باشند. زهر بخورند و صدمه نبینند، دست روی سر مریض بگذارند و او را شفا دهند».

تمام عناصر جهان از امواج گوناگون، با مشخصات و مختصات جدا گانه ای تشکیل یافته اند و امواج قدرتمندتر می توانند بگونه ای بر امواج ضعیف اثر بگذارند. جسم مادی بشر نیز از یک سری عناصر محیطی تشکیل شده است که گه گاهی در شرایط گوناگون، امواج برخی از قسمت های آن کم و

درمان به وسیله امواج مثبت



درمان به وسیله امواج مثبت



زیاد می شود. لذا در این شرایط، امواج فرد دیگری که از همان نوع، ولی با قدرت زیادتری می باشد، می توانند بر آنها اثر بگذارند، ضمن تکمیل کردن امواج ضعیف فرد مریض، ناراحتی های او را مرتفع سازند.

تأثیر امواج بر جسم مادی معمولاً بر دو گونه می باشند.

۱- شناخت بیمار: بیماری که از شفا دهنده خود و مهارت او اطمینان کامل دارد، زمانی که به وی مراجعه میکند، عامل یا شفا دهنده، فقط محل ناراحتی او را لمس می کند. دگرگونی های روحی و روانی در مریض حاصل شده و فقط در اثر تلقین نمودن به بیمار، باعث بهبود او می گردد. زیرا در این شرایط بیمار فقط عمدتاً تحت تأثیر نیروی تلقین عامل و تقویت قدرتهای روحی خویش بهبودی بدست می آورد.

۲- تأثیر امواج عامل در بیمار: امواج شفا بخش عامل به عضو بیمار می رسد و سلولهای آن قسمت از بدن را که ضعیف تر شده اند، تقویت می نماید، در نتیجه سلولهای آن عضو تحریک شده و اعصاب آن توسط انرژی های مازاد عامل قدرت لازم را بدست می آورد و در نتیجه آن قسمت یا عضو سلامت خود را باز یافته و بیمار شفا می یابد. چون در این حالت سلولها و مراکز عصبی بیمار هستند که تحت تأثیر قدرت امواج عامل قرار گرفته اند، لذا سلولهای نیمه جان عضو بیمار، مجدداً با کسب انرژی از دست داده، سالم می شوند و اگر میکروب یا سلولهای خارجی دیگری در اطراف این سلولهای قوی و تقویت شده عضو یا ارگان، که در اصل صاحب خانه هستند، وجود داشته باشند، این سلولها آنها را دفع یا هضم می کنند و شخص سلامت کامل خود را بدست می آورد.

همانگونه که اطراف کره زمین را امواج بسیاری منجمله امواج مغناطیسی احاطه کرده و بسیاری از فعالیت‌های طبیعی و تحرکی حیات موجودات را سبب می‌شوند. حوزه‌هایی به مراتب کوچک و ضعیف‌تر نیز در اطراف موجودات وجود دارند که گیرنده آن امواج میباشند. چون از نظر فیزیکی می‌دانیم که در داخل و خارج عناصر و اجسام، منجمله حیوانات و نسل بشر، یک میدان الکتریکی خاصی وجود دارد که آنها نیز موجب بوجود آوردن یک نوع امواج الکترومغناطیسی در درون و برون آنها می‌گردند.

مقدار و معیار تولید این انرژی، در همگان بطور یکسان نیست، و به سلامت و قدرت روحی و جسمی افراد مربوط می‌شود. البته وجود این نوع امواج الکتریکی، فقط مربوط به نسل بشر نمی‌باشد، بلکه تمام موجودات جاندار، به نحوی از آن برخوردارند. این امواج بگونه‌ای است که حتی بسیاری از جانداران، توسط برخی جریانات بیوالکترودینامیکی که در اطراف جسم مادی آنها قرار دارند، بطریقی در ادامه و اداره زندگی خود هدایت و کنترل می‌گردند بطوریکه این امواج گاهی قدرت‌های عقلی تمامی آنها را در یک جهت بنا به خواست خود هدایت کرده و نظم می‌بخشند کما اینکه ما گاهی شاهد برخی از حرکات دسته جمعی حیوانات و حشرات و ماهی‌ها و پرندگان و... هستیم که بدون کوچکترین تداخلی در مسیر حرکت دیگری، حرکت می‌نمایند و در این زمینه در حقیقت می‌توان چنین گفت که یک نوع عمل و عکس‌العمل در اطراف بدن تمام موجودات و محیط حیات آنها توسط همین امواج الکترومغناطیسی برقرار است که آن امواج به اعضاء حساس عقلی، یعنی مغز، اثر می‌گذارند و موجب عمل یا عکس‌العمل فوری در

موجودات می گردند.

زمانی که عضوی در بدن مریض یا ناراحت می شود، یکی از دلائل عمده آن قطع قسمتی از رابطه تبادل امواج الکترومغناطیسی در حوزه آن عضو از بدن است و چنانچه فردی بگونه ای بتواند این رابطه را مجدداً به هر طریق با عضو مربوطه برقرار نماید، این عمل وی موجب سلامت مجدد آن عضو یا ارگان می گردد.

در ذات، وجود نسل بشر، امواج و تشعشعات بسیاری وجود دارند که هر کدام از آنها دارای اثر و خصوصیات جداگانه ای در چگونگی سلامت و حیات و زندگی افراد دارند. فرضاً امواج رادیوئی که از دست آوردهای علم فیزیک محیط میباشند، مشابهی دیگر از آنها، بگونه ای جداگانه در قدرت روح و تن پوش و جسم افراد دیده میشوند، که همین امواج موجب برقراری ارتباطهای عقل درون سلولی با مغز و اعصاب و ضمیر آگاه و ناخودآگاه، و در نهایت عقل روحی می گردند، که افراد در اثر آن امواج دریافت شده، عمل یا عکس العمل هایی را از خود نشان می دهند. فرضاً عده ای از افراد در خواب رؤیاهایی دارند، یا در بیداری افکار دیگری را می خوانند و از راه بسیار دور با یکدیگر تله پاتی برقرار می نمایند.

افراد درمانگر با اطلاع و شناخت کافی از وجود این امواج، توسط نیروهای ذاتی و امواج برتر روحی خویش می توانند در صورت قطع ارتباط موجی، ارتباط مجددی را بین امواج سلولهای عضو فرد مریض برقرار کنند، و آن میدان الکتریکی یا الکترومغناطیسی گسیسته شده را بطور کامل بکار اندازند و مریض در زمان بسیار کوتاهی، در کمال تعجب، سلامت خود را بدست آورد.

زمانی که از قدرت امواج سلول بدن نسل بشر صحبت به میان می آید ، آن را نباید با عمل یک اتم سنجید. چون در درون این سلول ، علاوه بر قدرتهایی که در ذات اتم ، مانند عقل تحرکی ، نیروی سنیتیک و پتانسیل و... وجود دارد ، موج گیری و موج دهی و نیروی هوشی و حسی یا عنصر روحی را نیز در درون آن می توان یافت که موجب ادامه حیات سالم آن سلول و تغییر حالت آن در شرایط مختلف می گردد و سلولهای ارگانهای مختلف بدن ، عمل و وظیفه خاصی را در راستای عقلی خویش انجام می دهند که با به حرکت در آوردن انرژی سلولهای عضوی ، توسط امواج الکترومغناطیسی ، قوانین طبیعی تحرک سلولی ، در بدن مجدداً آغاز می گردد ، و آن عضو ، سلامت خود را بدین طریق نیز بدست می آورد. و در صورتیکه سلولهای عضوی در اثر چنین امواج و نیروهای طبیعی به حرکت در نیایند ، از آن پس میبایست متوصل به روشهای دیگری شد .

بدن مانند کارخانه ای است که توسط برخی از امواج الکتریکی ، که همان سیالات و نیروهای الکترومغناطیس هستند بحرکت خود ادامه می دهد و در هر زمانی که این امواج در هر قسمت از آن به هر دلیلی متوقف و یا قطع گردد ، آن عضو هم مانند بخشی از کارخانه ، از فعالیت باز می ایستد و برای راه اندازی آن باید برق آن قسمت را ترمیم کرد و زمانی که فردی فوت می کند ، بدن او دارای امواج الکترومغناطیس نمی باشد ، چون همانگونه که وجود اکسیژن موجب حیات است ، اگر الکترومغناطیس اطراف بدن فردی نیز قطع گردد ، آن شخص فوت خواهد کرد. چون حیات افراد ، ارتباط مستقیمی با وجود الکترومغناطیس دارد و الکترو مغناطیس زمین هم تأثیرات زیادی بر آن

می‌گذارد و به همین دلیل هم اگر افراد در جهت قطبهای زمین بخوابند، از آرامش بیشتری برخوردار خواهند بود و قرار دادن مریض در این جهت در زمان معالجه فرد برای انرژی درمانی، جهت باز یافتن سلامت مریض، به مراتب راحت‌تر و مؤثرتر از جهات دیگر خواهد بود، زیرا امواج الکترومغناطیس محیط زمین بر امواج بدن اثر فراوانی می‌گذارد، بطوریکه تا کنون در برخی از کتب یا جراید گزارش شده است، دریا نوردانی که مدتی در سطح دریا حرکت می‌کنند، زمانی که به سوی شمال و جنوب مغناطیس در حرکت هستند. اغلب از آرامش بیشتری نسبت به سفر در جهت مشرق و مغرب، برخوردارند.

روشنهای بسیاری برای تقویت کردن الکترومغناطیس بدن در کتب مختلف خود شرح داده‌ام و یکی از آنها زمانی است که شخص در خواب است، یعنی وقتی که فردی توانست از طریق خواب بر ضمیر ناخودآگاه خویش تسلط یابد و خوابها را بصورت سریال و دلخواه در رؤیاهای خویش مشاهده کند، آنگاه از ضمیر خود می‌خواهد که در زمان خواب به مراکز تقویت امواج الکترومغناطیس روحی برود و امواج مازاد بدست آورد و پس از آن فرد می‌تواند توسط آزمایش لیوان سفالین پر از آب، یا حاضر شدن بر بالین مریض و... قدرت موجی الکترومغناطیسی خویش را بیآزماید و پس از مثبت بودن آن و کسب علم و دانش، اقدام به درمان نماید.

همانگونه که می‌دانیم، در بدو خلقت، نسل بشر هم مانند سایر حیوانات، آزاد خلق شده‌اند، ولی در اثر مرور زمان، هر چه نسل بشر به ماده‌گرایی و ادیان مختلف ماده‌پرستی و تمدن و... روی آورد، به همان نسبت

هم از هر نظر برای خود محدودیتهایی را بوجود آورد، بطوریکه از حالت اولیه خلقت و آزادی خویش بطور کامل خارج شد و بصورت یک موجودی جدید و از هر جانب بسته بندی شده به شکل، آدم امروز درآمد، یعنی بدن خود را با لباسهای مختلف پوشانید، بر سر خود کلاه گذارده و اجازه خروج امواج و دریافت برخی از انوار و امواج محیط را برای جسم محدود کرد و پای خود را با چند جدار پوشانید و آنرا کاملاً محفوظ و محدود کرد بگونه‌ای که در مدت شبانه روز حتی چند ثانیه‌ای هم با محیط طبیعی و ذاتی خویش که زمین بکر است، تماس ندارد، یعنی در بیرون از منزل، کفش اجازه تماس پای آزاد او را با زمین نمی‌دهد و در منزل هم فرش و بخصوص فرشهای ماشینی و موکت و... از این عمل که در اصل تبادل انرژی بدن با طبیعت است، جلوگیری بعمل می‌آورد.

به علت وجود این محدودیتهای ناراحتیهای خاصی را هم تکنولوژی و تمدن و... برای نسل بشر بوجود آورده است و روز به روز با پیشرفت علم و تمدن و قطر کفش‌ها و مواد پلاستیکی‌ای که در آنها بکار می‌برند، حالتی در افراد بوجود می‌آید که به هیچ عنوان امواج طبیعی بدن، با طبیعت محیط تماس ندارد تا بتواند امواجی را که بدن به زمین یا زمین به بدن می‌دهد متبادل گرداند و بدن بصورت آزاد بتواند برخی از امواج مازاد خود را در طبیعت رها کند یا برخی امواج مورد نیاز را از طریق کف پاهای خود از طبیعت به بدن وارد نماید و این عدم امکانات تماس، موجب می‌گردد که امواج مازاد در بدن جمع گردند و در اکثر مواقع موجب سردرد، میگرن، ناراحتی‌های چشمی و مغزی و بروز ناراحتی‌های عصبی و... گردند و در اثبات حقایق مطالب فوق مشاهده

می‌گردد، زمانی که فردی پس از مدتها گرفتاری‌های خانوادگی، اجتماعی و محیطی و... می‌تواند چند روزی به مرخصی برود، احتمالاً مدتی را در دامنه طبیعت آزاد منجمله در کنار دریا با پای برهنه روی ماسه‌های مرطوب یا در کنار رودخانه‌ها، راه می‌رود، اغلب افراد در آن زمان، حالت روحی و روانی و حتی جسمی خویش را در شرایط بسیار خوبی احساس می‌نمایند و حتی وقتی که مجدداً به شهر و بر سر کار خود باز می‌گردند، مدتها همان آرامش را در وجود خویش می‌بینند. بطوری که این حالت آنها از نظر سایرین نیز چشم‌گیر است که معمولاً اطرافیان او می‌گویند «فلانی در زمان مرخصی به آرامش عصبی و روحی خوبی دست یافته است».

کسب این نوع آرامشها هرگز از طریق دارو و درمانهای پزشکی و... نبوده، بلکه این شخص مدتی توانسته است قسمتی یا تمام بدن لخت خود را با طبیعت، در محیطی آرام تماس دهد و در اثر این ارتباط، انرژی و امواج مازاد را به طبیعت برگرداند و آنچه را که بدن وی از امواج طبیعت کمبود دارد را دریافت کند و هر نتیجه این حالت شادی و شغف در حالت‌های وی بوجود آیند بطوریکه همگان بتوانند از تغییرات حالت روحی و جسمی وی آگاه شوند، در صورتی که اگر فردی هر روز بتواند این عمل را برای مدتی کوتاه در محیط طبیعی انجام دهد، در سلامت دائمی بسر خواهد برد.

کسانی که دارای برخی از ناراحتی‌ها، مانند میگرن، چشم‌درد، افسردگی، التهاب، ضعف قوای جنسی و... هستند، اگر بتوانند حداقل هفته‌ای یک ساعت را با پای برهنه بر روی ماسه و شن‌های مرطوب یا خاک و جنگل و دشت و... راه روند، پس از مدتی مشاهده می‌نمایند که درد و ناراحتی‌های

آنها بتدریج رو به کاهش گذارده و بهبود کامل خویش را بدون مصرف هیچ گونه دارویی بدست آورده‌اند.

اگر از نظر تاریخی به طرز زندگی اجداد خویش بنگریم، متوجه می‌شویم، از زمانی که نسل بشر از طبیعت آزاد خویش دور شده و محدودیتهای خاصی را از نظر برقراری تماس‌های مستقیم با امواج طبیعی در زندگی برای خود بوجود آورده است، بطور دائم ناراحتی و امراض جدید و ناشناخته‌ای از سوی همین طبیعت برای او بوجود می‌آیند، بگونه‌ای که خود وی هم متوجه آن نیست و نمیداند که چرا هر قرنی که می‌گذرد، اینهمه درد و امراض جدید در جهان خودنمائی مینمایند!

اکثریت قریب به اتفاق افرادی که شغل و زندگی آنها بگونه‌ای با طبیعت آزاد سر و کار دارند و مدتی را روی زمین می‌نشینند یا با پای برهنه راه می‌روند، از سلامت روحی، روانی، جسمی بیشتری نسبت به کسانی که خود را در لفاف لباسهای مختلف پوشانیده‌اند برخوردارند و به همین علت هم در بین روستائیان جهان، افراد مریض کمتری را نسبت به کسانی که در شهرهای بزرگ و صنعتی زندگی می‌کنند، می‌شود یافت.

برای حفظ سلامت بیشتر پیشنهاد می‌گردد، اگر به هر دلیلی که در طبیعت آزاد می‌روید یا زندگی می‌کنید، روزانه حداقل در زمان ورزش کردن، کفش و جوراب را از پا درآورید و با پای برهنه روی چمن یا خاک تمرینات خود را انجام دهید تا اثر ورزش و سلامت شما چندین برابر افزایش یابد و سلامت و تندرستی خویش را با همین عمل بسیار ساده و قدیمی بدست آورید.

آموزش کامل هیپنوتیزم و روشهای مختلف در مانگری های آن

به همان نسبتی که حالت های روحی هر فردی در جهان با دیگری متفاوت است هیچ یک از پدیده یا حالت های روحی هم با دیگری برابری کامل ندارد، زیرا روح جزو پیچیده ترین اسرار خلقت است. لذا خواب های طبیعی و مصنوعی و روحی افراد، در همه شرایط با یکدیگر متفاوت می باشند.

در بعضی خواب های مانیه تیکی، فردی که تحت نفوذ عامل خود قرار دارد، گاهی بطور ناگهانی تغییر حالت و شخصیت می دهد و دلیل آن هم این است که، معمول در آن زمان تحت تأثیر روح آزاد دیگری قرار گرفته است، که چنین حالت و شرایطی برای معمول پیش آمده است.

زمانی که معمول در خواب است. ممکن است حرکات و اعمال و رفتار وی در آن زمان به یکی از دو صورت زیر عمل نماید.

۱- اعمالی از سوژه (معمول) بروز نماید که خارج از شناخت حواس پنج گانه وی و دیگران باشد ولی این اعمال در اصل از قدرتهای ذاتی و روحی او سرچشمه می گیرند. مانند الهامات روحی، حلولی شدن افراد و.....

۲- گاهی برخی اعمالی از سوژه بروز می کند، علاوه بر اینکه آن حرکات با شناخت های عقلی افراد مطابقت دارد، با علم فیزیک محیط نیز برابری می کند. مانند: کتابت، نقاشی تجسد، حرکت اشیاء و... در این حالت نیروهای محیط قادرند از طریق تأثیر گذاری عقل بر ماده، حقایقی را به افراد جلسه بنمایانند و در این مورد باید دانست که، هر فرد دارای حالت مدیومی و

زمان نفوذ پذیری خاصی است. که بعضی از افراد در همان جلسات اول تحت نفوذ نیروی عامل قرار می‌گیرند و برخی دیگر، گاه نهایتاً پس از ۳۰ جلسه تحت نفوذ وی واقع می‌شوند.

در زمانی که معمول تحت نفوذ عامل است ضمیر آگاهی او فعالیت چندانی ندارد، ولی ضمیر ناخود آگاه وی کاملاً فعال است، زیرا در برخی از مجالس تماس دیده شده که مدیوم به خواب رفته و روحش از جسم فاصله می‌گیرد و در همان زمان روح آزاد دیگری که در آن محیط حضور دارد، طی شرایطی به جسم وی اثر می‌گذارد و کنترل عقلی و جسمی او را برای مدت زمانی در دست می‌گیرد. در این شرایط، فرد به خواب رفته از نظر قدرت مدیومی آمادگی نفوذپذیری آن روح خارجی را دارد که به این حالت «حلول روح در بدن» می‌گویند، و در نتیجه این حلول، شخصیت و رفتار افراد کاملاً عوض می‌شود، و آن فرد در آن زمان با شخصیت جدید و تازه‌تری را از خود بروز میدهد.

البته باید بدانید که این حالت حلول روح موقتی است و پس از بیداری مدیوم از خواب مصنوعی یا پایان جلسه روحی، روح خود مدیوم به جسم او بر می‌گردد و شخص حالت طبیعی و اولیه خویش را بدست می‌آورد، زیرا روح مدیوم توسط ریسمانهای نقره‌ای به جسم او متصل است، ولی روح آزاد هیچ اتصالی در آن بدن ندارد، لذا مجبور به ترک جسم مادی می‌شود، مگر اینکه در این شرایط، حکمتی از خلقت در آن نهفته باشد که روح خارجی، برای مدتی اجازه ورود روح خود شخص را به وی ندهد و مدتی معمول تحت نفوذ و حتی اذیت و آزار روانی، توسط آن روح قرار گیرد.

در زمان حلول روح خارجی به بدن، اکثر مدیومها دارای قدرت خارق العاده ای می شوند: برخی از آنها می توانند با پای برهنه روی آتش راه بروند و آسیبی نبینند، یا میله ای را وارد بدن خود کنند و دردی احساس ننمایند، و یا تحت عمل جراحی بدون درد قرار گیرند به همین علت هم خداوند متعال در یکی از کتب آسمانی درباره قدرت روح می فرماید: «ولی هر کس را ظهور روح به جهت منفعت عطا می شود زیرا یکی را بوساطت روح کلام حکمت داده می شود و دیگری را کلام علم بر حسب همان و یکی را ایمان به همان روح و دیگری را نعمتهای شفا دادن به همان روح و یکی را قوت معجزات و دیگری را نبوت و یکی را تمیز ارواح و دیگری را اقسام به زبانها و دیگری را ترجمه زبانها، لکن در جمیع آنها همان یک روح فاعل است که هر کس را فرداً بحسب اراده خود تقسیم می کند»

با توجه به مطالب الهی فوق، حال بیشتر می توانید در مورد قدرتهای روحی خود یا روح آزاد بیاندیشد و از آن به نحو احسن استفاده نمائید.

در کلیه خوابهای طبیعی یا مصنوعی، تا زمانی که فردی دارای افکار ناراحت و مغشوش و پراکنده است، به خواب نمی رود، زیرا امواج اطراف بدن شخص، هر کدام در جهت متفاوتی در حرکت می یابند و به همین علت هم افکار آن شخص مشغوش است، در هر زمانی که کلیه این امواج، همگی همسو در یک جهت قرار گرفتند، آنگاه شخص آرامش می یابد و به خواب می رود.

در خوابهای مصنوعی، هادی یا عامل، با پاس دادنهای مغناطیسی خود، امواج را به یک جهت در می آورد تا اینکه معمول به خواب برود یعنی امواج عقلی، روحی و جسمی، همگی در یک جهت قرار گیرند. و در این شرایط

است که شخص به خواب خواهد رفت.

زمان نفوذ پذیری افراد، نسبت مستقیمی با یکسو شدن هر چه سریعتر این امواج دارد و عامل می‌بایست در زمان اجرای خوابهای مصنوعی به این مهم توجه داشته باشد، و گرنه عمل او بی اثر خواهد بود.

برای بیدار کردن معمول (سوژه) از خوابهای مصنوعی، عامل باید امواج یکسو شده معمول را بحالت اولیه خود باز گرداند تا فرد به حالت اولیه خویش باز گردد و از خواب مصنوعی برخیزد.

روزی نوجوانی را به دفتر کارم آوردند و مادرش اظهار داشت که پسر من سه روز است که به خواب مصنوعی رفته و هنوز کاملاً بیدار نشده است، از پسر که در هوش کامل بود پرسیدم، چه شده و تو چگونه به خواب رفتی، پسر با لهجه‌ای ضعیف و حالتی مثل اظهار داشت «سه روز قبل یکی از دوستانم که هیپنوتیزم کردن را تازه یاد گرفته بود مرا در منزل تحت تأثیر امواج خود قرار داد و خوابانید و هر کاری که کرد نتوانست مرا بیدار کند و سپس پا به فرار گذاشت و از آن روز هنوز من خواب هستم».

چون می‌دانستم پسرک بیدار است، ولی هنوز تحت تأثیر تلقینات غلط گذشته قرار دارد، او را روی صندلی نشانیدم و در کنارش ایستادم و دست به پیشانی و موی سر او کشیدم و گفتم، حال چشمهای خود را بگشای چون از خواب مصنوعی خارج شدی، با توجه به اینکه در اصل عملی را برای بیدار کردن او نکرده بودم، پسر چشمهای خود را از هم گشود و از جا بلند شد و درست حرف زد و به مادرش گفت: مامان من کاملاً بیدار شدم، حال بسیار خوب است، چون او اسم مرا شنیده بود و می‌دانست که در این زمینه

کتابهایی نوشته ام و حتماً اگر من دست به او بزنم، بیدار خواهد شد، لذا در اثر تماس دستهایم اظهار سلامت نمود و از جای خود بطور کامل و سالم برخاست.

برای اینکه عامل بتواند معمول خود را تحت تأثیر تلقین و اعمال نفوذ گذاری خویش قرار دهد، ضمن تلقین به وی پاسهای مختلفی را می دهد تا به خواب برود و این عمل دارای حالت و روشهای خاصی است.

هر گونه که فردی بتواند دیگری را تحت نفوذ و قدرتهای روحی خویش یا نیروهای خارج از بعد مادی قرار دهد، در اصل او توانسته است طرف مقابل را هیپنوتیزم نماید که در این مبحث سعی شده چندین نوع تأثیرگذاری عامل بر معمول را که بسیار ساده و عملی می باشند شرح داده شود تا به هر طریقی که عامل توانست، بر ضمیر ناخود آگاه مریض یا معمول خویش تسلط کامل یابد و او را درمان نماید.

باید به این مطلب توجه داشت، از لحظه ای که عامل فردی را برای انجام آزمایش مدیومی یا خواب مغناطیسی از بین جمع فرا می خواند، از همان زمان، آن فرد معمول، تحت نفوذ این عمل هادی قرار می گیرد و تا زمانی که به خوابهای عمیق می رود، تمام حرکاتش تحت کنترل عامل است و کلیه سوژه ها از ابتدای تلقین پذیری تا انتهای خواب، دارای حالت های مشترک زیر هستند:

۱- نوعی سستی و رخوت در جسم خویش احساس می کنند و تمایل چندانی به حرکات اضافی بدن ندارند.

۲- هر نوع تلقینی را که عامل به او بنماید می پذیرد، مثلاً اگر عامل به وی

بگوید دست چپ تو به دلیل وجود انگشتر یا ساعت سنگین شده است، پس از مدتی چنین احساسی به معمول دست خواهد داد و آن دستی که انگشتر دارد، بدلیل احساس سنگینی زیاد رو به پائین میرود.

۳- وقتی به سوژه تلقین شود که تمام بدن تو لخت و شل می شود، سوژه پس از مدتی این احساس را می نماید.

۴- در حالت خواب نوعی بی خبری به سوژه دست می دهد، یعنی در اکثر خوابها، سوژه تقریباً از محیط خود بی خبر می شود و اگر در زمان خواب سنگین، به او تلقین شود که از این پس بدن تو دردی را احساس نخواهد کرد، همین احساس و حالت به سوژه دست می دهد و در این شرایط اگر تحت عمل جراحی ساده هم قرار گیرد، هیچ دردی را احساس نمی نماید.

۵- هر چه تلقین و تأثیر گذاری در سوژه بیشتر شود، بی حسی و رخوت بیشتری به وی دست می دهد و خواب او نیز سنگین تر می گردد.

۶- چگونگی بیدار کردن کلیه سوژهها در تمام خوابهای روحی، طبق قراردادی است که عامل قبل از خواب کردن به سوژه گفته است که با آن روش است که وی بیدار می شود در غیر این صورت امکان دارد سوژه پس از بیداری دچار ناراحتی های روحی و روانی گردد یا باور نداشته باشد که وی بیدار شده است.

روش پاس دادن: این عمل همیشه توسط عامل انجام می گردد و پاس دادن ها معمولاً بر پنج نوع می باشند و در زمان پاس دادنها دست راست همیشه دارای امواج مثبت و دست چپ امواج منفی دارد و کسانی که دارای یک دست هستند کف دست مثبت پشت دست منفی است پاسهایی را که عامل در

زمان خوابهای مصنوعی بکار میبرد، به شرزیر میباشند.

عمودی = افقی = دورانی = ضربه ای و ثابت:

الف = پاسهای عمودی: این نوع پاسها برای خوابانیدن معمول بکار برده می شود و روش اجرای آن بدین گونه است که عامل هر دو دست خود را بصورت پنجه های بسته به بالای سر معمول می برد و در فاصله دو تا سه سانتیمتری بدن سوژه تا حدود ناف یا سر زانو (ایستاده تا ناف و نشسته تا زانو) به آرامی به طرف پائین حرکت می دهد، بطوریکه دستها از روی پیشانی، صورت، گلو، خورشیدی بزرگ و معده بگذرند و زمانی که دست به انتهای شکم یا زانوی سوژه رسید، عامل دستها را با حرکتی آهسته از همانجا به پهلو و اطراف بدن خود می برد و سپس به آرامی دستها را مجدداً در بالای سر سوژه قرار داده و پاسهای بعدی را ادامه می دهد.

پاسهای عمودی به دو بخش تقسیم می شوند

بخش اول برای خوابانیدن سوژه است، و بخش دوم پاسهای عمودی ای

که از پائین به بالا داده می شوند و برای بیدار کردن معمول بکار برده میشود.

روش پاس دادن های عمودی از پائین به بالا: زمان بیدار کردن سوژه،

عامل دستها را بصورت بسته در چند سانتی متری شکم یا زانوی معمول

قرار می دهد و با آرامش دست را از مسیرهای قبلی که سوژه را خوابانیده

است به بالا می برد تا به مغز سر سوژه برسد و در آنجا دستها را از هم باز

می کند و از کنار بدن، مجدداً در سطح زانو یا شکم سوژه می آورد و پاس های

بعدی را شروع می نماید.

ب = پاسهای افقی: در این نوع پاس دادن ها می بایست دستها به

صورت افقی با پنجه‌های بهم چسبیده، روی سینه معمول در چند سانتی متری قرار گیرد و از چپ به راست و از راست به چپ، به آرامی تا روی شکم معمول که دراز کشیده است، حرکت نماید و سپس چند بار این حرکت تکرار شود و انجام این نوع پاسها موجب سنگین شدن خواب معمول می‌گردد و آن را باید در حال دراز کشیدن معمول حدود ۲ تا ۴ دقیقه انجام داد. ضمن اینکه تلقینات می‌بایست در تمام زمان پاس دادن‌ها اجرا گردد.

پ = پاس‌های دورانی: زمانی که سوژه در خواب هیپنوتیکی قرار دارد، عامل دستها را در فاصله‌ای حدود دو سانتی متری بدن، در محل موضع درد یا ناراحتی‌های سطحی نگاه می‌دارد و با هر دو دست یا فقط دست راست، با حرکتهای دورانی روی موضع ناراحتی، آن نقطه را حدود دو تا پنج دقیقه پاس می‌دهد و با این عمل موجب تقویت یا ترمیم امواج الکترومغناطیسی بدن معمول در آن محل می‌شود، البته باید توجه داشت که بدون خوابانیدن سوژه هم می‌شود به مریض انرژی داد.

ت = پاس‌های ضربه‌ای: این نوع پاس دادن‌ها جهت درمان ناراحتی یا دردهای داخلی بدن بکار می‌روند و روش آن بدین گونه است که، عامل دست راست خود را در فاصله‌ای حدود بیست سانتی متری محل ناراحتی یا درد بدن نگاه می‌دارد و حدود دو تا چهار دقیقه دست راست را با سرعت، تا حدود یک سانتی متری بدن سوژه بصورت عمودی پائین می‌آورد و اثرات امواج مثبت دست وی تا عمق زیادی در بدن معمول اثر می‌گذارد. اگر عامل بتواند این عمل را صحیح اجرا کند، پس از اندک مدتی در فاصله چند سانتی متری بدن سوژه احساس فشردگی هوا را در زیر دست خود خواهد کرد.

ث = پاس های ثابت: عامل دست راست را حدود ۲ تا پنج سانتی متری محل درد یا ناراحتی سوژه حدود دو دقیقه به بالا که زمان آن مربوط به تشخیص عامل است، نگاه می دارد تا امواج ثابت بتوانند اثرات سازنده ای را از خود در تقویت و ترمیم بافتهای سیستم عصبی و امواج الکترو مغناطیسی محل مزبور از خود بجای بگذارد و چنانچه سیستم عصبی در آن قسمت ناراحتی داشته باشد، آن را کاملاً سالم کند و عضو، فعالیت مجدد خود را آغاز نماید. این نوع پاسها معمولاً برای رفع ناراحتی های سطحی و پوستی، بیشتر بکار برده می شوند.

پاسهای درمانی می بایست در هفته اول حداقل هفت بار و بعداً هفته ای چهار بار به معمول داده شوند و تا دو یا سه هفته ادامه داشته باشند تا اثرات آن کاملاً مشهود گردد.

در زمان تأثیر گذاری یا تأثیر پذیری هر فرد دارای حالت روحی خاص مربوط به خود است، ولی خوابهای مصنوعی را بر مبنای چگونگی حالت های روحی افراد، بطور کلی به چهار بخش عمده تقسیم بندی می توان نمود.

الف = خوابهای سبک: این خوابها اختلاف چندانی با بیداری افراد ندارند، یعنی سوژه قادر است تمام مطالب محیط را درک نموده و تشخیص دهد و تنها اختلاف حالت های وی در این است که، بدن او قدرت حرکت کردن را ندارد، بطوریکه حتی پلک چشمهای خود را هم نمی تواند از هم بگشاید و به همین علت هم وقتی سوژه از خواب هیپنوتیکی بر می خیزد، به عامل می گوید: «من اصلاً در خواب نبودم و همه مطالب را می فهمیدم و فقط قدرت تحرک و تکلم نداشتم.»

ب = خواب متوسط: در این نوع خواب، تلقین پذیری معمول زیاده‌تر می‌شود و چنانچه عامل هر قسمتی از بدن سوژه را ماساژ دهد، همان قسمت از بدن او خشک می‌شود و چنانچه تمام بدن او ماساژ داده شود، کلیه بدن وی مانند چوب خشکی در می‌آید، برخی از عامل هادر چنین شرائطی از سوژه استفاده‌های نمایشی، بخصوص خشکی بدن را می‌نمایند و یک صندلی زیر سر و صندلی دیگر را زیر پای سوژه قرار می‌دهند و او را در همان حالت بصورت بدنی خشک شده به نمایش می‌گذارند.

در این نوع خوابها می‌شود ناراحتی‌های روحی و روانی معمول را با تلقین درمان کرد، چون عامل بر ضمیر ناخودآگاه وی تسلط کامل دارد و سوژه پس از بیداری، معمولاً تمام گفته‌های عامل را فراموش می‌کند و چنانچه مجدداً او را بخوابانند، معمول می‌تواند تمام تلقین‌های گذشته را به یاد آورد.

روش سنگین کردن خواب در این حالت به شرح زیر است: زمانی که سوژه در خواب سبک است عامل باید انگشتان دست راست خود را بطور بسته بمدت سه تا چهار ثانیه بر پیشانی سوژه بگذارد و به او بگوید که با این عمل خود قصد دارد خواب او را یک درجه سنگین‌تر نماید و سپس بوسیله پاس دادن‌های عمودی از بالا به پائین، این حالت را در سوژه تثبیت کند و در هنگام پاس دادن‌ها، عامل باید تمام حرکات و اعمال خود را به زبان آورد و از حالت‌های خوب سوژه و آمادگی کامل جسمی او سخن گوید و هدف خود را از انجام این عمل نیز بیان دارد تا سوژه از چگونگی حالت‌های روحی و جسمی خویش در هر نوع خوابی با خبر گردد و بداند که حالت روحی و

جسمی او خوب است و فقط جسم وی برای مدت محدودی بصورت منقبض در آمده است و هر چه خواب او سنگین تر شود، اثر سویی بر ضربان قلب و نبض یا دستگاه تنفسی و غیره وی نخواهد گذارد.

پ = خواب سنگین:

در این مرحله از خواب، سوژه دارای حالت های زیر میشود xxx

- ۱- معمول صدای هیچ فردی را غیر از عامل نمی شنود.
- ۲- در این حالت، اگر عامل بخواهد که معمول صدای فرد دیگری را بشنود و به آن پاسخ گوید، ضمن تلقین کردن به وی باید انگشت نشان دست راست خود را بمدت حدود سه ثانیه در محل پیشانی یا چشم سوم سوژه قرار دهد یا پشت گوش معمول را با انگشت وسطی دست راست مدتی ماساژ دهد.
- ۳- در این شرایط، درمان ناراحتی های سوژه بسیار راحت تر خواهد شد و گاهی عامل می تواند علت بیماری و نوع درمان را از ضمیر ناخود آگاه سوژه سؤال کند.

۴- در این شرایط، امواج تن پوش عامل و معمول تقریباً یکسان می شوند و اگر سوزنی به بدن معمول زده شود، در همان محل، عامل احساس ناراحتی خواهد کرد.

۵- قدرت روحی سوژه در این خواب زیاد می شود و اگر دست مریضی را بگیرد، به احتمال زیاد، او را درمان، می کند.

۶- در این شرایط قدرت روشن بینی معمول زیاد می شود و اگر عامل از او بخواهد که چشمهای خود را بگشاید، به احتمال زیاد پس از آن گاهی می تواند هاله های اطراف بدن مریض یا اطرافیان خود را ببیند و یا با چشم

بسته از اطراف خود خبر دهد.

۷- اگر عامل شکل و یا حالت روحی خود را تغییر دهد، معمول نیز چنان حالتی را به خود خواهد گرفت.

۸- برای سنگین شدن این خواب، زمانی که سوژه در خواب متوسط قرار دارد، عامل پنجه دست راست خود را بطور بسته برای مدت حدود چهار ثانیه بر پیشانی معمول می‌گذارد و سپس چند پاس عمودی برای سنگین‌تر شدن خواب، به وی می‌دهد.

ت = خوابهای بسیار سنگین:

این نوع خوابها دارای مشخصات زیر هستند:

۱- از نظر ظاهری، جسم سوژه مانند بدن جسدی است که بخود شکل نمی‌گیرد و کاملاً لخت و شل می‌باشد.

۲- ضربان قلب و تنفس معمول کندتر از حد طبیعی زمان خواب وی می‌گردد.

۳- رنگ چهره سوژه تغییر می‌یابد و به شکل زرد یا کبود و تیره در می‌آید.

۴- سوژه تقریباً تمام حواس پنجگانه خود را از دست می‌دهد و تنها قادر است صدای عامل را بشنود.

۵- در این نوع از خوابها، می‌شود معمول را تحت عمل جراحی‌های سبک قرار داد.

۶- اگر عامل نقطه‌ای از بدن معمول را فشار دهد، آن محل سفت و خشک می‌شود و چنانچه قسمت دیگری از بدن را فشار دهد، بخش اولی شل و

قسمت دومی سفت می شود.

۷- زمانی که سوژه به این نوع خواب برده می شود، اگر فرد روشن بینی در جلسه حضور داشته باشد به وضوح می تواند مشاهده کند که ستونی از نور از بدن معمول خارج می شود و بطرف سقف می رود و پس از مدتی در همانجا این امواج به خود شکل می گیرند و بصورت جسم معمول در می آیند.

طریقه سنگین کردن این خواب بدینگونه است که، وقتی سوژه در خواب سنگین قرار دارد، عامل دو انگشت نشان و وسطی هر دو دست را بر روی پلکهای چشم سوژه قرار می دهند و حدود ده ثانیه در همانجا نگاه می دارد و مقدار بسیار جزئی به چشمهای وی فشار می آورد، پس از مدتی سوژه تحت تأثیر تلقینات عامل به این نوع خواب خواهد رفت که در این شرایط نیازی به پاس دادن های بعدی یا تلقین ندارد و این نوع خواب کردن ها با مهارت عامل، ارتباط مستقیم دارد، چون کمتر عاملی قادر است سوژه خود را در این شرایط روحی و جسمی قرار دهد.

در این موقع عامل باید هر عملی را که انجام می دهد، با صدای بلند به سوژه بگوید تا ضمیر نا خود آگاه وی بداند که هیچ تغییری در حالت های جسمی و روحی او بوجود نخواهد آمد و پس از مدتی با جسمی صحیح و سالم از جا بر می خیزد و ضمیر هم تمام حرکات و اعمال و رفتار بدن او را در آن شرایط کاملاً کنترل می نماید.

مشاهده شده است عامل های نا آگاهی که گاهی توانسته اند سوژه خود را به این مرحله از خوابهای هیپنوتیکی ببرند، معمول پس از بیداری، دچار

ناراحتی‌های جسمی و روحی شده است و همچنان مدتها گرفتار اختلالات روحی بوده است.

طرز بیدار کردن سوژه: هر عاملی باید بداند، به همان نسبتی که خواب سوژه را سنگین کرده است، در زمان بیدار کردن، باید مجدداً به همان ترتیب خواب او را سبک کند و سپس وی را بیدار نماید.

وقتی سوژه از خواب خیلی سنگین باید بیدار شود، عامل میبایست اعمال زیر را به ترتیب انجام دهد.

۱- پنجه بسته دست چپ خود را بمدت حدود چهار ثانیه روی پیشانی سوژه قرار دهد. افراد یک دست، پنجه‌های بسته پشت دست را بر پیشانی معمول قرار می‌دهند.

۲- در تمام مراحل به وی تلقین کند که بتدریج خواب او سبک می‌شود و با آرامش و شادی از خواب بر می‌خیزد.

۳- طبق قرار داد قبلی‌ای که پیش از نفوذ گذاری، عامل با سوژه گفته است، شروع به شمارش اعداد، برای بیدار شدن می‌کند تا وی به خواب سنگین برسد.

۴- انگشت بسته دست چپ را ضمن تلقین، یکبار دیگر حدود چهار ثانیه بر پیشانی سوژه می‌گذارد تا به خواب سبک برود.

۵- با تلقین بتدریج او را به خواب سبک می‌آورد و آنگاه با شمارش و تلقین او را بیدار می‌کند و ضمن تلقین به وی می‌گوید که از هم اکنون هیچ ناراحتی ندارد و در آرامش کامل قرار خواهد گرفت.

باید توجه داشته باشید که خوراندن یک حبه نبات یا آب نبات و در

نهایت آب قند به سوژه‌ای که به خواب سنگین به بالا رفته است پس از بیداری ضروری است تا آفت فشار وی تأمین گردد.

در مورد افراد نفوذپذیر نیز باید گفت، مدیوم یعنی فردی که واسطه بین انرژی و قدرت ارواح با افراد زنده باشد و در شکل گرفتن جلسات روحی مدیوم رل بسیار مهمی را ایفا می‌نماید، زیرا بدون وجود وسیط، در جلسات، ارتباط مناسبی از نظر تحرکی و تجسیدی برقرار نخواهد شد، ولی در بسیاری از تماسها، نیازی به مدیوم نیست و خود هادی این عمل را انجام می‌دهد.

عامل‌های مختلف، جهت اجرای برنامه‌های روحی خویش، هر یک چندین مدیوم دارند، که از وجود آنها در تماس‌های خاصی استفاده می‌نمایند. چون هر وسیط، دارای استعداد و توانائی‌های بخصوصی مربوط به خود است که دیگری آن قدرت را ندارد، چون هر کدام از آنها می‌توانند پدیده‌های جداگانه‌ای را بوجود آورند.

بدست آوردن یا شناخت وسیط در بین افراد، کار بسیار مشکلی نیست، زیرا یک هادی ورزیده، با انجام برخی آزمایشات ساده روحی می‌تواند پی بوجود آنها ببرد.

جهت انتخاب وسیط روشهای بسیاری وجود دارند که در کتب مختلف گفته شده‌اند. اگر در جلسه‌ای یک هادی ورزیده بخواهد بدون انجام آزمایش، فوراً از فردی به عنوان مدیوم استفاده نماید، در مرحله نخست باید کسانی را انتخاب کند که بین خانمها دارای اندامی تقریباً درشت و چهره‌ای گرد و گندومگون و حالتی تقریباً عصبی هستند. چون در بین این گروه از افراد، مدیومهای بیشتری را می‌توان یافت.

دلیل وسیط بودن خوب، داشتن سیالات قوی و فراوان و متجانس روحی است. و به همین علت است که توسط سیاله‌های روحی شر و سیط، دسته یا گروه خاصی از ارواح قادر به انجام اعمال و افعالی می‌باشند و در جلسات تظاهراتی را از خود بروز می‌دهند.

قدرت مدیومی هر فردی با حالت روحی وی نسبت مستقیم دارد، ولی با وجود این، در جهان حتی دو نفر را نمی‌توان یافت که دارای حالت و قدرت روحی یکسانی باشند. لذا اگر خواسته باشیم مدیومهای جهان را دسته بندی نمائیم، می‌بایست به تعداد کلیه افراد موجود در کره خاکی، آنها را تقسیم بندی کرد. ولی زیلاً فقط به ذکر چند گروه از مدیوم‌های مهم که از نظر روح شناسان و اکثریت افراد جهان شناخته شده می‌باشند، اکتفا می‌نمائیم.

۱- مدیومهای الهامی

۲- مدیوم شنوا

۳- مدیوم بینا

۴- مدیوم گویا

۵- مدیوم در خواب و رؤیا

۶- مدیوم کتابت

۷- مدیوم تحرکی

۸- مدیوم تجسیدی

۹- مدیوم حلولی

هر یک از این گروهها دارای قدرت و حالت خاصی نسبت به خود هستند، و ممکن است برخی از افراد دارای چندین حالت از قدرت مدیومهای

فوق را داشته باشند.

همانگونه که قبلاً بیان گردید، هر فرد دارای قدرت و نیروی روحی خاصی است و در این راستا حالت نفوذگذاری و نفوذپذیری خاصی هم خواهد داشت و جهت این منظور زمانی که عامل بخواهد در جلسه ای سوژه ای را انتخاب کند، باید به مراتب زیر توجه داشته باشد تا ضریب موفقیت وی در آن جلسه افزایش یابد.

۱- پس از ورود به جلسه، میبایست به چهره یکایک حضار دقت کند و پیش از انجام آزمایش، بصورت نظری سوژه خود را در بین آنها بیابد و سپس سعی نماید فردی انتخاب شود که دارای حالتهای نفوذپذیری بیشتری نسبت به دیگران باشد.

۲- این فرد در مرحله نخست حتماً باید از نظر ظاهری، دارای مشخصات خاصی باشد تا اینکه بعداً او را برای سوژه بودن انتخاب کند و در این مورد اشخاصی که دارای صورتی گرد و ظاهری آرام، چهره ای گندمگون و با نگاهی کوتاه هستند، از نفوذپذیری بیشتری نسبت به دیگران برخوردارند که عامل می بايست تمامی آنها را در نظر داشته باشد و پس از اینکه سوژه خود را با دقت و بطور ظاهری در بین حضار انتخاب نمود، آنگاه میبایست درباره عملی که می خواهد انجام دهد، با آنها گفتگو کند و سپس آزمایشات زیر را با معمول انتخاب شده خویش برای اطمینان خاطر بیشتر بعمل آورد.

آزمایش ۱- تشخیص سوژه:

عامل حضار را در یک یا چند صف می نشاند، سپس به آنها می گوید، از

این لحظه به بعد، همه شما تحت نفوذ نیروهای مانیه تیز می من قرار می گیرید و از اکنون همگی بادقت به چشمهای من نگاه کنید. سپس به آنها می گوید، پنجه دستهایتان را داخل هم کنید و بطوری که کف دستها را به سمت بیرون بچرخانید تا کف دست بطرف من باشد، در این موقع دستها باید کاملاً کشیده و کف دستها به سوی بیرون کشیده شده باشند.

پس از چند لحظه، عامل با چرخانیدن سر، به چشم همگان نگاه می کند و می گوید: از هم اکنون همه شما تحت نفوذ نیروهای مانیه تیز می من قرار دارید و قادر به باز کردن پنجه دستهای خود نمی باشید. پس از گذشت چند لحظه به آنها می گوید: اگر فردی در بین شما می تواند پنجه های دست خود را از هم باز کند، از هم اکنون مجاز است تا آنها را از هم بگشاید.

در این موقع، تعدادی از افراد میتوانند پنجه های خود را باز کنند، ولی برخی از آنها در همان حال باقی می مانند، پس از مدتی بتدریج دست عده ای دیگر نیز از هم باز می شوند و در آخر کار دو یا سه نفر از آنان باقی می مانند که دستهایشان هنوز بهم چسبیده باقی مانده است. در این زمان عامل فقط به چشم آنها بدون پلک زدن خیره می شود و پس از چند لحظه دیگر به آنها می گوید، حال سعی کنید پنجه های دست خود را به زور از هم جدا کنید. در این موقع آنها کوشش می کنند تا دستها را بگشایند و احتمالاً در این نوبت نیز تعدادی از آنها می توانند دستها را از یکدیگر باز کنند، آنگاه عامل به مابقی می گوید، برای باز کردن دستها هر چه می توانید تلاش نمایید. ممکن است یک یا دو نفر دیگر از آنها نتوانند پنجه های خود را از هم باز کنند، سپس به آن یک یا دو نفری که پنجه هایشان هنوز بهم قفل باقی مانده است می گوید. اکنون

من از همین جا به دست شما فوت می کنم و یا نگاهم را از دست شما بر میدارم تا پنجه دست شما از هم باز شود و در این حالت، یک لحظه چشمها را می بندد تا ارتباط انرژی بین آنها قطع گردد، و دستها از هم باز شوند. وقتی دستهای این یک یا دو نفر از هم باز شدند، عامل می تواند، هر کدام از آن دو را بعنوان سوژه خویش انتخاب کند.

پس از انتخاب سوژه مورد نظر، برای کسب اطمینان بیشتر از جهت نفوذ پذیری، بهتر است عامل آزمایش دیگری را نیز بر روی سوژه انجام دهد.

آزمایش ۲ - تشخیص سوژه:

عامل، سوژه ای را که انتخاب نموده، از بین حضار صدا می کند و از او می خواهد که در وسط اطاق بایستد و خود او در حدود ۱/۵ تا ۲ متری پشت سر سوژه قرار می گیرد، سپس با صدایی مطمئن به وی می گوید: من اکنون ترا تحت تأثیر نیروهای خود قرار می دهم و تو پس از چند لحظه به عقب کشیده می شوی و در آن حالت از افتادن خود وحشت نکن، چون در آن حالت من تو را خواهم گرفت.

آنگاه عامل شروع به نگاه کردن عمیق و مستمر و بدون پلک زدن به بین دو کتف او، روی ستون فقرات می کند و برای افزایش نیروی کششهای چشمی خویش می تواند از نیروی کشش کف دستهای خود نیز کمک بگیرد و پنجه دستهای خود را بصورت پیاله ای رو بهمان محل که به آن خیره شده است نگه می دارد و دستها را گاهی به عقب می کشد و پس از مدت کوتاهی، سوژه احساس می کند که گویی او را با طنابی بسته و به سوی عقب می کشند، لذا مقاومت خود را از دست می دهد و به سمت عقب متمایل و کشیده می گردد.

عامل های ورزیده، با نگاه کردن به صورت افراد می توانند به سادگی معمول خود را بین حضار بیابند، زیرا افراد با مشخصات زیر، معمولاً نفوذپذیرتر هستند.

۱- افرادی که دارای صورتی گرد و هیکلی درشت و چهره‌ای گندمگون هستند نفوذپذیرترند و در بین افراد، تلقین پذیری خانمها معمولاً بیشتر از آقایان است، لذا برای تمرینات اولیه بهتر است عامل مدیوم خود را از بین خانمها انتخاب نماید.

۲- افرادی که دارای صورتی مربعی شکل می باشند معمولاً دارای قدرت نفوذپذیری زیادتری می باشند.

۳- افرادی که سه قسمت صورت آنها با هم برابر نیست (فاصله رستنگاه مو تا بالای بینی، بالای بینی تا زیر بینی، زیر بینی تا چانه).

۴- اشخاصی که دارای خمیدگی گوش نمی باشند، یا نرمی گوش آنها کوچکتر از حد معمول است، ضمن اینکه ممکن است در بین افراد کسانی را بتوان یافت که دارای قدرت نفوذپذیری بسیار زیاد و حتی حالت مدیومی خوبی باشند، ولی دارای هیچ یک از حالت و شرایط فوق نباشند.

پاسهای درمانگر

پاس دادن، همیشه توسط عامل صورت میگیرد و پاس دادن خوابهای هیپنوتیکی و درمانی، اصولاً به پنج دسته عمده تقسیم بندی میگردند، ولی هر نوع تماس یا نزدیکی دست عامل به بدن معمول، نوعی پاس دادن محسوب میگردد. و در پاس دادن‌ها همیشه دست راست دارای امواج مثبت و چپ منفی است، ضمن اینکه افرادی که دارای یک دست می‌باشند، کف دست آنها مثبت و پشت دست منفی است.

۱ = پاس دادنهای عمودی: این نوع پاس دادن‌ها، برای خوابانیدن سوژه بکار میروند و روش انجام آن بدینگونه است که عامل هر دو دست خود را با پنجه‌های بهم چسبیده، کنار هم قرار میدهد بگونه‌ای که، شصت هر دو دست با هم تماس داشته باشند، آنگاه دستها را با فاصله‌ای حدود دو سانتی متری بدن معمول، از مغز سر به سمت پائین بدن بگونه‌ای حرکت می‌دهد که وسط دو دست از روی پیشانی، گلو، خورشیدی بزرگ تا زانوهای معمول حرکت نماید و عامل از آنجا دستها را از یکدیگر جدا مینماید و به اطراف بدن خود میبرد و مجدداً در محل اول شروع پاس، نگاه میدارد و پاس بعدی را شروع میکند تا زمانی که خواب سوژه سنگین گردد و پلک چشمهای وی روی هم قرار گیرند.

پاسهای عمودی از پائین به بالا جهت سبک کردن خواب سوژه و بیدار کردن وی بکار میرود و انجام آن بدینگونه است که عامل هر دو دست را به شکل پاس دادنهای افقی از بالا به پائین، در اول زانوهای معمول یا روی شکم

وی نگاه میدارد و سپس دستها را از همانجا به سمت بالا به حرکت در می‌آورد و تا وسط سر سوژه امتداد میدهد و زمانیکه دستها بر فراز سر وی رسیدند، آنها را از هم جدا و به اطراف بدن خویش میبرد و به آرامی مجدداً در اول زانوی معمول یا روی شکم وی نگاه میدارد و حرکت بعدی را آغاز مینماید تا ضمن تلقین کردن، خواب سوژه سبک شود و از خواب برخیزد.

این نوع پاسها را عامل برای خوابانیدن معمول بکار میبرد تا در آن شرایط بتواند بر ضمیر ناخودآگاه وی تسلط یابد و برخی از ناراحتی‌های روحی و روانی او را رفع نماید و بر بسیاری از عقده‌های وی دست یابد و آنها را مرتفع نماید.

۲ = پاسهای افقی: زمانیکه عامل قصد دارد خواب معمول را سنگین نماید، برای این منظور از این نوع پاس دادن‌ها استفاده مینماید. جهت اجرای آن، در مرحله نخست میبایست سوژه را روی تختی خوابانید و در پهلو وی قرار گرفت و سپس هر دو دست را به صورت بهم چسبیده، روی سینه سوژه، در فاصله سه تا چهار سانتی متری نگاه داشت و از چپ به راست و از راست به چپ به حرکت در آورد و ضمن تلقینات عامل، بتدریج خواب وی سنگین میشود و این نوع پاس دادن‌ها میبایست حدود چهار دقیقه ادامه یابند تا تأثیر کاملی در معمول داشته باشد.

این نوع پاس دادن‌ها را نیز عامل برای تسلط یافتن بر ضمیر ناخودآگاه سوژه و درمانهای روحی و روانی واز بین بردن عقده‌های معمول بکار میبرد.

۳ = پاسهای دوران درمانی: زمانیکه سوژه در روی تخت دراز کشیده

و در خوابهای هیپنوتیکی قرار دارد، عامل هر دو دست را بهم می‌چسباند و آنگاه مرکز دستها را در محل درد یا ناراحتی مریض، به فاصله دو یا سه سانتی متری بدن قرار میدهد و حدود پنج دقیقه از راست به چپ و از چپ به راست، به صورت دورانی به حرکت در می‌آورد که این عمل میبایست دو هفته و هر هفته‌ای سه بار و روزی دو مرتبه و هر بار، حدود پنج دقیقه صورت گیرد تا تأثیر مثبتی را در مریض از خود بجای بگذارد و امواج الکترو مغناطیسی محل را تغییر دهد.

اجرای این نوع پاسها برای آرامش اعصاب سوژه در محل پیشانی و خورشیدی بزرگ و کوچک وی بسیار مناسب است و با پاس دادنهای موضعی میتوان بسیاری از ناراحتیها، منجمله ناراحتیهای پوستی، جوشها، درد و ورمهای مفصلی و... را مداوا نمود.

۴ = پاسهای ضربه‌ای: عامل دست راست خود را به صورت پنجه‌های بهم چسبیده در فاصله حدود ۲۰ سانتی متری محل درد یا ناراحتی مریض نگاه می‌دارد و سپس آنها حدود چهار دقیقه با سرعت تا یکی دو سانتی متری محل درد یا ناراحتی پایین می‌آورد و امواج را نفوذ می‌دهد و این عمل میبایست دو هفته و هر هفته سه بار و روزی دو مرتبه به فاصله ده دقیقه انجام پذیرد.

اثر این نوع پاسها بیشتر برای رفع ناراحتی قسمت‌های درونی بدن است

۵ = پاسهای ثابت: عامل دست راست خود را حدود پنج دقیقه در محل درد بطور ثابت نگاه میدارد تا اینکه بتواند امواج الکترو مغناطیس محل درد یا

ناراحتی را کاملاً تغییر دهد و اعصاب آنرا نیز تقویت کند.

پاسهای ثابت برای رفع ناراحتیهای عصبی، افسردگی، میگرن و... مفید است و در زمان انجام پاس دادنها، اگر عامل دارای امواج مازاد باشد، درمان کردنهای وی در معمول بسیار سودمند خواهد بود، ولی چنانچه عامل دارای علم و امواج مازاد نباشد، ضمن اینکه سوژه بهبودی نمی یابد، عمل وی اثرات سوء و ناراحتی دیگری را بر معمول از خود بجای نخواهد گذارد.

زمانی که فردی را تحت تأثیر امواج قرار می دهد و او را به خوابهای مغناطیسی فرد می برد، اگر عمل وی کامل و درست باشد، اعمال و افعال بسیاری را در مورد سالم سازی روح و روان و حتی جسم وی می تواند در اثر تلقین یا تأثیر گذاری امواج صورت دهد که در اینجا چند روش ساده هیپنوتیزم کردن جهت شناخت همگان و بکارگیری صحیح بیان می گردند. قبل از اینکه خواسته باشید درباره تأثیر گذاری امواج بر دیگران بحث نمائید می بایست چند نکته مهم در مورد تأثیر گذاری را بدانید.

۱- پیش از اینکه سوژه آمادگی کامل برای تلقین پذیری پیدا نکرده

است، هرگز اقدام به خوابانیدن وی ننمائید

۲- وقتی سوژه یا (معمول) را تحت نفوذ نیروهای خود قرار دهید که ضمن ارائه تلقیناتی مثبت، از پاس دادنهای عمودی به وی غافل نشوید، و تلقینهای مانند آرامش باش = پلکهای تو سنگین شده = آرام تر شدی = مقاومت نکن = و... نیز استفاده نمایید.

۳- ضمن عمل خوابانیدن، اگر مشاهده نمودید که سوژه پلک می زند و یا

چشمهایش کاملاً بسته نشده اند، عامل ضمن ادای تلقین، فوت ملایمی به

چشمهای وی می نماید و سپس با تلقین باو می گوید: از این پس پلک چشمهای تو کاملاً بسته می شوند و به خواب هیپنوتیکی خواهی رفت و سپس فرق سر او را با کف دست راست، به مدت حدود ۱۰ ثانیه ماساژ ملایمی می دهد تا سوژه آرامش خود را بدست آورد و پلکهای وی بسته شوند.

۴- اگر خواسته باشید خواب سوژه سنگین تر شود، و در زمان خواب اعمال و حرکاتی را انجام دهد، باید به او بگویید:

من اکنون شخصیت هر دو دست خود را روی پلکهای تو می گذارم، ضمن بسته شدن کامل چشمهایت، خواب تو سنگین تر می شود، و بعداً اعمال و حرکاتی را به صورت نا خود آگاهی انجام خواهی داد، سپس حدود ۵ ثانیه شخصتها را روی پلکهای وی قرار دهید، آنگاه اعمال خواسته شده را سوژه به مراتب بهتر انجام می دهد.

(هیپنوتیزم)

افراد نسل بشر از نظر حالت‌های جسمی تقریباً مشابه یکدیگرند و همگی دارای ۵ حس مادی هستند. ولی از نظر عقل و قدرتهای روحی و سایر ملکات روحی، هیچ یک با هم برابری ندارند.

نیروهای روحی و جسمی در افراد به دو طریق تغییر می یابند:

۱- گاهی اتفاق می افتد که به طور ناگهانی حالت‌هایی در شخص به وجود می آید که حالت‌های روحی، روانی و حتی جسمی او را تغییر می دهد. این نوع دیگرگونی‌ها معمولاً مربوط به امواج و قدرتهای مختلف محیطی است و اغلب خود فرد دخالتی در بوجود آمدن آنها ندارد مانند دلشوره - بی طاقتی - اضطراب - افسردگی های ناشناخته و ناگهانی - شادی و الهامات دیدن یا

شنیدن و... یکی از دلائل دلیل مربوط به این حالتها میباشد.

۲- گروهی از افراد با کسب علوم و دانش های لازم، می توانند تغییراتی را در حالت های روحی و روانی و حتی جسمی خویش بوجود آورند و بطور کلی می توان چنین گفت، تأثیر گذاری و تأثیر پذیری، نیروهایی هستند که در ذات افراد نسل بشر به نسبت های گوناگون وجود دارند و گاهی از طریق ذات به وجود می آیند، بدین معنی که بعضی از افراد این حالتها را در ذات خود به صورت پنهان دارند که گاهی از طریق همین قدرتهای اکتسابی، آنرا بیدار و شکوفا می نمایند.

تأثیر گذاری امواج بر دیگری اگر، به طریق صحیح و علمی نباشد، پس از مدتی عامل و معمول، هر دو، دچار نوعی ناراحتی جسمی یا روحی و یا ضعف قوای جنسی و... می شوند و معمول هم در اثر تلقینات غلط یا امواج نامتناسب یا عدم توانایی عامل، بعد از بیدار شدن دچار ناراحتیهای روحی و روانی می گردد.

تأثیر گذاری بر دیگران با روشهای بسیاری در مراکز مختلف انجام می شوند و در این مورد باید گفت که هر عاملی از روش خاص خود استفاده می کند، که ذیلاً چند روش بسیار ساده عملی تأثیر گذاری بر دیگری یا هیپنوتیزم کردن کامل بیان می گردند و جهت اجرای آن قبل از اجرا باید به مطالب زیر توجه نمایید

۱- محل آرام و زمان مناسبی را انتخاب کنید که مشغله کاری و

خانوادگی در آن تأثیری نداشته باشند.

۲- عامل و معمول هر دو باید آمادگی نفوذ گذاری و نفوذ پذیری را

داشته باشند و از نظر روحی و جسمی نیز دارای ناراحتیهای عمده‌ای نباشند.
 ۳- معمولاً روی صندلی راحتی بنشینید و خود در حدود یک قدمی،
 مقابل او قرار بگیرید.

۴- در مقابل چشمان او شئی درخشان را بگیرید و از او بخواهید تا
 بدون پلک زدن و بطور مستمر به آن نگاه کند. این شئی می‌تواند یک انگشتری،
 گوی شیشه‌ای و قطعه‌ای کریستال و... باشد.

۵- پس از مدتی به او بگویید: (با نگاه کردن مستمر به این شئی، پلک
 چشمهای تو به تدریج سنگین می‌شوند و سپس به خواب می‌روی و در آن
 زمان به غیر از صدای من به صدای فرد دیگری توجه نداری و پلکهای تو به
 تدریج سنگین و سنگین‌تر می‌شوند و به زودی پلکهای تو روی هم می‌افتند و
 بسته می‌شوند. مشابه این گفته‌ها بایستی با تانی، چندین بار به صورتهای
 مختلف برای سوژه تکرار شوند تا معمول تحت تأثیر قرار گیرد و پلکهای او
 به تدریج بسته شوند.

۶- اگر عامل دارای مهارت کافی باشد، پس از ادای چندین بار از این نوع
 تلقینات، به زودی چشمهای سوژه بسته می‌شوند و در این موقع یعنی زمان
 تلقین نمودن، عامل باید از پاسهای عمودی نیز به آرامی استفاده کند.

۷- پس از بسته شدن پلک چشمها به وی تلقین کنید که او از هم اکنون
 وارد خوابهای هیپنوتیکی شده و قدرت تحرکی ندارد و حتی از این پس قادر
 به باز کردن چشمهای خود نیز نیست.

۸- مجدداً به او تلقین کنید که چشمهای تو بسته و سنگین شده و خواب
 تو، بتدریج سنگین‌تر می‌شود و به مرور، کلیه حرکات و قدرت حرکت جسم

مادی خود را از دست می دهی.

۹- زمانی که سوژه به چنین احساسی دست یافت، از آن پس کاملاً تحت تأثیر تلقینات و امواج عامل و محیط قرار گرفته است و سپس عامل می بایست پاس دادنهای خود را به تدریج قطع کند.

۱۰- در زمان تلقین کردن، عامل باید از جملات مثبت استفاده کند و از کلماتی مانند: شاید، احتمالاً، بلکه و... خودداری نمایند و هرگز به سوژه نگوید، من نیرو یا انرژی ای را از تو می گیرم یا گرفتم، چون بعدها اثر منفی در سوژه از خود بجای می گذارد.

۱۱- از ابتدای شروع به تلقینات و بسته شدن چشمهای سوژه، عامل باید بدون پلک زدن و بطور یکنواخت به میان دو ابروی سوژه خیره شود و پس از بسته شدن چشمها، پاسهای عمودی از بالا به پایین را به سوژه قطع کند مگر اینکه بخواهد خواب او را سنگین تر نماید.

۱۲- در تمام مدت نفوذ گذاری عامل باید حالت طبیعی داشته باشد و در حرکات و نگاه او هیچ تغییری بوجود نیاید.

۱۳- گاهی اتفاق می افتد که برخی از عاملها به دلایل خاصی سوژه خود را بصورت شرطی در می آورند، یعنی به او تلقین می کنند، فرضاً در هر زمانی که رنگ خاصی را دیدی یا به موجود و عنصر و صوتی بر خورد نمودی، عکس العمل خاصی را که منظور و نظر عامل است در آن زمان از خود بروز می دهد. این نوع شرطی کردنها معمولاً برای ترک برخی از اعتیادها می باشند و سوژه از هر نظر دارای درک است.

۱۴- برای بیدار کردن سوژه، تمام مواردی را که عامل به معمول گفته

تا خواب او را سنگین کند، اول به حالت قبلی باز می‌گرداند، سپس عامل به وی می‌گوید: من از شماره ۵ تا ۱ می‌شمارم، سپس تو بدون هیچ گونه ناراحتی و اضطراب و با سلامت و خوشحالی کامل چشمهایت را از هم می‌گشایی، ضمن اینکه با هر شمارش به تدریج پلک چشمهای تو سبک‌تر می‌شوند و آنگاه عامل شروع به شمارش می‌کند.

۱۵- اگر عامل خواب سوژه را سنگین کرده یا قدرتی را به صورت تلقینی از او گرفته باشد، قبل از اقدام به بیدار کردن او، باید آنها را به وی با تلقین باز گرداند و خواب وی را در مرحله نخست سبک کند و سپس شمارش را شروع نماید و مطلبی را که باید به سوژه برای بیدار شدن بگوید، می‌بایست تمامی آنها را قبل از اینکه سوژه را تحت تأثیر تلقینات خویش قرار دهد، می‌بایست به وی گفته باشد تا برای بیدار شدن سوژه اشکالی پیش نیاید.

روش خواباندن سوژه

برای خواباندن سوژه، عامل‌ها روش‌های مختلفی را انجام می‌دهند که در اینجا مهارت عامل در مورد هر نوع روش، نقش بسیار عمده‌ای را دارد و مهترین آنها به شرح زیر می‌باشند.

روش ۱- عامل سوژه را مقابل خود می‌نشانند و به او می‌گویند که به خوابیدن فکر کند. و خود وی در فاصله یک قدمی سوژه می‌ایستد و به میان دو ابروی وی خیره می‌شود، پس از مدتی دستها را بالای سر سوژه برده و پس از چند لحظه مکت، دستها را با سرعت از مقابل چشم‌های سوژه پائین می‌آورد و با صدای آمرانه و ملایم می‌گوید ((بخواب)) این عمل را چند بار تکرار میکند تا سوژه چشم‌های خود را ببندد ضمن اینکه باید بدانید که قبل از انجام هر

عمل در هر روشی، قبلاً باید حالت بیدار کردن رابه سوژه گفته باشید.

روش ۲- عامل و معمول روی دو صندلی مقابل هم می نشینند. عامل دو دست معمول را روی زانوهای خود قرار میدهد و دو دست عامل روی دستهای معمول قرار می گیرد. سپس عامل شروع به تلقین کردن می نماید. بعد از اینکه سوژه تحت تأثیر تلقینات وی قرار گرفت و پلک چشمهای او سنگین شد، عامل دستهای خود را از روی دست او بر می دارد. سپس برای سنگین شدن خواب معمول، شروع به پاس دادن میکند.

روش ۳- عامل از یک ساعت شنی استفاده می کند. در حالی که سوژه روی صندلی نشسته است، ساعت را بکار می اندازد و از او می خواهد که با دقت به ریزش شنهانگاہ کند و در همان حال به او تلقین می نماید، تا وقتی که شنها تمام شدند، پلکهای تو سنگین شده و به خواب می روی. در این روش نیازی به پاس دادن نیست فقط تلقین مکرر مؤثر است و مشاهده می گردد سوژه به خواب می رود.

روش ۴- معمول روی صندلی می نشیند و عامل شصت دست او را در دست می گیرد و به وی می گوید چشمهایت را ببند و فقط به خوابیدن فکر کن، از آن پس شروع به مالش دادن شصت دست او می کند و در همین حال سوژه بتدریج تحت تأثیر قرار می گیرد. پس از آن عامل باید به او پاس های عمودی بدهد تا خواب وی سنگین تر شود.

روش ۵- عامل نور چراغ قوه ای را که زیاد قوی نباشد به پیشانی سوژه می اندازد و به او تلقین می کند که با این عمل من بزودی می خوابی و پس از چندی مجدداً به سوژه تلقین می کند که در اثر نور چراغ در چشم های تو لکه

قرمز رنگی بوجود می آید. و هر زمانی که مشاهده کردی وجود آنرا اعلام نما. وقتی که سوژه وجود آنرا تأیید کرد، عامل رنگ دیگری را به وی تلقین میکند. هنگامی که سوژه اظهار نمود رنگ دیگری غیر از قرمز را می بیند، عامل باید بداند که از این به بعد سوژه تحت نفوذ وی قرار گرفته است. حال عامل باید با پاس دادن های عمودی، خواب او را سنگین تر نماید.

روش ۶- عامل سوژه را می نشناسد و دو دست خود را در دو طرف سر وی طوری نگاه می دارد که شصت های عامل روی دو چشم سوژه قرار گیرند و سپس قدری روی پلکهای وی فشار می آورد، پس از مدتی سوژه تحت تأثیر اعمال وی قرار گرفته و به خواب می رود ضمن اینکه عامل بطور دائم به وی تلقین می کند که با این عمل من، پلک چشمهای تو بتدریج سنگین می شوند و به خواب می روی و بعد از آن عامل به سوژه پاس می دهد.

روش ۷- عامل دستورات تلقینی را روی نوار ضبط صوتی برای سوژه با حضور و یا بدون حضور خویش پخش می کند و در آن نوار گفته شده که فرضاً، با صدای هر ضربه طبل یا آهنگی که سوژه می شنود، آرام تر از گذشته می شود و خواب وی سنگین تر خواهد شد، آنگاه مشاهده می گردد که پس از مدتی سوژه به خواب می رود.

روش ۸- عامل سوژه را مقابل خود می نشاند و به وی می گوید زمانی که من به چشمهای تو نگاه می کنم پلکهای تو بتدریج سنگین می شوند و به خواب می روی. آنگاه عامل بدون پلک زدن به چشمهای او خیره میشود تا معمول خواب رود. پس از بسته شدن چشمها به وی پاس می دهد.

روش ۹- عامل صفحه ای را که روی آن کلمات خواب، بخواب، راحت

بخواب و... نوشته شده‌اند را بدست سوژه می‌دهد و از او می‌خواهد که آن کلمات را بخواند و به خوابیدن فکر کند. در همین حال عامل به وی پاس‌های عمودی نیز می‌دهد، معمول در همین حال بخواب می‌رود، این روش را با نقاشی‌های متفاوت نیز می‌توان انجام داد، یعنی عامل می‌گوید، با ورق زدن دفتر یا کتابی، پلک چشمهای تو به تدریج سنگین می‌شوند و به خواب می‌روی، آنگاه مشاهده می‌گردد، وقتی معمول به قسمت یا صفحه خاصی که رسید، پلک چشمهای او بتدریج سنگین می‌شوند و به خواب می‌رود.

روش ۱۰- عامل از معمول می‌خواهد به نقطه‌ای خیره شود و سپس ضمن تلقین به وی، شروع به پاس دادن می‌نماید تا معمول به خواب رود.

روش ۱۱- عامل سوژه را روی صندلی می‌نشاند و خود در مقابل او می‌ایستد و از پیشانی تا روی معده به او پاسهای عمودی میدهد و در همان حال، شروع به تلقین کردن نیز مینماید. زمانی که سوژه چشمهای خود را بست، آنگاه به سمت چپ سوژه می‌رود و دست راست را در گودی پشت گردن و دست چپ را روی جناق سینه وی می‌گذارد و با نرمی او را به پشتی صندلی تکیه می‌دهد ضمن تلقین کردن، سوژه در همان حال به خواب سبک می‌رود و عامل مجدداً به او چند پاس عمودی از بالا به پائین میدهد تا خواب او سنگین‌تر گردد. باید بدانید که در این زمینه‌ها روش‌های بسیاری برای خواب کردن سوژه وجود دارند که تمامی آنها به نحوه عمل و شناخت و مهارت عامل بستگی دارد و در اجرای موارد فوق، همیشه می‌بایستی اصول انسانی، درستی و پاکی و بی نظری عامل مدنظر باشد و هر چه شناخت و تبحر عامل در این زمینه بیشتر باشد، نفوذ پذیری معمول نیز سریعتر و بهتر خواهد بود.

در هر زمان که روح به هر دلیلی از جسم فاصله گیرد یا از آن جدا شود، این عمل موجب نوعی بی‌خبری یا خواب روحی یا هیپنوتیزم در شخص می‌گردد، ولی خوابهای مختلف روحی، هر یک دارای ویژگیهای مخصوص به خود هستند که ذیلاً به روش نوع دیگری از آن می‌پردازیم.

نیاز به خواب و خواب دیدن نشانه ایست از اثبات این حقیقت که علاوه بر ماده نیروی دیگری هم در ذات نسل بشر وجود دارد که این نیاز طبق قانون ماده نبوده و برابر مقررات دیگری خارج از آن عمل می‌کند.

در زمان خواب، هر فردی دارای ۵ بعدی می‌شود. حال آنکه در بیداری شخص از سه بعد استفاده می‌کند زیرا در خواب بعد زمان و مکان که خارج از قدرت ماده است نیز به حالت‌های روحی فرد اضافه می‌شود و در این شرایط اعمال بسیاری صورت می‌گیرد، کما اینکه ملاحظه می‌گردد که فردی در خواب پرواز می‌کند و از نقطه «الف»، بدون استفاده از زمان، با سرعت به نقطه «ب» می‌رسد.

اگر بخواهیم درباره خوابها بدانیم، باید گفت که فرق بین خوابهای طبیعی، هیپنوتیکی، و روحی بسیار است که ذیلاً مختصری از تفاوت‌های آنها را بیان می‌نمائیم، چون از نظر حالت‌های روحی و جسمی، بین افرادی که در خواب معمولی یا مغناطیسی و یا روحی قرار دارند، اختلاف عمده‌های دیده نمی‌شوند، زیرا از نظر امواج مغزی آلفا، تقریباً همگی با هم برابرند. ولی هر یک از آنها دارای ویژگی‌های مخصوص بخود می‌باشند که قسمتی از آنها بشرح زیر است.

۱- فردی که در خواب مصنوعی سبک قرار دارد تمام هوش و حواس

او کار می‌کند. ولی کسی که در خواب مصنوعی سنگین و یا خواب‌های طبیعی قرار می‌گیرد، از وقایع محیط خود بی‌اطلاع می‌باشد.

۲- کلیه خواب‌های مصنوعی توسط فرد دیگری بنام عامل بوجود می‌آیند، ولی خواب طبیعی بنا به نیاز و خواست روح خود فرد است.

۳- در خواب‌های هیپنوتیکی نیروی عامل و تلقین او بر معمول اثر می‌گذارد، ولی در خواب‌های روحی علاوه بر قدرت روح عامل، قدرت روح مجرد دیگری نیز بر معمول اثر دارد.

۴- در خواب‌های هیپنوتیکی باید از فرد نفوذ پذیری بنام مدیوم استفاده شود، که از این نظر اختلاف چندانی با خواب‌های روحی ندارد.

۵- عالمان خواب‌های هیپنوتیکی نیاز به دانش و شناخت علوم روحی کافی ندارند، ولی عامل یا هادی در خواب‌های روحی، حتماً می‌بایست از علوم و دانش کافی روحی برخوردار باشد.

۶- هر چه قدرت مدیومی در افراد بیشتر باشد، اثرات خواب‌های هیپنوتیکی و روحی نیز بهتر خواهد بود.

۷- در خواب‌های هیپنوتیکی، معمول با ارواح کمتری تماس حاصل می‌نماید. ولی در خواب‌های روحی، غالباً سوژه تحت نفوذ و قدرت روح عامل و یا روح مجردی از خارج قرار می‌گیرد، لذا قادر به مشاهده قدرت‌های روحی بسیاری می‌شود.

۸- در خواب‌های روحی، معمول (مدیوم) ضمن مشاهده ارواح، اغلب می‌تواند از آنها در خواست اعمال فیزیکی مانند پراکنده نمودن عطر و بوی گل در جلسه بنماید و یا فردی را درمان کند. ولی در خواب‌های هیپنوتیکی این

گونه اعمال کمتر دیده میشوند

۹- خوابهای هیپنوتیکی را گاهی برای درمانهای مختلف و روانی به کار می‌برند، ولی از خوابهای روحی علاوه بر درمانهای مزبور، در درمان بیماریهای روحی و جسمی و حتی کسب اطلاعات از جهانهای روحی و تماس با ارواح نیز استفاده می‌شود.

۱۰- در خوابهای روحی مدیوم می‌تواند ارواح را شناسایی و مشاهده کند و در اینجا نیازی به روح‌شناسی نیست.

۱۱- در خوابهای روحی مدیوم برای برون فکنی دارای قدرت زیادتری است و در آن زمان، به دلیل وجود روح خارجی، مشاهدات بیشتری را بازگو می‌کند.

۱۲- قدرت مانیه تیز می‌مدیومها در خوابهای روحی نسبت به سایر خوابها بمراتب بیشتر است.

۱۳- در خوابهای روحی، فقط مدیومهای متوسط به بالاتر از آن، تحت تأثیر قرار می‌گیرند، در صورتی که در خوابهای هیپنوتیکی اکثریت افراد به گونه‌ای تحت تأثیر واقع می‌شوند.

۱۴- وسعت حیظه عملیاتی روح مدیوم در خوابهای روحی بمراتب وسیعتر از خوابهای هیپنوتیکی است، چون روح مجردی در جلسه، روح وی رایاری می‌کند.

۱۵- معمولاً اکثر افراد می‌توانند عامل خوابهای هیپنوتیکی باشند زیرا نیروی اولیه آن تلقین است، و قدرت روحی عامل و معمول در درجه دوم اهمیت قرار دارد، ولی در خوابهای روحی، ورزیدگی و قدرت روحی و دانش

عامل از اهمیت زیادی برخوردار است

۱۶- در اغلب خوابهای هیپنوتیکی از جمله (خواب هیپنوتیکی سنگین) معمولاً از ضمیر ناخود آگاه سوژه برای تشخیص بیماری و درمان او استفاده می‌شود. در حالی که در خوابهای روحی اغلب ارواح مجرد هستند که تشخیص امراض و ناراحتیها را داده و درمان معمول یا دیگران را انجام میدهند.

۱۷- در خوابهای هیپنوتیکی، وقتی سوژه بیدار می‌شود، اکثراً خاطرات زمان خواب خود را فراموش می‌کند، ولی در خوابهای روحی، علاوه بر اینکه معمول مشاهدات خود را فراموش نمی‌کند، قادر است، مشاهدات و مطالب را بنا به درخواست هادی، بصورت کتابت نیز بنویسد یا لفظاً اظهار نماید.

خواب روحی یکی از بهترین روشهای است که عامل می‌تواند مریض‌های خود را درمان نماید و حتی معمول می‌تواند با ارواح تماس حاصل نماید و آنها را بشناسد، اجرای روش مزبور نیاز به این دارد که در کنار میز تحریری بنشیند و پس از آن عامل، معمول را تحت تأثیر قرار داده و عملیات خواب روحی انجام دهد و روش اجرائی آن به شرح زیر است.

۱- عامل، معمول خویش را که با انجام آزمایشات مختلف از قبل انتخاب کرده است، در کنار میز، نزد خود می‌نشاند و به وی می‌گوید که قصد دارد در همانجا او را به خواب هیپنوتیک روحی فرو برد و باید در همان محل خود را آماده خوابیدن نماید.

۲- برای خوابیدن، سوژه یک دست را روی میز و دست دیگر را زیر

چانه خود می‌گذارد و برای آرامش بیشتر، می‌تواند زیر آرنج خود دستمال یا وسیله نرم دیگری را قرار دهد که در صورت طولانی شدن خواب، دست او درد نگیرد.

۳- عامل قبل از این عمل باید کاغذ سفید و مدادی را روی میز آماده کرده باشد و مداد را به دست معمول می‌دهد و به او می‌گوید باید آماده نوشتن شود، ولی باید قبل از آن توجه به مطالبی که عامل می‌گوید بنماید.

۴- عامل به معمول می‌گوید، مدتی به چشمهای من نگاه کن و در این مدت سعی نما که پلک نزدنی و زمانی که گفتم "حال می‌توانی چشمهایت را ببندی، آنگاه پلک چشمها را روی هم بگذار و از آن پس هر چه به تو گفتم که آنها را انجام دهی، اگر در این زمینه آگاهی داری، هرگز به طور آگاهانه خواستهای مرا انجام مده، مگر اینکه از آگاهی خارج شده باشی و تحت تأثیر ضمیر ناخودآگاه خویش قرار گرفته باشی و آنگاه گفته‌های مرا بدون آگاهی و خواست باطنی خویش انجام دهی و روی کاغذ بدون اراده، شروع به کشیدن خط بنمایی یا مطالبی را که از تو سؤال می‌نمایم، تحت تأثیر ضمیر ناخودآگاه خویش آنها را بنویسی.

۵- زمانی که معمول به تمام گفته‌های عامل توجه نمود، آنگاه عامل از وی می‌خواهد که حدود ده ثانیه بدون پلک زدن به چشمهای وی نگاه کند و پس از آن، پلک چشمها را با اراده خود روی هم بگذارد و دیگر آنها را از هم نگشاید تا به خواب روحی رود. البته اجرای این عمل فقط برای متمرکز شدن افکار معمول به محیط جلسه روحی می‌باشد و گرنه تأثیر چندانی در اصول عمل خواب روحی ندارد.

۶- پس از اینکه معمول به گفته‌های عامل کاملاً توجه نمود، آنگاه عامل از وی می‌خواهد که دست و نوک مداد خود را بگونه‌ای که نامه می‌نویسد بر سطح کاغذ سفید قرار دهد و مجدداً عامل به وی یاد آوری می‌نماید که پس از آن با اراده خود هیچ مطلب یا خطی روی کاغذ ننویسد مگر اینکه خارج از آگاهی خود باشد و در ناخود آگاهی آنها را پی گیرد و آنگاه روی کاغذ شرو به خط کشیدن یا پاسخ گوئی به سئوالات بنماید.

۷- در این موقع، عامل که همیشه تماسهای روحی دارد و موحد است، از خداوند یکتا می‌خواهد که روح پاکی را برای کمک و هدایت افراد به جلسه اعزام فرماید و ناظرین جلسه و معمول هم در این موقع چنین خواستی را از خداوند یکتا مینماید و عامل در این موقع با صدای بلند خواست خود را از پروردگار می‌خواهد.

اگر سوژه دارای قدرت مدیومی بالایی باشد، پس از چند لحظه مداد او بدون خواست و اراده وی بر روی کاغذ شروع به حرکت می‌نماید.

عامل پس از مدتی می‌تواند سئوالات خود را از معمول بنماید، ولی اگر پس از گذشت چند دقیقه این عمل اتفاق نیافتاد، عامل چند پاس عمودی به معمول می‌دهد و او را آرام میکند تا فرکانسهای روحی وی از آگاهی به ناخود آگاهی اثر بگذارند تا دست وی بر روی کاغذ شروع به حرکت کردن نماید و در این شرایط، معمول به خواب می‌رود و مداد در دست او شروع به حرکت کردن می‌نماید و اگر پس از گذشت حدود ده دقیقه این حالت در سوژه پدیدار نگردید، عامل باید از او بخواهد تا چشمهای خود را باز کند و جلسه را به روزی دیگر موکول نماید یا اینکه با تعویض مدیوم کار خود را ادامه دهد.

۸- زمانی که سوژه چند خط بر روی کاغذ کشید، آنگاه عامل می‌داند که وی از آگاهی خارج شده و در بخش ناخودآگاهی قرار دارد، آنگاه از وی می‌خواهد که به گفته‌های وی توجه کند و به او می‌گوید تا اینکه نام خود را بنویسد، عامل صبر می‌کند تا این عمل انجام شود و سوژه نام خود را بر سطح کاغذ بنویسد، زمانی که سوژه با چشم بسته و بدون خواست و خارج از آگاهی خود توانست نام خویش را بر روی کاغذ بنویسد، آنگاه عامل میتواند سایر سوالاتی را که از قبل تعیین کرده یا مربوط به ادامه خوابهای روحی است، از وی بنماید.

در این زمان سوژه در آگاهی نیست و نمی‌تواند هیچ مطلبی را نادرست بگوید، لذا عامل باید این مطلب را بداند و اجازه ندهد هیچ یک از حضار، از او سوالات شخصی یا تفتیش عقاید بنمایند، چون این کار از نظر اخلاقی عمل نادرست و خلافی است.

۹- زمانی که سوژه در چنین شرایطی قرار گرفت، اگر عامل خواسته باشد که علاوه بر نوشتن، حرف هم بزند، باید به سوژه بگوید، من اکنون از نیروهای خارجی که در جلسه حضور دارند، تقاضا خواهم کرد تا قدرت تکلم به تو بدهند، تا بتوانی علاوه بر نوشتن، حرف هم بزنی. آنگاه انگشیت وسطی دست راست خود را چند مرتبه به دور لب مدیوم می‌چرخاند و سوژه به تدریج شروع به سخن گفتن می‌نماید.

وقتی که سوژه مبادرت به خط کشیدن روی کاغذ و پاسخ دادن کتبی یا شفاهی به پاسخ‌های عامل نمود، آنگاه عامل از وی سوال می‌کند، محیط خود را از نظر روشنائی در چه حالتی مشاهده می‌کند؟ به احتمال قوی معمول

اظهار می‌کند که محیط وی تاریک است، آنگاه عامل به وی می‌گوید در جهت راست خود حرکت کند تا به نور و روشنایی برسد و تا زمانی که به آن سمت حرکت می‌نماید، بامداد روی کاغذ خط نیز بکشد تا حرکت خود را بنمایاند و زمانی که به روشنایی یا نور رسید، روی کاغذ بنویسد، نور، آنگاه مشاهده می‌گردد که مداد در روی کاغذ شروع به حرکت کردن می‌کند و معمولاً پس از چند ثانیه یا دقیقه، سوژه روی کاغذ می‌نویسد، روشنایی، بعد از این حالت عامل به سوژه می‌گوید در روشنایی حرکت کند تا به نور برسد و در مسیر سعی کند که اگر با اشباح یا ارواح مواجه می‌شود یا آنها را می‌بیند، بر روی کاغذ آنچه را که مشاهده می‌نماید، بنویسد یا به صورت لفظی اظهار نماید، روح، اگر سوژه پس از گذشت حداکثر ده دقیقه نتوانست به روشنایی یا نور برسد، عامل باید او را بیدار کند و در جلسات بعدی از وی استفاده کند یا سوژه دیگری را بخواباند، چون به دلایل خاص روحی، روانی جسمی و... این سوژه در این جلسه آمادگی کامل برقراری تماس را ندارد و به همین علت هم بهتر آن است که عامل سوژه خود را تحت تأثیر امواج قرار ندهد و او را جهت برقراری تماسهای روحی اذیت و آزار ننماید، ولی اگر به مرحله نور یا شبح رسید، می‌بایست مابقی ادامه برنامه را اجرا نماید.

۱۰- زمانی که سوژه در مسیر با ارواح تماس گرفت یا آنها را مشاهده کرد، عامل از وی می‌خواهد که نزدیک تر برود و آنها را شناسایی کند، مدیومها در این زمان، اغلب ارواح نزدیکان و خویشان و دوستان خود را می‌بینند که گاهی مشاهده می‌شود، معمول تغییر حالت می‌دهد، گویی فردی را در آغوش گرفته و از احوالات وی جويا می‌شود و یا با شادی از او استقبال

می‌کنند و حتی گاهی شدت احساسات بقدری زیاد است که سوژه در همان حال، شروع به گریستن می‌نمایند.

۱۱- زمانی که سوژه قادر به برقراری چنین تماس‌هایی گردید، از آن پس هادی می‌تواند سوالات خود یا حضار جلسه را از روح حاضر بنماید و اطلاعات بسیار مفیدی را بدست آورد و حتی ناراحتی‌های مدیوم یا برخی از حضار جلسه را رفع نماید.

ارواحی که با استفاده از این روش در مسیر مدیوم‌ها قرار می‌گیرند، اغلب آنها یک دسته انبوه از گل‌های بسیار زیبا و خوشبو در دست دارند و در این موقع عامل می‌تواند به مدیوم بگوید که از ارواح بخواهد تا اجازه دهند، آن دسته گل را ببوید. چون اگر مدیوم بتواند این عمل را انجام دهد، بسیار دیده شده است که عطر آن گل را در بازدم خود می‌تواند به جلسه برای حضار بیاورد، بگونه‌ای که بشود بوی آنرا بطور کامل احساس کرد یا اینکه سوژه از ارواح بخواهد که بوی گل را خود آنها به جلسه بفرستند.

اگر تمام شرایط این نوع ارتباطات صحیح باشند، در کمال ناباوری، تمام افراد جلسه به وضوح می‌توانند بوی گل را استشمام نمایند.

درمان توسط هاله‌های اطراف بدن

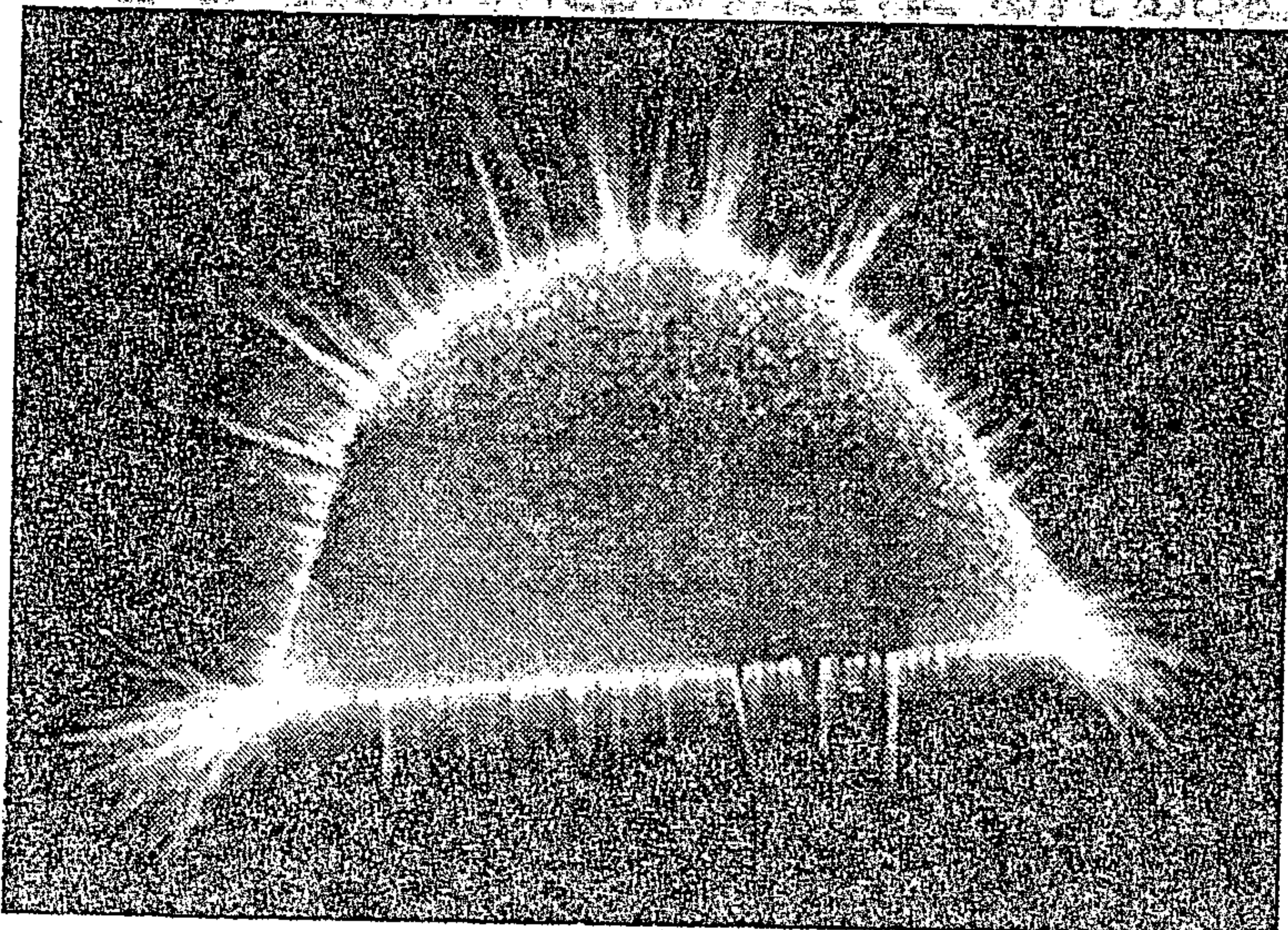
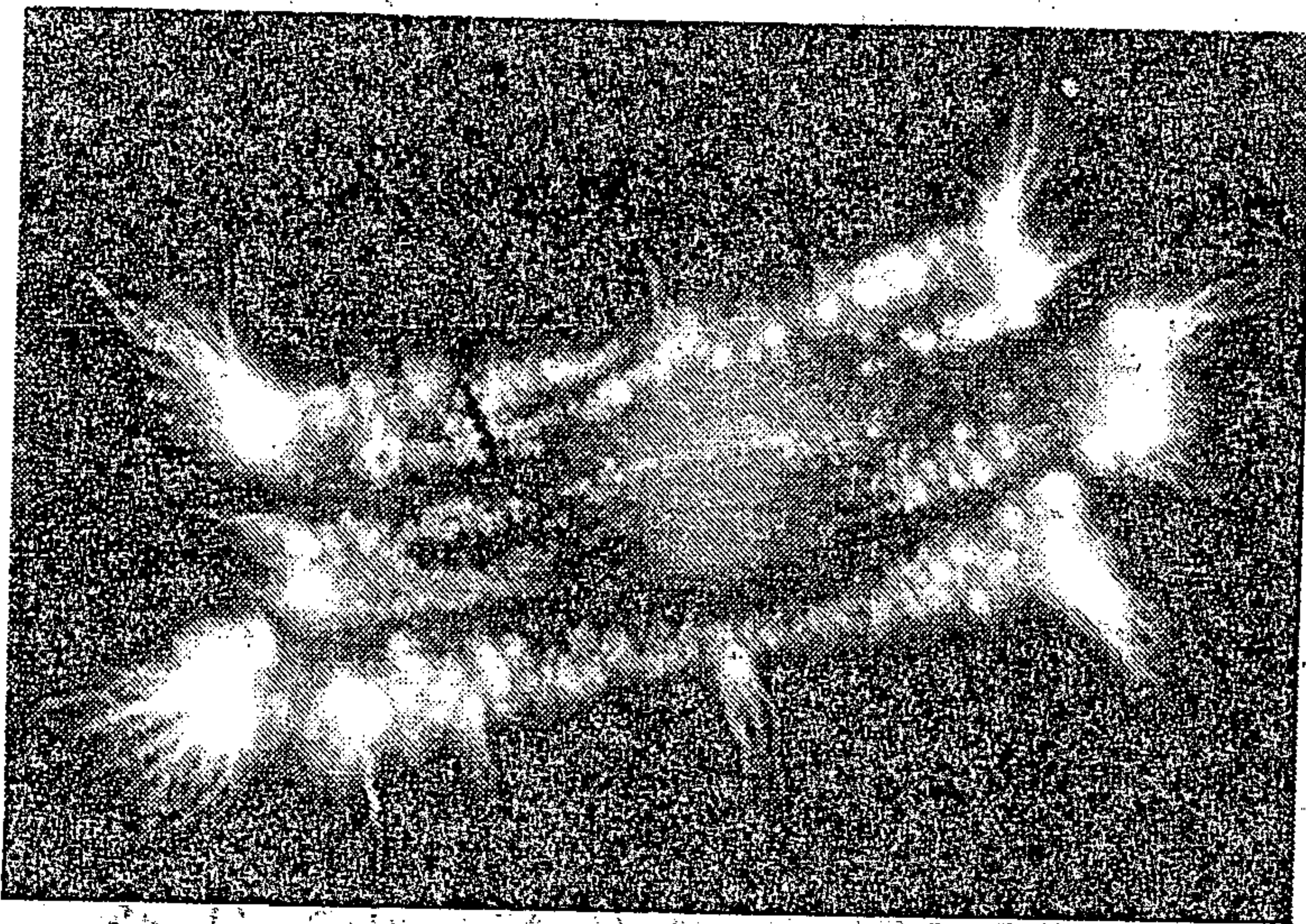
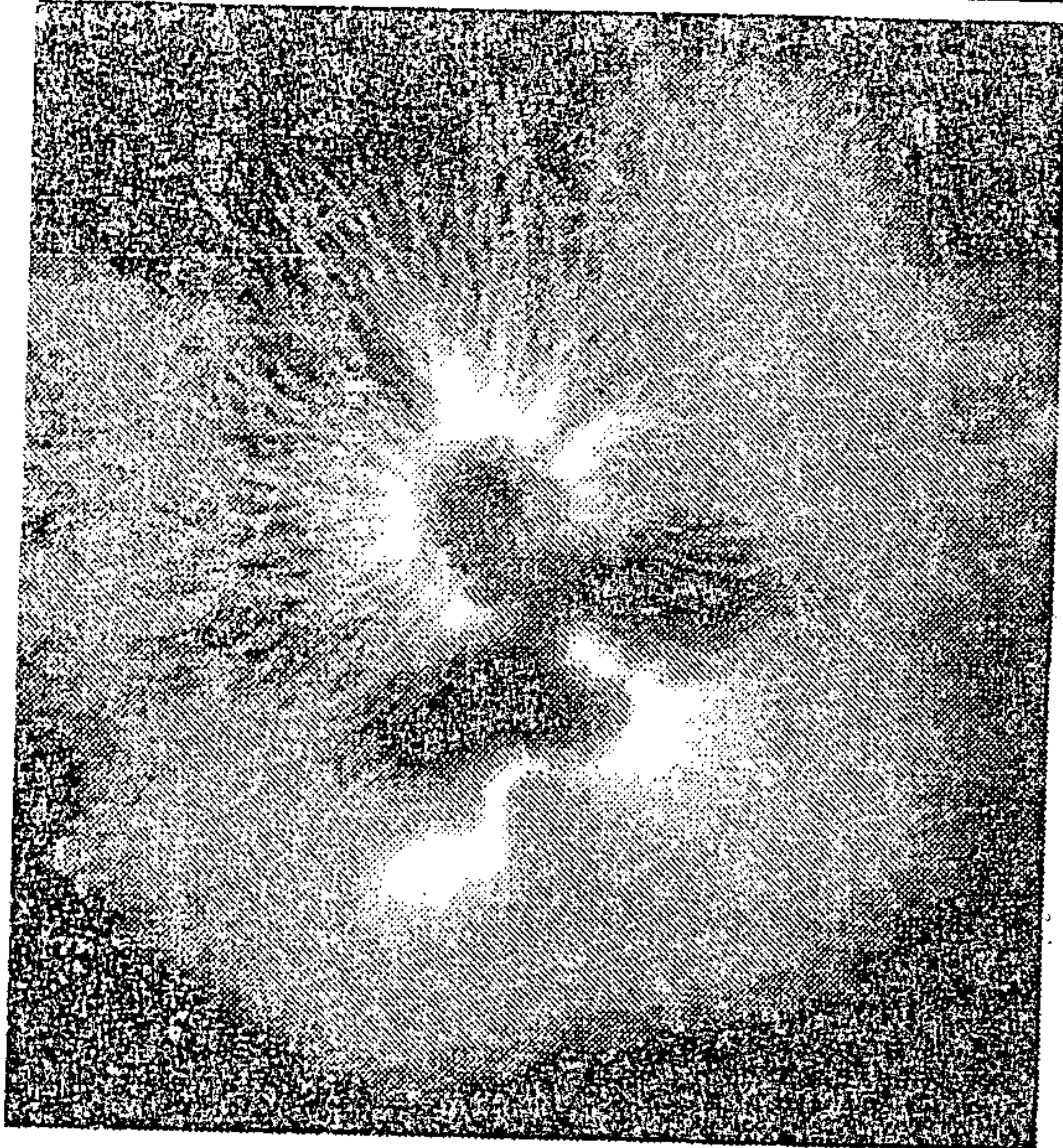
در اطراف و محیط نسل بشر امواج بسیاری وجود دارند که اکثریت قریب به اتفاق مردم از وجودشان بی‌خبرند و یکی از عمده‌ترین آنها، امواج هاله‌هایی هستند که در اطراف بدن هر فردی قرار دارند و یکی دیگر از آنها، امواج هاله‌های حرارتی بدن افراد می‌باشد. اگر فردی برای شناخت و تشخیص آنها تمریناتی داشته باشد، ضمن شناخت این هاله‌ها بهتر می‌تواند به وجود سایر هاله‌های اطراف بدن پی ببرد و حالت‌های افراد را بشناسد، آنگاه از روی این امواج قادر خواهد شد شخصیت و حالت آنها را بشناسد، چون ارتفاع و رنگ و قدرت و شدت هر نوع هاله‌ای دارای معانی و مفهوم خاصی مربوط به خود می‌باشد.

در زمینه شناخت این هاله‌ها، تمام افراد اگر خواسته باشند، به راحتی می‌توانند به وجود هاله‌های حرارتی اطراف بدن دیگران پی ببرند و این امواج را با چشم تن و در حالت عادی مشاهده نمایند و روش تمرین اجرای آن به شرح زیر است.

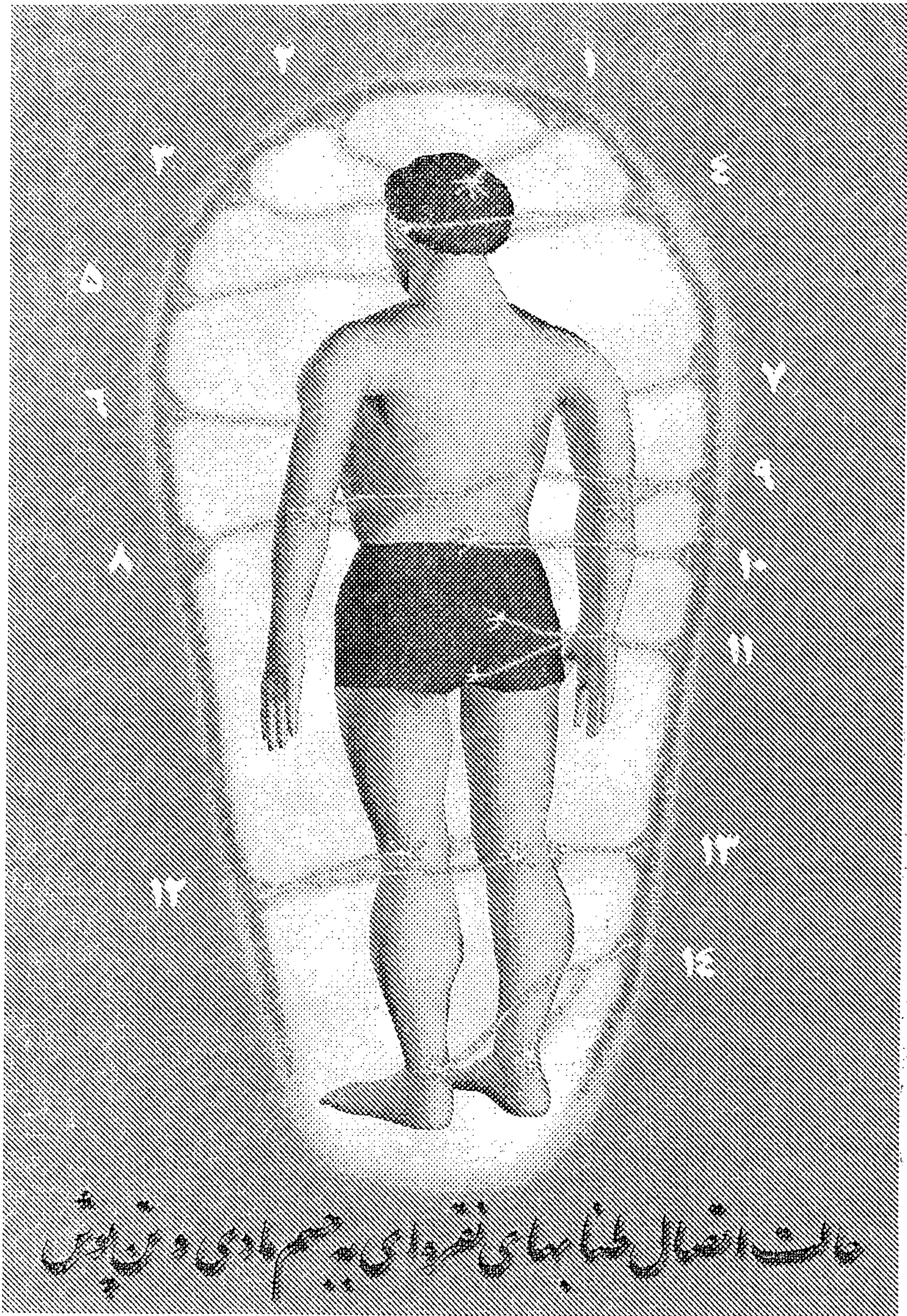
فردی را در اطاق نیمه روشنی که نور آن در حدود روشنایی غروب یا صبح زود باشد مقابل دیوار سفیدی بنشانید. این شخص باید در حدود چهارمتری شما در مقابل دیواری نشسته یا ایستاده باشد. اگر دیوار سفید نبود می‌توانید ملافه سفید یا کاغذی را روی دیوار نصب کنید، چون در این شرایط هاله‌های حرارتی افراد بهتر دیده می‌شوند، سپس، از آن شخص بخواهید، حدود پنج دقیقه در همانجا ساکت و آرام بنشیند و حرکات اضافی

از خود بروز ندهد، و شما از آن فاصله بصورت مات به سوی سر و گردن او خیره شوید، بطوریکه نقطه خاصی از بدن او را در کانون مشاهده دید خود نداشته باشید و نگاه شما بطور مات و با عمقی زیاد به سوی او باشد. پس از گذشت اندک مدتی نور سفید یازرد یا مهتابی‌ای را در اطراف سر و گردن و حتی شانه‌های وی مشاهده خواهید کرد، که ارتفاع این انوار از چند میلیمتر تا حدود چند سانتیمتر خواهد بود، و در بعضی از نقاط، این امواج، در حال تغییر دیده می‌شوند، ولی اگر به جسم جمادی که فاقد جان است با چنین شرایطی خیره شوید احتمالاً نوری را در حدود چند میلیمتر در اطراف آن جماد خواهید دید که هیچ حرکتی ندارد و از نظر فیزیکی این نور مربوط به انعکاس نور چشم شما در آن شئی می‌باشد. زمانی که به جسم فرد بی‌جانی هم نگاه کنید امواج هاله‌های آنرا بصورت امواج جمادات مشاهده خواهید کرد. ضمن اینکه هر موجود و عنصر دارای امواج خاصی است که توسط وسایل علمی فیزیکی، قابل رؤیت و تشخیص می‌باشند و حتی هاله‌های سایر موجودات، منجمله مواد غذایی و میوه‌ها نیز قابل رؤیت است اخیراً در جهان دستگاههایی ساخته شده‌اند که با استفاده از آنها به راحتی می‌شود هاله‌های اطراف بدن را مشاهده کرد و از آنها در هر شرایطی که شخص قرار دارد عکس گرفت و حتی انرژی‌ای را که در هر فرد وجود دارد توسط دستگاههای خاصی سنجید و دانست که اشخاص مختلف دارای چه سطح انرژی‌ای هستند و آیا با این انرژی می‌توانند به دیگران اثر مثبت بگذارند یا اینکه می‌بایست انرژی موجود خویش را تقویت نمایند.

وجود قدرت و انرژی و امواج در اشخاص مختلف طوری است که هر



امواج و انرژی‌هایی را می‌توان در اطراف سیب زمینی تازه و ... مشاهده کرد. (اینترنت)



موجود زنده امواج خاصی را از خود ساطع می‌سازد. بدن جانداران منجمله نسل بشر نیز یکی از این منابع تولید امواج و انرژی است که به یکی دیگر از آنها، هاله‌های نورانی گفته میشود. برخی از این هاله‌ها با چشم معمولی و عده‌ای توسط چشم مسلح قابل رؤیت هستند. یکی از دلایل وجود هاله‌های اطراف بدن موجودات زنده در این است که خلقت ثابت مینماید نسل بشر و سایر موجودات دارای روح میباشند که این روح در درون تن پوش یا همان هاله‌ها جای میگیرد و تن پوش نیز اطراف بدن را با امواج خود پوشانیده و در چهارده نقطه به بدن وصل میباشد. ارتفاع امواج هاله‌های اطراف بدن، به تناسب قدرتهای تکاملی، مدیومی، جسمی، روحی، عقلی و... متغیر هستند، چنانچه فرد روشن بینی در شرایط خاص اطراف بدن افراد را بنگرد، در پیرامون محیط آن امواج نورانی و رنگارنگی را مشاهده می‌نماید که دیدن آنها از قدرت همگان خارج است. این امواج که به آنها هاله میگویند، در حالت‌های گوناگون تکاملی و قدرتهای روحی و روانی اشخاص، به رنگهای مختلفی دیده میشوند که ذیلاً به شرح چند نمونه از آنها میپردازیم.

۱ - هاله رنگ زرد = وجود این هاله نمایانگر رشد عقلی افراد میباشد و ارتفاع این هاله‌ها معمولاً بلند است و اکثر رسولان الهی دارای چنین هاله‌هایی بوده‌اند و ارواحی که از طبقات بالای روحی به پائین‌تر بیایند، چنین هاله‌هایی دارند

۲ - هاله رنگ سبزی تیره = این نوع هاله‌ها مربوط به افراد متعصب می‌باشد، حال این تعصب میتواند، عقیدتی ناموسی، ملی و یا هر نوع تعصبی باشد. ضمناً متعصب کسی است که در زندگی از احساسات خود بیشتر

استفاده می‌کند و در اکثر موارد، عقل خود را بکار نمی‌برد.

۳- هاله قرمز روشن = رنگ هاله دختران و پسران در سنین بلوغ به این رنگ در می‌آید و پس از مدتی که این حالت فروکش کرد تغییر مینماید و به رنگ اصلی که مربوط به حالتهای زندگی و تکاملی وی است، در می‌آید و ارتفاع این هاله‌ها کوتاه می‌باشد.

۴- هاله کبود تیره = اکثر روحانیون و افراد متدین جهان که غیر از مطالب دین و مذهب به هیچ چیز دیگری نمی‌اندیشند، و در زندگی برای خود چهارچوبی از این زمینه و علوم و وریات ساخته‌اند و غیر از آن مطالب هیچ چیز دیگری را نمی‌پذیرند، دارای چنین هاله‌های می‌باشد.

۵- هاله سفید روشن = افراد صبور، جوانمرد، ورزشکار دارای هاله‌ای به این رنگ هستند. این افراد جزو کسانی می‌باشند که گاهی زندگی خود را برای نجات فرد دیگری بخطر می‌اندازند، حال این خطر می‌تواند، مادی، معنوی، سیاسی، اجتماعی، خانوادگی، دوستی و... باشند.

۶- هاله سرخ پر رنگ = این رنگ هاله‌ها مربوط به افراد عصبانی، بی‌گذشت، انتقام جو می‌باشد و اکثر افرادی که در کشتارهای افراد دخالت دارند مانند سرداران و جلادها و... دارای هاله‌هایی به این رنگ هستند.

۷- هاله سرخ کم‌رنگ = مربوط به افراد شهوتران و کسانی که جنون جنسی دارند می‌باشد. گاهی اتفاق می‌افتد که این افراد برای ارضاء غرائض جنسی خود، بسیاری از مردم را می‌کشند، تا به نیت پلید خود دست یابند.

۸- هاله شیری = مربوط به افراد پرحرف و پرچانه می‌باشد. این افراد وابستگی‌های زیادی به مادیات دارند و ارتفاع هاله‌های اشخاص کوتاه است.

۹- هاله رنگ خاکستری = مربوط به افراد مریض می باشد و چنانچه این رنگ در بین رنگ اصلی هر هاله دیگری در محلی مشاهده شود، نمایانگر مریضی آن شخص در آن منطقه از بدن است.

باید توجه داشت که این نوع هاله‌ها توسط هیچ یک از افراد در حالت عادی قابل رؤیت نمی باشد، مگر اینکه در شرایطی خاص و توسط فرد روشن بینی امکان دیدن آن فراهم گردد و چنانچه فردی به شما نگاه کرد و رنگ هاله اطراف بدن را دید و فوراً گفت، باید بدانید که وی هیچ اطلاعی از علوم روحی و حقیقت گویی ندارد.

موارد زیر نیز درباره شناخت هاله‌های افراد قابل توجه است:

الف - ارتفاع امواج هاله در تمام قسمت‌های بدن یکسان نیست.

ب - افراد روشن بین با تجربه، در حالت‌های خاص و با تغییر رنگ هاله‌ها، محل درد یا ناراحتی فرد را از روی رنگ هاله‌ها تشخیص می دهند.

پ - هاله‌های هر موجود به جسم اثری آن مربوط است و پس از مرگ نیز جذب جسم اثری می شود.

ت - وجود هاله‌های توانمند تا حد زیادی روحیات اخلاقی و رفتاری شخص را در هر زمانی نشان دهند.

ث - در اکثر مواقع رنگ هاله‌های افراد تغییر می کنند، یعنی ممکن است یک نفر در یک روز چندین رنگ هاله بخود بگیرد، که پس از کسب آرامش، هاله او به رنگ اصلی بر می گردد.

ج - ارواح با مشاهده هاله‌های افراد در می یابند که با کدامیک از اشخاص قادرند بهتر تماس حاصل کنند.

چ - زمانی که مدیوم در خواب روحی یا هیپنوتیکی است، توسط قدرتهای روحی می‌تواند رنگ هاله‌های مریض را ببیند و بازگو نماید و حتی مریضی و ناراحتی او را تشخیص دهد.

علاوه بر امواجی که بیان گردیدند، امواج دیگری هم در اطراف کره خاکی، منجمله محیطی که در حال زندگی کردن می‌باشیم وجود دارند که عمده‌ترین آنها امواج الهی در محیط می‌باشند و آنان امواجی هستند که از جهان هفتم روحی بر تمام خلقت و کائنات، منجمله زمین اعم از جماد و نبات و حیوان و نسل بشر و ... نفوذ دائم دارند و سرعت این امواج طوری است که در چند دامنه موجی از جهان هفتم به کره زمین و سایر کرات خلقت می‌رسند و پس از تأثیرگذاری، برخی از امواج دیگر را به‌مراه خود به کائنات بر می‌گردانند. فرضاً افرادی که از روی درستی و پاکی و باقلبی آکنده از مهر و انسانیت در زندگی به یاد خدا می‌افتند. خواست و افکار آنان بر این امواج سوار شده و با سرعت غیر قابل تصویری، فاصله ماده تا خلقت را می‌پیمایند و حتی گاهی پاسخ آن را از طریق همین امواج، به سرعت دریافت می‌کنند و در زمان بسیار کوتاهی به افراد نیازمند موحّد میرسانند. دامنه این امواج از نظر علم روحی جزو بلندترین و قویترین امواج محیط در خلقت ما افراد زمینی‌ها می‌باشد و علاوه بر امواج فوق، در پیرامون افراد، امواج و نیروهای دیگر نیز وجود دارند که تأثیرات بسیار عمده‌ای در زندگانی آنها از خود بجای می‌گذارند که گروهی از آنها از درون و گروهی هم از خارج بر افراد اثر می‌گذارند که موجب شناخت و تغییر حالت‌های روحی و جسمی و روانی در اشخاص متفاوت می‌گردند. ضمن اینکه کمتر کسی از وجود آنها آگاهی کامل

دارد. امروزه از نظر علمی به اثبات رسیده است که امواج بسیاری از جمله امواج زیر با فرکانسهای مختلف بطور دائم از درون افراد تشکیل می‌گردند که آنها با وسیله ساده فیزیکی قابل شناخت و ثبت و درک و محاسبه می‌باشند و برای مثال عمده‌ترین امواج مغزی که در زنده بودن افراد، بطور همیشگی از مغز صاطع می‌گردند عبارتند از:

۱- امواج دلتا = دامنه‌ای این امواج بین نیم تا سه و نیم سیکل در ثانیه است.
 ۲- امواج تتا = این امواج دامنه‌ای بین چهار تا هفت سیکل در ثانیه دارند که این دو موج فوق در زمان بیداری و کار و... از مغز خارج می‌شوند.

۳- امواج آلفا = فرکانس این امواج بین هشت تا سیزده سیکل در ثانیه است که اغلب در زمان خوابهای طبیعی یا خوابهای روحی و هیپنوتیکی از مغز افراد خارج می‌گردند.

۴- امواج بتا = فرکانس این امواج بین چهارده تا سی سیکل در ثانیه است و در زمان تمرکز افراد، این نوع امواج بوجود می‌آیند.

برخی با تسلط بر این امواج قادرند حتی در اشیاء حرکتی را بوجود آورند. امواج بالا مربوط به فرکانسهای مغزی‌ای می‌باشند که با الکتروانسفالوگراف قابل تشخیص هستند، ولی امروزه علاوه بر امواج فوق، بسیاری امواج دیگر را که از قسمت‌های مختلف بدن نسل بشر و حتی حیوانات خارج می‌گردند، دانشمندان فیزیک از نظر علمی به ثبت رسانیده‌اند. هر یک از امواج بدن دارای نظم و ریتم و موزیک خاص مربوط به خود می‌باشند و زمانی که این امواج بگونه‌ای تحت تأثیر امواج هم فرکانس خود قرار می‌گیرند. آنگاه شخص احساس آرامش و سلامت و کمبود فشارهای مختلف

محیطی را در وجود خود می‌نماید و چنانچه تحت تأثیر امواج نامتجانس قرار گیرد، تغییر حالت می‌دهد و بدون شناخت، احساس فشار و ناراحتی و خرابی اعصاب و... می‌نماید چون حتی سرعت و حرکت خون و ضربان نبض نیز تحت تأثیر آن امواج، روان و آرام‌تر می‌شود و اکثر مردم در این شرایط احساس رخوت و شعف می‌نمایند و در اثر امواج نامتجانس، سرعت خون کم می‌شود و فشار بالا می‌رود، کما اینکه تأثیر وجود ریتم‌های موزیک حالت و احساس و درک و شادی در همگان بطور یکنواخت و یک شکل و با یک اندازه نیست، فرضاً در زمان جوانی، موزیک‌های تند و با صدای بلند اثر مطلوبی در حالت روحی و اعصاب و گردش خون و ترشح هورمانهای متفاوت شادی آور در وجود افراد دارند، ولی در سنین میان سالی و پیری، موسیقی‌های آرام همان عمل را در افراد انجام می‌دهد، بطوریکه اکثر افراد مسن حتی تحمل شنیدن صدای موزیک بلند را ندارند که متأسفانه ناآگاهی پدر و مادران از مطلب فوق موجب آزرده‌گی و ناراحتی فرزندان آنان می‌شوند که گاهی کار به عصبانیت و پرخاشگری منجر می‌شود و عدم همین شناخت‌های والدین نسبت به حالات روحی فرزندان است که امروزه در اکثر قسمتهای جهان، در خانواده‌های مختلف فرزند سالاری رواج یافته است.

در درون و برون افراد این امواجی که بوجود می‌آیند، اثر آنها تا مدت‌ها در اطراف شخص همچنان باقی می‌مانند و از بین نمی‌روند تا در اثر مرور زمان، دامنه و سرعت آنها تغییر یابد و بطور آزاد در خلقت رها گردند. چنانچه افراد بتوانند بر برخی از این امواج محیط تسلط یابند، با

بکارگیری آنها می‌توانند تأثیرات بسیار مثبت و سازنده‌ای را در حالت‌های مختلف خویش و حتی دیگران بوجود آورند، چون زمانی که شخص افکاری را در مخیله خود می‌پروراند، ضمن حرکت آنها به بیرون از جسم مادی، آن امواج تأثیرات سازنده یا مخربی را بعدها در زندگی فرد بوجود می‌آورد که اغلب تأثیرات این نوع امواج به زندگی همان شخص در دراز مدت اثر خیر یا شری خواهد گذارد و گاهی هم همین امواج زندگی شخص را دگرگون می‌نماید و حالت فرکانس این امواج به گونه‌ای است که در امواج دیگری تداخل نمی‌کنند و زمانی خود نمائی خواهند کرد که قدرت و مقدار آنها به حد نصاب معینی رسیده باشند که امواج عقلی یکی از آنهاست. امواج عقلی و روحی و آگاهی افراد با هم برابر نیستند و هر چه قدرت امواج روحی در اثر ادامه تکاملها مکرر، زیادتر باشد، فرد دارای امواج عقلی و آگاهی‌های بیشتری در اثر شناخت‌های گذشته است، و در نتیجه شخص در مسیر حقانیت و سازندگی و در راه درست و ادامه تکامل و در مسیر خلقت خود پیش می‌رود.

شناخت افراد مختلف در زندگی مربوط به بازتاب درجه شعور عقلی آنهاست. یعنی در اصل می‌توان چنین گفت که امواج عمل افراد در زمان حیات، دارای نوعی قدرت و ریتم خاص یا نوساناتی منظم و مخصوص به خود او می‌باشند که به شکل یک قانون عمل و عکس‌العمل که مربوط به زندگانی‌های گذشته افراد است عمل می‌کند و نتیجتاً موجب بوجود آوردن حالت‌های خاصی در افراد می‌گردد و این امواج هرگز از بین نمی‌روند و در هر زمانی، از گذشته خود قوی‌تر می‌شوند و یا با اشکال و حالت‌های جدیدتری خلق می‌گردند و در نهایت می‌توان به این نتیجه رسید که امواج در خلقت بر دو

گونه‌اند:

۱- امواج محیط: این امواج در ادامه مسیر خلقت، تغییر شکل می‌دهند و در هر دوره از تکامل با شکل و قدرتی تازه‌تر در زندگی افراد جلوه‌گر میشوند که با شکل اولیه و قبلی خویش متفاوت می‌باشند.

۲- امواج الهی: یا امواجی که از سو یا بسوی پروردگار در حرکت می‌باشند، (از عالم ماده به عالم انرژی و بالعکس) این امواج هرگز فنا ندارند و در مسیر خلقت در هر زمان با نیرو و قدرت بیشتری در حرکت هستند تا اینکه روزی به اصل خلقت باز گردند.

خوانندگان محترم باید توجه داشته باشند تا وقتی که به شناخت کافی جسم و روح و حالت‌های آنها پی نبرند و آگاهی کامل از خصوصیات مختلف خویش نداشته باشند، بطور حتم هم قادر به انجام عمل انرژی درمانی نخواهند بود، به همین علت هم قبل از اینکه خواسته باشیم درباره آن گفتگو نمائیم، مقدماتی که در اصل کلیه آنها مربوط به انرژی درمانی است تشریح می‌گردند تا در زمان آموزش و عمل انرژی درمانی کمبودی بوجود نیاید، زیرا یک انرژی درمان باید هادی هم باشد یعنی از قدرتهای روحی محیط خویش با خبر باشد و شناخت کافی نسبت به فیزیولوژی بدن داشته باشد و حالات روحی و روانی خود و دیگران را نیز بداند.

درمان در زمان خواب طبیعی

یکی از بزرگترین اسرار هستی در خلقت نسل بشر، خوابیدن و خواب دیدن اوست، ضمن اینکه خواب هم در اصل یک نوع مرگ کوتاه است و دلیل آن این است که وقتی فردی می‌خوابد، روح بوسیله اتصال ریسمانهای نقره‌ای، از بدن فاصله می‌گیرد و روح در این زمان تابع قوانین روحی است و یکی از دلایلی که می‌گویند خواب مرگ کوتاه است، به همین علت می‌باشد و کسانی که شناخت کافی از علوم روحی داشته باشند و شرایط و وضعیت روح خود را در زمان خواب بدانند، آنگاه قادر خواهند شد اعمال و افعالی را توسط روح خویش در زمان خواب انجام دهند که یکی از آنها رفع ناراحتیهای روحی و بدست آوردن سلامت روح و جسم می‌باشد که قبل از توضیح این مطلب، می‌بایست به نکات دیگری نیز توجه گردد.

۱ - علت خوابیدن = وجود هر فردی از سه قسمت کاملاً متمایز نسبت به یکدیگر تشکیل شده است که آنها دو عبارتند از: روح و تن پوش و جسم مادی، که هر یک از این سه قسمت میبایست از عالم مربوط به خود کسب انرژی نماید که در این مورد مطالب مختصری بیان می‌گردند.

الف: جسم مادی - این قسمت از ماده مطلق بوجود آمده است و کسب انرژی خود را نیز می‌بایست از همان ماده بنماید و چنانچه به هر دلیلی که به آن انرژی لازم از طریق مواد غذایی نرسد، ضعیف و رنجور می‌گردد و در نهایت از بین خواهد رفت و پس از مرگ یا جداشدن روح و تن پوش از آن، تبدیل به خاک محیط می‌گردد و مجدداً به ماده مراجعت می‌نماید.

ب : روح - این عنصر از ماده نبوده و انرژی ادامه حیات خود را نیز از همان محیطی که از آنها به ماده مراجعه نموده است، دریافت میکند و این قسمت هم اگر به هر دلیلی، جهت کسب انرژی نتواند از ماده جدا گردد و در عوالم روحی کسب انرژی نماید، در اندک مدتی که این زمان به چند روز بیشتر ادامه نخواهد یافت، دچار نوعی ناراحتی و مریضی و تشنج و عصبانیت و ... خواهد شد که در نهایت کار به نوعی جنون و حتی مرگ منتهی خواهد گردید و روح از جسم مادی جدا شده و به سوی محلی می رود که در زمان حیات مادی، فرد از آنجا کسب انرژی می نموده است، یعنی به عوالم روحی مراجعت خواهد کرد، ولی زمانی که در زنده بودن افراد، شخصی حالت روحی خود را در اثر بی خوابی از دست می دهد، در این شرایط، تعدادی از ریسمانهای نقره‌ای از جسم جدا می گردند که این ریسمانها ممکن است پس از مدتها و به دلائل مختلف، به محل اولیه خود متصل گردند و شخص به حالت عادی روحی و سلامت خویش بازگردد و گاهی هم ممکن است تا آخر عمر همچنان جدا از جسم باقی بماند و فرد در جنون دائم بسر برد.

۲- **حالت‌های خواب = در زمان خواب، ضمیر ناخود آگاه فعالیت بسیاری دارد، ولی ضمیر آگاه فعالیت چندانی نمی نماید، و این ضمیر گاهی همراه ضمیر ناخود آگاه است، که در این موقع فرد در زمان خواب، رؤیاهایی را که در آن شرایط دیده است به یاد می آورد. ضمن اینکه در زمان خواب، تمام قسمتهای بدن را ضمیر ناخود آگاه در اختیار خود دارد.**

هنگامی که فردی به خواب می رود، اگر شخصی بعنوان شاهد در این وقت نزد وی نشسته باشد و جسم او را کاملاً ببیند، مشاهده می کند که جسم

فرد، در یک زمان خاصی بطور ناگهانی تکان شدیدی به خود می‌دهد و دلیل بروز این حالت این است که در این وقت روح بطور کامل از جسم دور شده و طنابهای نقره‌ای کاملاً کشیده شده‌اند و در اثر ضربه به انتها رسیدن ریسمانهای نقره‌ای، این حالت به شخص دست داده، یعنی از این زمان به بعد است که فرد در خواب مطلق قرار گرفته است و گاهی هم مشاهده می‌شود این ضربه بقدری شدید است که فرد پس از بروز آن حرکت، برای چند لحظه چشمهای خود رامی‌گشاید و سپس می‌خوابد، یعنی در اثر بروز این حرکت شدید روح، ریسمانهای نقره‌ای بصورت انعکاسی و برگشت، روح را به جسم باز می‌گرداند و شخص در اثر ضربه مدتی بیدار می‌شود و مجدداً می‌خوابد.

۳ - روش دست یابی به ضمیر ناخود آگاه در خواب : در زمان

خواب افرادی می‌توانند فعالیت‌هایی را بطور عملی برای تقویت قدرتهای روحی خویش انجام دهند که یکی از آنها تسلط یافتن بر ضمیر ناخود آگاه است ۱- در زمان قبل از خواب، فرد باید نکاتی را رعایت نماید که یکی از آنها انتخاب زمان تلقین پذیری است و بهترین وقت آن، چند لحظه قبل از به خواب رفتن کامل فرد می‌باشد که این حالت برای هرکس جداگانه و مخصوص خود او است و شخص وقتی در آن حالت قرار می‌گیرد، می‌داند به زودی بخواب خواهد رفت، زیرا در این زمان، قسمت اعظم بُعد روحی، سعی دارد به عالم روحی سفر کند و از جسم جدا شود و مابقی را چند لحظه دیگر با خود خواهد برد و این حالت برای هر فردی جداگانه است.

۲- در این زمان فرد باید بصورت تلقینی از ضمیر آگاه خود بخواهد که

در طول مدت خواب، همراه ضمیر ناخود آگاه باشد و تمام مشاهدات را

بخاطر بسپارد و از ضمیر ناخودآگاه خویش نیز بخواهد که در زمان خواب، ضمیرآگاه را نیز همراه خود به سفرهای در خواب ببرد تا این ضمیر مشاهداتی داشته باشد و کلیه آنها را در زمان بیداری بیاد آورد.

۳- در این زمینه هر چه افراد بتوانند امواج ضمیر آگاه و ناخودآگاه خویش را به یکدیگر نزدیکتر کنند. به همان نسبت هم از قدرت روحی بیشتری در خواب برخوردار خواهند شد و موفقیت‌های بسیاری را بدست می‌آورند.

۴- تکرار تلقینات در زمان قبل از خواب باید زیاد باشند و بارها به هر دو ضمیر خود تلقین کند که آن دو، در زمان خواب با یکدیگر همراه باشند، و ضمیرآگاه نیز کلیه رویاها را ببیند تا پس از بیداری بیاد داشته باشد.

۵- این تلقینات را باید آنقدر انجام داد تا وقتی که فرد از خواب برمی‌خیزد، تمام رویاهای شب قبل را به یاد داشته باشد و آنها را بازگو نماید و سپس شبهای مکرر بعدی نیز خواب دیدن‌های مختلف وی همچنان تکرار شوند و شخص در زمان بیداری، رویاهای شب گذشته خود را به یاد آورد.

۶- زمانی که فرد از خواب برمی‌خیزد، می‌بایست تمام یا قسمتهای عمده رؤیاهای خود را در همان محل استراحت خود ثبت کند، چون امکان اینکه پس از شستشوی دست و صورت، قسمتی یا کلیه رؤیاهای شب قبل را فراموش کند، وجود دارد، چون وقتی که شخص از خواب برمی‌خیزد، در همان لحظه اولیه تمام واحدهای روحی به جسم وی باز نگشته‌اند، بلکه هنوز قسمتی از آن در عالم اثیری سیر می‌نمایند و به همین علت هم شخص در زمان بیداری، اغلب رؤیاهای خود را به یاد می‌آورد، ولی پس از اینکه و از جای خویش برخاست، بخصوص اگر آب به دست و صورت خویش زد، در آن

موقع تمام واحدهای روحی به جسم وی باز می گردند و از این پس امواج روحی وی در عالم اثیری وجود ندارد که فرد بتواند تمام رؤیاهای گذشته خود را به یاد آورد، مگر اینکه وقتی که شخص از خواب بیدار شد، در همان محل خویش، قسمت بسیار کوچک یا تمام مطالب رؤیاهای خویش را بنویسد، چون فقط در این زمان است که خواب را به یاد می آورد و پس از بلند شدن ممکن است کلیه رؤیاهای گذشته را فراموش نماید.

۷- زمانی که فردی توانست هر شب رؤیاهایی را داشته باشد، آنگاه از ضمیرهای خود، قبل از خوابیدن می خواهد که قسمتی از رؤیاهای شب قبل یا شبهای گذشته را که مهم و مهیج تر از سایر خوابهای وی بوده اند، دنباله آنها را بصورت سریال ببیند. یعنی دنباله رؤیاهای گذشته را در همان شرایط، امشب مشاهده نماید. زمانی که فردی توانست در این عمل و مرحله از خوابهای خویش موفق گردد، دراصل توانسته است قسمتی از ضمیر ناخودآگاه خویش را در زمان خواب همراه و تابع ضمیر آگاه خود سازد.

۸- پس از اینکه توانستید رؤیاهائی را بصورت سریال در شبهای مختلف مشاهده نمایید، آنگاه در زمان قبل از خواب باید به ضمیرهای خود تلقین نمایید که: در وقت خواب، رؤیاهایی را بصورت انتخابی، ضمیر آگاه شما داشته باشد. یعنی در زمان خواب روح و تن پوش به نقاط دلخواه فرد سفر نمایند و مشاهداتی داشته باشند و مطالب کل رؤیاهای در ضمیر آگاه ثبت شوند و فرد پس از بیداری آن را بطور کامل به یاد آورد ضمناً باید توجه داشته باشید که اگر هدف شما در این زمینه نادرست و مادی و تفتیش عقاید و ... باشد. مسلماً قادر به انجام چنین اعمالی در خواب نخواهید شد و اگر هم

انجام دهید، به زودی قدرت و همبستگی ضمیر ناخودآگاه و آگاه شما در خواب ضعیف می‌شوند و این حالت بوجود آمده راز دست می‌دهید، چون وقتی که شخصی از برداشتهای عمل خود در این زمینه‌ها به دنبال کارهای ناشایست و نادرست است، ضمیرها از این مطلب آگاه می‌باشند و در زمان خواب به دنبال آن خواسته‌ها نخواهند رفت، مگر اینکه هدف شخص از انجام چنین اعمالی، بدست آوردن سلامت روح و روان و جسم خویش باشد. از این زمان به بعد است که فرد توانسته بر ضمیر ناخودآگاه خود در زمان خواب تسلط یابد و پس از آن، اگر شخص ناراحتی‌های روحی و روانی و حتی جسمی داشته باشد، در زمان قبل از خواب می‌تواند از ضمیرهای خود بخواهد که در وقت خواب به گونه‌ای منطقی آن ناراحتی‌ها را در مراکز خاص روحی رفع نماید. یا اینکه در همان زمان خواب، روح وی در عوالم ماوراء به بیمارستانهای روحی برود و تحت نظر پزشکان روحی، سلامت کامل خود را بدست آورد. البته باید بدانید که بدست آوردن این حالت، سالها بطول می‌انجامد و نیاز به مدتها تمرین مستمر دارد و جهت بدست آوردن این حالت، هرگز نباید به زودی مأیوس و ناامید شوید و از راه حق و حقیقت و درستی دور شوید، بلکه باید بدانید که با ادامه تمرینات مستمر، یقیناً در کارهای روحی موفق خواهید شد و در وقت خواب می‌توانید انرژی مازاد بدست آورید و در زمان انرژی درمانی، از آنها بهره‌مند شوید.

چگونه می‌توان پی به وجود ناراحتی‌های روحی و حساسیت افراد برد و آنها را درمان کرد؟

هر فردی در زندگی همیشه با اشخاص متفاوتی سر و کار دارد که هر یک از آنها دارای حالت روحی و قدرتهای جداگانه‌ای نسبت به یکدیگر هستند و گروهی از این افراد، معمولاً از حساسیتهای بسیار زیادی برخوردارند و زمانی که با این قبیل اشخاص مواجه می‌شوید، باید توجه بیشتری نسبت به اعمال و رفتار و کردار خویش نسبت به آنان داشته باشید، در غیراین صورت به گونه‌ای موجب اذیت و آزار و رنجش آنها و احتمالاً گرفتاریهای بعدی خود خواهید شد. این افراد از نظر ظاهر و برخوردهای مختلف محیطی دارای حالت‌های زیر می‌باشند.

۱- در موقع تماس با افراد و حرف زدن‌های، بیش از حد متعارف عرق می‌کنند.

۲- وقتی که به چشم آنها نگاه کنید، نگاه و دید خود را از چهره شما برمی‌گردانند و مسیر نگاه خویش را به سمت دیگری تغییر می‌دهند.

۳- در وقت نگاه کردن یا صحبت نمودن، چهره آنان قرمز یا زرد رنگ می‌شود و از رنگ طبیعی قبلی خارج می‌گردند.

۴- این افراد اغلب در برخوردهای اجتماعی و خانوادگی و ... بسیار محجوب و خجالتی هستند بطوری که گاهی در شرایط حرف زدن با دیگران، بخصوص بزرگترها لکنت زبان میگیرند و یاد در وقت ادای کلام زبانشان بند می‌آید.

- ۵- اغلب افراد حساس در زمان خواب حرف می زنند.
- ۶- چشم افراد حساس در موقع صحبت کردن قدری تغییر فرم می دهد، یعنی تا حدی چپ می شود. یا به خود تاب و پیچش می گیرد.
- ۷- اکثر افراد حساس در مواقع برخورد با افراد بیگانه یا حضور نزد بزرگترها، بدن آنها بگونه ای از درون رعشه می گیرد که این حالت گاهی از برون نیز برای بیننده قابل تشخیص می باشد و حتی گاهی مشاهده می شود که فرد، ضمن مصاحبه بدن وی در حال لرزش است.
- ۸- اکثریت قریب به اتفاق افراد عصبانی نیز از حساسیت زیادی برخوردارند و یکی از دلایل عصبی شدن آنها، همین حساسیت زیادتر از حد آنها است. اگر از نظر ظاهری فردی حساسیت خود را بروز نداد و شما بخواهید که در این زمینه مطمئن شوید و بدانید که فرد مورد نظر شما تا چه حدی حساس است توسط آزمایشات زیر، بهتر می توانید به حالت درونی افراد در این زمینه پی ببرید.

انجام آزمایشات مختلف، جهت شناخت افراد حساس

- ۱- برای اینکه بتوانید پی به حساسیت طرف مقابل خود ببرید، باید در یک شرایط محیطی و زمانی مناسب، مقابل وی بایستید و دو دست خود را روی شانه های او قرار دهید یا اینکه در پشت سر وی قرار گیرید و دو دست را روی شانه های او بگذارید و در این موقع از وی سؤالاتی نمایید و ضمن صحبتها به وی بگویید که اگر قسمتی از بدنت گرم شده است آن را به من بگو، فرد حساس به احتمال قوی پس از گذشت چند ثانیه اظهار می نماید که قسمتی از بدن وی که معمولاً سر و گردن وی هستند، مقداری گرم شده اند و گرمایی

را در آن قسمت‌ها حس می‌کند. این حالت بوجود آمدن گرما، حساسیت وی را مشخص می‌نماید، و ممکن است بعد از مدتی اظهار نماید، سر و گردن یا قسمتی از معده، ناف، بیضه، و حتی ران وی گرم شده‌اند و هر چه محل این گرما از سر به پایین‌تر باشد، این حالت مقدار زیادتری از حساسیت شخص را می‌نمایاند.

۲- عامل از معمول می‌خواهد که دو دست خود را بر سطح میز بگذارد و آنگاه به وی تلقین می‌کند که من با نگاه به دست یا چشمهای تو، قدرت را تغییر می‌دهم بگونه‌ای که نیروی بلند کردن دست‌های خود را از روی میز نداشته باشی. بعد از گذشت چند ثانیه، عامل از معمول می‌خواهد که دستهای خود را اگر می‌تواند از روی میز بردارد، آنگاه مشاهده می‌گردد که معمول به نسبت حساسیتی که دارد، سعی می‌کند کف دستهای خود را از سطح میز بردارد، گاهی این کار عملی است و زمانی هم وی قدرت تکان دادن دستهای خود را از روی میز ندارد و تا زمانی که عامل نخواهد، معمول نمی‌تواند دستهای خود را از روی میز بلند کند و زمان دیر یا زود بلند کردن دست معمول از روی میز، مقدار حساسیت او را نشان می‌دهد.

۳- عامل لیوانی را که در آن مقداری آب ریخته شده است، بدست معمول می‌دهد و سپس به او می‌گوید: در داخل این لیوان گلاب است و از او می‌خواهد که مواد محتوی لیوان را بو بکشد، آنگاه با کمال تعجب مشاهده می‌شود که معمول گفته‌های عامل را می‌پذیرد و اظهار می‌کند که در داخل لیوان گلاب است و او می‌تواند بوی آن را به راحتی استشمام نماید و در صورتی که معمول این مطلب را پذیرفت، حساسیت وی را در مقابل عامل و

حتی دیگران می‌نمایاند.

۴- عامل آب نباتی رابه معمول می‌دهد و به وی می‌گوید که مایع آن را از نمک درست کرده است و مزه آن شور است، زمانی که معمول آب نبات را در دهن میگذارد، به احتمال قوی در مرحله اول نظر عامل را تأیید می‌نماید و صدیق می‌کند که مزه آن شور است. البته این اعمال نوعی تلقین گذاری عامل بر معمول است و هر چه تلقین پذیری وی در این زمینه‌ها بیشتر باشد، به همان نسبت هم سریع‌تر نظر عامل رامی‌پذیرد.

۵- اگر معمول چوب یا عصایی را در دست داشته باشد، عامل به چشمهای او نگاه میکند و اظهار می‌نماید «که عصایت را از زمین بلند کن، آنگاه به وی می‌گوید که از هم‌اکنون عصایت سنگین می‌شود بگونه‌ای که به علت سنگینی از دست تو به زمین می‌افتد، چون از این لحظه قدرت حفظ عصا سنگین را در دست خود نداری» اغلب مشاهده می‌شود که پس از مدتی کوتاه همان احساس به معمول دست می‌دهد و عصا از دست وی به زمین می‌افتد.

۶- عامل از معمول می‌خواهد که دو دست خود رابه پهلو آویزان نماید و آنگاه عامل به وی می‌گوید، از هم‌اکنون دستهای تو به یکدیگر نزدیک می‌شوند و روی هم قرار خواهند گرفت، پس از اندک مدتی برای معمول حساس، چنین حالتی دست می‌دهد و دستها بتدریج حرکت کرده و بهم نزدیک می‌شوند و روی هم قرار خواهند گرفت.

۷- عامل به معمول می‌گوید، من به هر قسمتی از بدن تو که نگاه کنم، همان قسمت از بدنت خارش خواهد گرفت و عامل شروع به نگاه کردن به بدن معمول می‌نماید و در کمال تعجب مشاهده خواهد شد که همان

قسمت فرد حساس، شروع به خاریدن می کند که باید آنجا را معمول بخاراند تا آرام شود.

۸- عامل به معمول می گوید، تا زمانی که من به صورت تو نگاه می کنم، در تمام آن مدت تو سعی خواهی کرد که دست های خود را داخل جیب های بنمایی و به دنبال شئی یا چیزی بگردی، آنگاه عامل به صورت وی خیره می شود، معمول در حد حساسیتی که دارد، اول به اشیاء درون جیب خود فکر می کند و سپس بدون اراده به درون جیب های خویش دست می برد و گویی دنبال چیزی می گردد.

از تمام آزمایشات فوق و بسیاری دیگر که ذکر نشده اند، به این نتیجه می رسیم که اگر فردی از حساسیت زیادی برخوردار باشد، تحت تأثیر گفته های عامل و تلقینات وی قرار می گیرد و اعمال بسیاری را که منظور عامل است بطور ناخواسته انجام خواهد داد و زمانی که فردی به حساسیت های خویش پی برد، از آن پس باید بداند که دارای ضعفی است که وجود آن، موجب عدم آرامش و ناراحتی وی در جوامع کوچک و بزرگ خواهد شد و از همان زمان در صدد رفع نقایص و ایرادات خویش برآید که در بسیاری از کتب خود روش های مختلف خود درمانی ذکر گردیده اند.

زمانی که سیالات بدن به هر دلیلی کاهش می یابند، ضعف نیروهای روحی، جسمی، روانی در اشخاص بروز می نمایند که افراد با بکارگیری دستورالعمل های مختلفی که بیان گردیده اند، به راحتی می توانند آنها را تقویت کنند و حتی دارای انرژی مازاد گردند تا بتوانند به دیگران نیز یاری رسانند.

چگونه می توان پی به وجود ناراحتی های روحی و حساسیت افراد برد و آنها را درمان کرد؟ ♦♦ ۲

در اینجا لازم است که مطالبی درباره سیالات نیز ذکر کردند تا افراد با شناخت علمی کافی، در صدد خود شناسی و خود درمانی و درمان دیگران برآیند چون سیاله یون های مثبت و منفی ای هستند، که به نسبت های مختلف بین جسم، تن پوش، و روح افراد در جریانند و این سیالات رامی توان با تمرینات مختلف، بخصوص روحی تقویت کرد. سیالات بصورت امواج بهم پیوسته ای در افراد وجود دارند که گاهی می توانند یکدیگر را تقویت کنند و زمانی هم در اثر انرژی دادن های مختلف، سیاله از فردی مصرف شود و در چنین شرایطی فوراً سیالات دیگری جای آنرا پر می کنند و جایگزین آن می شوند، مشروط بر اینکه فرد روش تقویت قدرتهای روحی خویش را بداند.

سیاله به سه گروه عمده تقسیم می شود

۱- سیاله کامل = افرادی که از سلامت کامل در جوامع برخوردارند، دارای این نوع سیالات هستند. فرضاً اگر خواسته باشیم حداکثر سیالات فرد کامل و سالم را ۱۰۰۰ واحد بدانیم، این افراد دارای سیالاتی نزدیک بهمین عدد می باشند و این افراد در زندگی دارای روحیه ای قوی، جسمی سالم، اراده ای پولادین و مصمم، بدون کینه و حسادت بوده و زندگانی خود را در هر شرایطی با مهربانی، پاکدلی، و خوش خلقی می گذرانند و هرگز سد راه دیگران نمی شوند. اگر این افراد در زمان انرژی دادن بخواهند از سیالات خود به فرد بیمار بدهند و شناختی درباره جایگزین کردن سیالات از دست داده خود نداشته باشند، در کوتاه یا دراز مدت، به خود آنها صدمه وارد می شود، زیرا در این شرایط، ترمیم و جایگزین کردن سیالات آنها مدت ها وقت می خواهد، کما اینکه بسیاری از روان پزشکانی که در اثر مرور زمان، بسیاری

از سیالات مثبت و سالم خود را به دلیل تماس‌های دائمی با افراد کم‌سیاله و مریض و منفی از دست می‌دهند، اغلب خود آنها پس از مدتی دچار ناراحتی‌هایی می‌گردند، لذا هرگاه فردی بدون آگاهی و علم انرژی درمانی می‌کرد و پس از مدتی احساس ضعف در خود نمود یا سیالاتی کافی برای حرکت و... نداشت، می‌بایست در این زمینه به علت ضعف خویش پی‌ببرد و از آن پس هرگز نباید سیالات خود را بیهوده از دست بدهد و به عمل انرژی درمانی و... بپردازد، بلکه و از آن پس باید در صدد ترمیم و کمبود سیالات خویش برآید. در غیر اینصورت، ناراحتی‌های وی روز به روز افزایش می‌یابد، تا در نهایت او را به ضعف عمومی جسم یا روح دچار خواهد کرد.

۲- سیاله مازاد = در جوامع افرادی یافت می‌شوند که دارای حالت‌های روحی و جسمی متفاوتی نسبت به دیگران هستند، یعنی بیشتر از حد معمول می‌بینند، می‌شنوند و... برخی هم سیالات بدن آنها بیش از حد طبیعی است و گاه تا چندین برابر حالت کامل افراد سالم می‌رسد. این اشخاص چنانچه به فرد بیماری که سیاله او کمتر از ۱۰۰۰ واحد فرضی است، با روشی صحیح و منطقی و علمی سیاله شفا بخش بدهند، هیچ تأثیر سوئی در سلامت روحی و روانی و جسمی خود آنها در آینده نخواهد گذاشت و سیالات از دست داده آنها بدون کوچکترین احساس ناراحتی در مدت کوتاهی ترمیم و جایگزین می‌شوند، زیرا سیالات اینگونه افراد، در هیچ شرایطی از حد طبیعی ۱۰۰۰ واحد فرضی کمتر نمی‌شود، چون اولاً آنان توسط علم و عمل‌های روحی کمبود آنرا جبران می‌کنند ثانیاً ساختمان وجودی جسم و روح و روان آنها بگونه‌ای است که سیالات مازاد را سریع ترمیم می‌کند و بخصوص در زمانی

چگونه می توان پی به وجود ناراحتی های روحی و حساسیت افراد برد و آنها را درمان کرد؟ ۲۰۲

که فرد در خواب است، با تسلط بر ضمیر ناخودآگاه، قادر است در خواب هیپنوتیکی یا روحی و طبیعی، کمبود آنرا از مراکز روحی دریافت نماید.

۳- سیالات کم = بیمار کسی است که سیالات بدن وی از حد معمول، یعنی ۱۰۰۰ فرضی کاهش یافته و در نتیجه قدرت کمتری برای فعالیت و ادامه حیات داشته باشد. هرگاه شخص بیمار با اشخاصی که دارای سیاله مازاد هستند، به هر گونه ای تماس حاصل نماید یا در حوزه امواج الکترو مغناطیسی آنها قرار گیرد، به زودی سلامت نسبی یا کامل خود را، بطور ناآگاهانه بدست می آورد. زیرا، سیالات مازاد آنها که در فضای محیط پراکنده است، در فرد بیمار اثر می گذارد و این امواج در بهبودی وی مؤثر هستند و مشاهده می شود که بیمار بطور ناگهانی، سلامت نسبی یا بهبود کامل خود را بدست می آورد.

آیا تاکنون شنیده اید که می گویند، قدم قلانی شفاست، یا نفس فلانی حق است یا دست او سبک است و... علت آن اینست که، وقتی این فرد با سیالات مازاد خود وارد اطاق یا محلی می شود که فرد یا افرادی با کمبود سیاله در آنجا قرار دارند، هر کس در حد معینی از سیالات مازاد او را که در فضا و محیط آن محل پراکنده شده اند را جذب می کند و پس از مدتی در اثر وجود این امواج و انرژی های تازه وارد، به آنها شادی و شغف دست می دهد یا فرد دیگری شروع به بهبودی می کند.

سیالات شفا بخش: معمولاً از تمام نقاط بدن افراد شفا دهنده که دارای

امواج مازاد هستند خارج می گردند که مهم ترین آنها عبارتند از:

نوک انگشتان - کف دستها، چشمها - بین دو ابرو، زیرجناغ سینه

(خورشیدی بزرگ)، زیر قلب (خورشیدی کوچک)، ناف، زیر ناف، زانوها، آرنج‌ها، مغز سر، این سیالات در اثر تماس، دست یا بدن فردی به فرد دیگر براحتی وارد جسم موج گیرنده یا نیازمند می‌شوند و معمولاً سیالات شفا بخش در جوانان بیش از افراد مسن است کما اینکه اغلب، دیده‌اید وقتی فرد مسن و پیری با جوانی ازدواج می‌کند، پس از مدتی حالت رخوت و پیری در او از بین می‌رود و آن فرد پیر، نشاط خاصی که مربوط به جوانان است پیدا می‌کند و دلیل آن جذب سیالات تازه و قدرتمند جوانی است که فرد مسن به تازگی توانسته از آن شخص جذب نماید، حال می‌تواند این پیر زن یا مرد باشد، تفاوتی در جذب و دفع سیالات آنها نیست و باید به این مهم توجه کرد که اغلب دیده شده فرد جوانی که دارای سیالات مازاد نمی‌باشد، پس از دست دادن سیالات زیاد، حالت روحی و حتی سلامت جسم خود را از دست می‌دهد و پیری زود رس به وی دست می‌دهد.

روش تشخیص سیاله مازاد = روشهای بسیاری برای تشخیص سیالات مازاد وجود دارند که امروزه توسط دستگاههای الکترونیکی خاصی می‌شود وجود این سیالات و انرژی افراد را اندازه‌گیری کرد، ولی ذیلاً دو نوع از ساده‌ترین روشهایی که هیچ نیازی به وسیله ندارد را بیان می‌نمائیم تا افرادی که قصد انرژی دادن به دیگران را دارند، در مرحله نخست نیرو و قدرت خود را بیازمایند و در صورتی که دارای انرژی مازادی بودند، آنگاه اقدام به انرژی دادن دیگران نمایند، در غیر اینصورت، پس از مدتی خود آنها جزو بیماران خواهند شد.

۱- ظرفی سفالین را از آب پر کرده و مدت ۵ دقیقه میان دو دست خود

بگیرید و هر چند ثانیه یکبار داخل آن فوت نمایید. سپس این آب را به فردی که مریض است، مثلاً تب دارد بدهید. اگر پس از مدتی اظهار بهبود نمود، باید بدانید که شما دارای سیاله مازاد هستید و برای اطمینان خاطر از وجود انرژی مازاد خود، این عمل را چند بار برای بیماران مختلف انجام دهید تا از وجود سیالات مازاد در وجود خویش مطمئن شوید، آنگاه پس از کسب علم و خودشناسی و خوددرمانی، مبادرت به سیاله دادن به دیگری نمایید.

۲- وقتی که شخصی بر بالین مریضی می‌رود و پس از مدتی آن شخص مریض احساس سبکی و سلامت در جسم یا روح و روان خود میکند، فرد باید بداند که احتمالاً او دارای انرژی مازاد است و چنانچه این عمل را چندین بار در مورد مریض‌های متعددی تکرار کند و به همین نتیجه شفاف‌بخشی خود دست یابد، آنگاه باید مطمئن شود که دارای انرژی خاصی است که سپس میتواند از وجود آن انرژی و سیالات بصورت علمی استفاده نماید. بسیاری از افراد با خواندن یک کتاب و یا مشاهده انرژی درمانی توسط فرد دیگری، آنها هم بدون شناخت و دانش کافی مبادرت به انجام آن می‌نمایند و اصولاً خود نمی‌دانند که با انجام عمل خویش، مرتکب چه تغییراتی در بدن معمول و خود می‌شوند و این قبیل اشخاص باید بدانند که بطور حتم پس از گذشت زمانی که معمولاً بیش از دو سال نخواهد بود، دچار ناراحتی‌های ناشناخته روحی و روانی و حتی جسمی ای خواهند شد که در اثر از دست دادن سیالات مازاد یا انرژی خویش بدست آورده‌اند.

روشهای مختلف خود هیپنوتیزم را بیاموزید آنگاه خویش را درمان کنید.

به هر طریقی که فردی با در خود فرو رفتن بتواند به ضمیر ناخودآگاه خویش تسلط یابد، آن عمل در اصل یک نوع خود هیپنوتیزم است که در اینجا ما به آموزش چند روش کامل و صحیح آن می پردازیم. چون هدف از دست یابی به ضمیر ناخودآگاه، بوجود آوردن حالتی است که فرد تحت تأثیر یک سری از امواج محیطی خاص درونی و بیرونی خویش قرار گیرد و حالت‌های جدیدی را بدست آورد که در آن شرایط بتواند از محیط خارج از ماده با خبر گردد، یا تأثیرات سازنده و درمانگری را بر جسم مادی خویش بگذارد.

زمانی که فردی تحت تأثیر عمل خود القائی یا خود هیپنوتیزم قرار می‌گیرد، معمولاً در این حالت وضع روحی وی مانند حالت زمان خواب نیست. یعنی در این شرایط گوشش می‌شنود، ولی جسم او قادر به حرکت کردن نبوده و نمی‌تواند پاسخ سوالات دیگران را بدهد و حتی قادر به باز کردن پلک چشمهای خود نیز نمی‌باشد.

اصولاً تأثیر گذاری بر دو نوع است :

۱- تأثیر گذاری بر خود (خود هیپنوتیزم)

۲- تأثیر گذاری بر دیگری (هیپنوتیزم)

در بخشهای قبلی در مورد تأثیر گذاری بر دیگران یا هیپنوتیزم مطالب و روشهایی را بیان نمودیم و در این مبحث درباره تأثیر گذاری بر خود (یا خود القائی) و خود هیپنوتیزم صحبت می‌نمائیم.

انجام عمل خودالقائی مستلزم توجه به نکات زیر است :

۱- فردی که عمل خود القائی را انجام می دهد باید از نتیجه کار خود مطمئن باشد و بداند که با انجام این عمل چه می خواهد بکند، یعنی هدف خویش را قبل از اجرای عمل خود القایی مشخص کرده باشد .

۲- از قدرت ذهن و تلقین پذیری و تلقین گذاری در خود و دیگران آگاهی کافی و کاملی داشته باشد .

۳- کسی که مبادرت به خود هیپنوتیزم می نماید، حتماً باید از آموختن این روشها دارای هدف خاص و مثبتی باشد

۴- از انجام عمل خود القائی هیچ ترس و وحشت بخود راه ندهد و بداند که پس از اجرای خود القایی بعداً به حالت اولیه خود باز می گردد .

۵- در این مسیر باید همیشه امواج مثبت و سازنده به ذهن خود راه دهد و به خود تلقین کند که با انجام این عمل قادر است ناراحتی های مختلف و بخصوصی را از خود رفع نماید

۶- در زمان خستگی مفرط یا کم خوابی یا عصبانیت یا مصرف مسکرات و مواد مخدر و ... دست به عمل خودالقائی نزنید، چون نتیجه ای از انجام عمل خود نخواهید گرفت .

۷- در اوایل اگر فردی در این زمینه موفق نگردد، از عمل خود نباید مأیوس و دلسرد شود، بلکه می بایست همچنان به تمرین های روحی خویش ادامه دهد تا عمل خودالقائی بتدریج بطور کامل صورت پذیرد، چون خود هیپنوتیزم عمل بسیار ساده ای نیست و امکان اینکه هنر جویان در چند جلسه اول موفق به انجام آن نشوند، وجود دارد .

روش اجرای خودالقائی

برای اجرای خود هیپنوتیزم، اجرا کنندگان لازم است در مرحله نخست به مطالب زیر توجه نمایند و پس از آن اقدام به خود القایی نمایند.

۱- انتخاب محلی ساکت و زمانی مناسب و برخوردار از آرامش نسبی در زمان اجرای تمرینات خود القایی، الزامی می باشد.

۲- باید لباسی ساده و راحت بر تن داشته باشید که هیچ نوع گره خوردگی و یا فشاری در لباس شما وجود نداشته باشد تا بدن را ناراحت نماید.

۳- برای انجام عمل خود هیپنوتیزم بهتر است که به پشت دراز کشیده و سپس چند نفس عمیق بکشید و به سرعت هوا را از ریه های خود خارج نمائید تا احساس گرما در قسمت سر و گردن خویش بنمائید، ولی بصورت نشسته هم می توان این عمل را انجام داد.

۴- لغت یا کلمه کلیدی را چندین بار بکار ببرید تا از آرامش بیشتری برخوردار شوید. (لغت کلیدی عبارت از کلمه یا جمله کوتاهی است که وقتی فرد آنرا بر زبان می آورد، طبق تلقیناتی که در این مورد بخود کرده بوده است، آرامش مجدد خویش را بدست آورد.)

۵- چشم ها را ببندید، و از این زمان به بعد تلقینات خود را بر پایه هدف و تصمیمات قبل از اجرای تمرین تکرار نمائید و در زمان تمرین آن مطالب را همچنان دنبال کنید.

۶- در ذهن به خود بگوئید، از عدد ۱ تا ۳ می شمارم و در این فاصله پلک چشمهایم بتدریج سنگین می شوند. در اینجا باید توجه داشته باشید که بین

هر شمارش ۲ تا ۵ نفس معمولی انجام گردد.

۷- پس از پایان یافتن این شمارش‌ها، چشم‌هایتان را امتحان نمائید که از هم باز می‌شوند یا خیر، چنانچه پلکها از هم باز شدند تلقین را مجدداً از شماره ۱ تا ۳ تکرار کنید، تا زمانی که مطمئن شوید پس از آن عمل، قادر به باز کردن پلک چشم‌های خود نیستید.

۸- وقتی که نتوانستید پلکها را از هم باز کنید، و از تأثیر تلقین پذیری خویش مطمئن شدید، مجدداً بخود تلقین نمائید که این بار تا عدد ۶ می‌شمارم تا پلک چشم‌هایم از این حالت هم سنگین‌تر شده و بدن نیز بتدریج احساس سستی و رخوت نماید و عضلات آن بترتیب شل شوند، باید توجه داشته باشید که هر شمارش بین ۴ تا ۵ نفس کشیدن معمولی بطول انجامد.

۹- پس از احساس آرامش و سستی در بدن، به ذهن خویش می‌بایست تلقین نمائید که، این بار تا عدد ۱۰ می‌شمارم و با هر شمارشی عضلات بدنم بترتیب از سر و صورت و گردن و شانه و سینه و پشت - دستها کمر شکم، باسن، رانها، پاها لخت و سست می‌گردند و قدرت حرکت خود را بترتیب از دست می‌دهند و سپس به تمام این قسمت‌ها توجه می‌نمائید که عضلات آن حالت‌ها را بخود بگیرند و شل و لخت شوند.

۱۰- پس از پایان شمارش ۱۰ سعی کنید قسمتی از بدن، فرصاً پنجه پای راست خود را برای آزمایش اثر تلقینات خود حرکت دهید و چنانچه نتوانستید آن را به حرکت در آورید، آنگاه باید بدانید که عمل نفوذگذاری شما کامل نبوده و می‌بایست تلقین را مجدداً از شماره ۷ تا ۱۰ بشمارید، این بار باید به این نکته مهم توجه داشته باشید که هر شمارش بین ۶ تا ۷ نفس کشیدن

معمولی بطول انجامد.

۱۱- این تمرین‌ها را در هفته دو بار و هر بار حداکثر حدود ۳۰ دقیقه می‌توانید انجام دهید، تا زمانی که تسلط کامل بر انجام عمل خود القائی را بدست آورید.

۱۲- پس از پایان تمرینات برای برگشتن به حالت اول، باید ضمن شمارش معکوس از شماره ۱۰، به خود تلقین نمائید که تا رسیدن به عدد ۷، کلیه عضلات بدنم حالت عادی خود را باز می‌یابند و تا رسیدن به عدد ۳ سستی و رخوت بدنم کاملاً از بین می‌رود، و تا رسیدن به عدد ۱ پلکهایم بتدریج از هم باز می‌شوند و از هر نظر بحالت اول خود بر می‌گردند. و در آن زمان هیچ ناراحتی را در خود احساس نخواهم کرد. ضمناً توجه داشته باشید که در زمان انجام شمارش معکوس، می‌بایست فاصله همان شمارش تنفسی ۴ و ۵ را رعایت نمائید.

۱۳- پس از کسب مهارت لازم در خود القائی، آنگاه در هر محل یا هر زمان می‌توانید تلقین‌های مختلفی را در جهت کسب سلامت و آرام سازی به خود بنمائید و حتی در این شرائط، برون فکنی‌های روحی را نیز انجام دهید. یا به مسیرهای گذشته خویش باز گردید و از آنها با خبر شوید.

فواید و شرایط موفقیت در خود القائی

- ۱- داشتن اعتقاد راسخ به قدرت روح
- ۲- شناخت ذات وجود
- ۳- مؤمن بودن به قدرت‌های پروردگار
- ۴- شناخت ضمیرهای مختلف در نسل بشر

۵- دوری کردن از پلیدی و خطاهای محیط.

۶- عدم وابستگی به ماده و ماده پرستی.

۷- دوری کردن از بد قلبی و بد خواهی و حسادت و کینه و...

۸- تشخیص یا پذیرفتن عیوب خود و راضی شدن به رفع آنها.

۹- از خود القائی در زندگی هدف سازندگی در جهت مثبت داشتن.

با تسلط یافتن در امر خود القائی قادر خواهید شد:

الف = تمام ناراحتی‌های جسمی، روانی، روحی و عقده‌های خویش را

بر طرف سازید.

ب = خصوصیات اخلاقی بد و ناشایسته را از خود دور کنید.

پ = بر ضعف نفس خویش فائق آئید، تا در نتیجه فردی همیشه موفق و

با اراده باشید.

ت = سیالات و امواج بدن خود را در زمان خود هیپنوتیزم تغییر دهید و

به آن صورتی که مایل هستید در آورید و در خود تغییر حالت و شخصیت

بوجود آورید و یکی از ساده‌ترین روشهای آن به شرح زیر است.

جهت رفع ناراحتی‌ها باید به خود تلقین نمائید که با هر نفسی که

می‌کشم آن ناراحتی‌ای که دارم از من دور می‌شود یا اینکه نیروی دلخواه در

من افزایش می‌یابد.

ث = زمانی که برون فکنی‌های روحی می‌نمائید، در برخی از شرائط

قادر خواهید شد که به گذشته یا آینده‌های خویش سفر روحی نمائید و

اطلاعات بسیاری را از جهان هستی و حتی گوشه‌ای از خلقت بدست آورید و

انرژی و سیالات خود را تغییر دهید.

در برخی از افراد نیروهائی وجود دارند که اشخاص گاهی می‌توانند آنها را در اثر انجام تمرینات جسمی و روحی تقویت کنند و در این زمینه روش و تمرینات بسیاری وجود دارند که یکی از آنها، بادکنک ذهنی می‌باشد. که نوعی خود هیپنوتیزم عملی است و جهت اجرای آن می‌بایست به نکات زیر توجه کامل نمود، زیرا اگر فردی بتواند فقط این روش بادکنک ذهنی را بطور کامل انجام دهد، یقیناً به قدرت و شناخت و حالت‌های روحی جدیدی مانند برون فکنی دست می‌یابد که قبلاً برای وی غیر قابل تصور بوده است، ضمن اینکه اگر تمرین عملیات برون فکنی‌ها توسط افراد ناآگاه یا کسانی که با خواندن چند جلد کتاب در این زمینه اقدام به گشایش مراکز غیر مجاز می‌نمایند اجرا گردد، علاوه بر اینکه این نوع تمرینات برای آنها سودمند نخواهد بود، نتایج بسیار زیان‌آوری را از نظر دگرگونی‌های روحی در شخص بجای خواهد گذارد که اغلب منجر به نوعی جنون خواهد شد.

آمادگی قبل از شروع تمرینات:

برای اجرای تمرینات خود تلقینی در بادکنک ذهنی، هر فردی می‌بایست شرایط خاصی را قبلاً در درون و برون خویش فراهم آورد تا اینکه بتواند تمرینات مزبور را بطور کامل و صحیح انجام دهد، و آنها عبارتند از:

۱- شناخت و داشتن لغت کلیدی، جهت بدست آوردن آرامش درون. (لغت کلیدی قبلاً بیان گردیده و در تمرینات آینده نیز خواهد آمد.)

۲- انتخاب زمان مناسبی که در آن مشغله خانوادگی و کاری دخالتی

نداشته باشند.

۳- انتخاب محلی آرام و مناسب و ساکت که از آلودگی های صوتی و امواج محیط به دور باشد.

۴- هر فردی که قصد اجرای خود هیپنوتیزم یا بادکنک ذهنی و... را دارد شخص اجرا کننده می بایست در زمان تمرین از آرامش روحی و جسمی مناسبی برخوردار باشد، در غیر اینصورت، فردی که دارای برخی از ناراحتی های جسمی و روحی است، نمی تواند اعمال خود القایی را کامل انجام دهد و از عمل خویش بهره گیریهای روحی و روانی و... نماید.

نحوه اجرا:

۱- آسوده خاطر به پشت دراز بکشید و دستها را با زاویه ای حدود ۴۵ درجه از بدن باز کنید بگونه ای که کف دستها رو به زمین قرار گرفته باشند و پاهای را نیز در حالت آرامش از هم فاصله دهید.

۲- چشمها را ببندید و به آرامش جسم و روح خود بیاندیشید.

۳- چند نفس عمیق بکشید و هوا را به سرعت از ریه ها تخلیه نمائید تا پس از چند نفس کشیدن، احساس گرمای مختصری در قسمت سر و گردن خود بنمائید و پس از آن شروع به نفس معمولی کنید.

۴- لغت کلیدی را در جهت کسب آرامش، چند بار تکرار نمائید.

۵- به یک قسمت از بدن خود توجه نمائید، فرضاً دست راست را در نظر بگیرید و از طریق القائات ذهنی به خود بقبولانید، نفسی را که می کشید، هوای آن از طریق ریه ها بطور ذهنی وارد دست راست شما می شود، و دست مانند ریه باد می کند و با بازدم، هوای ذهنی از آن خارج می گردد. پس از اجرای صحیح این تمرین، بعد از مدتی کوتاه همان حالت مزبور به شخص دست

می‌دهد، ولی گاهی هم ممکن است احساس نمودن آن حالت، چندین جلسه بطول انجامد تا اینکه امواج ذهنی و قسمت‌های مختلف جسم، در یک جهت قرار گیرند.

زمانی که شخص توانست تمرین اول را بطور احساسی کامل انجام دهد، تمرین سایر اعضاء بدن برای او بسیار ساده خواهد شد، مشروط بر اینکه تا این حالت واقعی از نظر ذهنی به کسی دست نداده است، به تمرین دیگری در مورد سایر اعضاء بدن نپردازد.

۶- تمرین بعدی را با همین روش، ولی با دست چپ انجام دهید، تا حالت احساسی تمرین فوق را کاملاً پیدا کنید.

۷- پس از اجرای موفقیت آمیز دو تمرین فوق، تمرین جدیدی را با دو دست انجام دهید، و در موقع دم، در ذهن خویش تصور نمائید که، هوا در ریه تقسیم شده و وارد هر دو دست شما می‌گردد و دستها بتدریج سبک می‌شوند و پس از مدتی این احساس و حالت به شما دست خواهد داد. یعنی با هر نفس، دستها، مقداری از زمین بلند می‌شوند، و پس از مدتی، کاملاً دستها از زمین بلند شده و بالا می‌آیند.

۸- پس از تسلط بر حالت دستها، نوبت تمرین با پاها می‌باشد و این تمرینات را کاملاً مشابه حالت دستها، با پاها انجام دهید و این عمل را اول با پای راست و سپس با پای چپ و بعداً با هر دو پا تمرین بنمائید.

۹- تمرین بعدی مربوط به سر و گردن است. در این شرایط نیز می‌بایست تصور نمائید که هوای تنفسی وارد سر و گردن شما می‌شود و این قسمت از بدن، پر از هوا شده و با بازدم، تخلیه می‌گردد.

۱۰- در تمرین بعدی هوای ذهنی را وارد شکم می نمائید و احساس این حالت به سادگی انجام می گردد، چون اکثر افراد در طول زندگی، تنفس شکمی انجام می دهند.

۱۱- در صورت لزوم، تمرین بعدی برای قسمت‌های داخلی بدن، مانند، قلب، ریه، کلیه و... بتدریج اجرا می گردد و در این شرایط نیز هوای ذهنی را وارد هر یک از آنها که می خواهید، می نمائید و سپس بهمان صورت‌های قبلی هوا را از آنها خارج می کنید.

۱۲- وقتی که بر تمام اجزاء بدن از طریق قدرت‌های ذهنی تسلط یافتید، آنگاه در ذهن خویش مجسم نمائید که هوای دم، مانند یک بادکنک، وارد تمام قسمت‌های بدن شما می شود و جسم نیز مانند بادکنکی از هوا پر گشته و در زمان باز دم تمام هوای آن تخلیه می گردد.

بعضی‌ها در این زمان می توانند به ذهن خود بقبولانند که جسم آنها سبک شده و بتدریج از زمین فاصله می گیرد که پس از مدتی تمرین عده‌ای مشاهده خواهند کرد که اجرای آن عملی است.

۱۳- زمان اجرای هر یک از تمرینات نباید کمتر از ۱۵ دقیقه و بیشتر از نیم ساعت باشد و حداکثر هفته‌ای سه بار بیشتر نباید اجرا گردد و پس از کسب مهارت، در هر زمان یا مکانی، بر حسب نیاز میشود آنرا انجام داد.

زمانی که فردی توانست کلیه تمرینات بادکنک ذهنی را بخوبی انجام دهد، از آن پس قادر خواهد شد ضمن تقویت کردن سیالات روحی و جسمی و کسب نیروی الکترومغناطیسی در خویش، برخی از مقاومت و امواج منفی را از روح، وجود و جسم خویش دور سازند و به عمل برون فکنی نیز بیشتر

تسلط یابد و حتی عده‌ای از تمرین کنندگان قادر خواهند شد، بر جاذبه تأثیر بگذارند و آنرا خنثی نمایند و بدن را از زمین جدا سازند.

چگونگی درمان :

زمانی که شخص توانست بر تمام اعضای بدن خویش توسط قدرتهای ذهنی تسلط یابد و هوای ذهنی را وارد اعضاء و ارگانهای مختلف بدن خود نماید و سپس آنها را با همان صورت ذهنی خارج کند، در مواقع بروز ناراحتی‌های مختلف جسمی و روحی، از طریق ذهن به آن نقطه یا محل توجه می‌کند و آنگاه به هوش ذهنی خود می‌قبولاند، ضمن اینکه در هر تنفس، آن عضو از هوا و انرژی ذهنی پر می‌شود، در موقع بازدم نیز ناراحتی یا درد آن عضو را با همان هوای ذهنی، از آن قسمت خارج کند، آنگاه شاهد اعجاز عمل خود تلقین بادکنک ذهنی در زمینه رفع ناراحتی‌های خود خواهید بود.

نتیجه‌گیری از تمرینات :

با انجام صحیح تمرینات فوق، افراد می‌توانند نتایج زیر را بدست آورند.

۱- بر تمام قسمت‌های جسم مادی خویش از طریق قدرتهای ذهنی که شاخه‌هایی از عقل هستند، تسلط یابند.

۲- دو ضمیر آگاه و ناخودآگاه را به یکدیگر نزدیک نمایند.

۳- مقاومت‌های نادرست و امواج منفی را از جسم، روح و روان خویش دور سازند.

۴- نیروی عقلی، مانند حافظه، ذهن، اراده، تخیل فکر و... را در وجود

خویش تقویت کنند.

- ۵- افکار مغشوش و آزار دهنده را از وجود خویش دور بنمایند.
- ۶- با انجام عمل فوق یک نوع تمرین و ورزش و تقویت روحی انجام دهند.
- ۷- به ضمیر آگاه خود می قبولانند که در مقابل ضمیر ناخودآگاه از خود ایستادگی و مقاومت نشان دهد.
- ۸- عجله و شتاب زدگی پس از چند جلسه تمرین از فرد دور می گردد.
- ۹- بر برخی از قدرتهای ذاتی و نهان خویش تسلط می یابند و از وجود آن آگاه می شوند.
- ۱۰- این تمرینات در صورتی مؤثر واقع خواهند شد که از روی میل و رغبت و خواست و بطور جدی انجام شوند و کلیه شرایط اولیه نیز قبل از اجرای تمرین در نظر گرفته شوند.
- توجه : برای بیدار شدن یا خروج از این حالت، می بایست کلیه هوای ذهنی را از قسمت های مختلف بدن خارج کنید (و تا عدد پنج در ذهن بشمارید) و به ذهن خود بقبولانید که هر چه از عدد پنج به عدد یک نزدیکتر می شوید آرامش بیشتری بدست می آورید و پلک چشم شما سبکتر می شود، و وقتی که عدد یک را شمارش نمودید، با آرامش کامل چشم ها را از هم می گشائید.
- مدیتیشن یا در خود فرو رفتن رانیز می توان یک نوع خود هیپنوتیزم دانست که اصول کلی آن ذیلاً بیان میگردد. ریشه اجرا و انجام مدیتیشن در جهان، بدو از آریایی هایی است که حدود چهار هزار سال پیش به این مناطق خاورمیانه کوچ کرده اند و در حال حاضر نیز زندگی می کنند. این عمل تا به حال در کشورهای مختلف، بخصوص در هندوستان و تبت که آنها را مرکز

علوم ماورالطبیعه میتوان نامید، رواج داشته و هنوز هم دارد.
برای اجرا و انجام اعمال و تمرینات روحی، همیشه میبایست دو اصل
مهم را در نظر گرفت.

الف - حالت روح :

ب - حالت جسم :

برای انجام تمرینات روحی، باید ریشه برخی از اعمال و حرکات، در
بدو زندگی افراد شکل گرفته باشند و آنهم مربوط به آموزشهای زمان
کودکی آنها در زمینه اصول رفتاری و کردار و اخلاقی خانواده‌ها می باشد که
احترام گذاردن به دیگران یکی از اصول کلی و مهم آن است، چون اگر والدین
در بدو زندگی کودک به وی ادب و کمال و درستی و... را نیاموخته باشند، از
سن پنج سالگی به بالا، کودکان این خصائل را به سختی می پذیرند.

هدف از انجام تمرینات خود القایی در مدیتیشن :

- ۱- بدست آوردن سلامت و آرامش درونی.
- ۲- کنار گذاردن ناراحتی و کدورت‌های روحی.
- ۳- بی توجهی به مادیات حیات.
- ۴- از بین بردن یا تخفیف دادن درد و ناراحتی‌های جسمی و روحی.
- ۵- درک و شناخت اختلاف بین روح و جسم و تفکیک حرکات روحی از
یکدیگر.
- ۶- تحمل کردن بسیاری از ناراحتی و سختی‌هایی که بطور ناخواسته
در زندگی افراد پیش می آیند.
- ۷- تقویت نیروهای عقلی مانند: ذهن، فکر، حافظه، اراده و....

- ۸- نزدیکتر شدن به حقایق عالم هستی (خداوند).
 - ۹- انجام دادن نوعی عبادت.
 - ۱۰- شناختن نیروهای ذاتی و وجودی.
- مشخصات افرادی که قصد شناخت علوم روحی را دارند.
- ۱- داشتن ایمان و اعتقاد به خداوند یکتا.
 - ۲- فراموش نکردن خداوند در تمام احوالات زندگی.
 - ۳- هر روز بهتر از روز قبل اندیشیدن و به آن عمل کردن و فرار از خرافات و تعصبهای بی مورد.
 - ۴- عمل کردن به اعتقادات صحیح خود در زمینه کسب آرامش و خداشناسی و فرار از بخل و کینه و...
 - ۵- آرزوی سعادت و سلامت برای همگان کردن.
 - ۶- داشتن فضایل اخلاقی و دانش مربوط به شناخت حقایق بر مبنای اطلاعات علمی و الهی، در حیات روز. (منظور از حیات روز، اطلاعات و علوم هر دهه از زندگی است چون افراد و اقوامی موفق هستند که با علم روز پیش می‌روند).
 - ۷- سنجیدن مطالب محیطی و برابر نمودن آنها با علم و گفتار الهی.
- انجام عمل خود تلقینی در مدیتیشن، نیاز به دانستن مقدماتی بشرح زیر دارد که قبل از اجرا، باید آنها را شناخت. ضمن اینکه هر مربی یا استاد روش خاصی برای آموزش‌های خود در نظر می‌گیرد، ولی در این درس کوشش شده است تا ساده و عملی‌ترین روشی که انجام آن برای همگان امکان‌پذیر باشد ارائه گردد.

۱- داشتن لغت کلیدی: لغت کلیدی عبارت از کلمه یا جمله کوتاهی است که معنی آن مثبت و آرامش بخش و عرفانی باشد، و شخص باید در اثر مرور زمان آنرا انتخاب کند و آن لغت را بارها تکرار نماید و به ضمیرهای خود بقبولاند که هر وقت در زمان بروز هر نوع ناراحتی‌ای که در زندگی برای وی پیش آید با به زبان آوردن آن لغت یا کلمه، فوراً آرام می‌شود و سپس با آن معقوله، بصورت عقلی برخورد خواهد کرد و این مطالب را به ضمیر ناخودآگاه خویش روانه می‌نماید، بطوریکه آن لغت یا جمله پس از مدتی ملکه ذهن وی گردد و بعدها هر وقتی که آن لغت را در زمان هر نوع ناراحتی‌ای بر زبان آورد، بطریقه شرطی موجب آرامش کامل او شود. (مانترا)

۲- تنظیم ریتم تنفسی: برای اینکه تمام امواج نا آرام محیط را از خود دور سازید، باید هنگام خود تلقینی در مدیتیشن، به تنفس کردن خود ریتم خاصی بدهید، یعنی از ۱۶ تا ۱۸ نفس که یک فرد سالم و عادی در دقیقه انجام میدهد، به حدود ۱۲ یا ۲۰ نفس کشیدن در دقیقه تنفس کردن خود را برسانیم. بطوریکه در تمام مدت مدیتیشن، فقط ب فکر مقدار و چگونگی ورود و خروج هوایی باشید که از بینی وارد ریه‌ها می‌شود و سپس این هوا از سوراخهای بینی خارج می‌گردند و در آن زمان به هیچ مطلب دیگری فکر نکنید. وقتی که شخص توانست این حالت ذهنی را در خود بوجود آورد، آنگاه خواهد توانست به ریتم کامل تنفسی خویش برسد و بدست آوردن این حالت برای هر فردی جداگانه و مخصوص خود او میباشد.

۳- تصویر ذهنی: منظور از تصویر ذهنی این است که شخص بتواند مطلب یا منظره یا شیئی را که در آن محل اقامت وی وجود یا حضور

ندارد را در ذهن خود مجسم کند و با چشم بسته آن منظره را در همان محیط خود مشاهده نماید.

جهت تقویت نمودن تصویر ذهنی، شخص می تواند مدتی به نقطه‌ای از یک منظره یا تصویری خیره شود و جزئیات آن را به خاطر بسپارد و پس از آن چشمهای خود را ببندد و آن منظره یا تصویر را در ذهن خویش و با چشم بسته مجسم نماید، فردی که خواسته باشد حالت دید خود را در این شرایط تقویت نماید، میبایست پس از تمرینات مکرر فوق و موفق شدن در این مورد آنگاه به مناظر متحرک محیط خود توجه نماید و پس از مدتی چشمهای خود را ببندد و حرکت و محل واقعی اجسام متحرک را در ذهن خویش مشخص و مجسم نماید، و زمانی که چشمها را می‌گشاید، آن وسیله متحرک را در محلی که در ذهن خویش مجسم کرده بود خواهد دید و با اجرای چنین تمرینات شما، پس از مدتی صاحب قدرت حافظه و تخیل بسیار خوبی در این زمینه خواهید شد.

مقدمات اجرای خود القایی در مدیتیشن :

۱- محل آرام و زمان مناسبی را برای انجام مدی تیشن باید در نظر گرفت که در آن زمان محدود، با کارهای خانوادگی و شغلی و محیطی ارتباط پیدا نکند.

۲- این محل باید دارای نور کم و سکوت کامل باشد تا آرامش بیشتری را در فرد بوجود آورد.

۳- اگر در محل از عطر و بوی خوش و مناسب استفاده گردد، پیشتر موجب آرامش و تمرکز می‌شود.

- ۴- در محل باید رعایت نظافت و تقدیس بعمل آید. زیرا یکی از اهداف فرد از انجام مدی تیشن، نزدیکی به خداوند یکتا است.
- ۵- فردی که قصد انجام خود القایی توسط مدی تیشن را دارد، می بایست از وضع ظاهری آراسته و تمیزی برخوردار باشد.
- ۶- طرز نشستن بهتر است بصورت سنتی و مانند مجسمه حضرت بودا باشد، یعنی پنجه پای راست روی پای چپ و یا بالعکس گذاشته شود، در غیر این صورت، به هر گونه‌ای که راحت هستید روی زمین یا صندلی بنشینید.

اجرای عمل مدی تیشن :

- ۱- در محل به حالت آرام بنشینید.
- ۲- چشمهای خود را ببندید و چند نفس عمیق بکشید و هوارا بسرعت از ریه‌ها خارج نمائید تا احساس گرمای مختصری در قسمت سر و گردن خود بنمائید. برای بدست آوردن چنین احساسی، معمولاً تعداد این نفس‌ها بین ۴ تا ۲۲ بار برای افراد متفاوت خواهد بود.
- ۳- لغت کلیدی را چندین بار تکرار کنید تا آرامش بیشتری بدست آورید.
- ۴- ریتم نفس خود را تغییر دهید و ریتم مناسب از قبل تعیین شده مدیتیشن را به خود بگیرید.
- ۵- در انجام هر تنفس، به ذهن خود بقبولانید که با هر دم و بازدمی که انجام می‌دهید، عضلات بدنتان به تدریج لخت و شل و آرام می‌شوند.
- ۶- آرام سازی عضلات را از صورت و گردن و شانه شروع کنید. وقتی

که احساس نمودید این عضلات کاملاً شل و آرام شده‌اند، آنگاه به آرام سازی سایر عضلات مانند بازو و سینه پردازید. پس از شل شدن این عضلات، به عضلات پشت و شکم و باسن و پاها توجه نمائید، زمانی که احساس نمودید تمام عضلات بدن کاملاً آرام و شل شده‌اند، آنگاه اقدام به تصویر ذهنی کنید.

۷- در مخیله خویش یکی از زیباترین مناظری را که در طول عمر

خویش دیده‌اید، مجسم نمائید. آنگاه وجود خود را بصورت ذهنی در داخل آن منظره بیابید، پس از مدتی که از آن منظره یا محل لذت بردید و حتی حرکاتی بصورت ذهنی در آنجا انجام دادید، به خود بگوئید که من اکنون با هر نفسی که می‌کشم امواج مثبت و شادی بخشی را وارد تمام بدن خود می‌کنم و با هر باز دم، هر ناراحتی ای را از جسم یا ضمیر خود بیرون می‌کنم، با این کار بسیار ساده، حتی می‌توانید سیالات بدن خود را نیز تغییر دهید و صاحب قدرت روحی یا جسمی بیشتری شوید و آرامش کامل را در خود بوجود آورید.

۸- پس از چند دقیقه تنفس کردن بخود تلقین نمائید که، با انجام این

تنفس‌ها، ضمن اینکه تمام ناراحتیها را از وجود خود دور می‌نمایم، سلامت کامل را به روح و روان و جسم خویش باز می‌گردانم.

۹- در صورتی عمل مدیتیشن مثبت و سازنده است که تمام اعمال

و حرکات فوق از روی خواست و اعتقاد و ایمان انجام شده باشد.

۱۰- برای پایان دادن به عمل مدی تیشن باید به خود تلقین کنید که با این

نفس ریتم تنفس من به حالت عادی برمی‌گردد و حالت روحی و روانی

و جسمی نیز بصورت مثبت و دلخواهی که به خود تلقین کرده‌ام تغییر

می‌یابند، و با حالتی شاد، پلک‌هایم را از هم می‌گشایم. بدون اینکه کوچکترین ناراحتی روحی یا جسمی داشته باشم.

بعد از باز کردن چشم‌ها، اگر عمل مدی تیشن را بطور کامل انجام داده باشید، بعد از گشودن چشم‌ها از آرامش و آسایش بسیار خوب جسمی و روحی نیز برخوردار خواهید بود و پس از مدتی تمام اعمال و حرکات نادرست گذشته را از خود دور می‌سازید، ضمن اینکه کوچکترین لطمه‌ای از نظر روحی و جسمی بخود وارد نکرده‌اید.

زمانی افراد می‌توانند درباره حرکات و عملیات روحی اقدام نمایند که در مرحله نخست از علوم روحی به سطح خودشناسی کاملی رسیده باشند و در این زمینه آگاهی‌های لازم را نیز داشته باشند و ثانیاً از روی نیتی پاک و قلبی مشتاق آنرا انجام دهند تا اینکه بتوانند بر ناراحتی‌های روح و جسم و تنش‌های مختلف خویش پیروز گردند. نظر به اینکه اجرای تمرینات گوناگون روحی بسیاری از ناراحتی‌های روحی و روانی را در افراد رفع می‌کند، لذا هر یک از تمریناتی را که افراد برای خود انتخاب نمایند جهت تندرستی آنان بسیار عملی و حتی ضروری است.

یکی دیگر از تمرینات روحی یا پرورش و تقویت روح، انجام عمل خود القایی در تمرینات یوگای روحی می‌باشد، زیرا انجام عمل آن، علاوه بر تقویت جسمی و فکری، موجب تقویت روح نیز در افراد می‌شود و این نوع ورزش جسمی و روحی در سراسر جهان از ارزش و شناخت مطلوبی برخوردار است و بسیاری از افراد ملل برای بدست آوردن سلامت روح و روان و جسم خویش از آن استفاده می‌نمایند ضمن اینکه همیشه در عملیات روحی باید این

اصل را بدانیم که:

کلیه تمرینات روحی، معمولاً با نوعی تلقین گذاری و تلقین پذیری همراه است، زیرا زمانی که فردی مطلبی را بارها به ذهن خود تلقین می کند، با این عمل خود موجب بوجود آوردن تغییراتی در ضمیر نا خود آگاه خویش می گردد و در نتیجه پس از مدتی، شخص تحت تأثیر آن تلقینات مثبت و یا منفی خود قرار خواهد گرفت.

افرادی که تمرینات روحی، منجمله یوگا را انجام می دهند، در مرحله نخست موجب بوجود آمدن حالت های زیر در خویش می گردد، چون یوگا هم در اصل یک نوع خود هیپنوتیزم است که در این تمرین، فقط افراد در شرایط خاص قرار می گیرند و خویشتن را از طریق ذهن، تحت تأثیر خواسته های خود قرار می دهند که روش آن به شرح زیر است:

هدف از اجرای خود تلقینی در یوگای روحی

- ۱- آرام سازی روح و روان و جسم
- ۲- کسب آرامش در زمان خواب و بیداری، بخصوص در محیط کار
- ۳- تقویت نمودن قوای عقلی و ذهنی و جسمی
- ۴- بدست آوردن تمرکز و حداکثر استفاده از امواج تتای مغزی
- ۵- تسلط بر ارگانهای مختلف بدن
- ۶- تقویت سیالات روحی و قوای جسمی و بسیاری از حالات دیگر که با تقویت و تمرینات روحی در افراد به وجود می آید.

روش اجرای خود تلقینی در یوگای روحی

گذشته از تمرینات و روشی که جهت تقویت جسم مادی در یوگا بکار

می‌رود، اجرای حالت‌های تلقینات یوگای روحی به شرح زیر است.

۱- زمان مناسبی را انتخاب کنید که در آرامش کامل محیطی قرار داشته باشید و مشغله کاری و خانوادگی در آن دخالتی نداشته باشد.

۲- می‌بایست محلی را در نظر بگیرید که حداقل برای مدت زمان تمرین، در آنجا مزاحمت صوتی و رفت و آمد و... وجود نداشته باشد و عدم تمرکز بوجود نیاید.

۳- برای نشستن جهت اجرای تمرین یوگا، بهتر است روش سنتی آن را که پنجه پای راست روی ران پای چپ و پنجه پای چپ روی ران راست قرار می‌گیرند، اجرا شود، در غیر این صورت، بهتر است طوری روی زمین یا مبل و صندلی و... بنشینید که کاملاً راحت باشید و حتی می‌توانید به پشت روی زمین دراز بکشید و تمرینات این عمل روحی را انجام دهید.

۴- زمانی که فردی در اجرای تمرینات یوگا مهارت کافی بدست آورد، آنگاه می‌تواند در هر شرایطی آن را انجام دهد.

۵- در موقع نشستن باید دقت کنید، طوری بنشینید که تمام قسمت‌های بدن، آرامش خاصی را احساس نمایند.

۶- پس از فراهم آوردن شرایط محیطی و نشستن و کسب آرامش، چند نفس عمیق بکشید تا در قسمت سر و گردن، گرمای خفیفی را احساس نمائید، در این حالت زمان تنفس یا دم، باید به مراتب بیشتر از زمان بازدم باشد.

۷- پس از احساس فوق، در این موقع، چشمها را ببندید و ریتم تنفسی ای را که در تمرینات مدی تیشن برای خود انتخاب کرده بودید، را بکار

گیرید، یعنی سرعت طبیعی را کندتر یا تندتر از حد معمول کنید بطوریکه در آن زمان به هیچ موضوع یا مطلب دیگری غیر از چگونگی ورود و خروج هوا از پره‌های بینی نیاندیشید.

۸- جهت بدست آوردن آرامش بیشتر، لغت کلیدی‌ای را که از پیش تعیین کرده‌اید، چند بار بکار ببرید و آن را تکرارنمائید تا آرامش بیشتری بدست آورید.

۹- پس از بدست آوردن آرامش، تلقینات مثبت ذهنی‌ای را که از قبل برای اجرای تمرین خود معین کرده‌اید تکرار نمائید و تمامی این تلقینات می‌بایست بصورت مثبت باشند، مانند: من صاحب قدرت هستم و می‌خواهم آن را افزایش دهم. من بر ذات و وجود خویش تسلط کامل دارم و قصد دارم بر تمام نیروهای خویش مسلط‌تر شوم.

من قادرم بر تمام قسمتهای جزئی بدن خود چیره شوم، بر اهریمن نفرت و بد قلبی پیروز هستم، و هرگز اجازه ورود افکار منفی را به ذهن خویش نمی‌دهم و در این مورد باید بدانید که مطلقاً تلقینات منفی را به ذهن خود راه ندهید و در این مورد باید بدانید که، تلقینات منفی مانند، من مریضم و با اجرای این عمل قصد دارم از آن ناراحتی نجات پیدا کنم و غیره را به ذهن خود راه ندهید.

۱۰- در این موقع باید به عضلات بدن خود توجه نمائید که در آرامش کامل قرار داشته باشند.

۱۱- با اجرای تنفسی که دارای ریتم خاصی است و در تمام طول تمرین آن را حفظ خواهید کرد، به ذهن خود بقبولانید که با هر نفس کشیدن، بدن من

آرام‌تر از گذشته می‌شود، پس از چند تنفس آن گاه توجه به عضلات بدن خود نمائید که نسبت به گذشته شل و لخت‌تر شده باشند. و در این زمان تمام عضلات، حتی عضلات صورت را کاملاً آزاد بگذارید که حالت گرفتگی و در هم بودن عضلات در چهره شما دیده نشود.

۱۲- پس از مطمئن شدن از آرامش عضلات بدن، مجدداً به یکایک آنها توجه نمائید که سختی و گرفتگی نداشته باشند و چنانچه متوجه شدید که یکی از عضلات بدن شما شل و لخت نشده است، می‌توانید آن را بصورت عملی و فیزیکی منبسط و منقبض نمائید و پس از چند ثانیه آن را رها سازید تا کاملاً شل و آرام گردد و این عمل را با هر یک از عضلات بدن در قسمت‌های مختلف می‌توانید انجام دهید.

۱۳- باید توجه به حالت ریتم تنفسی خود داشته باشید که آن ریتم در زمان تمرینات تغییر نیابد و داشتن این حالت نیاز به تمرین بیش از حد معمول دارد و در این نوع تنفس باید هوای در یک مدت زمان خاص وارد ریه‌ها نموده و درست در همان زمان نیز از ریه‌ها خارج کرد و در اثر تلقین صحیح و حفظ همان ریتم تنفسی است که این حالت سستی عضلات به فرد دست می‌دهد. زمانی که به این حالت دست یافتید، باید مجدداً تلقینات مثبت و سازنده‌ای را به ذهن خود روانه کنید: فرضاً بصورت ذهنی به خود می‌گویید: من با هر نفس کشیدن آرامش بیشتری بدست می‌آورم و از انرژی محیط به سادگی و حداکثر بهره‌مند می‌شوم.

البته باید به این نکته مهم نیز توجه شود که نفس کشیدن عمیق در محیط آرام و سالم، خود به خود موجب بروز یک نوع شادی و شغف در افراد

می‌گردد و در موقع نفس کشیدن برای تقویت نیروهای روحی هرگز نباید،
حالت‌های خفقان و ناراحتیهای محیطی برای فرد وجود داشته باشد.

۱۴- زمانی که در اثر تمرینات کافی توانستید به حالت‌های فوق دست
یابید و آرامش مناسبی در وجود عضلات و حالت روحی خویش احساس
نمائید، آنگاه با یک نوع خود تلقینی جدید می‌توانید از طریق نیروهای ذهنی،
گرم یا سرمائی را که در ذهن خویش تصور می‌نمائید، آنرا بصورت
تصورات ذهنی به هر قسمتی از جسم خویش که خواسته باشید انتقال دهید و
پس از مدتی آن گرمای ذهنی را در قسمت دیگری از بدن خود احساس نمایید
و سپس بتدریج می‌توانید آن را به هر قسمت از بدن خود که خواسته باشید
انتقال دهید و در این زمان، حتی می‌توانید تمام بدن را بصورت تلقینات ذهنی
سرد یا گرم کنید.

زمانی که توانستید این گرما را در تمام قسمت‌های بدن خود از طریق
خود تلقینی با تنفس احساس نمائید، آنگاه با نیروی تلقین می‌توانید مجدداً به
ذهن خود بقبولانید که به دلیل وجود این گرما، تمام بدن از آرامش و سستی و
رخوت خاصی برخوردار گردیده است.

چنانچه تمام تمرینات تا این مرحله صحیح اجرا شده باشند، مدتی پس
از آن احساس می‌نمائید که به بی‌حسی خاص یا حالت خواب خوشی فرو
می‌روید در حالی که از محیط خود نیز کاملاً با خبر هستید.

در این زمان، بدن شما هیچ قدرت حرکت ندارد. وقتی فردی توانست
خود را به این مرحله از تلقین پذیری ذهنی برساند باید بداند که توانسته است
کلید قسمت‌های بدن و ضمیر خود را تحت کنترل خویش در آورد، در آن حال

قادر است بر بسیاری از توانائی‌های روحی و جسمی خود تسلط یابد و آرامش و سلامت خویش را توسط این نوع تمرینات بدست آورد.

زمانی که فردی به این مرحله از قدرتهای روحی رسید، آنگاه قادر است، کلیه ناراحتی‌های روحی و روانی و حتی جسمی را از وجود خویش دور سازد و به ذهن خود بقبولاند، همانگونه که بدنم بتدریج حرارت بدست می‌آورد، در همان زمان هم سلامت من افزایش مییابد و اگر ناراحتی‌ای داشتم، از بین میروند و با احساس آن حرارتی که در جسم خویش نمودم سلامتی من دوچندان گردید و مشاهده میشود که گاهی در همان جلسه اول یا پس از چند بار تکرار تمرین، فرد سلامت کامل خود را بدست می‌آورد.

جهت خارج شدن از این حالت روحی، فرد به صورت تلقینی می‌بایست وجود آن گرما یا سرمای را که در خویش احساس می‌کرده است را از بین ببرد و به حالت عادی قبل از اجرای تمرین مراجعه نماید و سپس با ادامه تلقین، تمام عضلات رابه حالت اولیه بازگرداند، و آنگاه به ذهن خود بقبولاند که چند شماره رامی‌شمارد و در اثر شمارش هر یک از آن اعداد، شادی و سلامتی و آرامش در جسم و روح وی افزایش می‌یابد و پس از پایان شمارش، چشمهای خود را با خوشحالی و شغف از هم می‌گشاید.

در جوامع معمولاً سه گروه از افراد می‌توانند برون فکنی انجام دهند.

گروه اول - کسانی هستند که دارای نوعی قدرت ذاتی برون فکنی می‌باشند و بدون دانش و شناخت‌های علمی، گاهی می‌توانند این عمل را بصورت اتفاقی انجام دهند.

گروه دوم - افرادی هستند که قدرت چندانی ندارند ولی بعلت آموختن

علم و عمل روحی و نیروهای اکتسابی، آنگاه می‌توانند تا حدودی به انجام مراحل برون فکنی دست یابند سپس با ادامه علم و عمل خود، را به مراحل بالاتری برسانند.

گروه سوم - اشخاصی که از طریق علوم الهی و عرفان واقعی یا ریاضت‌های بخصوصی که از گذشتگان خود شنیده‌اند و...، به نوعی برون فکنی دست یافته‌اند. این افراد معمولاً شناخت کافی از علم محیط ندارند، ولی گاهی این عمل را بطور آگاه یا ناخود آگاه انجام می‌دهند (مانند داستان راهبی که پس از خراب کردن معبدی در تبت، استخوانهای جسم وی در بین آجرهای معبد پیدا شدند که چگونگی آن در کتاب اربابه خدایان به تفصیل آمده است).

چون برون فکنی هم در اصل یک نوع خود هیپنوتیزم است قصد دارم در این مبحث اطلاعاتی از این روش نیز در اختیار خوانندگان قرار دهم تا با تمام روشهای خود تلقینی آشنا شوند و تمرین هر کدامی را که از نظر خود ساده‌تر می‌یابند، اجرا نمایند تا بدینوسیله بتوانند روح و روان و جسم خویش را به آرامش در آورند.

یک روش ساده خود القایی در برون فکنی

برای انجام عمل برون فکنی، در مرحله نخست باید دارای آرامش کامل روحی و عقلی و جسمی باشید و سپس به نکات زیر جهت تمرین خود القایی در برون فکنی توجه نمائید:

۱- در محلی ساکت و آرام بنشینید یا دراز بکشید.

۲- ضمن نفس عمیق، لغت کلیدی را برای آرامش روحی و جسمی

تکرار نمائید.

- ۳- چند نفس عمیق بکشید (۴ تا ۲۲ نفس) تا در سر و گردن خود احساس گرمای بخصوصی بنمائید و هر دم را حدود ۵ ثانیه در قفس سینه حبس کنید و سپس آنرا بسرعت از ریه‌ها خارج نمائید و پس از احساس گرما در قسمت سر یا گردن، آنگاه بطور طبیعی تنفس نمائید.
- ۴- چشم‌ها را ببندید و به خود تلقین نمائید که بدن شما بتدریج آرام و بی حرکت می‌شود. پس از مدتی بدن خود را آزمایش نمائید تا اینکه مطمئن شوید که کاملاً به این مرحله رسیده باشید.
- ۵- در ذهن خود فقط به برون فکری فکر کنید و به خود تلقین نمائید که بزودی روح از جسم شما خارج می‌شود، بطوری که از طریق قدرت روح قادر خواهید شد، جسم را در محل خود مشاهده نمایید.
- ۶- پس از انجام این تلقینات، ریتم تنفس خود را سریع‌تر از حد معمول نمائید (۲۰ تا ۲۵ نفس در دقیقه) و ریتمی را انتخاب کنید که در آن آرامش بیشتر داشته باشید و در زمان تنفس فقط به دو مطلب فکر کنید برون فکری و مشاهده جسم مادی توسط روح.
- ۷- تمام افکار خویش را به این مطلب متمرکز کنید که، از هم اکنون روح از جسم شما خارج می‌گردد و قادر به دیدن جسم خود خواهید شد.
- ۸- اگر تمام شرایط فوق را بطور کامل انجام داده باشید، ضمن حائز شرایط بودن، پس از چندین بار تمرین و تکرار، متوجه می‌شوید که بتدریج جسم شما سبک می‌شود بطوری که تصور می‌کنید بدن شما در حال بلند شدن از جای خود می‌باشد.

۹- پس از اینکه این حالت و احساس به شما دست داد، آنگاه متوجه خواهید شد که با چشم بسته، قادر هستید جسم خود را مشاهده نمایید.

۱۰- از این لحظه به بعد باید بدانید که تحت نفوذ قدرتهای روحی خویش هستید و بتدریج می‌توانید تلقین‌های بعدی را برای مشاهدات حرکات روحی بیشتر، یا حرکت و انتقال روح به نقاط مختلف دیگر محیطی، به ذهن خود بنمائید.

۱۱- کسی که به این مرحله روحی می‌رسد، احساس می‌کند که به مرور جسم مادی وی در حال سبک‌تر شدن از حد معمول می‌باشد و شادی و نشاط و آرامش خاصی را بدست می‌آورد، البته رسیدن به این مرحله نیاز به تکرار و تمرینات زیادی دارد.

۱۲- پس از رسیدن به این مرحله، همچنان باید بر تقویت ذهن و قوای عقلی خود بیافزائید تا بتدریج بتوانید پیرامون خود را روشن‌تر از حد معمول ببینید.

۱۳- پس از مدتی ممارست و کسب مهارت با چشم بسته، توده ابر مانندی را در کنار خود مشاهده می‌نمائید که در حال شکل گرفتن است، و پس از مدتی، بُعد دوم خود را می‌بینید، بطوری که این بُعد از اثیر عالم شکل گرفته است.

۱۴- زمانی که فردی توانست بُعد دوم خود را مشاهده کند، آنگاه قادر خواهد شد از وجود این بُعد استفاده‌های خاصی بنماید، فرضاً این بُعد را به نقطه‌ای که مایل است بفرستد و اطلاعات مهمی را در زمینه برخی از موارد بدست آورد یا این بُعد با آگاهی در محلی حضور یابد و اعمال خارق العاده‌ای

را انجام دهد و حتی از دیوار بگذرد، فرد را بصورت نمایشی چند تکه کنند و بعد آن تکه‌ها بهم وصل شده و شکل اصلی آن شخص را مجدداً بوجود آورد و بسیاری از مسائل دیگر که در این شرایط قابل اجرا می‌باشند.

توجه

فردی که به این مرحله از قدرتهای روحی رسیده، روح وی نمیتواند به نقاط دور دست یا خارج از کره زمین سفر کند، زیرا در این مواقع، روح او در اختیار روح مربوط به خود وی و احتمالاً روح دیگری از برزخ قرار می‌گیرد، و در این شرایط نمی‌تواند به نقاط دور سفر کند و شخص پس از اینکه به مقدمات برون فکنی رسید، برای دست یابی به شرایط نهایی، قبل از انجام عمل برون فکنی، میبایست یک تماس روحی برقرار کند و از روح حاضر بخواهد که اگر وی موفق به برون فکنی شد، آیا آن روح مجرد، روح وی را به نقطه دلخواه شخص که از قبل محل آنرا در ذهن خود تعیین کرده است، هدایت خواهد کرد و سپس به جسم مادی باز می‌گرداند؟

بیدار شدن از حالت برون فکنی، مانند روش بیدار کردن در خود هیپنوتیزم است، یعنی باید با تلقینات دیگری که عکس، گذشته هستند، بتدریج پلک چشمها سبک می‌شوند و از آن حالت خود القایی در برون فکنی خارج می‌گردید.

انواع برون فکنی:

برون فکنی‌های تلقینی دارای حالت‌های متفاوتی می‌باشند که هر سوژه به نسبت شناخت و قدرت خویش، می‌تواند آنرا انجام دهد

۱- در برخی از برون فکنی‌ها، سوژه فقط قادر است محیط خود را

ببیند، و نمی‌تواند از آن محل دور شود و مشاهدات وی تنها در حد محیط جسم مادی وی است.

۲- سوژه محل را ترک می‌کند و به نقاط دورتری از محل استقرار جسم مادی می‌رود و مشاهداتی دارد، که پس از بازگشت روح به جسم، چنانچه مراتب و مشاهدات سوژه را طی هر روشی که از افراد آن محل پرسیده شود، تمام گفته‌های وی در زمان برون فکنی را آنها تأیید می‌نمایند، یعنی در آن زمان یک دیدار کاملی صورت گرفته است.

۳- در نوع سوم، علاوه بر اینکه معمول دارای مشاهداتی می‌باشد، گاه اعمال فیزیکی ای را هم انجام می‌دهد که پس از بیداری، می‌توان از چگونگی عمل و حقیقت انجام آن آگاه شد.

۴- برون فکنی را عامل می‌تواند توسط اثرات تلقین بر دیگری، یا سوژه با خود تلقینی انجام داد، چون در هر دو صورت، روح شخص از جسم مادی فاصله گرفته است.

۵- هدف از برون فکنی این است که بشر از وجود قدرت‌های ذاتی خویش آگاه گردد و بداند روح، مرگ و نیستی ندارد و افرادی که شناخت کافی از علوم روحی دارند، به مراتب ساده‌تر از دیگران می‌توانند عمل برون فکنی را در شرایط متفاوت محیطی و... انجام دهند.

در برون فکنی‌ها، روح مدیوم یا معمول می‌تواند از محلی به جای دیگر سفر کرده و شناختی از آنجا به دست آورد، بطوری که تمام مشاهدات وی پس از بیداری، عین واقعیت باشد و بتوان آنها را به اثبات رسانید.

شرایط اجرای برون فکنی:

برای انجام عمل برون فکنی، شخص بایستی واجد شرایط زیر باشد تا بتواند بطور آگاهانه عمل برون فکنی را انجام دهد در غیر اینصورت هیچ کس در این زمینه موفقیت چندانی نخواهد داشت، چون برون فکنی، عالی‌ترین تمرینات روحی است که هر کسی قادر به اجرای آن نخواهد بود، مگر اینکه آن شخص، دارای شرایط کامل زیر باشد، در غیر اینصورت، افراد ناآگاه، نباید به دنبال این عمل روحی باشند، چون نتیجه چندانی بدست نخواهند آورد.

۱- وابستگی چندانی به ماده و ماده پرستی نداشته باشد که متأسفانه اکثر قریب به اتفاق مردم، غرق در ماده و ماده پرستی می‌باشند.

۲- ذات وجود و حالت‌های خویش را بشناسد و وضعیت خود را از هر نظر بپذیرد و متأسفانه همانگونه که در جوامع مختلف بشری می‌بینیم، کمتر کسی به دنبال خودشناسی است، چون افرادی که خودشناسی را بدانند، حتماً خداشناس هم هستند و اگر مردم جهان خداپرست باشند، مسلماً اینهمه فجایع و جنایات و جاه‌طلبی، غرور و... در جهان دیده نمی‌شد و تمام زندانها پر از خرابکاران جوامع نبودند.

۳- از حقایق حیات و معنویات و عرفان الهی ناآگاه نباشد، در صورتی که می‌بینیم، اکثر علمای جهان، شناخت کافی از تمام کتب الهی ندارند و فقط نسبت به ایده‌ئولوژی خود شناختی دارند.

۴- علم روحی را در حد کافی و لازم بدانند و متأسفانه اکثریت قریب به اتفاق افراد جهان، از این شناخت و علم بی‌بهره هستند و حتی ریشه دین خود را که ارواح به وجود آورده‌اند، نمی‌دانند.

۵- به وجود و بقای روح مؤمن و معتقد باشد.

- ۶- خداوند متعال را بزرگترین نیروی عالم هستی بداند.
- ۷- کلیه خصوصیات اخلاقی منفی را مانند خودخواهی، غرور، جاه طلبی، حسادت، تکبر، برتری طلبی و غیره را از خود دور سازد و در جهان کمتر کسی است که این حالات را از خود دور کرده باشد.
- ۸- بر امیال نفسانی خویش بتواند تسلط یابد. بسیاری از افراد که در فقر بسر می‌برند، ممکن است بتوانند بر برخی از امیال نفسانی خویش تسلط یابند، ولی اغنیا کمتر می‌توانند بر نفس خویش تسلط یابند.
- ۹- همه را دوست داشته باشد و حتی برای دشمنان خود بد نخواهد و حتی از خداوند برای آنها طلب خیر و سعادت کند!
- ۱۰- در خود فرو رفتن را جزو بهترین لحظات عمر خود بداند، زیرا در این زمان خود را به خالق نزدیکتر احساس می‌کند.
- ۱۱- انتقام جو نباشد، و اکثر وقایع ناشناخته را به عنوان سرنوشت خود بپذیرد، و چنانچه حل مطلبی که خواست باطنی او نبوده و در زندگی برایش بروز نموده و قادر به رفع آن نیست حل آنرا به خدای بزرگ بسپارد و خود را از زیر بار آن رها سازد.
- ۱۲- بهنگام بروز مشکلات بتواند آرامش روحی خود را حفظ کند.
- ۱۳- دو ضمیر آگاه و ناخود آگاه خویش را در اثر تمرینات روحی بهم نزدیک کرده باشد بگونه‌ای که بر هر دو تسلط داشته باشد.
- ۱۴- دارای نیروی کافی مدیومی جهت عمل برون فکنی باشد، چون دلیلی ندارد که تمام بنندگان خدا در یک سطح عقلی، علمی، الهی و مدیومی باشند، چون هر کس با ذات خود آفریده شده که با دیگری متفاوت است،

مدیومی هم یکی از آنها است.

۱۵- کشمکش بین عقل و ماده را از وجود خویش دور کرده باشد و بتواند در زندگی بصورت عقلی زندگی کند و آرامش محیطی خود را بوجود آورد.

۱۶- از طریق نیروهای خارجی که همان ارواح هستند بگونه‌ای حمایت گردد، یعنی روش تماسهای روحی را بداند و در مواقع ضروری از وجود آنها برای سعادت و سلامت خود و دیگران استفاده نماید.

در وجود نسل بشر دو نیروی قوی و جدا از هم قرار دارند که گاه یکی از آنها بر دیگری پیشی می‌گیرد و این دو نیرو عبارتند از جهل و عقل که عقل همیشه اشخاص را بسوی درستی، راستی، پاکی، سعادت، صداقت، ایمان و انسانیت و... می‌کشاند و جهل نیز افراد را بطرف پلیدی، بدی، نادرستی، تزویر، ریا و خواسته‌های نفسانی، جاه‌طلبی، ماده پرستی و غیر انسانی و... می‌برد و در این میان افراد می‌بایست این دو عامل را در هر شرایطی از هم تشخیص دهند تا به مدارج و مراتب انسانیت دست یابند و معمولاً تا فردی به مرحله فوق نرسند، به سادگی قادر به انجام اعمال روحی، بخصوص برون فکنی و تقرب پروردگار و... نخواهد بود.

آیا برون فکنی دارای خطراتی می‌باشد؟

برون فکنی حالتی از خارج شدن روح و تن پوش از جسم مادی در حالت باخبری و برگشت مجدد آن توسط اراده شخص به جسم است که این اتفاقات اغلب توسط نیروی خارجی دیگری بنام روح آزاد، کنترل و اداره می‌شود و هیچ برون فکنی کامل، با قدرت‌های مادی و روح خود فرد انجام

نمی پذیرد. اگر عمل برون فکنی علمی و صحیح نباشد، پس از بیداری برای سوژه ایجاد نوعی توهم و بیماری می نماید که در این صورت اظهارات اکثر مدیومها بی اساس می باشد که در نتیجه موجب واخوردگی خود مدیوم و حضار جلسه و... می شود، و در نتیجه مدیوم دچار افسردگی می گردد. در مورد خروج روح از بدن و بازگشت آن باید به یک اصل کلی توجه گردد تا افراد در زمان عملیات و حرکات روحی از آرامش بیشتری برخوردار باشند آن این است تا زمانی که وقت مرگ شخصی فرا نرسیده باشد، روح اجبار بازگشت به جسم را دارد، ولی گاهی در برون فکنی ها، روح دچار حالت دوگانگی می گردد و قصد بازگشت را ندارد و این عمل وی باعث ایجاد ناراحتی های عصبی و روانی برای مدیوم می شود، در صورتی که هنوز زمان جدایی روح از بدن نرسیده و روح اجبار بازگشت به جسم را دارد.

در برخی از برون فکنی ها، نبض و تنفس مدیوم متوقف می شود و حالتی شبیه مرگ به وی دست می دهد. اگر هادی دارای اطلاعات علمی و روحی کافی در این مورد نباشد، مدیوم، و وضع جلسه، دگرگون می شود. که هادی در این شرایط باید سوژه را به حالت عادی خود باز گرداند. گاهی هم ممکن است زمان مرگ واقعی شخصی فرا رسد و در این زمان روح برای همیشه جسم را ترک کند. البته این وضعیت بسیار نادر و در حد یک در میلیون پیش می آید. زیرا این رویداد مربوط به خاتمه یافتن عمر فرد در این زمان می شود.

برای بیدار شدن از حالت برون فکنی، نظر به اینکه شخص در آگاهی کامل خود تلقینی است، تمرینات را در ذهن خویش بصورت عکس انجام

میدهد و با سلامت کامل از آن حالت خارج میگردد.

همانگونه که قبلاً بیان گردیده است، هر فرد دارای سه ضمیر است، آگاه، ناخودآگاه و سیار که هر یک از آنها وظیفه و عمل خاصی را در زندگی افراد انجام میدهند و هر کس بگونه جداگانه‌ای میتواند به این ضمیرهای خویش دست یابد و حتی گاهی بتواند اطلاعاتی را از آنها بدست آورد.

یکی دیگر از ساده‌ترین روشهایی که افراد میتوانند به ضمیر ناخودآگاه خویش دست یابند و اطلاعاتی را از آن بدست آورند، روش استفاده از حلقه معلق است که اجرای عمل این روش، نیاز به وسایل بسیار ساده و مختصری دارد بگونه‌ای که هر فردی قادر است در منزل یا محل کار خویش و یا هر نقطه‌ای آزمایش حلقه معلق را انجام دهد و از ضمیر ناخودآگاه خود سئوالاتی را بنماید و اطلاعاتی را از آن بدست آورد.

روش تهیه و اجرای آن بدینگونه است، که "وزنه بسیار کوچک و سبکی را به سر یک نخ می‌بندید و سر دیگر آن نخ را به انگشت نشان و یا وسطی دست راست یا چپ خود که به آن عادت دارید، چند دوری می‌پیچانید بگونه‌ای که فاصله آن شئی تا انگشت شما حدود ۳۰ سانتیمتر باشد. (بجای استفاده از وزنه می‌توانید از حلقه یا انگشتر دست خویش نیز استفاده بنمائید).

قبل از انجام عمل دستیابی به ضمیر ناخودآگاه، باید بر روی صفحه کاغذ یا مقوا، یک دایره‌ای به قطر حدوداً ۲۰ سانتی متر رسم نمائید و چهار جهت اربعه و نیمسازهای آنرا در سطح کاغذ بطور منظم و صحیح بکشید و سپس آن صفحه را روی میز قرار دهید و خود در کنار آن بایستید یا بنشینید و سپس آن وزنه را در مرکز دایره، بصورت آویخته و پاندول وار نگاه دارید.

از این زمان به بعد میبایست تمام حواس خود را به حرکت وزنه و نخ، در جهاتی که حرکت خواهد کرد، معطوف نمائید، آنگاه سئوالاتی را که پاسخ آنها بصورت: بلی و خیر: هستند در ذهن خویش انتخاب نمائید یا نظریات خود را روی کاغذی قبلاً بنویسید و در موقع تمرین و آزمایش حلقه معلق از آنان استفاده کنید.

در این زمان، نخ بصورت شاقولی در آمده که درست مرکز دایره را نشان میدهد. از این پس اگر نخ به حرکت درآید، حداکثر می تواند شش حالت و جهت را بصورت وضوح به شما بنمایاند، یعنی آونگ بتدریج شروع به حرکت در جهتی خواهد کرد. "از شمال به جنوب و بلعکس" از مشرق به مغرب و بلعکس "و در بین شمال و مشرق یعنی شمال شرقی و جنوب غربی و شمال غربی و جنوب شرقی بتدریج شروع به حرکت خواهد نمود که در مجموع این حرکات، ما باید چهار حرکت اصلی آنرا به شرح زیر بپذیریم.

۱ = شمال به جنوب و جنوب به شمال

۲ = مشرق به مغرب و مغرب به مشرق

۳ = شمال شرقی به جنوب غربی و بلعکس

۴ = شمال غربی به جنوب شرقی و بلعکس

علاوه بر حرکات فوق، این وزنه معلق ممکن است در دو جهت دیگر نیز به حرکت درآید.

۵ = حرکت دورانی از راست به چپ.

۶ = حرکت دورانی از چپ به راست.

غیر از حرکات فوق، این وزنه شاقول مانند، حرکت دیگری ندارد.

افرادی که قصد تماس با ضمیر ناخودآگاه خویش را دارند، قبل از انجام و اجرای موارد مطالب فوق، میبایست بر مبنای خواست و نیت‌های خویش از تماس با ضمیر، برای هر یک از حرکات بالا، معنی و مفهوم خاصی را در نظر بگیرند و هدف خود را نیز از انجام این عمل، چندین بار تکرار نمایند تا در موقع تماس، نیازی به تصمیم‌گیری جدید نداشته باشند.

جوابی را که با استفاده از ضمیر ناخودآگاه خویش میخواهید بدست آورید، نتیجه آنها میبایست بر مبنای "بلی، خیر، شاید و... باشد" تا اینکه با استفاده از این روش بتوان به نتیجه بهتری دست یافت.

فرضاً بعد از اینکه سؤالی را در ذهن خویش مطرح نمودید، آنگاه به ضمیر خود بگوئید "اگر پاسخ سؤال من مثبت است، خواهشمندم حرکت پاندول را از شمال به جنوب و بلعکس درآورد و چنانچه پاسخ آن سؤال از نظر ضمیر ناخودآگاه منفی است، پاندول از مشرق به مغرب و بلعکس به حرکت درآید یا اینکه بصورت دورانی از راست به چپ حرکت نماید و پس از اخذ تصمیم و نیت، آنگاه در کنار میز جهت انجام تماس با ضمیر ناخودآگاه خویش قرار گیرید و وزنه را بصورت عمود در مرکز کاغذ تهیه شده نگاه دارید بگونه‌ای که وزنه حدود دو سانتی متری مرکز کاغذ قرار داشته باشد. و سپس سؤال خود را چندین بار در ذهن خویش تکرار نمائید و مجدداً از ضمیر خود بصورت ذهنی یا با صدائی بلند بخواهید که خواست شما را ضمیر با به حرکت در آوردن شاقول اجرا نماید و با حرکات خود، جواب شما را بگوید.

از زمانیکه پاندول را عمود بر مرکز دایره نگاه میدارید، معمولاً پس از چند ثانیه و حداکثر چند دقیقه، وزنه در جهتی به حرکت در خواهد آمد و به

سمتی نوسان مینماید و در چند دقیقه به حداکثر نوسان خود خواهد رسید و بدینوسیله، شخص میتواند شاهد یک حرکت غیر ارادی از ذات وجودی خویش باشد.

البته لازم به ذکر است که اگر فردی از هر نظر به عقل و فکر و اراده و علم خویش مسلط است، هیچ نیازی به انجام چنین اعمالی برای تصمیم‌گیری خویش ندارد، ولی وقتی که فردی در محیطی قرار دارد که شناخت کافی از مطلبی ندارد و در اطراف خود شخص عاقلی را نیز نمی‌یابد که نیاز خود را از او بپرسد و اجباراً در باره مطلبی میبایست با فرد دیگری مشورت نماید، لذا در چنین شرائطی، بهترین و عاقل‌ترین نیروئی که در این مورد میتواند او را یاری نماید، ضمیر ناخودآگاه و اندوخته‌های عقلی دوران زندگی و تکاملی خود وی است.

کسانی که در شرائط فوق اقدام به کسب اطلاع از ضمیر ناخودآگاه خویش مینمایند، باید بدانند که در هیچ شرائطی در صدد اغفال خویش برنیایند و خود موجب به حرکت درآوردن دست خویش در جهت دلخواه نباشند چون با انجام این عمل هرگز نمیتوانند به حقیقت ذات درونی خویش پی ببرند. کلیه سؤالات را نمی‌شود از ضمیر ناخودآگاه نمود، بلکه هر پرسشی میبایست در سطح علم و عقل و مسیر تکاملی شخص باشد در غیر اینصورت سؤال غلط را ضمیر نمیتواند پاسخ گوید.

در مقابل برخی از سؤالات اشخاص، مشاهده میگردد که پاندول به حرکت در نمی‌آید، این به آن معنی است که فرد باید از دریافت جواب آن منصرف گردد و آنرا برای زمانی دیگر بگذارد، زیرا در حال حاضر شرائط

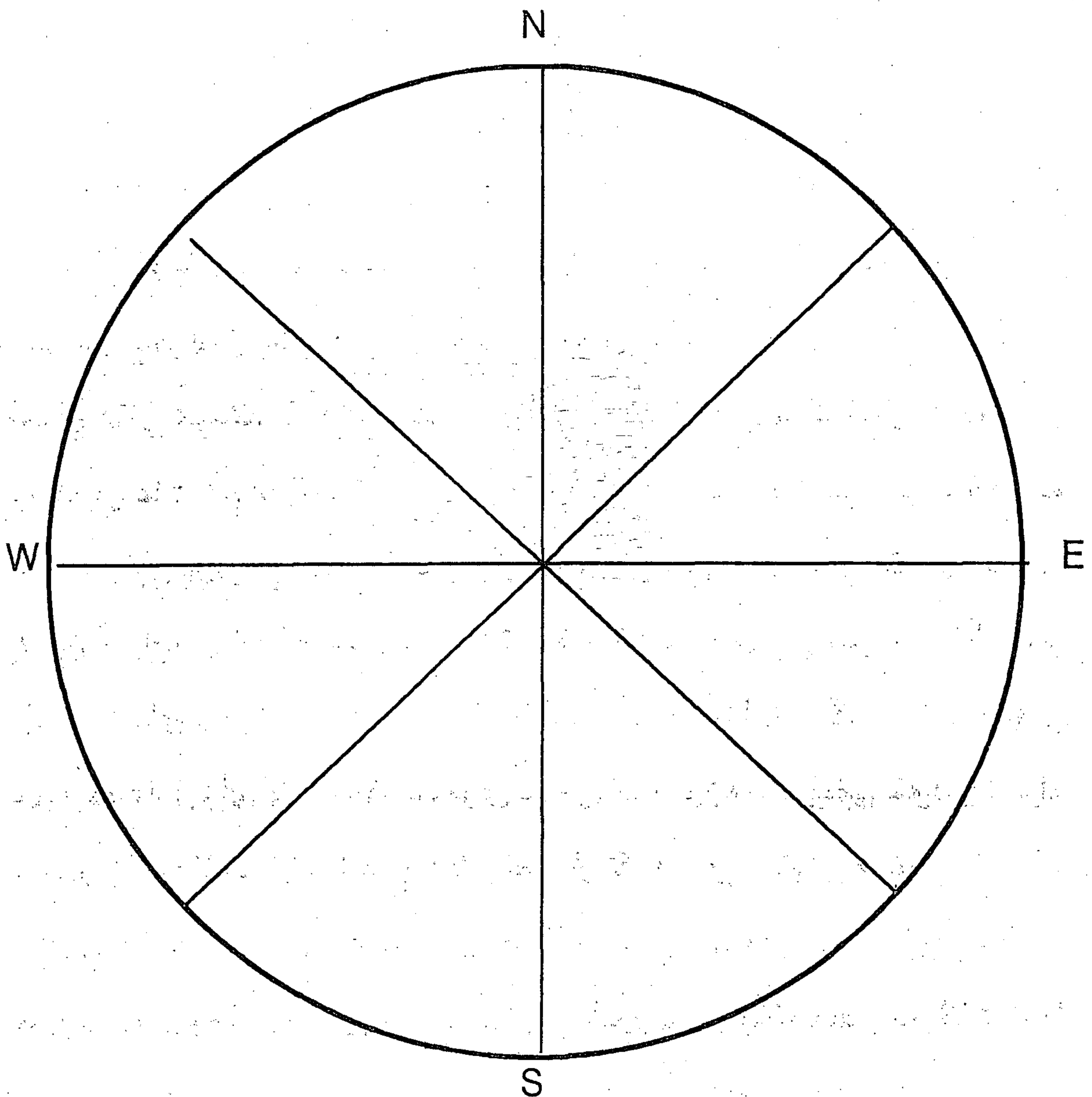
روحي و رواني وي پذيراي آن جواب نخواهد بود يا اينكه شخص با شناخت كافي، اقدام به چنين عملي نكرده است.

بايد به اين مهم توجه داشته باشيد، اين پاسخها طوري نيستند كه فرد بطور مطلق و صددرد بايد آنها را بپذيرد، چون همانگونه كه قبلاً بيان شد، گاهي خواست و نظر مثبت يا منفي افراد، در به حركت درآوردن و جهت دادن پاندول بسيار مؤثر است، ولي در شرايطي كه فرد در موردی وامانده و از تصميمگيري عاجز است، استفاده از پاندول، سادهترين روش تصميمگيري است.

در رابطه با تصميم گيريهای عاجل، اگر شخصي به روش استفاده از پاندول دسترسي نداشت، جهت دريافت جواب از ضمير ناخودآگاه خود، حتي ميتواند با انگشتان دست خود اين عمل را انجام دهد و طبق همان روش قبلي به ضمير خويش مي قبولاند كه در مقابل پاسخ گوئي، چنانچه انگشت سبابه وي از روي ميز يا زانو به حركت درآيد و به سمت بالا حركت نمود، جواب نيت وي مثبت و اگر انگشت وسطی او به سمت بالا كشيده شد پاسخ منفي است و اگر انگشت حلقه به سمت بالا حركت نمود، معنی آن شايد و... است كه با استفاده از اين روش نيز، فرد ميتواند به وجود قدرت يا نيروي خارج از بعد مادي خويش آگاهی يابد.

برای اجرای اين عمل شخص بايد دست راست يا چپ خود را روي زانوی خود طوري قرار دهد كه پنجههای دست كاملاً آرام و باز روي زانو قرار گرفته باشند و پس از تصميمگيري و تعيين معنی پاسخ توسط هر يك از انگشتان كه ضمير، خواسته باشد، انگشتان را به حركت در می آورد، آنگاه

میتواند از ضمیر ناخودآگاه خویش، برای به حرکت در آوردن هر یک از انگشتان که ضمیر بخواهد، پاسخ سئوالات وی را بگوید کمک بگیرد و فرد بدینوسیله بتواند به منظور و هدف از پیش تعیین شده خود دست یابد.



تمرکز و انتقال امواج عقلی از راه دور به دیگران

زمانی که سخن از موج به میان می‌آید، باید دانست که قدرت و نفوذ امواج، مخصوص یک عضو یا نقطه خاصی نیست، بلکه امواج، محیط‌های کوچک یا بزرگی را به نسبت قدرتی که دارند، تحت کنترل و نیروی خود در می‌آورند و در افراد نیز قدرت موجی بدینگونه است، که بسیاری از عناصر تشکیل دهنده خارج از قسمتهای جسم مادی، بخصوص عقل و مشتقات آن، از امواج گوناگونی بوجود آمده‌اند که این نیروها نیز مانند امواج شناخته شده در محیط زندگی عمل می‌کنند بگونه‌ای که قدرت فکر و خیال که جزو امواج عقلی هستند، به مراتب سریع‌تر از سرعت نور در محیط حرکت دارند و به همین علت هم افرادی که دارای قدرتهای روحی خاصی می‌باشند یا شناختهایی در این زمینه دارند، می‌توانند از فواصل بسیار دور، توسط قدرت همین امواج، بر امواج عقل دیگران اثر بگذارند و حتی برخی از مطالب و خواست‌های خویش را به آنان القا و تلقین نمایند، بطوری که گاهی اتفاق می‌افتد، عامل‌های درمان کننده قوی می‌توانند سوژه یا مریض خود را از راه بسیار بعید، تحت تأثیر امواج عقلی خویش که دارای یونهای مثبت و امواج الکترومغناطیس قوی هستند قرار دهند از راه دور درمان کنند و فرد سلامت خویش را از همان راه دور بدست آورد، مشروط بر اینکه هادی در گذشته با آن فرد موج گیرنده یک نوع تماس از نزدیک برقرار کرده باشد، در غیر اینصورت او کمتر می‌تواند از امواج عامل استفاده نماید.

اگر در زندگی خواسته باشید توسط اثر گذاری امواج عقلی خود بر

دیگری، شخصی را متوجه خواست‌های خویش سازید و حالتی فراهم گردد که در همان زمان، او هم به شما فکر کند و آنچه در امواج تفکر شما است را بگیرد و انجام دهد، با بکارگیری روشهای زیر می‌توانید به نسبت قدرتهای روحی‌ای که در خویش سراغ دارید و با اثر گذاری امواج عقلی بر دیگران، موفقیت‌های بسیار چشم‌گیری را بدست آورید.

در بین افرادی که قصد دارند یکدیگر را بگونه‌ای تحت تأثیر خواست و امواج فکری و عقلی خویش قرار دهند، هر چه آنها دارای تجانس روحی یا وابستگی‌های عاطفی و احساسی بیشتری از قدیم الایام با یکدیگر داشته باشند، به همان نسبت هم، به مراتب بهتر و سریعتر از افراد دیگر می‌توانند این نوع تأثیر گذاری‌های عقلی را با هم انجام دهند و دیگری را از نظریات عقلی خود آگاه سازند.

ذیلاً به ذکر روشهایی بسیار ساده تأثیر گذاری امواج عقلی بر دیگری از راه دور بیان می‌گردند امیدوارم که خوانندگان با توجه شناخت و اطلاع از وجود امواج و چگونگی تأثیر گذاری و تأثیر پذیری، بتوانند بر امواج عقلی دیگری از راه دور تأثیر مثبت و سازنده در جهت عقل و کمال و درستی و انسانیت بگذارند و چنانچه کدورتی بین آنها وجود دارد را برطرف کنند و یا توجه دیگری را نسبت به خود جلب نمایند.

روش اجرا: برای اینکه بتوانید اثرات روحی و امواج عقلی خود را از راهی دور بر ذهن دیگری که با شما وابستگی‌های عاطفی، احساسی، عقلی و... دارد انتقال دهید، باید توجهی کامل به مطالب زیر داشته باشید و آنها را به شرح زیر اجرا نمایید تا اینکه بتوانید موفق گردید.

۱- در محلی ساکت و آرام بنشینید.

۲- حتماً باید زمان و مکانی را در نظر بگیرید که در آن زمان، از گرفتاری‌های شخصی، خانوادگی، اجتماعی و... آسوده خاطر باشید.

۳- چشم‌های خود را ببندید.

۴- سه نفس عمیق بکشید و هوا را به سرعت از ریه‌های خویش خارج

نمائید.

۵- شکل و قیافه فرد مورد نظر را در هر جایی که هست، در ذهن خویش

مجسم کنید.

۶- رو به محلی بنشینید که تصور می‌کنید که فرد موج گیرنده در آن

منزل یا شهر یا کشور زندگی می‌کند.

۷- با بکارگیری تصویر ذهنی و توسط خود صحبتی، به فردی که در

ذهن خویش وی را مجسم کرده‌اید، با حالتی بسیار جدی و محکم القاء نمائید

که در حال حاضر من تو را در مقابل چشمان خویش می‌بینم و تو صدای مرا

کاملاً می‌شنوی، من از تو می‌خواهم که به زودی به من تلفن کنی یا عمل

خاصی که منظور شما است را انجام دهد، و حتی بصورت ذهنی شما

می‌توانید از وی بخواهید، ضمن اینکه از هم اکنون آرامش خود را بدست

می‌آورد، چشم‌های وی بتدریج سنگین شوند و احساس خواب آلودگی در

خود نماید یا در گوشه‌ای بنشیند و به شما یا خواست مورد نظرتان بیاندیشد.

مجدداً تکرار می‌کنم که این خواست شما باید منطقی و عقلی و عملی

باشد در غیر اینصورت امواج ذهنی شما تأثیری بر موج گیرنده از خود بجای

نمی‌گذارد.

اگر خواستید فردی را از راه دور بخوابانید، باید با چشم بسته، آن فرد را مقابل خویش مجسم کنید و به هیکل خیالی او پاسهای عمودی حقیقی، با بکارگیری عملی دستهای خود بدهید و به او بگوئید، بخواب، بخواب، و چنانچه این عمل از هر نظر درست انجام شود به احتمال قوی به آن شخص موج گیرنده آرامش خاصی دست خواهد داد و حتی ممکن است بخواب رود. انجام چنین اعمالی، نیاز به وجود قدرت ذهنی و امواج مثبت بسیاری در عامل می باشد، ضمن اینکه ممکن است فرد سوژه برای اولین بار تحت تأثیر امواج عامل از راه دور قرار نگیرد، ولی اگر عمل وی با هدفی مثبت باشد و بارها موج دهی تکرار شود، عامل قادر خواهد شد بر امواج ذهنی سوژه تأثیرات عقلی بسیاری را بگذارد و بگونه‌ای او را متوجه خواست و اهداف خویش نماید.

روش دوم: برای اجرای این روش می بایست کلیه اعمال و حالت‌های روش قبلی را عامل در نظر بگیرید و اجرا کند، ولی برخی از اختلافات آن با روش قبلی به شرح زیر می باشند.

۱- شیئی بلوری، مانند گوی شیشه‌ای یا بطری‌ای سفید، مانند تنگ و... را در محل آماده نمائید و چنانچه این ظرف تراش خورده نباشد، به مراتب بهتر است.

۲- در محل خلوتی که آرامش کامل دارید بنشینید و به آن گوی یا شیئی، نگاه عمیق بیافکنید.

۳- پس از چند نفس عمیق کشیدن، زمانی که احساس گرمای مختصری در قسمت سر و گردن خود نمودید، آنگاه آن شخص مورد نظر را

در داخل آن شیئی بلوری در ذهن خویش مجسم نمائید.

۴- پس از مدتی تجسم کردن آن شخص، چشم به آن شیئی یا فرد مجسم شده ذهنی، در مخیله خویش عادت می‌کند و آنگاه بهتر می‌توانید آن فرد را در ذهن خویش، داخل آن شیئی مجسم کنید.

۵- به آن شخص که در شیئی بلوری تجسم کرده‌اید پاسهای عمودی بدهید.

۶- در اینجا هر چه رابطه روحی آن دو نفر بهم نزدیکتر و دو طرفه باشد، یا ریشه ارتباط عاطفی و احساسی و عقلی و... زیادی نسبت بهم داشته باشند، آن فردی که در راه دور است، زودتر تحت تأثیر امواج ذهنی او قرار می‌گیرد و در نتیجه به خواستهای عامل جواب مثبت خواهد داد مشروط بر اینکه، این دو نفر هر دو در زمانهای خاصی از شبانه روز از نظر فکری و عقلی و عاطفی به فکر یکدیگر باشند.

۷- سعی شود این شیئی بلوری بدون تراش و ساده باشد و چنانچه این عمل را بتوانید از روی صدق و با ایمان انجام دهید، پس از چندین بار تکرار و تجسم تصویر ذهنی، با حقایق و شگفتگی‌های بسیار زیادی مواجه خواهید گردید، یعنی با این عمل ساده خودتوانسته‌اید سیستم ذهن و فکر فرد دیگری را برابر خواست و عقیده خویش در آورید! مشروط بر اینکه تمام خواستهای شما بصورت عقلی و در مسیر درست و با هدفی مقدس و دو طرفه باشد، نه اینکه فردی از شخصی تنفر داشته باشد و به دلائل خاصی در یک زمان بخصوص به فکر او باشد و آنگاه بخواهد امواج عقلی خویش را بر وی انتقال دهد و قصد سوء استفاده یا خواستهای نامتعارفی را از آن عمل خود داشته باشد.

خنده در مانی

اوایل قرن بیست و یکم را می توان یکی از بدترین و پرمشغله ترین زمان زندگی نسل بشری تا این دوره در این کرده خاکی دانست، چون پیشرفت صنعت و تکنولوژی در اوایل این قرن بگونه ای انبوه و چشم گیر است که هیچ شهر و دهات و بیابان و مزرعه و محیطی از طبیعت نیست که بگونه ای تحت تأثیر امواج نامتجانس امواج بوجود آمده از سیستم دستگاههای تکنولوژی صنعتی و... قرار نگرفته باشد و بطور یقین این سر و صداهای مکانیکی و غیر طبیعی، بگونه ای روح و روان و اعصاب افراد جوامع را مورد تهاجم و تخریب امواج خود قرار می دهند و دلیل آنهم، ازدیاد روز افزون مراکز آسایشگاههای روانی در سراسر جهان است. این سیستم ها در محیط های شلوغ و پر سر و صدا قرار گیرند، به دلیل وجود و ازدیاد همین امواج مزاحم غیر طبیعی، نشاط و شادی و در نهایت، سلامت خود را بتدریج از دست می دهند، و پس از مدتی بصورت افرادی ماشینی یا مکانیکی بی احساس که بدون قدرتهای روحی هستند، ادامه زندگی می دهند، از سوی دیگر، این زندگی ماشینی و برقی امروزی، موجب گردیده که در هر زمان و نقطه ای از جهان، افراد تحت تأثیر این امواج مخرب اعصاب قرار داشته باشند و تسلط این امواج بر محیط بگونه ای است که هیچ فردی نمی تواند حتی برای اندک مدتی، خود را از تحت فشار آنها برهاند، کما اینکه، امواج جریان های الکتریسته و ماهوارهای کلیه محیط زندگی را فرا گرفته و در تمام منازل و محل کارها و... بدون اینکه افراد توجهی نسبت به

اثر سوء و خطر وجودی آنها داشته باشند، آن نیروهای نامرئی، بگونه‌ای، قدرتهای روحی و اعصاب را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند و در این راستا، علاوه بر آنها، امواجی که از وسایل نقلیه مانند هواپیما، ماشین، و... ساطع می‌گردند، در هر جایی که باشیم، اثرات نامطلوبی را در وجود ما از خود بجای خواهند گذارد و اتوماتیک وار، در دراز مدت موجب خرابی اعصاب و کندی ذهن و عدم آرامش روح و روان و ... در افراد می‌گردند.

از نظر علمی می‌دانیم، امواجی که از کابل‌های فشار قوی ساطع می‌گردند، اثرات بسیار مخرب و خطرناک دیگری را در کلیه موجودات زنده، بخصوص نسل بشر، از خود بجای می‌گذارد، کما اینکه از نظر دانشمندان ثابت شده، اکثر کسانی که با امواج فشار قوی سر و کار دارند، یا منازل آنها در پرتو شعاع خطر این امواج قرار دارند، پس از مدتی قدرت جنسی خود را از دست می‌دهند و حتی عقیم می‌گردند، یکی دیگر از امواج مخرب تکنولوژی، مربوط به ماهواره‌هایی است که برخی از آنها منجمله امواج تلفن‌های همراه، اثرات بسیار بدی را در سیستم اعصاب افراد از خود بجای می‌گذارند که پس از مدتی موجب بروز افسردگی و ناراحتی‌های مختلف روحی، روانی خواهند گردید. البته به این نکته توجه داشته باشید که اثرات مخرب امواج فوق، فقط جهت نمونه بیان گردیدند و بسیاری از این امواج هستند که اثرات نامطلوبی را بر حالت‌های روحی و جسمی نسل بشر، از خود بجای می‌گذارند، ولی باید این حقیقت را پذیرفت که علم و تکنولوژی، روبه تکامل و پیشرفت است و امروزه هر فردی که بتواند وسیله‌ای را اختراع کند، قبل از اینکه افراد توجه به اثرات مخرب امواج تولیدی آن بنماید، به ارزش تجاری آن توجه می‌شود و پس از

آماده شدن، آنرا به بازار فروش می فرستند و برای خرابی اعصاب و روح و روان افراد جامعه، آنها را برای استفاده، با تبلیغات زیاد در اختیار مردم قرار میدهند و بطور یقین این روش آنقدر ادامه خواهد داشت، تا روزی که اثرات همین امواج، موجب عدم تعادل روحی یا نابودی کامل نسل بشر و سایر موجودات کره خاکی گردد و متأسفانه دولتهای جهان هم فقط توجه به سودآوری اقتصادی کالاهای ساخت کشورهای خود دارند و نسبت به آسیب رسانی آنها به افراد جوامع یا سایر موجودات، توجه چندانی نمی نمایند.

کلیه موجودات و نسل بشر امروزه در امواج چنین اقیانوس بی کرانی غوطه ور می باشند و یقیناً این امواج در جهان هر روزه روبه تزايد است، لذا هر فردی موظف است که برای حفظ سلامت خود کوشا باشد و روشهایی را اتخاذ نماید تا اینکه بگونه ای بتواند حداقل آرامش اعصاب و روح و روان خویش را در حد متعارف محیطی خویش حفظ نماید.

یکی از ساده ترین روشهای آرام سازی اعصاب و روح و روان که نیازی به وسیله و زمان و مکان ندارد خندیدن است، حتی اگر این خنده به زور و بدون خواست باطنی شخص انجام پذیرد، کودکان نظر به اینکه تابع مقررات و رسوم و اصول دست و پاگیر محیطی و خانوادگی و اجتماعی و... نیستند، لذا خواستهای خود را همانگونه که مایل هستند و آنها را راضی می کنند بیان یا عمل می نمایند یا بروز می دهند، یعنی در اثر بروز کوچکترین تحول یا پدیده و خوشحالی یا شغف، می خندند و شادی می کنند و در اثر بروز کمترین ناراحتی، به سادگی گریه می کنند و پس از چند لحظه دیگر، ساکت می شوند و می خندند، ولی هر چه سن افراد روبه افزایش می رود، این

حالت در افراد تغییر می‌کند و به همان نسبت هم ریسمانهای رسوم و اعتقادات دست و پاگیر خانوادگی، اجتماعی، سنتی و... امیال و خواست آنها را محدودتر می‌نماید و حتی خنده کردن را از آنان می‌گیرد، برای مثال والدین بتدریج به فرزندان خود یاد می‌دهند، جلوی بزرگترها نخندید، زشت است، در خیابان قهقهه سر ندهید مردم شما را مسخره می‌کنند، سر کلاس لبخند نزنید یا در محوطه مدرسه بلند نخندید، چون خانم معلم یا آقای ناظم نمره انضباط شما را کم می‌کنند در میهمانی‌ها اگر مطلب خنده داری شنیدید، فقط با تبسم از آن استقبال و بدرقه نمائید، چون اگر بلند بخندید، به شخصیت پدر و مادر یا خودتان در آن جلسه لطمه وارد می‌شود و ممکن است دیگران از صدای خنده شما ناراحت شوند در اداره حق خندیدن ندارید، چون حواس آقای رئیس یا مدیر پرت می‌شود یا ممکن است خندیدن شما، به شخصیت وی اهانتی وارد آورد، خلاصه در همه جا افراد محدودیتهایی را برای خندیدن و آرام سازی روحی خویش دارند، ولی غافل از اینکه، هدف از خندیدن، حفظ سلامت است و در اصل هر فردی برای حفظ سلامت خویش می‌بایست از روش خاصی که در حد مقدرات است و عمل وی لطمه‌ای به اطرافیان ناآگاه وارد نمی‌آورد، بدون توجه به برخی از اصول و رسوم دست و پاگیر، بهره‌مند گردد تا در این جهان پر آشوب و اقیانوس متلاطم پر از امواج مخرب، تا حدی بتواند آرامش خود را بدست آورد و اجازه ضعف اعصاب را به خود ندهد تا اینکه بتواند تحت تأثیر سایر امواج مخرب محیطی خویش قرار نگیرد. زمانی که فردی می‌خندد یا گریه می‌کند، امواج خاصی در بدن او بوجود می‌آیند و هورمونهای خاصی نیز در آن زمان ترشح می‌شوند که وجود همانها موجب

آرامش اعصاب و روح و روان وی می‌گردد، ضمن اینکه عضلات بسیاری در مواقع خندیدن به فعالیت می‌افتند که در متابولیسم بدن بسیار مؤثر می‌باشند، موجب نوعی تخلیه روحی می‌گردد.

همانگونه که میدانیم، گاهی افراد در زمان خوشحالی یا لذت بردن بیش از حد، مدتی گریه می‌کنند و اشک می‌ریزند و پس از آن شروع به خندیدن می‌نمایند و در زمانی که فرد، مدتی از ته دل می‌خندد، موجب برقراری سرعت و شدت خون در شریانها می‌شود، بخصوص در این موقع، خون بیشتری به قسمت سر و گردن و مغز روانه می‌شود و در نتیجه اکسیژن زیادتری به سلولهای عصبی مغز می‌رسند و با این عمل، شادی و شغف خوبی را شخص در درون خود بوجود می‌آورد، حال این خندیدن میتواند در اثر رخدادهای طبیعی محیطی، درونی و... باشد، یعنی فردی از دیدن شئی یا شنیدن مطلبی لذت بیش از حد ببرد که در این موقع عکس العمل آن، موجب خندیدن شخص گردد یا اینکه فردی بصورت تصنعی شروع به خندیدن کند و آنقدر بخندد تا عمل فوق که همان حرکت بیش از حد خون به سوی مغز و سایر مراکز حساس است موجب آرامش و سلامت روحی وی، حداقل برای آن زمان گردد.

زمانی را که شخصی برای ایجاد خنده مصنوعی خویش در نظر می‌گیرد، در آن فاصله، به فکر هیچ مطلبی که موجب اذیت و آزار روح و روان وی گردیده است، نخواهد بود و تنها به چگونگی حالت و بوجود آوردن خنده در خود می‌اندیشد و همین فراغت خیال زمانی، موجب کاهش فشارهای روحی یا روانی قبل از خندیدن در شخص خواهد شد و هر فردی پس از ایجاد خندیدن مصنوعی حداقل برای مدتی پس از آن در خود احساس آرامش و

شادی زیادتری را نسبت به قبل از اجرای خندیدن خواهد نمود.

در این مبحث روش بسیار ساده‌ای برای کسب آرامش روح و روان و حتی جسم بیان می‌گردد، که آزمایش آن کار بسیار ساده‌ای است و هم اکنون خود شما میتوانید آنرا در هر جایی که هستید آزمایش کنید و ببینید که با یک عمل بسیار ساده و بدون هیچ گونه خرج و زحمتی، توانسته‌اید آرامش نسبی خویش را بدست آورید یا از زیر بار فشار امواج محیط، برای مدتی خود را برهانید.

در زمان اجرای این کار، نباید از کسی خجالت کشید یا تحت تأثیر روایات و نظریات منتقدان و دیگران قرار گرفت، زیرا در گذشته‌ها، این امواج نا آرام کننده و مزاحم محیطی در زندگی اجتماعی و خانوادگی افراد وجود نداشته‌اند و به همین دلیل هم اجداد ما، مقررات و قوانین خانوادگی و خاصی را نسبت به موقعیت زمان خویش جهت رائه ادب و بی ادبی بوجود آورده‌اند که بدون توجه به واقعیت امروزی آن، هنوز هم بصورت سینه به سینه به این نسل گرفتار در امواج نا آرام، رسیده است و اکنون از این نسل به بعد است که باید با نگرش علمی و عملی تازه‌تری در صدد آرام سازی روح و روان و جسم خویش برآیند، چون روز به روز امواج نا آرام کننده بشری، در جوامع روبه تزايد می‌باشند و اجداد ما از وجود آنها بی خبر بوده‌اند، ولی اکنون ما با آنها بصورت فیزیکی و جدی و با حالت تأثر باری مواجه هستیم که می‌بایست بگونه‌ای با اثر مخرب آنها برای حفظ سلامت خویش مبارزه نمائیم.

کسانی که میل دارند زندگی آرام و روحیه‌ای شاداب داشته باشند، می‌بایست علت بوجود آمدن خنده را بگونه‌ها ای که میدانند در خود و

خانواده خویش ایجاد نمایند و حتی سعی کنند به اکثر اتفاقات محیطی خویش بخندند و بجای اندوختن بغض و کینه در وجود خویش که صورت آنها را شکسته و قیافه آنها را پیرتر از حد متعارف می‌نمایاند، خنده را جایگزین نمایند که آنها را سالم و جوانتر از سن اصلی جلوه‌گر نماید و با ادامه دادن این عمل بسیار ساده سلامت خویش را تا آخر عمر بدست آورند.

به کسانی که دارای ناراحتی‌های روحی، روانی، عصبی، افسردگی و... هستند، پیشنهاد می‌گردد که سعی کنند تعدادی از آنها در محل مانند پارکها، روزی دوبار، صبح و عصر گرد هم آیند و هر یک شیئی را نشان دهند و یا عملی را انجام دهند که همگی حداقل برای آن کار حدود چند دقیقه، حتی ساعت و به زور هم که شده است بخندند و چنانچه بتوانند این عمل را حداکثر برای مدت دو یا سه هفته انجام دهند، و پس از خنده حدود یک ربع در همان محیط با خنده شروع به دویدن و ورزش نمایند، بطور یقین سلامت کامل خود را از نظر روحی، روانی و حتی جسمی بدست خواهند آورد و برای انجام مطالب فوق از مسئولین ورزش کشور تقاضا می‌شود که ضمن اجرای ورزشهای صبح گاهی در پارکها، روش خنده درمانی را نیز به آن بیافزایند و بکار گیرند و از ورزشکاران بخواهند که هر کسی که در منزل، فردی افسرده یا تحت تأثیر فشارهای روح و روان و ... را سراغ دارند، به محل خنده درمانی با ورزش ببرند تا بدون مصرف دارو، سلامت خویش را بدست آورند.

مراکز اتصال ریسمانهای نقره‌ای و استفاده از آنها برای انرژی درمانی (چاک راههای بدن)

ریسمانهای نقره‌ای، از طریق تن پوش به مراکز خاصی از بدن، بنام مراکز انرژی محل الحاق یا ریسمانهای نقره‌ای به جسم مادی اتصال دارند که هر یک از این مراکز، دارای حالت و قدرت‌های خاصی مربوط به خود می‌باشند، و در زمان درمانهای مختلف، انرژی درمانان آگاه، سیالات مازاد خود را به این مراکز می‌تابانند و موجب بروز تغییر حالت‌هایی در روح و تن پوش و جسم افراد مریض یا نیازمندان می‌گردند.

در زمینه دریافت امواج بوسیله سیالات، چنانچه فردی از طریق هادی تحت درمان مستقیم خود ارواح قرار گیرد، آنان قادرند بسیار سریع و این مراکز اتصال را تقویت کنند و جهت درمان بیمار یا مدیوم، این طنابها یا مراکز اتصال را تقویت نمایند و شخص شفای عاجل خود را بدست آورد.

چنانچه فردی از قدرت و انرژی ریسمانهای نقره‌ای و محل اتصال و مراکز آنها بصورت علمی و عینی آگاهی کامل نداشته باشد، بطور یقین درمان‌گری وی آنچنان مؤثر نخواهد بود، یا اینکه اگر بتواند تأثیری بر مریض بگذارد مریض بطور موقتی درمان می‌شود و پس از مدتی بحالت اولیه خود باز می‌گردد و بهمین علت هم برخی از افراد ناآگاه در صورت مشاهده این شرائط، اظهار می‌نمایند که: اثر انرژی درمانی در افراد موقتی است.

ضمن اینکه اگر این مراکز بطور کامل تقویت و ترمیم گردند، ناراحتی

شخص کاملاً برطرف می‌شود و مجدداً باز گشتی نخواهد داشت، ضمن اینکه باید قبول کنیم که هرگز درمانگر یا پزشکی نمی‌تواند تمام مراجعه‌کنندگان به مطب خود را درمان نماید.

مراکز اتصال رشته‌های نقره‌ای تن پوش به بدن عبارتند از:

۱- در محل وسط جمجمه سر، یعنی محل پیچش موها

۲- اول رستنگاه مو

۳- محل بین دو ابرو و امتداد خط بینی

۴- در محل گودی چانه

۵- زیر قلب یا خورشیدی کوچک

۶- محل جناغ سینه یا خورشیدی بزرگ

۷- سمت راست سینه قرینه خورشیدی کوچک

۸- زانوها در محل کشکک

۹- انتهای ساق پا در محل زرد پی آشیل

۱۰- انتهای استخوان خاجی و بیضه‌ها

۱۱- گودی کمر در محل پیچش موهای کمر

۱۲- آرنج دستها

۱۳- گودی پشت زانوها

۱۴- پشت لاله‌های گوش

ریسمانهای نقره‌ای در محل اتصال به جسم مادی، هر کدام به چندین شاخه و شاخک تقسیم می‌شوند، و محیط بخصوصی از بدن را پوشش می‌دهند، بطوریکه تمام جسم مادی تحت پوشش امواج آنها قرار دارند

بگونه‌ای که تمام قسمت‌های بدن پوشیده از تقسیمات امواج ریسمانهای نقره‌ای می‌باشد و هر چه تماس عامل با مرکز اتصالات این ریسمانها بیشتر باشد، امواج زیادتری را معمول دریافت می‌کند.

اولین ریسمان نقره‌ای که در زمان مرگ از بدن جدا می‌شود، مربوط به انتهای ساق پا است و آخرین آن نیز مربوط به چانه می‌باشد.

تأثیر گذاری بر مراکز اتصال ریسمانهای نقره‌ای بر بدن، چندین گونه است که یک درمانگر ورزیده میبایست از تمامی روشهای مزبور اطلاعات کافی داشته باشد تا اینکه بتواند اثرات مطلوبی را بر مریض یا انرژی گیرنده از خود بجای بگذارد و او را درمان کند.

همانگونه که قبلاً نیز بیان گردیده است، بدن موجودات بخصوص نسل بشر، از دو قطب کاملاً مشخص و متمایز نسبت به یکدیگر، بنام قطب مثبت و منفی بوجود آمده است که سمت راست بدن همیشه مثبت و سمت چپ آن منفی میباشد و محور بدن را نیز باید از وسط ستون فقرات و شیار وسطی، دو نیمکره مغزی منظور نمود و هر قسمت دارای قدرت و انرژی خاصی میباشد.

روشهای گوناگون تأثیر گذاری به شرح زیر میباشد

- ۱- روش پاس دادن‌های مختلف
- ۲- روش تماس با نوک انگشت وسطی دست راست
- ۳- روش تماس با نوک انگشت وسطی دست چپ
- ۴- روش تماس با پشت انگشتان بسته (بند دوم انگشتان دست راست)
- ۵- روش تماس با کف دست
- ۶- روش تماس با کف دست و پنجه‌های بسته و بهم چسبیده

۷- روش خیره شدن با چشم:

۸- سایر روشهای غیر معمول دیگر.

۱- روش پاس دادن: پاس دادن دارای روشهای مختلفی است که عمده‌ترین آنها عبارتند از پاس‌های عمودی افقی، ضربه‌ای، دورانی، ثابت که قبلاً در مبحث پاس دادن آموزش و روشهای کامل پاس دادن هابیان شده‌اند و در اینجا فقط جهت یادآوری، نوع آنها ذکر می‌گردند.

الف = روش پاس دادنهای عمودی و افقی: معمولاً برای خوابانیدن مریض و دست یابی به ضمیر ناخودآگاه فرد، این روش بکار برده میشود و عامل با تسلط بر این روش می‌تواند خواب معمول را سنگین کرده و بر عقده‌های درون وی دست یابد و چنانچه عمل خود را کامل انجام دهد، موجب آرامش معمول خواهد شد یا سوژه در خوابهای سنگین، تحت درمانهای دیگری قرار گیرد.

ب = روش پاسهای دورانی: این نوع پاس دادن‌ها معمولاً برای سلامتی و رفع بیماری و ناراحتی‌های پوستی و سطحی سوژه بکار برده می‌شوند.

پ = روش پاس دادنهای ضربه‌ای: برای رفع ناراحتی قسمت‌های درونی بدن از این نوع پاس دادن‌ها استفاده می‌شود، مانند، کلیه، کبد، طحال، معده و روده....

ت = پاسهای ثابت برای انرژی دادن به محل یا موضع خاصی است که از ضعف و کمبود قدرت و امواج الکترو مغناطیس برخوردار است.

۲- روش تماس با نوک انگشتان: از نظر فیزیکی میدانیم که هرچه سطح اتکاء کمتر باشد، نفوذگذاری نیز بیشتر خواهد شد و با استفاده از همین قانون

فیزیکی، وقتی عامل قصد دارد درد موضعی مریضی را کم کند تا انرژی وی اثر عمیق و بیشتری را در سوژه از خود بجای بگذارد، عامل باید امواج مثبت را توسط نوک انگشت میانی دست راست، به محل خاص آسیب دیده بیمار بدهد تا عضو با دریافت انرژی مثبت، نیروی منفی ای که موجب درد آن محیط شده است را خارج کند و معمول احساس آرامش بیشتری در خود بنماید.

انگشت وسطی را عامل باید طوری به محل درد مریض بگذارد که فقط نوک آن در محل قرار گیرد و زمان آن نباید از یک دقیقه تجاوز نماید.

گاهی اتفاق می افتد که ناراحتی فرد از زیادی امواج مثبتی است که در قسمتی از بدن سوژه جمع شده اند و علائم آن معمولاً به اینگونه است که وجود آنها موجب درک زیاد افراد یا کششهای جنسی بیش از حد متعارف یا تحرک خارج از حد زندگی معمولی و... در فرد می شود. گاهی مشاهده می گردد فردی که زیاد می فهمد، ناگاه مطلبی را در وقت بیان فراموش می کند مدتی در ذهن خویش به دنبال آن موضوع می گردد تا مطلب فراموش شده را بیابد یا اینکه فردی در اثر لذت زیاد، دچار نوعی هیجان موقتی می شود که اثرات آن به دلایل فوق تا مدتها از وجود شخص خارج نمی شود و در نتیجه اثرات جانبی آن انرژی مازاد را در روح و روان و جسم فرد، می توان مشاهده کرد، که این حالت در برخی از مواقع موجب بروز ناراحتی یا درد در قسمتی از بدن شخص می گردد یا عدم تعادلهایی به او دست می دهند. در چنین مواقع، عامل باید از نوک انگشت وسطی دست چپ، جهت آرامش و سلامت یافتن مریض استفاده نماید، یعنی در این موقع طبق شرایط فوق، از دیاد امواج مثبت، فرد را با این عمل کاهش دهد.

زمان انجام این اعمال هم نباید از حدود یک دقیقه تجاوز نماید و عامل نوک انگشت وسطی دست چپ خود را مدتی کوتاه در محل درد یا ناراحتی شخص می‌گذارد. اگر معمول دارای شرایط فوق بود، ولی دردی را احساس نمی‌کرد و فقط همان فشارهای روحی و روانی ذکر شده بالا به وی دست میداد، عامل باید نوک انگشت دست چپ خود را حدود یک دقیقه در محل خورشیدی کوچک، یعنی زیر قلب مریض قرار دهد و پس از آن همین عمل را با اتصال ریسمان نقره‌ای خورشیدی کوچک سمت راست سینه، یعنی قرینه خورشیدی کوچک انجام دهد و با این عمل وی، ازدیاد امواج مثبت معمول، کاهش می‌یابد و فرد حالت عادی خویش را، حداکثر در شش جلسه باز می‌یابد. این عمل باید هفته‌ای سه روز و روزی دوبار انجام پذیرد.

۳- روش تماس با بند دوم پشت دست راست: امواج کف دست راست با پشت آن برابر و در یک جهت نیستند، یعنی امواجی که از کف دست و نوک انگشتان خارج می‌گردند، با امواج پشت دست فرق دارند. زمانی که مریض دچار افسردگی یا ناراحتی‌های روحی است، بهترین روش تزریق امواج مثبت به وی، استفاده از پشت انگشتان دست، راست، بخصوص محل مفصل‌های آن، منجمله مفصل انگشت وسطی دست راست، بگونه‌ای که دست راست تقریباً نیمه مشت است می‌باشد.

عامل این بند انگشت را با تماس مختصر در محل گیجگاه و پیشانی مریض، از چپ به راست و از راست به چپ حرکت میدهد و در صورتیکه این عمل برای یک هفته در سه روز و هر روز سه بار و هر بار حدود ۳۰ ثانیه انجام گردد، آن ناراحتی رفع و حالت مریض بهبود خواهد یافت و آن ناراحتی

روحي يا افسردگي از فرد دور مي‌گردد.

۴- روش تماس با كف دست: در برخي از ناراحتي‌ها، حتماً بايد كف دست راست با بدن مريض تماس مستقيم داشته باشد، چون هر قسمتي از كف دست، داراي امواج بخصوصي است كه، اين امواج، اثرات بسيار سود بخشي را، در افراد بوجود مي‌آورند.

كساني كه دچار ناراحتي‌هاي روح و روان هستند، عامل بايد كف دست راست خود را روي خورشيدي بزرگ و كوچك معمول، به مدت يك دقيقه، قرار دهد و بهتر است قبل از انجام اين عمل، يك برگ دستمال كاغذي يا پارچه‌اي بسيار نازك و... را در محل خورشيدي قرار دهد و سپس كف دست را روي آن بگذارد، و پس از سه تا چهار جلسه، حال بيمار، رو به بهبود خواهد گذارد و در هر روز نبايد بيش از دو بار اين عمل انجام شود، در اينجا بايد مطلبي را بيان نمايم،، زمانهاي درماني در اين كتاب مربوط به حالت روحي و قدرت فرد خاصي است و سايرين با تجربياتي كه در امر درمان بدست خواهند آورد، هر يك مي‌توانند از زمان خاصي براي درماني خود استفاده نمايند و آنرا به چند برابر افزايش دهند تا حال بيمارشان بهبود يابد.

۵- كف دست، با پنجه‌هاي بسته: همانگونه كه قبلاً نيز بيان گرديد، كف دست داراي امواج مختلفي است و علاوه بر آن، از هر قسمت انگشتان امواج خاصي خارج مي‌گردند و مجموع آنها هستند كه موجب آرام سازي و تقويت حالتهاي بيمار مي‌گردند، وقتي كه فردي از وجود امواج مازاد خویش اطمینان يافت، زماني كه به عيادت بيماري ميرود، در آن زمان نيز ميتواند پنجه كامل دست راست خود را با انگشتان بسته، روي پيشاني يا مغز سر بيمار، حدود

۳۰ ثانیه قرار دهد و بدین وسیله امواج مازاد خود را از طریق این ریسمانها، وارد مدار امواج الکترومغناطیس ضعیف بیمار نماید و با این عمل خود بتواند تا اندازه‌ای کمبودهای امواج الکترومغناطیس بیمار را جبران نماید و موجب ازدیاد سیاله و انرژی در وی گردد تا مریض احساس بهبودی نماید.

۶- اثر امواج چشمی: چنانچه عاملی دارای انرژی مازاد است، از قدرت و نفوذ امواج چشمی خویش نیز با خبر است، یعنی در اثر تمرینات مختلف، موفق شده است که حداقل بتواند بیش از چند دقیقه، بدون پلک زدن به نقطه‌ای خیره گردد، در مواقع تأثیر گذاری و درمان، بهتر است انرژی چشمی مستمر خویش را به محل درد یا ناراحتی معطوف دارد و یا بصورت مستمر به محل چشم سوم مریض (بین دو ابرو) نگاه کند، چون در این زمان، امواج چشمی، کمک مؤثری به سایر انرژی‌های عامل خواهد کرد و این امواج شفافبخش، تأثیرات بیشتری در بهبودی معمول خواهد داشت.

۷- سایر روشهای غیر معمول: هر عامل، برای انجام اعمال نفوذ گذاری خویش، از روش یا روشهای مخصوص به خود استفاده میکند که برای دیگران نا شناخته است و دلیل آن این است که.

اولاً: تا کنون مرکز آموزشی ثابت علمی و عملی در زمینه انرژی درمانی در کشور ما وجود نداشته تا روشهای درمان از هر نظر در همگان با هم یکنواخت گردند و بصورت کلاسیک تدریس شوند.

ثانیاً: نظر به اینکه انرژی دادن به بیمار، مانند تزریق آمپول، نیاز به محل خاصی ندارد که مبادا به سیستم نرونهاى عصبی سوژه لطمه‌ای وارد نماید، لذا متأسفانه هر فردی که یک کتاب مربوط به انرژی یا انرژی درمانی را

مطالعه مینماید، فوراً او هم بدون هیچ علم و دانشی در این زمینه اقدام به انرژی درمانی می‌کند و برای خویش روش خاصی را ابداع مینماید که فقط مربوط به او است و اغلب عمل آنان، هیچ تأثیری در حالت بهبود بیمار ندارد، یا بیمار در همان زمان احساس آرامش یا بهبود نسبی کرده، ولی پس از مدتی کوتاه، اثر درمانی یا شفادهی انرژی در بیمار از بین رفته است.

ثالثاً: به علت ناآگاهی مردم جامعه، برخی از افراد با توسل به پررویی و احتمالاً وابستگی‌ها، در مراکز عمومی یا خصوصی و حتی رسانه‌ها، از عدم شناخت مردم در زمینه چگونگی اثر انرژی مطالب نادرست و غیر منطقی‌ای را اظهار می‌نمایند و حتی می‌توان گفت که برای کسب درآمد یا شهرت خویش مردم ساده و ناآگاه را گول می‌زنند و با حرکات نادرست و اغفال، مردمی را که اصولاً هیچ اطلاعی در زمینه انرژی درمانی ندارند، گرد خود جمع می‌کنند و یا توسط رسانه‌ها دست خود را به حرکت در می‌آورند و اظهار می‌کنند که تمام مریض‌ها را بدین وسیله انرژی می‌دهم و آنها سلامت خود را بدست می‌آوردند.

در جامعه معمولاً دو گونه مریض وجود دارد یکی که واقعاً به دلایلی مریض شده و قسمتی از ارگانهای بدن وی از کار افتاده است یا ناراحت می‌باشند. دومی افرادی هستند که با وسواسهای فکری، خود را مریض کرده‌اند و اگر هر مریضی را ببینند یا بشنوند فلانی مریض شده، او هم می‌گوید به همان مریضی دچار شده است. وقتی چنین انرژی درمانانی آن انرژی کاذب خود را بدین طریق برای عموم مردم می‌فرستند، تعدادی از این نوع مریض‌های خیالی هم اظهار سلامتی می‌کنند و می‌گویند « که سلامت

کامل خود را بدست آورده‌ایم» و حتی گروهی دیگر از این انرژی درمانان از این هم پای خود را فراتر می‌گذارند و همیشه تعدادی از دوستان و اقوامی را که در استخدام خود در آورده‌اند، با خود به مراکز عمومی که تعداد بسیاری از افراد مریض و نیازمند وجود دارند می‌برند و به هر یک از آنها دستوری خاص را می‌دهند و می‌گویند، زمانی که من به همه افراد موج دادم، شماها با خوشحالی به سمت من حرکت کنید و بگوئید که من مدت‌ها دچار فلان ناراحتی و یا مرض بودم و هم اکنون با انرژی‌هایی که به سمت من آمد و آنها را دریافت کردم، سلامت کامل خود را بدست آوردم و در این موقع افراد محیط هم تحت تأثیر شفادهی‌های وی قرار می‌گیرند و او را تحسین می‌کنند.

من در این مبحث باید به کسانی که با خواندن این کتاب که حاصل بیش از سی سال تجربه من در علم و عمل انرژی درمانی است و در آینده قصد دارند، پس از کسب انرژی مازاد، به دیگران کمک‌هایی بنمایند، بگوئیم.

۱ - عمل خلاف و دروغ‌گویی و گول زدن همیشه نزد خداوند کار خطایی است و باید بدانند که یقیناً در دو جهان مجازات خواهد شد.

۲ - کسی که به خطا بخواهد کاری را شروع کند، خود می‌داند که کار وی درست نیست و در نتیجه اگر قدرت روحی ای هم داشته باشد به ترتیب آنها را از دست می‌دهد، ولی اگر کسی خواسته باشد به قدرت الهی و ذاتی خویش دست یابد، هرگز نباید در صدد گول زدن فرد یا افرادی برآید و عده‌ای از مردم ساده لوح را بفریبند که خود به مادیات یا شهرت کاذبی دست یابند.

روش شفادهی‌های غیر معمول بسیارند و همانگونه که در بالا بیان گردید، هر فرد با روش خویش اقدام به انجام این عمل می‌نماید، فرضاً عده‌ای

برای درمان و موج دهی به مریض، او را کنار خود می‌نشانند و به یک دست وی از نوک انگشتان تا آرنج، چندین بار موج می‌دهند و مریض در برخی از نقاط، احساس گرما می‌کند و عامل در آن محل چند لحظه‌ای مکث می‌کند تا آن محل، امواج مازاد دریافت کند و ناراحتی‌های وی بهبود یابند.

شفاهای روحی

در عصر حاضر مشاهده می‌گردد که اکثر قریب اتفاق پزشکان به دلیل اینکه در مراکز آموزشی فقط علم ماده و ماده‌شناسی و ثرات ماده بر جسم و... به آنها آموزش داده می‌شود، در تمام مراحل سعی دارند تا برای رفع ناراحتی‌های روح و روان نیز صرفاً مادی برخورد نمایند و تنها وسیله درمان آنها در این راستا هم تجویز دارو اعمال نظریات و شناختهای مادی آنها برای درمانهای روحی و روانی است. و به همین علت هم اگر به آنها گفته شود نظر به اینکه روح و روان از امواج خاصی بوجود آمده‌اند و درمان آنها نیز باید با امواج باشد و دارو که از ماده بوجود آمده، در این امواج اثری ندارد و روشهای دیگری برای رفع ناراحتی‌های روح و روان وجود دارند که بدون تجویز دارو و... هم می‌شود آنها را علاج نمود، اکثر آنها از شنیدن این حقیقت خشمگین می‌شوند و حتی فرد اظهار کننده را فناتیک و متحجر و ناآگاه و... می‌دانند، ولی درباره اعجاز و درمانهای الهی که ذره‌ای از آن قدرت در بدن افراد وجود دارد باید به اصل پزشکی نیز توجه داشت و آن اینکه امروزه در مورد برداشت‌های پزشکان معاصر، عمدتاً دو دیدگاه افراطی در این مورد به شرح زیر وجود دارند که باید توجه کاملی به آنها داشت و علم پزشکی را نیز در زمینه درمانها نا دیده نگرفت و جهت باز یافت سلامت مریض، تنهابه

معجزات و اعتقادات و ایمان و... روی نیاورد، چون هر معقوله یا مطلبی باید بصورت عقلی و علمی در زمینه خود بکار گرفته شود تا اثر ارزنده‌ای را در بین اذهان و جوامع بشری از خود بجای بگذارد و در این زمینه دیدگاههای متفاوتی نیز وجود دارند.

۱- اولین دیدگاهی که برخی از درمانگران افراطی و متعصب در این زمینه دارند این است که معتقدند برای شفای بیماران، فقط باید در معبد یا محلی که بعنوان خانه خدا نامیده می‌شود، تعدادی بنشینند و دست به دعا بردارند و در این زمینه از امکانات پزشکی و ویژگیهای علم درمان و... نباید استفاده کرد که متأسفانه در چنین موارد، فرصت‌های علمی را از دست می‌دهند و مریض را بموقع نزد پزشک نمی‌برند و مرض او رو به وخامت می‌گذارد و یا دیرتر از حد متعارف سلامت خویش را بدست می‌آورند.

۲- برخی از افراد افراطی و بی سواد که خود را درمانگران الهی و... می‌نامند بر این باورند که نیروهای الهی متعال موجب شفای تمام بیماران می‌شود، لذا نباید از وسایل و علم پزشکی برای درمان افراد استفاده کرد، بلکه با توکل و توکل و... می‌بایست موجبات شفا و درمان مریض را از سوی خلقت فراهم کرد و در این مورد تنها به روشهای پزشکی نباید روی آورد، زیرا معتقدند، اگر فرد بیماری توسط این اعمال و نیروهای الهی شفا یابد، این نوع درمان موجب گشایش کار و برداشت کلیه گره‌های کور زندگی آنها خواهد شد، یعنی یک نفر با استفاده از روش شفا یافتن‌های الهی، با شناخت تازه‌ای که بدست می‌آورد، موجب شفا یافتن و درمان روحی و روانی و حتی جسمی تمام ناراحتی‌های موجود خانواده و محیط خود خواهد شد.

البته باید این حقیقت را پذیرفت که مهر و محبت و شفقت پروردگار، در مورد افرادی که برای سلامت یافتن شخص بیمار دعا می‌کنند، در آن محیط توسط ارواح پاک و فرشتگان الهی نازل خواهد شد و اگر این دعا کردن‌ها با شناخت واقعی از بزرگواری‌های پروردگار یکتا و خواست قلبی از خداوند آمیخته باشد، اثرات بسیار زیادی را در بر خواهد داشت و در این موقع رحمت خدا بر کل دعاکنندگان نازل خواهد شد و امواج آن محیط را در کنترل می‌گیرد و موجب بهبود مریض می‌گردد، ولی خداوند به نسل بشر، عقل عنایت فرموده و حکمت آموخته است که از آنها، در وقت نیاز بهره‌مند شود و بردن بیمار نزد پزشک نیز یکی از آن برداشتهای عقلی است.

۳- فیض و شفقت پروردگار گاهی به برخی از افراد نسل بشر عنایت می‌گردد تا قدرت‌های خداوند در همه شرایط، بخصوص در زمان شفا دادن‌های او آشکار گردد و شخص بدون مصرف دارو سلامت خویش را بدست آورد، برخی از درمانها و شفاهای نسل بشر هستند که اداره و کنترل آن جزو و قدرت‌های مطلق روح است و شفاهای روحی که در آن رابطه ما با خداوند صبحان تجدید و احیاء می‌گردد، جزو بنیادی‌ترین اصل و شفایافتن و سلامتی افراد نسل بشر است و در واقع، شفای روح همیشه محور سایر ناراحتی‌ها و قسمتهای عمده آرامشی نسل بشر است، زیرا هنگامی که روح در فشار یا افسرده است، شخص هیچ نوع آرامش را در ادامه زندگی خود ندارد، مگر اینکه در مرحله نخست بتواند سلامت روح و روان خویش را در خود بوجود آورد و پس از آن در صدد رفع ناراحتی‌های جسمی بر آید، زیرا همانگونه که می‌دانیم روح عنصری است غیر مادی و بطور مسلم آنرا با

عناصر مادی نمی‌شود درمان کرد، مگر اینکه برای این منظور از روش و درمانهای خارج از سیستم پزشکی متداول مادی استفاده گردد تا اینکه روح به گونه‌ای سلامت و آرامش خود را بدست آورد.

از نظر علم روح‌شناسی می‌دانیم که روح بخشی از وجود است و توسط قدرتهای روحی است که افراد می‌توانند با جهانهای مادی و معنوی و الهی در ارتباط باشند و توسط همان انرژی و بواسطه همان نیروهای الهی نیز شخص قادر میشود سلامت خود را بدست آورد و وجود همین روح است که موجب دگرگونی حالت و تشخیص افراد نسبت به یکدیگر می‌شوند، زیرا به اساسی‌ترین مفهوم کلمه انسانیت، ما موجوداتی روحانی هستیم نه جسمانی، چون جسم برای مدتی محدود با روح همراه است. ولی روح است که ازل و ابدی است و به ذات پروردگار می‌رسد و این روح چون در اصل ماده بوجود نیامده است نیز توسط نیروهای الهی درمان پذیر است و خداوند متعال به عمق وجود، یعنی نیروهای درون سلولی و عقل آن نفوذ کرده و درونی‌ترین بخش وجود ما را تفحص می‌کند و به همین علت هم هر فرد، دارای دو نوع عقل است، عقل برون سلولی و عقل درون سلولی.

الف - عقل برون سلولی = همان درک و شعوری است که هر فرد در زندگانی روزمره خویش بکار می‌برد و اعمال و افعالی را مرتکب می‌گردد که حرکات افراد، نمایانگر آن می‌باشد.

ب - عقل درون سلولی = عبارت از نیرویی است که بدون خواست فرد، در تمام طول زندگی روزانه و... وی روی می‌دهند، فرضاً سلولهایی که بدون درک و شناخت افراد بطور مستمر در بدنشان تولید می‌گردند و یا می‌میرند

و انجام چنین اعمالی را عقل درون سلولی انجام می‌دهد و چنانچه افراد درمانگر بتوانند علاوه بر شناخت عقل برون، بر عقل درون خویش نیز تسلط یابند و بر ناراحتی یا مرض خود تسلط یابند یا شناختهایی را نسبت به آنان بدست آورند، آنگاه با شگفتی‌های خاصی می‌توانند اعمالی را انجام دهند و بسیاری از ناراحتی‌های روحی، روانی و حتی جسمی و مریضی‌های خویش را رفع نمایند.

اگر فردی علاوه بر عقل برون سلولی، بر عقل درون سلولی خویش نیز دست یابد، آنگاه با خواست خود میتواند بر تمام قسمت‌های بدن تسلط یابد، یعنی اگر عضوی ناراحت یا مریض گردد، از عقل درون سلولی بخواهد که قدرت و انرژی بیشتری را به آن نقطه یا محل معطوف نماید و آنرا ترمیم کند. در مکاتب ادیان مختلف جهان، روش‌های خاصی درباره درمانهای روحی افراد وجود دارند که بسیاری از روحانیون، بخصوص کشیشهای مسیحیت، در اکثر درمانهای روحی پیروان آن دین، دخالت مستقیم دارند و زمانی که فردی دچار ناراحتی‌های روحی می‌شود، در مرحله نخست به روحانیون خویش برای رفع آن ناراحتی مراجعه می‌نمایند و اکثراً مشاهده شده است که در همان مراجعه نخست، سلامت خویش را بدست می‌آورند، چون این اعتقادات از ریشه کتاب دینی آنها سرچشمه گرفته و در تار و پود زندگی آنان اثرات بسیار مثبت و سازنده‌ای را گذارده است.

چگونگی و زمان انرژی دادن به مراکز اتصال ریسمانهای نقره‌ای، جهت درمان

تن پوش که محل اقامت روح در آن است، توسط چهارده رشته از اتصالات موجی که هریک از آنها دارای قدرت و نیروی خاصی از نظر موج‌گیری و موج‌دهی و درمان می‌باشد، با جسم مادی بگونه‌ای در ارتباط است، بطوری که هیچ یک از نقاط بدن را نمی‌توان یافت که رشته باریکی از این ریسمانها با آن در ارتباط نباشد، یعنی تمام نقاط و حتی سلولهای بدن، بگونه‌ای با انشعاباتی از این ریسمانهای نقره‌ای در ارتباط هستند و به همین دلیل هم هر قسمتی از بدن، به نسبت‌های خاصی، امواج محیط را جذب یا از خود دفع مینماید، لذا یک درمانگر آگاه، باید مراکز اتصال این رشته‌ها را که بهترین نقاط موج‌گیرنده و موج‌دهنده در افراد هستند را بطور کامل بشناسد و ساده‌ترین روش درمان را نیز در این زمینه بداند.

اگر درمان‌کننده دانش کافی از وجود و قدرت و انرژی و محل اتصال ریسمانهای نقره‌ای به بدن داشته باشد و نوع امواجی را که در ذات و وجود خود دارد و یا از بدن خود خارج مینماید بداند، درست مانند جراحی است که علاوه بر علم و دانش، تمام وسایل جراحی را در اختیار دارد، آنگاه این درمانگر قادر است بسیاری از ناراحتی‌ها را از مریض رفع نماید، کما اینکه در مباحث قبلی، نتیجه اثر امواج یک انرژی درمان را در بسیاری از بیماریها ملاحظه نمودید

جهت آگاهی و شناخت بیشتر قدرت مراکز اتصال، ذیلاً درباره

چگونگی دریافت و دادن امواج توسط این ریسمان‌ها، در سطحی که برای درک و شناخت و اجرای عمل یک درمانگر آماتور لازم است، مطالبی ذکر می‌گردند تا کسانی که دارای امواج مازاد هستند و از علم و عمل انرژی درمانی نیز آگاهی کامل دارند، در مواقع اضطراری یا بطور مداوم بتوانند به گروهی از افراد یا دوستان و... که دچار گرفتاریهای روحی و روانی و حتی جسمی هستند، تا قبل از رسانیدن مریض به پزشک و تشخیص نوع بیماری، به وی کمک‌هایی را بنمایند، مگر اینکه، مریض بابت درمان خویش از تمام روش‌های متداول پزشکی قطع امید کرده و برای آخرین امید، به انرژی درمانی روی آورده باشد تا در اینصورت، عامل وی را تحت درمانهای انرژی مازاد خویش قرار دهد، زیرا هر انرژی درمانی قادر به تشخیص کلیه بیماری‌های افراد نیست، لذا ممکن است در این راستا، عاملی به مریض قول بهبودی او را بدهد، ولی مرض وی را تشخیص ندهد و حتی ناراحتی او بسیار حاد و خطرناک باشد و در نتیجه عدم تشخیص صحیح عامل، موجب اتلاف وقت درمان برای مریض گردد و مریض به موقع به پزشک مراجعه نکند و درمان نگردد، ضمن اینکه همین انرژی درمانان آماتور، پس از مدتی که علم و عمل و تجربه آنان افزایش یافت و طبق دروسی که به آنان داده شده، یا مطالعات علمی ای که در این راستا نموده‌اند، بتوانند سیالات خویش را تقویت نموده و آمادگی کامل انرژی درمانی را بدست آورند، آنگاه با دریافت مجوز از مقامات مسئول، می‌توانند رسماً درمانهای خویش را در قسمت‌های خاصی که نسبت به آن تبحر کامل دارند، اجرا نمایند و باید این حقیقت را در اینجا بیان نمایم که، در آینده‌ای بسیار نزدیک، مسئولین مجبور به پذیرفتن حقیقت انرژی درمانی

جهانی خواهند شد و معاونتی در این زمینه در سازمان بهداشت و درمان می‌بایست تأسیس گردد و به کسانی که می‌توانند بگونه‌ای که به مریض لطمه‌ای وارد نشود و او را بدون تجویز دارو درمان کنند، مجوزی مانند «دندان پزشک تجربی» و... بدهند تا از بی‌نظمی جلوگیری بعمل آید و انرژی درمانان، تحت کنترل معاونت درمان بدون مصرف دارو قرار گیرند.

همانگونه که در جوامع بشری مشاهده می‌گردد، کلیه امراض و ناراحتی‌ها، بخصوص روحی و روانی افراد، فقط با مصرف دارو بهبود نمی‌یابند، چون همه ناراحتی‌هایی را که افراد دارند، تمامی مادی نمی‌باشند تا با داروهایی که از مواد شیمیایی یا گیاهی و... بوجود آمده‌اند، بهبود یابند یا دارو بر آنها اثر بگذارد، بلکه ناراحتی‌هایی هم وجود دارند که توسط امواج محیط یا درون بوجود آمده‌اند و مسلماً چنین ناراحتی‌هایی می‌بایست توسط امواج قویتری درمان نمود.

محل اتصال و اثر ریسمانهای نقره‌ای در بدن به شرح زیر می‌باشند.

۱ = وسط جمجمه سر یا ریسمان مغزی: این اتصال یکی از مهمترین ریسمانهای نقره‌ای است و نظر به اینکه، انشعابات این رشته اکثر قسمت‌های مخ و مخچه را تحت پوشش خود در می‌آورد، لذا این رشته کار آیی بسیار زیادی در امر رفع ناراحتی‌های عصبی و روحی و روانی افراد دارد، زیرا در جمجمه، علاوه بر مخ و مخچه، غدد دیگری نیز وجود دارند که تحت پوشش امواج این رشته قرار دارند و اعمال و افعال خاصی را انجام می‌دهند که در اینجا به چند نمونه از اثر آنها اشاره می‌گردد.

الف = غده هیپوفیز: این غده از سه قسمت عمده بوجود آمده است.

۱- هیپوفیز پیشین.

۲- هیپوفیز میانی.

۳- هیپوفیز پسین.

۱ = هیپوفیز پیشین: این قسمت از مجموع شش غده کوچک تشکیل شده که هر یک از آنها هورمونهای خاصی را وارد خون میکنند که ترشح آنها موجب رشد بدن، شیر سازی در زنان و تقویت قوای جنسی، نیروی آرام بخش عضلات و سلولها، آرام سازی حرکات کلیه و... می شوند.

۲ = هیپوفیز میانی: در علم پزشکی، عمل و فعالیت این قسمت از هیپوفیز، بطور کامل شناخته شده نمیشود و آنرا غدهای بی اثر میدانند، در صورتیکه در علم روحی آنرا عامل قدرت مدیومی افراد و تغییر رنگ هاله های بدن و تقویت مرکز الکترومغناطیس بدن میدانند، کما اینکه در برخی از دوزیستان و خزندگان، این غده با ترشح هورمون محرکه خاصی، بنام ملانوسیتها، موجب تیره رنگی یا روشن شدن رنگ پوست آنها در شرایط خاص میگردد.

۳ = هیپوفیز پسین: این قسمت از هیپوفیز، هورمونهایی را ترشح میکند که موجب کم شدن آب ادرار و در زنان موجب تسهیل کننده امر زایمان و... می گردد.

انرژی درمانان، زمانی که کف دست راست یا نوک انگشت وسطی دست راست خود را در نقطه مغز سر، یعنی در محل گردش موها بطوری قرار دهند که خط فرضی ای را که بوجود می آورند، از محل اتصال نوک انگشت با

انتهای چانه در امتداد یک خط مستقیم قرار گیرند، آنگاه امواج مازاد انرژی درمان، این غده را کاملاً در بر میگیرد و تأثیرات بسیار مثبتی را بر آن غده از خود بجای میگذارد.

ب = غده هیپوتالاموس: این غده در قسمت فوقانی و در کف بطن سوم مغزی واقع شده است و در دو طرف و بالای آن، تالاموسها قرار دارند و علم طب اعمال زیرین بدن را به آن نسبت میدهد.

۱- ترشح هورمونهای مربوط به هیپوفیز پیشین و پسین.

۲- تنظیم فعالیتهای مربوط به گرسنگی و تشنگی.

۳- تنظیم کننده دما یا حرارت بدن.

۴- اعمال مربوط به خواب و بیداری.

۵- تنظیم متابولیسم و سوخت و ساز بدن.

۶- دخالت در تنظیم امور و ناراحتی‌های اعصاب سمپاتیک

و پاراسمپاتیک و...

۷- دخالت در تنظیم امور اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک و...

زمانی که انرژی درمانان کف دست یا نوک انگشت دست راست خود را در جهت بیان شده فوق، روی مغز فرد مریض می‌گذارند، در این شرائط امواج مازاد آنها بر غده تالاموس نیز اثر می‌گذارد و در تنظیم موارد فوق تأثیرات بسیار زیادی را از خود بجای میگذارد، مشروط بر اینکه برای درمان یا بکار انداختن هر یک از قسمت‌های فوق، درمانگر می‌بایست به محلی که قصد درمان آنرا دارد، با نوک انگشت میانی دست چپ اثر بگذارد تا امواج مثبت از نقطه مغز وارد بدن گردد و امواج منفی آن عضو یا ارگان، از محل مزبور که نوک

انگشت میانی دست چپ در آنجا گذارده شده است، تخلیه گردد و شخص سلامت خود را بدست آورد.

البته باید به این اصل مهم توجه داشته باشید، اگر فردی که قصد انرژی درمانی دارد، باید از دست چپ و راست خود برای رفع ناراحتی‌های بیمار و پرکاری برخی از غدد، با تماس نوک انگشت یا کف دست به مغز سر اقدام به درمان و موج دادن کند، اگر با انجام این کار خود نتواند عمل مثبت و سازنده‌ای را در مورد زمینه درمان بیمار انجام دهد، بطور یقین با این کار و عمل خویش، موجب آزار و ناراحتی بیش از حالت فعلی بیمار نیز نخواهد شد، یعنی چنین نیست که بگوییم، چون فلان انرژی درمان نتوانست در بیمار اثر بگذارد، موجب ناراحتی بیشتر وی نیز گردیده است، مگر اینکه شخص به دروغ نام درمانگر را بر خود گذارده و علمی هم در این زمینه نداشته باشد و اصولاً در زمینه وجود انرژی مازاد، قدرت خود را نیازموده باشد و حتی نداند که دارای امواج مثبت است یا منفی، یعنی فردی که دارای امواج منفی است و بخواهد عمل درمانگری را در جهت سیالم سازی فرد مریضی انجام دهد، به احتمال زیاد، در اینجا معمول تحت تأثیر امواج منفی آن شخص قرار می‌گیرد و حال وی از وضعیت قبل از درمان قدری بدتر هم خواهد شد ولی بحث ما در اینجا در مورد کسانی است که یقیناً می‌دانند که دارای انرژی مازاد و علم آن می‌باشند و یک انرژی درمان عاقل و عالم، هرگز به مریض خود نمی‌گوید که حتماً من ترا درمان خواهم کرد و در نهایت کاری از وی ساخته نشود و از سایر درمانهای متداول نیز عقب بماند یا از آنها دست بردارد.

۲- بند پی گوش = ریسمانهای نقره‌ای در پشت گوش با جمجمه در

ارتباط می‌باشند و این اتصالات در اصل یک ریسمان نقره‌ای است که در بالای سر به دو قسمت مساوی تقسیم می‌شود و هر یک از آن قسمت‌ها، به پشت گوش متصل می‌گردد و بسیاری از افراد در علوم مختلف... منجمه در طب سوزنی، پی به وجود حساسیت و موج‌گیری این قسمت از جمجمه برده‌اند و در زمان درمان مریض‌ها، اغلب سعی دارند سوزنهای مخصوص موج‌گیرنده خود را، در این بخش از سر بکار گیرند تا با تقویت موجی این مرکز، مریض حالت عادی خود را بدست آورد و اکثراً هم از چگونگی و علت فرو کردن سوزن در این قسمت از بدن، آگاهی چندانی ندارند، چون به اصول و محل اتصال ریسمانهای نقره‌ای پی نبرده‌اند و خاصیت و قدرت هر یک از این مراکز را نمی‌دانند.

تماس نوک انگشتان دو دست در وسط پشت گوش (دست چپ و راست) موجب می‌گردد که جریان امواج الکترومغناطیس عامل در این دو مرکز اتصال برقرار شود و امواج سازنده وی، از قطب مثبت یعنی نوک انگشتان دست راست به سوی قطب دیگر یعنی نوک انگشتان دست چپ منفی حرکت کند و موجب رفع ناراحتی مریض گردد و این عمل نباید بیش از یک دقیقه انجام پذیرد.

ناراحتی سردرد و میگرن‌های عصبی، سرگیجه، توهم، وسواس و... را یک عامل آگاه می‌تواند با تماس نوک انگشتان وسطی در پشت گوش مریض برای پنج یا شش جلسه، کاملاً برطرف نماید مشروط بر اینکه، پس از این موج دادن‌ها حدود یک دقیقه به مرکز اتصال مغزی، با نوک انگشتان وسطی یا کف دست راست موج بدهد.

۳- ریسمان رستنگاه = یک رشته از ریسمانهای نقره‌ای، به وسط بالای پیشانی، یعنی در محل رستنگاه اصلی موی سر متصل است که اگر درمانگر انگشت وسط دست راست خود را طوری در محل پیشانی موج گیرنده قرار دهد که انگشت وسطی دست راست را در وسط بالای پیشانی، به سمت پایین تا محل اتصال چشم سوم حرکت دهد و چندین بار این کار را به آرامی تکرار کند، این عمل وی، برای از بین بردن ضعف چشم و تحریک سلولهای چشمی بسیار مفید است مشروط بر اینکه، پس از اتمام این کار، انگشت وسطی دست راست را در شیار میانی مغز، چندین بار از ریسمان مغزی تا رستنگاهی حرکت دهد و سپس انگشت وسطی دست راست خود را در دو طرف مغز، یعنی حدود چهار پنج سانتی متر بالاتر از گوش، برای مدت یک دقیقه قرار دهد سلولهای مغزی که مربوط به تقویت چشم هستند نیز قدرت بیشتری بدست می‌آورند و موجب تقویت و تشدید بینائی در شخص می‌گردند.

۴- مرکز چشم سوم = یک رشته از ریسمانهای نقره‌ای، در امتداد خط دو ابرو با تلاقی خط فرضی بینی تا مغز، متصل است که برخی از افراد آنجا را محل چشم سوم نیز مینامند. تقویت این رشته موجب می‌گردد، افرادی که قدرت بویائی و حافظه خود را مدتی از دست داده‌اند، در اثر تقویت این مرکز، مجدداً آنرا باز یابند و موج دادن به این قسمت، در ترک اعتیادها، بخصوص سیگار بسیار مؤثر است.

روش درمان بدین صورت است که درمانگر، انگشت نشان دست راست خود را در روی پیشانی فرد طوری قرار میدهد که انگشت وسطی و شصت

در داخل گودی زاویه چشم و بینی و ابروی وی برای مدت حدود یک دقیقه قرار گیرد، این عمل را سه تا چهار مرتبه در یک جلسه بفاصله حدود یک دقیقه انجام میدهد و در وحله سوم و چهارم، زمانی که سه انگشت را در محل‌های فوق قرار داد، با حرکت دورانی درجا، از چپ به راست و از راست به چپ، پوست محل را در زیر انگشتان خود به حرکت در می‌آورد و با این عمل ساده خود، امواج مثبت را جایگزین امواج منفی موجود در آن محل مینمایند.

اگر مریض سه یا چهار روز متوالی تحت تأثیر این امواج به شکل فوق قرار گیرد، قدرت بویائی خود را به تدریج بدست می‌آورد و اگر معتاد به تدخین باشد نیز پس از مدتی که سلولهای این قسمت کاملاً تقویت شدند، فرد از بوی دود متنفر می‌شود و خود به تدریج آن عادت یا اعتیاد را از خویش دور می‌سازد، مشروط بر اینکه خود وی تمایل به ترک اعتیاد خویش داشته باشد. و گرنه عادت یا اعتیاد کسی را، هرگز به زور نمی‌شود مداوا کرد.

۵- ریسمان چانه: یکی از رشته‌های مهم حیات نسل بشر در این محل به بدن متصل است و مقاومت این رشته از تمام رشته‌های نقره‌ای دیگر بیشتر است، زیرا این آخرین رشته نقره‌ای است که در زمان مرگ از بدن فرد جدا می‌گردد و تا زمانی که این رشته به بدن متصل است، هنوز مرگ کامل و طبیعی شخص فرا نرسیده است، زیرا گاهی مشاهده می‌شود که جسم مادی از نظر کلینیکی، کاملاً مرده است و عضلات بدن نیز بصورت جمود نعشی در آمده‌اند، ولی چون این رشته حیات هنوز از بدن قطع نگردیده است، لذا احتمال متصل شدن سایر ریسمانها نیز هنوز امکان دارد و به همین علت است که گاهی مرده‌ای مجدداً زنده می‌شود.

کسانی که دارای حالت جنون، یا ضعف قوای جسمی و بی حالی و... می‌باشند، با تقویت مرکز اتصال این رشته از ریسمانهای نقره‌ای، فرد پس از چند بار انرژی گرفتن، قدرت نسبی یا کامل خویش را بدست می‌آورد و حالت جنون وی بهتر می‌شود مشروط بر اینکه طبق روش گفته شده، محل اتصال ریسمان مغزی نیز چند بار برای مدت ۳۰ ثانیه تقویت گردد و انرژی درمانان باید بدانند، زمانی که گفته می‌شود نقطه‌ای از محل اتصال ریسمانهای نقره‌ای باید تقویت شود، منظور قرار دادن انگشت وسطی دست راست در آن محل، برای حدود چند ثانیه می‌باشد و همانگونه که قبلاً نیز بیان گردید، زمان درمان، از نظر قدرت و انرژی هر فردی نسبت به دیگری متفاوت است و انرژی درمانان در اثر عمل و تجربه، زمان درمان را می‌توانند بدست آورند علاوه بر اعمال فوق، تقویت کردن این رشته از ریسمانهای نقره‌ای، موجب تقویت غده بزاقی، تیروئید و پاراتیروئید نیز در افراد می‌گردد.

تیروئید در جلوی حنجره قرار گرفته است و دارای دو لوپ می‌باشد و دو هورمون اصلی و یک هورمون فرعی را این غده از خود تراوش می‌کند.

هورمونهای اصلی آن عبارتند از، تیرکسین و تری‌ید تیرونین و هورمون فرعی آن کلسی‌تونین است که هورمونهای اصلی موجب افزایش سوخت و ساز عمومی سلولهای بدن و تقویت رشد جسم مادی در افراد می‌گردد و هورمون فرعی موجب افزایش رسوب کلسیم در استخوانها در نتیجه کاهش کلسیم خون در بدن می‌شود.

اگر غده تیروئید افراد سالم نباشد و درست اعمال وظیفه خود را انجام

ندهد، موجب بروز ناراحتی‌های زیر در شخص می‌گردد.

الف: پرکاری تیروئید = به معنی افزایش کار سلولهای غده تیروئید و ترشح بیش از حد متعارف هورمون تیراکسین در بدن می‌باشد.

ب: کم کاری تیروئید = در این موقع کار سلولهای غده تیروئید کمتر از حد معمول می‌شود و در نتیجه هورمون تیروکسین کمتری در بدن ترشح می‌شود.

پ: گواتر = اگر غده تیروئید از حد معمولی بزرگتر شود به آن گواتر می‌گویند که معمولاً مربوط به ناراحتی‌های عصبی یا کمبود مواد شیمیایی بدن مانند ید است و به همین دلیل هم ایرانیان قدیم به آن غم باد میگفتند، چون این غده در اثر بروز ناراحتی‌های زیاد در افراد متورم می‌گردد و پس از رفع کامل آن ناراحتی، تورم آن فروکش می‌نماید.

در مجاورت غده تیروئید، چهار غده کوچک دیگری نیز وجود دارند که ماده مترشحه این غده موجب افزایش کلسیم در خون می‌شود و به کلیه اثر می‌گذارد و در آنجا نیز موجب جذب کلسیم از ادرار در خون می‌گردد.

برای رفع ناراحتی‌های تیروئید و پاراتیروئید در افراد، علاوه بر انجام اعمال ذکر شده فوق، عامل باید سه روز در هفته و هر روز چهار مرتبه و هر مرتبه حدود یک دقیقه به گلوی مریض از فاصله یکی دوسانتمتری امواج، بصورت پاس ثابت بدهد و در آخر هر پاس محل تیروئید را با انگشت وسطی دست راست حدود ۳۰ ثانیه لمس کند.

۶- رشته خورشیدی بزرگ: این رشته از ریسمانهای نقره‌ای در محل انتهای جناق سینه قرار گرفته است و اهمیت آن در انرژی درمانی به این دلیل

زیاد است که غده کبد و لوزالمعده یا پانکراس را تحت نفوذ نیروهای مستقیم خود دارد و علاوه بر آن در آرام سازی سیستم کلی عصبی قلب و امعاء و احشاء بدن نیز دخالت زیادی دارد.

غده پانکراس دارای دو بخش به صورت‌های درون ریز و برون ریز می باشد که ذیلاً به شرح مختصری از آن می پردازیم.

بخش برون ریز، آنزیمهای لازم را جهت بوجود آوردن تسهیلات عمل گوارشی وارد معده می نمایند و بخش درون ریز، هورمونهای خود را وارد دستگاه گردش خون می کند و هورمون گلو گالن، موجب افزایش قند خون و هورمون انسولین موجب به مصرف رسیدن قند خون توسط سلولهای بدن و کاهش آن می شود و زمانی که این ماده در حد نیاز بدن تولید نشود، عاملی برای کاهش انرژی در فرد می گردد.

بیش از ۹۵ درصد انرژی مورد نیاز سلولهای مغزی که خود حدود ۲۵ درصد کل انرژی مورد مصرف بدن است، توسط گلوکز که به وسیله همان غده ترشح می گردد، تأمین می شود، لذا کاهش گلوکز خون در بدن، موجب ضعف و سستی سلولهای مغزی و در نتیجه بی هوشی‌های موقت یا پی در پی در افراد می گردد و اغلب اختلالاتی را در کار سلولهای مغزی بوجود می آورد و اگر انسولین در بدن افزایش یابد، قند خون به شدت کاهش می یابد و در چنین شرایطی، ممکن است فرد به حال اغماء در آید.

یکی از بیماری‌هایی که توسط غده پانکراس در افراد بوجود می آید، بیماری دیابت یا مرض قند است و اکثر افرادی که دچار این ناراحتی شده‌اند، توسط انرژی درمانی، سلامت خود را باز می یابند و علت بروز این بیماری

نیز از دیاد قند در خون است که موجب پیدایش قند در ادرار می‌گردد و افرادی که به علت کاهش انسولین، قند خون آنها به مصرف سلولهای بدن می‌رسد، به همین علت، سلولها در ضعف، قرار دارند و شخص احساس سستی در وجود خویش می‌نماید.

زمانیکه درمانگر در صدد شفا دادن چنین مریض‌هایی بر می‌آید، می‌بایست تمام کف دست خود را در محل غده پانکراس که در سمت چپ معده قرار دارد، به گونه‌ای بگذارد که پنجه‌های دست، رو به خورشیدی بزرگ و کف دست روی پانکراس برای مدت یک دقیقه قرار گیرد و در این موقع، مرکز رشته‌های مغزی نیز باید تقویت گردد و این عمل را باید دو هفته و هفته‌ای سه بار هر بار چهار مرتبه و در هر بار حدود یک دقیقه انرژی دادن را ادامه داد تا اینکه ترشح غده پانکراس به حالت معمولی برگردد و منظم گردد و شخص سلامت خود را بدست آورد.

غده کبدی در سمت راست معده، پائین‌تر از دنده‌ها قرار دارد و این غده بزرگترین غده بدن است که بین ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ گرم وزن دارد و اعمال عروقی و متابولیکی و ترشحاتی را در بدن انجام می‌دهد.

کبد برای حفظ غلظت گلوکز خون در حد طبیعی اهمیت بسیاری دارد و بطور کلی اعمال بسیاری را در حفظ سلامت و تعادل متابولیسم بدن، در رابطه با چربیها، پروتئینها و اسیدها و تبدیل آنان به عناصر دیگر، انجام می‌دهد.

برخی از اعمال دیگر متابولیکی کبد عبارتند از:

۱- ذخیره ویتامینها=بیشترین ویتامینی که در کبد ذخیره می‌شود،

ویتامین "آ" است، ولی مقادیر بسیاری ویتامین "د" و "۱۲" و "ب" نیز بطور طبیعی در آن ذخیره می‌شوند.

۲- رابطه کبد با انعقاد خون = این غده مقدار بسیاری از مواد استفاده شوند در روند انعقاد خون را تولید می‌کند.

۳- ذخیره آهن = سیستم کبدی بعنوان یک منبع ذخیره آهن در بدن عمل می‌نماید.

۴- ذخیره یا دفع داروها و هورمونهای مازاد بدن و سایر موارد دیگر = محیط شیمیایی بسیار فعال کبد، بخاطر توانایی زیادی که دارد، از سمی کردن بسیاری از غذاها و داروهای مختلف در بدن جلوگیری می‌کند و اکثر آنها را داخل صفرا می‌نماید تا از این طریق دفع گردند.

۵- تولید صفرا = کلیه سلولهای کبدی بطور مداوم، مقدار کمی ترشح داخلی موسوم به صفرا تولید می‌کنند که صفرای تولید شده از طریق لوله‌های ارتباطی به داخل اثنی عشر (قسمت اول روده کوچک) تخلیه می‌شوند یا در داخل کیسه صفرا ذخیره می‌گردند، ترشح کل روزانه صفرا ۷۰۰ تا ۱۲۰۰ میلی لیتر است که برای تخلیه صفرای جمع شده در کبد دو شرط اساسی لازم است::

۱- اسفنکتر دهانه کیسه صفرا (اودی) باید شل شود.

۲- خود کیسه صفرا بایستی منقبض شود تا نیروی لازم برای به حرکت درآوردن صفرا وجود داشته باشد و صفرا وارد دوازدهه شود و چنانچه در این زمینه ایرادی وجود داشته باشد، عامل باید طبق روش درمان پانکراس عمل کند تا زمانی که اشکالات کبدی فرد رفع گردند.

نظر به اینکه اعصاب مربوط به امعاء و احشاء و قسمت‌های پا و کمر نیز از خورشیدی بزرگ نیروهای لازم خود را می‌گردند، لذا در مواقع ناراحتی اعصاب، آنها نیز میبایست مرکز اتصال خورشیدی بزرگ را تقویت کرد و به محل بخصوص درد یا ناراحتی پا و کمر هم انرژی کافی داد تا آن ناراحتی از بین برود و تقویت خورشیدی موجب رفع ناراحتی‌های معده و روده و حتی درمان زخم معده در اشخاص می‌شود.

۷- خورشیدی کوچک این رشته از ریسمانهای نقره‌ای، مرکز عواطف و احساس است و به همین علت هم بسیار حساس می‌باشد و افرادی که در زمان بروز ناراحتی‌های روحی، روانی، جسمی، فوراً احساسی و از حالت عقلی خارج می‌گردند، دلیل آن این است که این رشته آسیب دیده یا ضعیف‌تر از حد معمول شده است و درمانگر می‌بایست با تقویت کردن این مرکز که حدود سه تا چهار سانتی متر زیر قلب قرار دارد، فرد را درمان نماید. وقتی که این مرکز ضعیف باشد اغلب دیده می‌شود که در زمان بروز ناراحتی‌های عصبی، شخص احساس درد شدیدی در ناحیه قلب یا اطراف آن می‌نماید و در این حال تصور می‌کند که دچار ناراحتی‌های قلبی گردیده است در صورتیکه در چنین شرایط، اعصاب قلب که در زیر آن قرار دارد، تحت فشار قرار گرفته که در شخص چنین احساسی بروز کرده است و در اصل خود قلب سالم است. زمانی که اعصاب قلب دچار فشار یا درد و ناراحتی می‌شود، انرژی درمان در مرحله نخست باید به این مرکز انرژی کافی بدهد تا اینکه فرد حالت عادی خود را بازیابد و پس از آن در صدد رفع علت بروز آن مشکل برآید.

خورشیدی کوچک معمولاً از دو نقطه بدن عامل موج کامل و بیشتری را می‌پذیرد که آنها عبارتند از:

اول: کف دست .

دوم: نوک انگشت وسطی دست راست .

انرژی درمان برای رفع درمان ناراحتی‌های فوق باید سه بار در مدت یک هفته و روزی یک دفعه در چهار مرحله در زمانی با فاصله حدود یک دقیقه، به محل این اتصال انرژی بدهد تا اینکه بتواند بر احساس اضافی مریض یا دردهای عصب قلبی وی فائق آید .

توسط تقویت نمودن مرکز اتصال ریسمان نقره‌ای خورشیدی کوچک، بسیاری از ناراحتی‌های روحی و روانی و حتی جسمی را می‌توان بر طرف نمود مشروط بر اینکه انرژی درمان دارای تبحر و شناخت کافی در زمینه نوع ناراحتی و مرض‌های روحی و روانی و جسمی مریض خود داشته باشد و از وجود نیروی الکترومغناطیس مازاد خویش، به انضمام دانش و علم کافی مطلع باشد در غیر این صورت اعمال وی برای بهبودی مریض تأثیر چندانی نخواهد داشت .

آرام سازی خود قلب نیز توسط انرژی ای که توسط یک نفر انرژی درمان آگاه انجام می‌گردد، امکان‌پذیر است، یعنی این انرژی موجب می‌شود که حرکات دهلیز و بطن‌ها مرتب شوند و حتی در گرفتگی عروق ورگهای قلب نیز اثر بگذارد و مقاومت آنها را بیشتر کند تا اینکه شخص از این نوع ناراحتی رهایی یابد .

۸- خورشیدی کوچک راست = یکی دیگر از رشته‌های ریسمانهای

نقره‌ای، در سمت راست سینه، قرینه خورشیدی کوچک سمت چپ قلب به بدن متصل است و تقویت نمودن این مرکز موجب سلامت در تنفس و رفع ناراحتی‌های لکنت زبان، آسم‌های عصبی و تخلیه ریه‌ها از رسوب دوده‌های مختلف، به وجود آوردن آرامش در مجاری تنفسی و غیره می‌گردد.

انرژی درمان می‌بایست ضمن تقویت مرکز اتصال مغزی، کف دست خود را بصورت پنجه‌های بهم چسبیده بگونه‌ای روی این مرکز قرار دهد که پنجه دست راست به سمت خورشیدی بزرگ و کف دست در مرکز اتصال خورشیدی کوچک راست قرار گیرد و انرژی دادن به معمول، حدود ۳۰ ثانیه ادامه داشته باشد، البته این نوع انرژی دادن را از روی پیراهن یا دستمال و... نیز می‌توان به معمول داد.

۹- اتصال آرنج = یکی دیگر از رشته‌هایی که در موقع اتصال به بدن به دو شاخه تقسیم می‌شود، مربوط به آرنج‌های دو دست می‌باشد. تقویت محل اتصال هر یک از آرنج‌ها، موجب شادی و قدرت گرفتن روح و روان و حتی جسم فرد می‌گردد و در زمانی که فرد دچار افسردگی است، با تقویت مرکز مغزی و رستنگاه و آرنج، می‌شود تغییر حالت در فرد به وجود آورد و افسردگی و گریه بی دلیل و بسیاری از ناراحتی‌های روحی و روانی را در معمول درمان کرد.

تقویت نمودن این مرکز موجب افزایش قدرت اضافی در اشخاص، بخصوص ورزشکاران میگردد، بطوری که اغلب قادر خواهند شد که رکوردهای ورزشی خویش را جابجا نمایند.

روش تقویت کردن این مرکز بدینگونه است که عامل توسط انگشت

وسطی دست راست، مرکز مغزی را حدود ده ثانیه تقویت مینماید و پس از آن به تقویت مرکز رستنگاهی میپردازد و آنجا را هم حدود ده ثانیه انرژی میدهد و بعد از آن، نوک انگشت وسطی دست راست را در محل برجستگی نهائی آرنج دست راست، برای مدتی حدود ۳۰ ثانیه قرار میدهد و چنانچه عامل از قدرت چشمی نیز برخوردار باشد، در تمام زمان عملیات، بصورت خیره و یکنواخت به محل اتصال چشم سوم خیره میشود، چون این عمل دارای اثرات بسیار خوب و مطلوبی از نظر انرژی میباشد و با انرژی چشمی، قدرت در آن محل مضاعف خواهد شد.

۱۰- اتصال کمری = اگر به دقت به موهای کمر فردی که بدن وی موی زیادتری دارد نگاه کنید، متوجه میشوید که در محل کمر، نقطه‌ای مانند مغز سر وجود دارد که موها در آن محل به دور هم پیچیده شده و از آن مرکز بترتیب فاصله میگیرند که این نقطه در محل تقریبی مهره ال ۳ یا مهره سوم کمر قرار دارد. این رشته از ریسمانهای نقره‌ای، بسیاری از فعالیت‌های جسم مادی، منجمله کلیه‌ها، قوای جنسی، ترمیم عفونت‌های بخش درونی بدن، عصبی و قلبی و... را در بر دارد.

در هر کلیه غده‌ای بنام غده فوق کلیوی وجود دارد که به قسمت بالای کلیه چسبیده است و دارای دو بخش قشری و مرکزی میباشد.

بخش قشری آن خود دارای سه لایه است که هر یک از این لایه‌ها هورمون‌های بخصوص را ترشح می‌نمایند.

خوانندگان باید توجه داشته باشند که اگر در بعضی از قسمت‌ها، مطالبی در زمینه اعمال فیزیولوژی غدد نوشته شده، هدف این است که هر

انرژی درمانی باید شناخت کافی از آنها داشته باشد تا بتواند ناراحتی‌های مریض را بشناسد و آنها را درمان نماید و به همین علت هم مطالب مختصری که باید همگان بدانند، در برخی از قسمت‌ها و مباحث نوشته شده‌اند.

۱ = هورمونی که از بخش خارجی ترشح میگردد و در تنظیم نمک، سدیم، پتاسیم خون مؤثر است.

۲ = هورمون‌هایی را که بخش میانی ترشح مینماید در ترمیم زخم‌های بدن، رفع التهاب، تجزیه پروتئین‌ها و تبدیل آنها به قند کبد، و... مؤثر است.

۳ = در لایه داخلی یا بخش درونی، هورمون‌هایی که ترشح میگردند موجب تنظیم شرائط عادی قوای جنسی میشود. بخش مرکزی غده فوق کلیوی، ماده آدرنالین ترشح میکند که این هورمون اعمال بسیاری را در سراسر بدن کنترل و اداره میکند که برخی از آنها عبارتند از، افزایش ضربان قلب، تحریک پذیری سیستم‌های عصبی در مقابل شرائط محیط، افزایش سوخت گلوکزی در عضلات، انقباض و گشادی رگهای داخلی بدن و افزایش قند خون و... که بیان گردیدند.

زمانی که انرژی درمان قصد دارد یکی از ناراحتی‌های مربوط به کلیه یا مهره‌های کمر یا اسپاسم‌های عضلانی کمر و درد سیاتیک و... را درمان نماید، میبایست به محل اتصال این رشته، از فاصله حدود دو سانتی متری، دو دقیقه پاس ثابت بدهد و پس از آن مجدداً نقطه مرکز اتصال مغزی را با نوک انگشت وسطی دست راست حدود ۱۰ ثانیه تقویت نماید و سپس کف دست راست را در محل اتصال کمری نگاهدارد و پس از چند ثانیه پاس دادن، کف دست را طوری در آن محل بگذارد که نوک انگشتان به سمت مرکز اتصال

خاجی قرار داشته باشد و تمام کف دست را روی کمر، حدود ۳۰ ثانیه به مدت سه بار در یک جلسه، به فاصله حدود یک دقیقه قرار میدهد. این عمل میبایست به مدت سه بار در یک هفته انجام پذیرد.

با استفاده از این روش میتوان به ضعف یا فشار بیش از حد طبیعی قوای جنسی کمک‌های بسیار درخشانی نمود و سلولهای جنسی را به حالت عادی و طبیعی بازگردانید و برای تقویت با دست راست و برای کاهش دادن قوای جنسی، از دست چپ استفاده گردد.

۱۱ - اتصال خاجی: این رشته از ریسمانهای نقره‌ای، به قسمت منتهی الیه بدن و آخرین مهره‌های کمر که خاجی نامیده میشود متصل است، ضعف این رشته در بدن موجب ناراحتی‌های معده، پروستات، نازائی، اختلالات سیستم‌های جنسی، تغییرات سلولهای تخمدان و رحم و... می‌گردد که یک نفر عامل با دانش، با انرژی دادن کافی به نقاط ضعف جسمی و تقویت مرکز رشته مغزی و کمری، قادر خواهد بود بسیاری از ناراحتی‌های مزبور را درمان نماید.

باید گفت که آسیب پذیری این رشته، بیش از سایر رشته‌های نقره‌ای بدن است، زیرا زمانی که فرد در محلی سفت و سخت مینشیند، امواج این رشته از طنابهای نقره‌ای نمیتوانند به راحتی به محل اتصال خود وصل گردند و به همین علت هم وقتی فردی در محلی سفت مینشیند، با اینکه اغلب احساس هیچ‌گونه درد در محل نشیمنگاه خود نمینماید، ولی بطور ناخودآگاه، هر چند مدتی از جای خود بر میخیزد و حتی گاهی چند قدم راه میرود یا می‌ایستد و دوباره سر جای خود مینشیند بطوری که علت این عمل

خویش را نمیداند. وقتی علت انجام این کار را از او سؤال نمائید، به احتمال قوی جوابی برای آن ندارد و گاهی هم اظهار میدارد "احساس فشار یا گرفتگی و خفقان در وجود خویش مینمودم و در همین چند ثانیه که از جای خود برخاستم، آرامش خود را بدست آوردم" علت آن این است که در موقع برخاستن، اتصال کامل این رشته با خاجی بطور کامل برقرار گردیده است که او چنین احساسی را بدست آورده است.

وقتی که انرژی درمان به دو مرکز مغزی و خاجی انرژی کافی داد، آنگاه بصورت پاس دادن ثابت به مدت حدود دو دقیقه به محل ناراحتی یا آسیب دیده و... از دو یا سه سانتی متری بدن، سه بار در هر جلسه و هفته‌ای سه مرتبه، برای مدت دو هفته پاس ثابت میدهد و اگر عامل دارای انرژی کافی مازاد باشد، به احتمال زیاد تأثیرات بسیار مثبتی را در بهبود ناراحتی شخص از خود بجای خواهد گذارد.

۱۲ = اتصال زانو: همانگونه که قبلاً نیز بیان گردید، چند رشته از ریسمانهای نقره‌ای هستند که قبل از اتصال به مراکز اصلی خود، به دو شاخه تقسیم می‌گردند، یکی از آن رشته‌ها مربوط به اتصال زانوها میباشد. ضعف این رشته موجب بروز برخی ناراحتی‌ها در پا، فلجی دردهای زانو، بی‌حسی قسمتی از پوست یا ماهیچه پا و یا ضعیف شدن یک عضله در بدن، بخصوص پا و... می‌گردد. برای تقویت آن، انرژی درمان باید به مدت دو یا سه هفته، هر هفته‌ای سه بار و هر بار چهار مرتبه به مدت یک دقیقه به محل هر دو زانو، امواج ثابت بدهد و پس از آن، به مدت ۱۵ ثانیه کف دست راست خود را روی زانو طوری قرار دهد که نوک انگشتان به سمت زانوی دیگر قرار گرفته

باشند اگر این عمل بطور صحیح و دقیق انجام گردد، پس از پایان تمرینات، شخص معمول سلامت نسبی یا کامل خویش را بازخواهد یافت و یا احساس آرامش زیادتری در پاهای خویش خواهد نمود.

۱۳ - رشته زیر زانو: این رشته نیز قبل از اتصال به دو قسمت کاملاً مساوی تقسیم می‌گردد و هر یک از آنها، به گودی داخل زانو متصل میگردد. تقویت این مراکز جهت بالا بردن قدرت مدیومی و نیروهای بیرون و درون بسیار مفید میباشد.

اگر عامل بخواهد که یک معمول آگاه و باسواد روحی بتواند از نیروهای ناشناخته خویش بیشتر استفاده نماید، ضمن اجرای تمریناتی که در کتاب برون فکنی‌های روحی و اثرات تلقین نوشته شده است، چنانچه این مرکز را توسط انگشت وسطی دست راست، هفته‌ای سه بار و هر بار یک دقیقه تحت تأثیر امواج مازاد خویش قرار دهد و سپس محل اتصال رشته مغزی را نیز به مدت ۳۰ ثانیه تقویت نماید، تأثیر پذیری امواج در معمول به مراتب بیشتر از گذشته خواهد شد، زیرا تقویت این رشته موجب تقویت شدن کلیه قسمت‌های ضعیف تن پوش می‌گردد و در نتیجه تقویت و سلامت تن پوش است که قدرت‌های روحی فرد افزایش می‌یابند.

۱۴ - رشته زرد پی: رشته‌ای است که به آخرین قسمت تن متصل است و آن هم مانند برخی دیگر از رشته‌ها، قبل از اتصال به دو قسمت تقسیم می‌شود و هر کدام از آنها به انتهای ساق پا، زرد پی می‌چسبند (زرد پی آشیل) متصل می‌گردد. تقویت مرکز اتصال این رشته موجب از بین رفتن بسیاری از حساسیت‌ها، کهیر، جوش، تاول‌های سطحی و... میگردد برای تقویت کردن این

مرکز باید معمول را به روی شکم خوابانید و در مرحله نخست حدود دو دقیقه از مرکز اتصال زیر زانو تا مرکز اتصال زرد پی را در فاصله دو تا سه سانتی متری، پاسهای افقی داد و بعد از آن روزی چهار بار هر بار حدود یک دقیقه در مدت دو هفته به مرکز اتصال زرد پی، توسط بند دوم پشت انگشتان دست راست انرژی داد تا به تدریج این ناراحتی‌ها از شخص دور گردند.

همانگونه که در بالا نیز بیان گردیده، هر انرژی درمان دارای نیرو و قدرتی در حد خود میباشد و زمانهای فوق بر مبنای شناخت فرد نویسنده کتاب است، ولی هر فردی با استفاده از انرژی مازاد و تابانیدن به مراکزی که در بالا ذکر شدند، بر مبنای شناخت خود، می‌تواند زمان خاصی را در نحوه و تأثیر درمان خویش بدست آورد، یعنی هر انرژی درمانی می‌تواند زمان را بر مبنای تجربه خویش تغییر دهد، ولی نحوه و محل انرژی در ریسمانهای نقره‌ای را نباید تغییر دهد.

درمان چاقی با انرژی درمانی

در انرژی درمانی‌های موفق و منطقی، در مرحله نخست قدرت و علم و دانش عامل مورد توجه همگان است و در قسمت دوم است که اعتقاد و شناخت مریض به حساب می‌آید، چون گاهی فرد مریض، فقط معتقد است که هر مرض یا ناراحتی ای باید با خوردن قرص و عمل جراحی و... درمان شود و زمانی که این اشخاص به افراد انرژی درمان مراجعه می‌کنند، نظر آنها تأثیر چندانی در درمان شدنشان ندارد، ولی حقیقتی را باید پذیرفت که اگر فردی در زمینه مطلب یا حقیقتی شناخت کافی و ایمانی راسخ داشته باشد، خود آنها، با نیروهای بیرون و درون عامل و معمول و محیط می‌توانند موجب سلامت فرد گردند.

زمانی که عامل به نقطه‌ای از بدن مریض انرژی می‌دهد، موجب قدرت گرفتن رشته‌های عصبی آن ارگان یا عضو مریض می‌شود و چنانچه سلولهای آن عضو تا آن زمان نمرده باشند، با این عمل، سلولها، فعالیت خود را از سر می‌گیرند و در نتیجه عضو سالم می‌شود و بسیاری از مریض‌ها، پس از چند جلسه انرژی گرفتن سلامت کامل عضوی خود را بدست می‌آورند و در صورتی که این انرژی توسط عامل به محل مناسب و مرکز ریسمانهای نقره‌ای داده نشده باشد، احتمالاً پس از مدتی اثر خود را از دست می‌دهد و به همین علت هم برخی از افراد می‌گویند، اثر انرژی درمانی در افراد موقتی است، و چنانچه درمان کننده و درمان شونده با علم و ایمان و اعتقاد اقدام به انجام این کار نمایند، بطور یقین انرژی درمانی اثرات بسیار خوبی را

در سوژه از خود بجای خواهد گذارد کما اینکه مریضهایی که به پزشکان خود مراجعه می‌کنند، آنهایی که به روش درمان پزشک خود ایمان و اعتقاد بیشتری دارند، سریعتر از دیگران سلامت خود را بدست می‌آورند.

درباره درمان چاقی توسط انرژی درمانی نیز اصول فوق کاملاً صدق می‌نمایند، ولی این نوع درمانها باید توسط اعمال عامل و اجرای کردن دستورات، توسط معمول صورت گیرد، چون درمانگر در روز اول می‌بایست انرژی‌های لازم را به هر یک از غدد فعال در متابولیسم بدن، مانند تیروئید، هیپوفیز، پانکراس، فوق کلیوی و... توسط کف دست راست، هر عضوی به مدت حدود یک دقیقه بدهد و با این عمل خود موجب حفظ تعادل و طبیعی شدن فعالیت‌های این غدد گردد، ولی در اینجا خود درمان شوند نیز می‌بایست توجه کامل به غذا خوردن خویش داشته باشد، و به همانگونه‌ای که درمانگر به وی گفته است عمل کند، یعنی وقتی درمانگر به مریض خود می‌گوید، برای اینکه غدد شما تا مدت‌ها همین حالت طبیعی خود را داشته باشد، به غذا خوردن خویش توجه نما، فرضاً اگر تا امروز با خوردن دو کیلو غذا در روز، انرژی بدن شما در این حد تأمین می‌شده است، اکنون با این انرژی که من به غدد متابولیسمی تو داده‌ام، با مصرف پانصد گرم، همان انرژی را برای ادامه کار روزانه و زندگی خویش خواهی داشت، معمول باید توجه به عادت مصرف غذای گذشته خود داشته باشد و در هفته اول سعی نماید مصرف غذای خود را کمتر از گذشته نماید و پس از آن به این حالت عادت خواهد کرد و مسلماً در مرحله نخست کم خوری است که موجب کم وزنی افراد می‌گردد.

برای اینکه عامل بتواند درمان شوند را برای کم وزنی تحت تأثیر

امواج ثابت خود قرار دهد، در مرحله اول حدود یک دقیقه محل تیروئید و پاراتیروئید وی را تحت تأثیر امواج ثابت خود قرار می‌دهد و پس از آن با امواج ضربه‌ای حدود یک دقیقه، لوزالمعده را تحت تأثیر امواج مازاد خود قرار می‌دهد و سپس کف دست راست را در محل کلیه‌ها به مدت ۳۰ ثانیه بطور ثابت نگاه می‌دارد و در خاتمه کف دست راست را حدود یک دقیقه در مرکز مغز سر قرار می‌دهد و غده هیپوفیز را تحت تأثیر امواج خویش قرار خواهد داد.

اگر عامل اعمال فوق را بترتیب زمانبندی بالا انجام دهد، تغییراتی را در متابولیسم اضافی بدن فرد به وجود می‌آورد که اغلب سوژه‌ها پس از انرژی درمانی، روز اول اظهار می‌دارند که مدتی اصلاً اشتهای غذا خوردن را نداشته‌اند و پس از گذشت حدود چند روز، مجدداً به مصرف مقدار غذای قبلی خویش برگشته‌اند، در صورتیکه اگر آنها بتوانند بر عادت غذا خوردن قبلی خویش از آن روز اول به بعد چیره شوند و در بین غذاها به هیچ چیزی غیر از آب برای رفع عطش دهن نزنند و چند هفته‌ای را بیش از نیاز بدن خود غذا نخورند، نحوه متابولیسم و حتی معده آنها با مقدار غذای جدید عادت می‌کند و از آن پس، بتدریج فرد می‌تواند تا وزن دلخواه خود، بدون اخذ رژیم‌های سخت و غذانخوردن یا تحمل درد و ناراحتی و زخم معده و... خود را برساند و از سنگینی که موجب بوجود آمدن بسیاری از ناراحتی‌ها در زندگی افراد می‌گردد، جلوگیری بعمل آورد و از چاقی بیش از حد نجات یابد (مشروط بر اینکه کم غذایی از طریق پزشکی برای وی منعی نداشته باشد)، زیرا اضافه وزن علاوه بر اینکه شخص را از شکل و قواره مناسب خارج می‌کند، موجب

ناراحتی هایی نیز می گردد که زیلا به تعدادی از آنها اشاره شده است.

- ۱- تپش قلب. ۲- چربی خون. ۳- تنگی نفس. ۴- آرتروز زانو. ۵-
- افتادگی مثانه. ۶- کمر دردهای مختلف. ۷- میخچه پا. ۸- نارسائی خون. ۹-
- پوکی استخوان. ۱۰- سردردهای میگرنی. ۱۱- ناراحتی های معده و روده.
- ۱۲- ناراحتی پروستات ۱۳- افسردگی و بی حالی و بسیاری از ناراحتی های

داخلی دیگر که در اثر مرور زمان، در اشخاص چاق بروز می نمایند، پس چه بهتر است که از هم اکنون که این مطلب را مطالعه می کنید، اگر وزنی بیش از حد تعارف علمی دارید در صدد باشید که اضافه وزن و چاقی بیش از حد خود را از بین ببرید، ضمن اینکه معیار وزن و قد در زن و مرد می بایست تقریباً یکی باشد و آن بدینگونه است که وزن یک زن چهل ساله و یک مرد چهل و پنج ساله می بایست در حد تعادل باشد و آن بدینگونه است که یک معیار وزن و قد در حالت سنی آنها می بایست ارتباطی بین وزن و قد علمی آنها وجود داشته باشد، یعنی اگر قد فردی ۱۷۰ سانتی متر است در این سن حداکثر ۷۰ کیلو وزن داشته باشد و باضاء هر ده سال اضافه سن، حتی باید یک کیلو گرم از وزن متعادل خود بکاهد تا در زمان پیری دچار ناراحتی های فوق نگردد، در این مورد خانمها می بایست توجه بیشتری داشته باشند، چون سن یائسگی در خانمها، معمولاً بین چهل تا پنجاه سالگی است و زمانی که زنی یائسه می شود، هورمون استرژن در بدن وی کاسته و به مرور زمان قطع می گردد و به همین دلیل هم دچار التهاب گرمای ناگهانی (گرگرفتگی)، خشکی پوست، افسردگی، عصبانیت، پوکی استخوان، فشار خون بالا، که گاهی فشار خون آنها تا ۲۲ درجه هم... میرسد و در این موقع اگر وزن اضافی داشته باشند،

عقل درون سلولی بدن موجب می‌گردد که خون به مغز استخوان‌ها نرسد و در نتیجه این نارسائی خون، در اثر مرور زمان، سبب پوکی استخوان در خانمها و گاهی هم در آقایان می‌گردد، لذا برای کسانی که قصد سالم نگاه داشتن بدن خود را تا آخر عمر دارند. لازم است که به اصول فوق توجه کامل داشته باشند و قبل از رسیدن به زمان سن یائسگی، وزن و قد خود را متعادل سازند و در گذشت هر ده سال از عمر، یک کیلو از وزن خود را کاهش دهند، در غیر این صورت دارو و... اثر چندانی در بهبود و سلامت یک فرد چاق ندارد.

در این میان کسانی که عمر خود را در ورزشهای مختلف، بخصوص پرورش اندام و وزنه برداری و... گذرانیده‌اند، مستثنی می‌باشند، چون ترکیب رشد طبیعی بدن خود را تغییر داده‌اند و برای نتیجه‌گیری از آن ورزش، عضلات بدن تقویت و بزرگ شده‌اند و آنها باید سعی کنند در سن پنجاه و پنج سالگی، حداکثر پنج کیلو بالاتر از معیار وزن و قد خود باشند و آنگاه پس از گذشت هر ده سالی با کاهش دادن یک کیلو از وزن خود، برای حفظ سلامت خویش بکوشند.

مغناطیسی درمانی

از نظر علمی می‌دانیم که کره زمین خود به تنهایی یک واحد، مغناطیسی عظیم کروی است که دارای دو قطب شمال و جنوب می‌باشد که امواج مغناطیسی آن در میدان این دو قطب جریان دارند، و کل موجودات آن بگونه‌ای تحت تأثیر این امواج قرار دارند و به حیات خود ادامه می‌دهند و حتی این امواج از نیروهای لازمه حیات آنها میباشند و به هر دلیلی که این امواج کمبود یابند، فرد دچار ناراحتی خاصی خواهد شد.

البته باید به این موضوع نیز توجه داشت که این امواج مغناطیسی که در حال حاضر کره خاکی را احاطه کرده‌اند، اکنون که میلیاردها سال از تشکیل و بوجود آمدن زمین می‌گذرد، قدرت اولیه زمان تشکیل کره خاکی را ندارد و بتدریج این انرژی کاهش یافته و به همین علت هم سلامت اکثر موجودات زنده، مانند گیاه و حیوان و نسل بشر بگونه‌ای به خطر افتاده و ما اغلب شاهد بیماریهای جدید و گوناگونی در سراسر جهان هستیم که بتدریج و در زمانهای مختلف ظاهر می‌شوند، چون از نظر فیزیکی موجودات زنده و نسل بشر، چیزی جز یک بیومگنت در محیط زندگی خود نیستند که آنها در فضای الکترومگنت کره خاکی و به قدرت آن نیرو، به حیات خود ادامه می‌دهند و این حالت درست مانند ماهی ای است که در آب زندگی می‌کند و اگر آن را از آب جدا کنند، حیات وی نیز از بین می‌رود، زیرا هم اتمی که به چرخش و حرکت در می‌آید، مغناطیس را پیرامون خود بوجود می‌آورد و یک فرد از تعداد بسیاری اتم و نیروهای مغناطیسی آن بوجود آمده است که گاهی در قسمتی

از بدن یا سلول کمبود این امواج مشاهده می‌گردد که موجب مریضی یا ناراحتی فرد میشود.

انرژی و قدرت الکترومگنت در محیط‌های طبیعی و دست نخورده کره خاکی به مراتب بیشتر از شهرها بخصوص مراکز صنعتی است، چون در مراکز صنعتی در هر محل یا نقطه‌ای یک دستگاه الکتریکی در حال فعالیت است و نتیجتاً این دستگاهها امواجی را در پیرامون خود با شعاع‌های متفاوتی ایجاد می‌نمایند که نیروی آنها موجب تغییر حالت و دگرگونی‌هایی در انرژی الکترومغناطیس طبیعی محیط می‌گردد و همین امر باعث بروز اختلالات موقتی در افراد می‌شود که اغلب در آنها، به بیماری‌های گوناگونی منتهی می‌گردند.

یکی از بزرگترین دلایلی که افراد وقتی به مراکز طبیعی محیط خویش یا دهات و کنار دریا و کوهستانها و... می‌روند و مدتی را در آنجا بسر می‌برند، احساس شادی و شغف می‌نمایند و از کوه بالا می‌روند و شروع به ورزش‌های مختلف و تفریحات طبیعی و... می‌نمایند، به همین علت است و متأسفانه بسیاری از افراد، زمانی که در چنین مراکزی قرار می‌گیرند و احساس شادی و شغف به آنها دست می‌دهد، به دنبال علت آن نمی‌روند و نمی‌دانند که چرا اینهمه تحول و تغییر حالت‌های حسی و روحی و روانی و جسمی، در مدت بسیار کوتاهی به آنان دست داده است و چرا شاد و سر حال و خوشحال شده‌اند؟

در اینجا باید یک حقیقتی را پذیرفت و آن اینکه، اگر فردی بتواند هر چه بیشتر از امواج وسایل برقی که نام آن را تمدن نهاده است، دوری نماید و

بگریزد، در سلامت بیشتری نسبت به افراد متمدن و شهرنشینانی که در امواج الکتریکی محیط خویش غوطه‌ورند، به سر خواهد برد، چون اشخاص در دامن طبیعت دست نخورده می‌توانند از امواج طبیعی و سالم محیط خویش بهره‌مند گردند، در غیر این صورت، در ساختمانهای آسمان خراشی که هر شش طرف، آنها را آهن احاطه کرده و امواج مختلف، منجمله کهربایی بر آنها از تمام دیوارهای جانبی وزیر و روی آنها می‌گذرند، هرگز نمی‌تواند حالت طبیعی و سلامت خویش را داشته باشد و یکی از بزرگترین دلیل خرابی اعصاب و ناراحتی‌های روحی و روانی نسل بشر امروزی، بخصوص جوانان، وجود همین امواج مصنوعی مختلفی است که فرکانس مغناطیسی محیط آنها را دیگرگون می‌کند و هر چه وسایل برقی در منازل افزایش یابد، به همان نسبت هم حالت روحی و روانی و اعصاب اعضاء خانواده، بخصوص نوجوانان و جوانان که اکثر اوقات فراغت خود را با سرگرمی بازی‌های برقی سپری می‌کنند، تغییر می‌یابد.

در اوایل قرن بیست و یکم مشاهده می‌گردد که ناراحتی‌های روحی و روانی و حتی خودکشی‌های جوانان و... در تمام جوامع بشری رو به افزایش گذارده است و حتی در برخی از کشورهای، مجامع انتحاری بوجود آمده، بطوریکه بسیاری از افراد حتی حافظه خود را از دست می‌دهند و مطالب بسیار سیاده و بیش‌بافتاده روزمره زندگی خود را فراموش می‌کنند که آیا شماره منزل خود را درست گرفته‌اند یا اشتباه کرده‌اند و بسیاری از ناراحتی‌های فکری، عصبی، روحی،... در آنها مشاهده می‌گردد که در زندگی برای افراد رخ می‌دهند و عامل وجودی قریب به اتفاق آنها را می‌بایست در اثر

امواج نامتجانس مصنوعی زندگی دانست که در تمام زمان، محیط طبیعی او را اشغال کرده و اجازه ورود امواج الکترو مغناطیسی یا مغناطیسی طبیعی را به پیرامون افراد جوامع بشری نمی دهند.

دانشمندان مختلف در جهان این حقیقت را به اثبات رسانیده اند که کمبود نفوذ انرژی مغناطیسی طبیعی زمین به نسل بشر، موجب بروز ناراحتی های زیادی، منجمله نا آرامی های روحی، روانی، عصبی سرد مزاجی، بی خوابی، استرس، یبوست، دردهای استخوانی و مفصلی، سردرد، تشنج، تهوع و... شده اند و اگر چنین افرادی که دارای ناراحتی های فوق می باشند را در محیط های طبیعی قرار دهند، مشاهده می گردد بسیاری از آنها بطور معجزه آسایی، بدون مصرف هیچ گونه دارویی، سلامت کامل یا نسبی خود را بدست می آورند، چون امواج الکترو مغناطیس طبیعی افراد یا امواج الکترو مغناطیس طبیعی زمین، قابل تداخل در هم و ترمیم کننده و مکمل یکدیگر می باشند، زیرا کلیه عناصر و موادی که تشکیل دهنده کل ساختمان کره خاکی است، در بدن یک نفر از نسل بشر هم یافت می گردند و زمانی که امواج عنصری در بدن کم یا زیاد می شود، وقتی که وی در مسیر طبیعی و در طیف امواج الکترو مغناطیس زمین قرار می گیرد، آنگاه قادر است کمبودهای قدرت موجی خود را بدست آورد و امواج مازاد آزار دهنده را سوار بر امواج طبیعت، از خود دور سازد و در نتیجه با دریافت امواج سالم طبیعت سلامت خویش را از محیط طبیعی بگیرد.

دریافت چنین امواجی، فقط مختص به نسل بشر نمی باشد، بلکه سایر جانداران نیز از این قانون طبیعت، مطابعت می نمایند چون همانگونه که

می‌دانید، کلیه موجوداتی که در سطح کره خاکی زندگی می‌کنند، بگونه‌ای تحت تأثیر امواج الکترومغناطیس طبیعی زمین قرار دارند، یعنی همه اجسام و موجودات در داخل این امواج، غوطه‌ورند و تا امروز دانشمندان زیادی از سراسر جهان در این زمینه تحقیق و بررسی‌هایی نموده‌اند که دانش و برداشتهای آنان موجب اختراعات بسیار زیادی در جوامع بشری شده و با استفاده از امواج الکترومغناطیس زمین، آن دستگاهها اعمال و فعالیت‌های خود را بروز می‌دهند یا راهنمایی‌هایی را به علم و دانش بشری می‌نمایند.

علاوه بر برداشتهای فیزیکی از امواج الکترومغناطیس، بسیاری از افراد در مورد قدرت شفادهی این امواج و درمانهای آن نیز تحقیقات علمی و عملی بسیاری را در کشورهای متمدنی جهان انجام داده‌اند، کما اینکه نوبل در مورد کاربرد انرژی مغناطیس محیط برای درمان، نظریات خود را برای انجمن سلطنتی طب فرانسه ارسال نمود که پس از آن دانشمندان زیادی مأمور بررسی و تأثیر این امواج در درمان افراد گردیدند که پس از مدتی آنها متفقاً اعلام نمودند، روزی در جهان فرا خواهد رسید که قدرت شفاگری امواج الکترومغناطیسی بصورت علمی‌تر و گسترده، طب جدیدی را در بر خواهد گرفت که متخصصین با این روش می‌توانند تمام ناراحتی‌های روحی، روانی و جسمی را مرتفع نمایند.

از زمانهای بسیار دور، در جهان روشهای زیادی برای درمان ناراحتی‌های افراد بکار گرفته می‌شدند و هنوز هم برخی از آنها در کشورهای مختلف جهان و حتی در کشورهای پیشرفته مانند چین، مورد استفاده قرار می‌گیرند. درست است که طب کلاسیک امروزی غیر از تجویز

دارو، روش‌های دیگری را برای درمان قطعی بسیاری از امراض و ناراحتی‌های افراد قبول ندارد، ولی در این جهان از گذشته‌های بسیار دور، درمان‌های تحریکی نیز وجود داشته و هنوز هم در اغلب کشورها رایج است و بسیاری از افراد، جهت درمان خود به این مراکز مراجعه می‌کنند و اغلب آنها هم بدون مصرف دارو، سلامت خویش را بدست می‌آورند.

باید این مطلب را نیز بیان کرد که درک چگونگی عمل نیرو و امواج مغناطیس و الکترو مغناطیس و درمان آن، برای کسانی که به این علم و امواج آگاهی چندانی ندارند، بسیار مشکل و پیچیده و حتی باور نکردنی است و برای درک زیادتری در این زمینه، مطلب قدری گسترده‌تر بیان می‌گردد، ولی لازم است قدری به عقب برگردیم و ببینیم که افراد در گذشته این نیرو را چگونه می‌شناخته‌اند که امروز به این شکل در آمده است.

پایه و اساس طب شرق در گذشته‌ها و حتی امروز، استفاده از انرژی‌های محیط می‌باشد چون آنان معتقدند، فردی از سلامت کامل برخوردار است که امواج و انرژی‌های دو قطب بدن وی با یکدیگر متناسب بوده و هم آهنگی کامل داشته باشند. در غیر این صورت، فرد بگونه‌ای دارای مریضی و ناراحتی است.

این نظریه درمان قدیم، با علم امروز کاملاً برابری دارد، چون نسل بشر یا حیوانات کره خاکی، هرگز از امواج محیط و پیرامون خویش جدا نیستند و همیشه تحت تأثیر این امواج قرار دارند و همانگونه که امواج کیهانی یا لکه‌های خورشیدی و گردش شب و روز و گردش‌های مختلف زمین بوجود می‌آیند، این تحولات و حرکات، تغییراتی را نیز در امواج محیط کره خاکی از

خود بجای می‌گذارند که آن امواج بگونه‌ای افراد را تحت تأثیر قدرتهای خود قرار می‌دهند و متأسفانه کمتر کسی به این امر مهم توجه دارد.

دانشمندان قرون گذشته و حتی بسیاری از افراد عادی قبایل به حقایق و مطالبی درباره وجود این نیروها و چگونگی تأثیرگذاری آن بر بدن پی برده بودند و حتی نقاطی را از بدن مشخص کرده و معتقد بودند که آن مراکز انرژی‌های مختلف محیطی را نسبت به سایر قسمتها، بیشتر دریافت می‌کنند، زیرا این نقاط بدن یا مراکز خاص، دارای ویژگیهای جداگانه‌ای به شرح ذیل بودند:

الف: این نقاط دارای کمترین مقاومت مادی هستند و به همین علت هم، امواج به راحتی می‌توانند به آن مراکز نفوذ نمایند.

ب: اگر فردی بتواند این نقاط را بصورت دریافت امواج به یکدیگر متصل نماید، در نتیجه اگر آنها در یک نصف النهار مثبت یا منفی قرار داشته باشند، مقاومت و قدرت بیشتری را در آن مراکز ایجاد می‌نمایند و چینی‌ها معتقدند که این نقاط بالغ بر ۲۶۱ محل در بدن می‌باشند، ولی علم روحی معتقد بر وجود ۲۶۵ نقطه است که تمام بدن را می‌پوشانند، که با ایجاد طیف مغناطیسی یا مالش اجسام مغناطیس شده و... این مراکز را جهت افراد، تقویت می‌نمایند و به یکدیگر متصل می‌کند.

یکی از بزرگترین مزایای موج درمانی یا مغناطیس درمانی افراد در این است که این نوع درمانها از هر نظر برای بیمار، بی‌خطر و بدون ضرر است و در حین یا پس از درمان، هیچ‌گونه عوارض جانبی را مانند داروهای شیمیایی و... در بدن مریض، از خود بجای نمی‌گذارد و برای درمان افرادی

که در مقابل داروها حساسیت خاصی دارند بسیار مؤثر است، ضمن اینکه مسئله روانی و اعتقادی مریض هم در این زمینه کمک‌های بسیار شایانی را در بهبود و رفع ناراحتی‌های او دارد، چون اثرات مغناطیسی در بدن، بخصوص تحریک نقاط خاص، موجب ترشح آندروفین‌ها که ماده‌ای شبیه مرفین هستند از غدد مربوطه می‌گردد که این ماده بطور طبیعی، خود ماده‌ای آرام‌بخش و گاهی هم درمان‌کننده بدن است.

روش مغناطیس درمانی:

کمبود امواج مغناطیسی موجب بروز ناراحتی‌های بسیار در افراد می‌گردد که برای رفع ناراحتی‌ها و جبران کمبود آن امواج، می‌بایست به چهار اصل کلی توجه داشته باشید.

۱- وسائلی را که امواج الکتریکی در حوزه‌های وسیعی از خود بوجود می‌آورند، از خود دور سازید یا از نزدیک شدن به آنها دوری نمائید.

۲- توسط فلزات یا مغناطیس طبیعی، امواج محیط خود را افزایش دهید.

۳- فلزات مغناطیسی طبیعی را در محل درد یا ناراحتی، مدتی حدود یک ربع و روزی سه یا چهار مرتبه، برای مدت یک هفته نگاه دارید یا محل درد را با این فلزات به ملایمت ماساژ دهید.

چنانچه امواج مغناطیسی فردی کمتر از حد معمولی است، میبایست

همیشه یک وسیله برقی تولید مغناطیس مصنوعی جهت جبران کمبود امواج مغناطیس طبیعی محیط، با خود همراه داشته باشد.

افرادی که در محیط خشک زندگی می‌کنند، به علت کمبود رطوبت،

اغلب پوست بدن، بخصوص پوست صورت آنها خشک می‌شود و چین و

چروک‌های بی دلیلی، که نمایانگر پیری زود رس است، در افراد ظاهر می‌شوند که برای رفع این نقیصه، از مگنت یا امواج مغناطیس طبیعی میشود کمک گرفت تا بدن، بخصوص پوست صورت، عرق طبیعی نماید و پوست از خشکی در آید، البته باید به این مهم نیز توجه نمود که بروز هر گونه چین و چروک صورت، دلیل خاصی دارد و فقط به خاطر خشکی هوای محیط و عدم تعرق صورت نیست و به همین علت است که علمای آگاه به علم مغناطیس و انرژی درمانی و سایر علوم اظهار می‌نمایند چهره هر فردی آینه سلامت نمای او می‌باشد و با مشاهده رخسار فردی تا حدی می‌شود مرض و ناراحتی جسمی او را بیان نمود.

تشخیص ظاهری ناراحتی‌ها:

الف: اگر دور لب و دهان فردی را چروک زیادی فراگیرد، مربوط به خوب کار نکردن یا تنبلی کبد و غده تناسلی وی می‌باشد و شخص باید در مرحله نخست ناراحتی‌های کبدی و... خویش را مرتفع نماید تا این چنین چروک، بتدریج از بین بروند.

ب: اگر اطراف چشم فردی را چین و چروک بسیاری فراگیرد، به احتمال قوی آن شخص دارای قلبی ناسالم است، حال این ناراحتی می‌تواند مربوط به خود قلب یا رگهایی که به آن وارد یا خارج می‌شوند و حتی چربی اضافی ای باشد که انتهای قلب را فراگرفته و موجب تنگی عروق آن قسمت‌ها شده است.

پ: چنانچه پیشانی شخصی دارای چروک بیش از حد، که در اثر گذشت زمان بوجود می‌آیند باشد، به احتمال قوی، شخص ناراحتی در سیستم گوارشی، اعم از معده، مری، روده، و... دارد که می‌بایست آن ناراحتی‌ها رفع

گردند تا این چروک‌ها بتدریج از بین بروند.

ت: چروک میان دو ابرو نیز مربوط به کم کاری یا بدکار کردن کبد و معده شخص می باشد.

ث: اگر زیر چشم شخص دارای چروک است و آن قسمت پف کرده و به رنگ سیاه یا قهوه‌ای درآمده باشد،
الف: این فرد معتاد است.

ب: باید معده و کبد و کلیه‌های خود را مورد آزمایش قرار دهد و اگر ناراحتی ای در آنها وجود دارند رافع نماید.

ج: لکه‌های قهوه‌ای پُر رنگ که گاهی به سیاهی می‌زنند، اگر در چهره فردی ظاهر گردند، دلیل خوب کار نکردن کبد و یبوست دائمی و عدم استفاده صحیح از غدد تناسلی است.

ح: جوشهای قرمزی که روی گونه و چانه و گاهی هم در سایر قسمت‌های صورت مشاهده می‌گردند، دلیل وجود فشارهای جنسی و عدم استفاده صحیح از غدد تناسلی در افراد می‌باشد و به همین علت هم قبل از اقدام به درمان‌های موضعی، ابتدا می‌بایست عضوی را که موجب بروز آن ناراحتی در فرد گردیده است، آرام و سالم نمود، چون در هر زمانی که ناراحتی ریشه یابی گردید و درمان شد، پس از مدتی عوامل ظاهری آن ناراحتی نیز خود به خود رفع می‌شود و چهره یا عضو، حالت طبیعی خود را باز می‌یابد و برای اینکه سریعتر آثار ظاهری صورت نیز بر طرف گردند، با روش مغناطیس درمانی موضعی می‌شود آن علامت ظاهری را بسیار سریعتر از حد تصور از میان برداشت، چون اگر عامل بتواند در محل موضع

ناراحتی معمول عملی را انجام دهد که موجب سرعت یافتن جریان خون در آنجا گردد، آن درد یا ناراحتی و حتی چروک صورت بسیار سریع از بین می‌رود و یکی از روشهای بوجود آوردن سرعت خون موضعی، انرژی دادن یا تأثیر گذاردن امواج مغناطیسی به آن محل است و گاهی هم تأثیر این عمل بقدری سریع و چشم‌گیر است که توسط مگنت درمانی، فرد چهره‌ای شاد و پوستی شفاف و بدون چروک را در صورت خود مشاهده می‌نماید.

مگنت درمانی یا درمان توسط امواج مغناطیسی

به چند طریقه زیر اجرا می‌شود.

۱- مریض را در اطاق کوچکی حدود 3×4 در وسط اطاق روی تخت چوبی می‌خوابانید و در این اطاق حداقل یک کیلوگرم و حداکثر ۶ کیلو از فلزاتی که دارای امواج مغناطیسی طبیعی یا مصنوعی هستند، قرار می‌دهید و این فلزات می‌بایست بصورت سیم و یا ورقه‌های کوچک و بزرگ تنظیم شده و در پنج طرف دیوار و سقف بطوری قرار گرفته باشند که مرکز نصب آنها با خورشیدی بزرگ بیمار در یک جهت باشند و خورشیدی زیر امواج مستقیم فلزات سقفی قرار داشته باشد، آنگاه عامل با یک قطعه آهنی که در دست دارد، محل درد یا چروک صورت و یا ناراحتی را هفت بار در یک ساعت و هر بار حدود پنج دقیقه ماساژ می‌دهد، آنگاه عامل باید توجه داشته باشد که این آهن کاملاً صیقل یافته و نرم و شفاف و گرم باشد که با انجام این عمل، حالت ناراحت کننده‌ای به بیمار دست ندهد.

۲- از فلزات مغناطیسی طبیعی یا مصنوعی می‌توان دست بند، کمر بند

و... تهیه نمود و در محل درد، مدت ده روز استفاده کرد و اگر استفاده از آن در

زمان خوابیدن ناراحتی بوجود می‌آورد، شخص می‌تواند شبها آن کمر یا دست بند و... را باز کند و در کنار بدن خود بگذارد و بخوابد و پس از بیداری، مجدداً در محل خود بکار برد.

۳- کسانی که در نزدیکی کوههای آتش فشانی زندگی می‌کنند، اگر بتوانند سنگ‌های آتش فشانی را بیابند و روی آن بنشینند و تکه‌ای از آن سنگ را برداشته و محل درد یا چروک را مدتی ماساژ دهند، پس از مدتی احساس آرامش در خود خواهند نمود و یا مشاهده می‌کنند که چروک آنها از بین رفته است.

۴- بالش، تشک، لحاف، میچ بند، زانوبند، کمربندهایی را کمپانی‌های مختلف جهانی ساخته‌اند و توسط دستگاهی به برق وصل می‌شوند و در تشک و... امواج مغناطیسی بوجود می‌آورند، خوابیدن روی این نوع تشک‌ها به مدت حداکثر یک ساعت، موجب از بین رفتن امواج منفی بدن می‌شود و در نتیجه، امواج الکترومغناطیسی، جایگزین آن امواج نامتجانس و مزاحم می‌گردند و پس از مدتی، درد در فرد از بین می‌رود و یا شدت آن بسیار کاهش می‌یابد.

در صورت استفاده از چنین وسایلی، فرد عامل باید محل درد یا چروک را با دست یا فلز نرم و صیقل شده‌ای که نوک باریکی داشته باشد، مدتی حدود سه چهار دقیقه ماساژ دهد تا جریان خون را در این بخش از بدن سریعتر نماید و آن ناراحتی معمول هر چه سریعتر مرتفع گردد و چنانچه در آنجا فلزی وجود نداشته باشد، عامل می‌تواند از انگشت وسطی دست راست خویش استفاده نماید و بکارگیری این وسیله برای از بین بردن بسیاری از

ناراحتی‌ها، از روشهای فوق، عملی و قابل دسترسی‌تر می‌باشد و نتیجه بسیار سریعی را عامل و معمول از ارسال امواج مازاد مغناطیسی بدن یکدیگر، بدست خواهند آورد و در نتیجه کمبود امواج مغناطیسی معمول تأمین می‌گردد.

با توجه به تجربه‌ای که در زمینه الکترومغناطیس درمانی سالها روی کلیه بیماری‌های افراد در دفتر کار خود داشته‌ام، به این نتیجه رسیده‌ام که تمام بدن مانند دیسکتی از کامپیوتر است که توسط تکه‌های کامپیوتر می‌شود آن را پیر از امواج مغناطیسی کرد یا با فشار تکه‌های دیگر، همان امواج و فرکانس‌های داده شده را از دیسکت خارج نمود و همین امر است که موجب تسکین درد یا آرامش با امواج الکترومغناطیس در افراد می‌شود، چون تمام بدن ما از امواج الکترومغناطیس اتم‌ها پوشیده شده است و گاهی هم این امواج در اتم‌های عضوی کاهش می‌یابند که بدین وسیله، یعنی با افزایش دادن امواج مغناطیسی آن موضع، می‌شود آنرا درمان و ترمیم کرد.

در اینجا هدف من هرگز عوام فریبی یا خودستایی در مورد بکارگیری امواج الکترومغناطیسی نمی‌باشد، بلکه طبق آماري که در قسمت‌های قبلی بیان نموده‌ام و اظهارات خود بیماران با حقیقتی آشنا شده‌ام که بدین وسیله توانسته‌ام براكثريت قریب به اتفاق ناراحتی‌های جسمی، روانی، عصبی و... فائق آیم و حتی امراضی را مداوا نمایم که هرگز دارو و درمان طب متداول و رایج جهانی در آنها مؤثر واقع نگردیده‌اند و به جرئت می‌گویم روزی در جهان فرا خواهد رسید که درمان با امواج الکترومغناطیس رایج و متداول‌ترین درمانهای عمومی می‌گردد و سایر روشهای درمانی را تحت الشعاع قدرت

درمانی خود قرار خواهد داد و پزشکان، مغناطیس درمانی را با همان عناوین مُسکن‌ها، ضدالتهاب‌ها و درمان‌کننده دردهای مختلف، بخصوص مفصل و رماتیسم و... در سر نسخه‌های خود، چگونگی روش درمانی با مغناطیس را با افتخار جای خواهند داد ولی امروزه گروهی ناآگاه و خرافاتی و متحجر نمی‌خواهند غیر از مطالبی که در کتابهای درسی و دانشگاهی آموخته‌اند چیز دیگری را بپذیرند در صورتی که این افراد باید بدانند که هیچ علمی در جهان به کمال نرسیده و کتب نانوشته نیز بسیارند که روزی خواهند رسید.

۵- تعدادی از تکه فلزهای مغناطیسی شده را می‌شود روی موضع درد یا ناراحتی حدود سه روز بست تا امواج این تکه‌هائی از سنگهای مغناطیسی که بهم رسانیده می‌شوند، موجب تغییر قطب در آنها شود و به محل درد اثر بگذارد و کمبود امواج الکترومغناطیس آن موضع را تأمین نماید و عامل با معمول خود باید روزی چند بار این محل را با همان شکل بسته شده ماساژ دهد تا این امواج، بناده‌تر جذب محل درد معمول گردند و در مراحل اولیه ممکن است با ماساژ دادن عامل، مریض احساس درد بیشتری نماید، ولی اگر این عمل چند نوبت انجام شود، اثرات امواج موجب رفع ناراحتی و درد در سوژه خواهد شد و او سلامت کامل خویش را بدست می‌آورد.

قله پاتی یا هم آهنگ کردن روح و جسم، در درمانها

چگونگی اجرای عملی کردن قدرتهای روحی با ماده و محیط، کار بسیار ساده‌ای است و برای انجام چنین عملی باید هر فردی بتواند تسهیلاتی را از نظر محیطی و فردی و ذهنی برای خویش فراهم آورد تا اینکه پس از خاتمه تمرینات، عمل وی در روح و روان و جسم مؤثر واقع گردد و از او رفع مشکلات شود، در غیر این صورت، عمل وی نتیجه چندان مثبتی را در بوجود آوردن سلامت وی نخواهد داشت و جهت اجرای آن می‌بایست به نکات زیر کاملاً توجه گردد.

فردی که قصد هم آهنگ سازی روح و ذهن خویش را دارد، باید در محلی آرام که مشغله کاری و خانوادگی در آن دخالت چندان نداشته باشد بنشیند و چشمهای خود را ببندد و سعی کند تمام عضلات خود را در آن حالت از نشستن، کاملاً راحت بگذارد و سپس چند نفس عمیق بکشد و آنرا با سرعت از ریه‌های خود خارج نماید تا اینکه پس از چند تنفس عمیق، احساس گرمای ملایمی در قسمتی از بدن، بخصوص سر و گردن خویش بنماید، در این موقع باید بداند که نیروهای بدن وی کامل است و حال می‌تواند به هم آهنگ سازی ذهن و روح خویش پردازد.

در این موقع شخص باید از تمام اصول و شناخته‌هایی که در آرام سازی جسم و روحش دخالت دارند و آنها را آموخته است یاری گیرد، فرضاً لغت یا جمله کلیدی ای را که برای آرام سازی جسم و روح خویش انتخاب کرده است را بکارگیرد و در ذهن خویش، چندین بار آن را تکرار نماید تا آرامش روحی و

روانی ذهنی خود را بدست آورد و پس از آن آمادگی تأثیر گذاری در ذهن و روح خویش را داشته باشد و در این زمان یکی از بهترین مناظری را که در زندگی بصورت طبیعی یا تصویری و... مشاهده کرده است، به ذهن آورد و وجود خویش را در آن منظره مجسم نماید و مدتی را بصورت تفریح و گردش ذهنی در آن محل زیبای تخیلی مجسم شده در ذهن خود حرکت می‌نماید و سعی می‌کند از هوای مطبوع آن محیط زیبا و سالم، ریه‌های خود را پر و خالی کند تا شعف بیشتری بدست آورد، آنگاه ریتم تنفسی ای را که غیر از ورود و خروج هوا از بینی به هیچ مطلب دیگری نمی‌اندیشیده است را به حالت تنفسی خود می‌دهد. زمانی که فردی توانست به این مرحله از هم آهنگ کردن جسم و روح خویش برسد، آنگاه قادر خواهد شد، بسیاری از نازاحتی‌های روحی و روانی و حتی جسمی خویش را از خود دور نماید و کسانی که بتوانند مراحل فوق را بطور کامل و مفید انجام دهند، از آن به بعد می‌توان به اجرای برخی دیگر از تمرینات روحی، مانند مدی تیشن، یوگا و... بپردازند، چون آنها توانسته‌اند هم آهنگی کاملی را بین جسم و ذهن یا روح و ماده، بطور صحیح بوجود آورند، حال هر کار روحی‌ای را که فرد بخواهد، با این زیر بنایی که در ذهن و روح و جسم خود بوجود آورده است، قادر به اجرای صحیح و سالم آن خواهد بود.

در نسل بشر قدرت و حالت‌های گوناگونی را میتوان یافت که وجود این نیروها در هر کس متفاوت می‌باشند، چون هر یک از افراد نسل، بشر دارای حالت روحی ای مربوط به خود است و در این بین کسانی که ارتباط و تشابه حالت‌های روحی بسیار نزدیکی با هم داشته باشند، به همان نسبت هم بیشتر

از دیگران میتوانند بر حالت‌های روحی یکدیگر تأثیر بگذارند که این ارتباطات روحی، دارای شدت و ضعف‌هایی می‌باشند که یکی از این حالتها، اثرات ذهنی افراد بر دیگری است که آنرا تله پاتی نیز مینامند.

تله پاتی معمولاً بین افرادی بوجود می‌آید که از نظر قدرت و حالت‌های روحی دارای تجانس‌های بیشتری نسبت به یکدیگر می‌باشند و در ارتباط زنجیره‌های تکاملی، دانه‌های زنجیره‌ای آنها به یکدیگر نزدیکتر می‌باشند، چون هرچه فاصله این زنجیره‌های تکاملی با یکدیگر نزدیک بوده و فاصله آنها از یکدیگر کمتر باشند، به همان نسبت هم افراد میتوانند نفوذپذیری زیاده‌تری از دیگری داشته باشند، بگونه‌ای که حتی گاهی فرد موج فرستنده می‌تواند تمام نظریات خود را بر امواج عقلی موج گیرنده سوار کند تا شخص مقابل بتواند از تمام خواست‌های دیگری آگاه گردد.

در این رابطه گاهی اتفاق می‌افتد که موج فرستنده میتواند تأثیر بر امواج عقلی فرد دیگری که موج گیرنده است بگذارد بگونه‌ای که او از نظریات و خواست‌های وی آگاه شود، ولی گیرنده موج چنین قدرت تأثیر گذاری را بر طرف مقابل ندارد.

در برخی از مواقع اتفاق می‌افتد که تأثیر گذاری امواج، دو طرفه است، یعنی فردی قادر است نظریات خود را از راه دور یا نزدیک بر شخصی دیگر القاء نماید بطوری که گیرنده موج نیز بتواند نظریات خود را برای فرد مقابل، توسط همان امواج بفرستد و هر دو نفر بگونه‌ای بتوانند پاسخ سئوالات خویش را بدست آورند.

تاکنون در تمام جهان بیش از چند زوج پیدا نشده‌اند که بتوانند با

یکدیگر چنین ارتباطات دو طرفه‌ای را برقرار نمایند، که در این شرائط، فردی از راهی بسیار بعید، امواجی را برای فرد دیگری می‌فرستد و گیرنده موج از نظریات موج فرستنده کاملاً آگاه می‌گردد و در همان زمان پاسخ‌های کامل و صحیح وی را می‌دهد و طرف مقابل نیز تمام نظریات و امواج عقلی او را دریافت می‌نماید.

در بین افراد جوامع، گاهی کسانی یافت میشوند که بدون اطلاع کافی از اصول تله پاتی، با یک نگاه کردن میتوانند نظریات خویش را به فرد دیگری القاء نمایند و خواست و نظر خود را به طرف مقابل بفهمانند و آن شخص نیز از نظریات قلبی وی، کاملاً آگاهی یابد و در نتیجه عملی را انجام دهد که خواست فرستنده موج میباشد و این حالت اغلب بین والدین با فرزندان و خواهر و برادرهایی که وابستگی قلبی کاملی نسبت به یکدیگر دارند، دیده می‌شوند و این حالت بخصوص در میان چند قلوهای یک تخمکی و دوستان بسیار صمیمی که چندین سال با یکدیگر در ارتباط نزدیک بوده‌اند و یا بین همسرانی که سالها با هم زندگی کرده‌اند و از حالات و خصوصیات روحی و اخلاقی یکدیگر آگاهی کامل دارند و... بوجود می‌آید که گاهی یکی از آنها بخاطر فهمانیدن منظور یا نظر خود درباره مطلبی، فقط با یک نگاه کردن مختصر به طرف مقابل، تمام نظریات و خواست‌های باطنی خود را، به ذهن گیرنده امواج، القاء مینماید و اغلب مشاهده میشود، در این میان بدون اینکه بحث و گفتگوئی شده باشد، طرف مقابل از جای خویش برمیخیزد و خواست دیگری را بطور کامل انجام میدهد و یا تغییراتی را در اخلاق و رفتار و حتی کلام خویش بوجود می‌آورد و بطور کلی درباره دریافت امواج مغزی باید

چنین بیان نمود " کسانی که روابط عاطفی و انسانی و محبت و دوستی در زمانی طولانی با یکدیگر برقرار مینمایند، بطور ناخواسسته یک نوع ارتباط دریافت و ارسال امواج القائی، عادتی، اخلاقی و... در بین آنها بوجود خواهد آمد که اگر آنان بصورت علمی این نیروها را در یکدیگر پرورش دهند و تمرینات خاصی را انجام دهند، به مراتب سریعتر و بهتر میتوانند از این امواج عقلی و ذهنی یکدیگر برخوردار گردند و آنرا بکار گیرند.

در انجام اعمال تله پاتی، حواس پنجگانه نسل بشر، دخالت چندانی ندارد و این قدرتها مربوط به نیروهای روحی و خارج از بعد مادی آنها است، یعنی در این زمینه هر چه افراد بتوانند آن نیروهای خارجی را تحت تسلط و کنترل خویش در آورند، به همان نسبت هم با شگفتی و ناشناخته‌های بسیاری مواجه خواهند شد.

حالت‌های تله پاتی را نباید با تماسهای روحی یا اعمال و افعالی که روح مجرد آنها را انجام میدهد، برابر دانست، زیرا ممکن است در زمان خواب و یا مزگ، روح از بدن خارج گردد و در محل دیگری اعمال و افعالی را انجام دهد و یا مطالبی را به فردی بگوید، این حالتها را نباید با تله پاتی برابر دانست، چون این نوع پدیده‌ها مربوط به حرکت و حالت‌های روحی میباشد و ارتباط چندانی به عقل زمان بیداری افراد که در تله پاتی بکار گرفته می‌شود، ندارد.

برای تقویت کردن و ارسال امواج عقلی فردی به ذهن شخص دیگر، روشهای بسیاری وجود دارند که ساده‌ترین آن جهت تمرین و استفاده خوانندگان ذیلاً بیان میگردد تا افراد با تمرین و اجرای این روش ساده و مقدماتی بتوانند به امواج ارسالی از مغز دیگری تسلط یابند و بتدریج آنرا

تقویت و امواج را دریافت کنند.

چنانچه دو نفر خواسته باشند امواج عقلی خویش را به دیگری انتقال دهند، در مراحل اولیه باید تمرینات زیر را انجام دهند و پس از تسلط یافتن بر آن، به تمرینات بعدی و برتری بپردازند.

افرادی که قصد دارند در زمینه انتقال امواج مغزی، قدرت یکدیگر را بسنجند، در زمانی که آرامش روحی و روانی و جسمی کاملی دارند، در محل مناسبی که امواج محیط موجب بهم خوردن تمرکز و تفکر آنان نگردد، دو به دو، مقابل یکدیگر می‌نشینند و یکی از آنها عددی را بین یک تا پنج در ذهن خود انتخاب مینماید و این عدد را به طرف مقابل نمیگوید، ولی بانگاه کردن مستمر بر پیشانی موج گیرنده، در ذهن خویش تکرار مینماید و سعی میکند که موج گیرنده آن عدد را دریابد و بارها آن عدد انتخابی خویش را تکرار میکند و در ذهن خود از موج گیرنده میخواهد که آن عدد را دریابد و بارها آن عدد انتخابی خویش را همچنان تکرار میکند و در ذهن خویش بطور مستمر آنرا تکرار مینماید و سعی میکند که موج گیرنده آن عدد را دریابد و بارها آن عدد انتخابی خویش را تکرار میکند و در ذهن خود از موج گیرنده میخواهد که آن عدد انتخابی وی را دریابد و از ذهن وی درک کند و بگوید. در اینجا فرد موج گیرنده هم یکسره به پیشانی موج فرستنده نگاهی عمیق و آرام میافکند و در ذهن خود تکرار مینماید و به خود می‌گوید که من به زودی آن امواج را از ذهن وی دریافت خواهم کرد. پس از گذشت حدود سه تا پنج دقیقه، اگر حالت‌های روحی و تکاملی این دو نفر تقریباً با یکدیگر نزدیک باشد، موج گیرنده عدد مورد نظر و انتخابی وی را می‌تواند بگوید.

اگر موج گیرنده توانست پاسخ صحیح را بدهد، آنگاه این دو نفر میبایست چندین بار در روزهای متوالی تمرین فوق را با همان روش بالا و با انتخاب عددی از همان پنج رقم ادامه دهند تا اینکه در قسمت اول کاملاً موفق گردند و فرد مقابل در زمان کمتری بتواند آن عدد انتخابی را بیان نماید و بعد از آن این دو نفر میبایست از روش دیگری استفاده کنند و برای اجرای تمرین بعدی، آنها باید از مقابل هم قدری دورتر روند و در فاصله‌ای حدود ۱۵ تا ۱۰ متری یکدیگر قرار گیرند و به همان منوال فوق عمل نمایند. اگر در این بار هم در ارسال و دریافت امواج موفق بودند، آنگاه در یک ساختمان، هر یک در اطاق خاصی می‌نشینند و همان روش فوق را تکرار میکنند چنانچه در ارسال و دریافت امواج آن دو نفر موفق گردیدند، آنگاه کلیه تمرینات از اول، ولی با تغییر جای آن دو نفر انجام میگردد. تا اینکه هر دو بتوانند امواج عقلی یکدیگر را دریابند و نظر دیگری را تشخیص دهند و در ضمن ادامه تمرینات، میبایستی سعی گردد که زمان دریافت امواج کمتر شود و ارزش انجام عمل تله پاتی در کوتاه کردن زمان آن است، یعنی هر چه بشود زمان را در تله پارتی کم کرد، به همان نسبت هم اثرات بهتری در گیرائی امواج عقلی آنها بوجود آمده است.

وقتی که دو نفر توانستند با تمریناتی که حدود یکماه بطول می‌انجامد، امواج عقلی یکدیگر را بصورت تله پاتی دریابند، آنگاه به ارقام انتخابی خود می‌افزایند، فرضاً از بین ۷ یا ۱۰، عددی را انتخاب مینمایند و به ذهن دیگری القاء میکنند و این روش را نیز آن دو نفر میبایست حدود یکماه تمرین کنند و پس از اتمام این روش، مانند تمرینات بالا عمل نمایند. پس از اینکه در زمینه

دریافت امواج اعداد موفق گردیدند، آنگاه بعوض استفاده از اعداد از اشیاء مانند میوه جات، وسائل خانگی و... استفاده می نمایند و طبق روش فوق به ادامه تمرینات خود ادامه خواهند داد تا اینکه بتوانند اعداد تک رقمی یا شصتی خاصی را از ذهن یکدیگر دریابند.

در زمینه برقراری تله پارتی، هر چه پشتکار افراد در ارسال و دریافت امواج بیشتر باشد، به همان نسبت هم به ترقی و پیشرفتهای چشمگیری نائل خواهند شد، مشروط بر اینکه آنها دارای شرایط کافی که قبلاً ذکر گردیده اند باشند، در غیر اینصورت، با موفقیت‌های چندانی روبرو نخواهند شد و اگر دارای شرایط لازم گردند، بطور قطع به یکسال نخواهد رسید که آنها با ادامه تمرینات مستمر، خواست و نظریات خویش را میتوانند از راهی دور به یکدیگر القاء نمایند.

کسانی که مدتها بتوانند این تمرینات را انجام دهند، علاوه بر اینکه در زمینه دریافت و ارسال امواج مغزی بایکدیگر همکاری نموده‌اند، عمل آنها موجب تقویت قدرتهای مغزی و صیقل یافتن امواج ذهنی آنها می‌گردد که در این شرایط به انرژی بیشتری از نظر سیالات جسم و روح و روان دست می‌یابند و در زمان درمانها به مراتب بهتر می‌توانند بردیگری نیروهای شفابخش ارسال نمایند، یعنی در اصل باید گفت که انجام عمل تله پاتی تأثیر به‌سزایی در بالا بردن سطح قدرتهای افراد در زمینه انرژی درمانی دارد و بهترین انرژی درمان جز و کسانی است که حداقل هفته‌ای یکبار امواج ذهنی و مغزی خویش را بدین وسیله صیقل دهد و آنها را تقویت کند.

رنگ درمانی

همانگونه که قبلاً گفته شده است، هر فردی از سه قسمت کاملاً مجزا از یکدیگر بوجود آمده که آنها عبارتند از: جسم، روح و روان که هر کدام از آنها در اثر امواج و قدرتهای محیطی بگونه‌ای تحت تأثیر قرار می‌گیرند و متأثر و ناراحت یا شاد و قوی می‌شوند و روش کمک کردن به آنها و چگونگی درمان، آنها نسبت به یکدیگر، کاملاً تفاوت دارند، فرضاً زمانی که جسم ناراحت می‌شود، نظر به اینکه از ماده بوجود آمده است، تحت تأثیر داروهای مادی قرار می‌گیرد و اغلب قسمت‌های آن با استفاده از این روش سلامت خود را مجدداً بدست می‌آورد، ولی درباره ناراحتی‌های روحی و روانی که ریشه آنها مادی نیست، داروئی که از ماده بوجود آمده است مستلماً بر آنها اثر چندانی ندارد، بلکه برای بدست آوردن سلامت آنان می‌بایست توسط نیرو و انرژی‌های دیگری که در محیط وجود دارند یا در برخی از افراد می‌شود این نیروها را بصورت مازاد یافت، درمان شوند.

برای روشن‌تر شدن مطلب فوق باید به این مهم توجه شود. زمانی که جسم مادی فردی ناراحت است، فرضاً قسمتی از مواد شیمیایی آن مانند ید یا آهن و... در بدن کم شده است، از داروهایی که دارای آن مواد، بصورت مازاد هستند، استفاده می‌شود تا اینکه این عنصر مادی بتواند وارد متابولیسم بدن شود و کمبودهای مادی جسم را در این زمینه جبران نماید.

درست با استفاده از همین روش، هم می‌شود برای درمان ناراحتی‌های روحی و روانی افراد استفاده کرد، یعنی زمانی که این دو عنصر غیر مرئی

که بصورت امواج هستند بگونه‌ای تحت تأثیر امواج قوی‌تری قرار می‌گیرند و ناراحت می‌شوند، می‌بایست از منابع و مراکزی که دارای انرژی مازاد مخصوص آن ناراحتی هستند، برای جبران کمبود امواج آن استفاده کرد تا آن قسمت از بدن هم بتواند حالت عادی و سلامت خود را باز یابد، در غیر این صورت ناراحتی فرد به سادگی قابل درمان نخواهد بود.

انرژی‌های مازاد که به صور مختلف از درون یا برون و خارج از جسم مادی به افراد می‌رسند، اصولاً از طریق تن پوش و ریسمانهای نقره‌ای جذب می‌گردند و از همان طریق به بدن اثر می‌گذارند، چون اکثر ناراحتی‌های روحی و روانی افراد، مربوط به ضعف یا ناراحتی‌های تن پوش و رشته‌های نقره‌ای مربوط به آن است که قدرت و حالت این ریسمانها در افراد مختلف دارای خصوصیات و نیروهای خاصی می‌باشند و گاهی اتفاق می‌افتد که این رشته‌ها به دلیل ضعف امواج و... نمی‌توانند انرژی یا نیروی کافی را به بدن برسانند یا نیروهای لازم را از طریق تن پوش یا امواج محیط کسب نمایند و آن قسمت از بدن که با این رشته‌ها در ارتباط است، گاهی اتفاق می‌افتد که به همین علت سلامت خود را از دست می‌دهد.

همانگونه که بیان گردید، تقویت رشته‌های نقره‌ای، تنها توسط امواج برتر یا قوی‌تری از همین جنس صورت می‌گیرد و نور و انرژی رنگهای مختلف نیز گونه‌ای از همان امواج می‌باشند که موج خاص آنها، مانند سایر امواج محیط یا درون و برون، موجب تقویت سیالات ریسمانهای نقره‌ای در افراد می‌گردند.

از نظر علمی می‌دانیم که هر نور و رنگی دارای قدرت، شدت، دامنه‌برد،

رنگ، بو، ارتفاع و... خاصی مربوط به خود است که در اصل همین مشخصات و مختصات امواج هستند، که اثرات جداگانه‌ای را در هر زمینه‌ای و از هر نظر، از خود بجای می‌گذارند.

اگر در رنگ درمانی‌ها، افراد اثر رنگ و محل و ریشه اتصال ریسمانهای نقره‌ای را در جسم بخوبی بدانند و خود آنها نیز دارای امواج مازاد باشند و از نظر علمی بتوانند برای مدت مناسب اشعه نوری یا انرژی را بر آن نقاط وارد نمایند، بطور یقین عمل آنها نتایج بسیار خوب و چشم‌گیری را در بر خواهد داشت که موجب تکمیل فرکانس و بازیافت سلامت موج گیرنده، خواهد شد.

ریسمانهای حیات، علاوه بر اینکه دارای درخشندگی خاصی از رنگ نقره‌ای می‌باشند، در درون آنها رنگ‌های دیگری نیز دیده می‌شوند که وجود این رنگها فقط مربوط به قدرت همان ریسمانهای نقره‌ای است که این رنگها در اغلب افراد یکسان و برابر می‌باشند، ولی گاهی دیده می‌شود که رنگ درون ریسمانهای نقره‌ای فردی، مغایر با همگان است و درمانگر باید رنگ موجود در هر یک از آنها را بداند و با انتخاب رنگ و سپس با تابانیدن رنگ تکمیلی به محل اتصال آن ریسمان نقره‌ای، امواج لازم را در محل عضو یا ارگان فرد بوجود آورد.

ذیلا رنگهای اضافی مازاد مختلفی که در هر کدام از ریسمانهای نقره‌ای وجود دارند، به شرح زیر بیان می‌گردند تا درمانگران در موقع تأثیر گذاری آن با استفاده از این رنگها و تابانیدن آن رنگ به محل اتصال ریسمانهای نقره‌ای در صدد معالجه بیمار خویش برآیند و به این مهم توجه خاصی

مبذول دارند، چون تنها عاملی که در رنگ درمانی موجب سلامت فرد می‌گردد، تابانیدن رنگهایی است که مکمل رنگ درون ریسمانهای نقردای فرد می‌گردد در غیر این صورت تنها تابانیدن رنگهای الوان، به بدن مریض، هیچ تأثیری در سلامت وی نخواهد داشت، ضمن اینکه درمان افراد توسط امواج و رنگهای نوری، خود یک سر فصل درمانی جداگانه‌ای است که در اکثر کشورهای جهان منجمله آمریکا زیاد بکار برده می‌شود و اشخاص بسیاری برای درمان، به این مراکز، مراجعه می‌نمایند و اغلب سلامت خویش را بدست می‌آورند

- ۱- مغزی یا فرقانه، رنگ بنفش و سفید
- ۲- محل رستنگاه مو یا بال پیشانی، مهتابی یا زرد کمرنگ
- ۳- چشم سوم یا پیشانی، آبی
- ۴- پشت لاله‌های گوش یا پی گوش، بنفش
- ۵- چانه یا زرخ، نارنجی و زرد
- ۶- خورشیدی بزرگ یا هور، قرمز، گلی پررنگ
- ۷- خورشیدی سمت راست یا هورچه راست، قرمز جگری و سبز
- ۸- اتصال دو آرنج یا آرنج، آبی کمرنگ مایل به خاکستری
- ۹- کمری یا کمرگاه، بنفش و آبی و سفید
- ۱۰- دنبالچه یا مغازه، بنفش و زرد و نارنجی
- ۱۱- کشکک زانو، نیلی کمرنگ یا آبی پررنگ و سبز
- ۱۲- گودی زیر زانو، کبود یا نیلی پررنگ
- ۱۳- زرد پی یا قوزک ساپی، آبی پررنگ و زرد

رنگهای فوق در اکثریت قریب به اتفاق افراد مشابه یکدیگر می باشند، ولی هیچ دلیلی وجود ندارد که تمام افراد کره زمین می بایست در درون ریسمانهای نقره‌ای خویش، چنین رنگهایی را داشته باشند.

تمام کسانی که درباره نیروهای خارج از بعد مادی و انرژی‌های اطراف شخص صحبت کرده‌اند، وجود این ریسمانها را بگونه‌ای خاص پذیرفته و تأیید کرده‌اند و در مورد تعداد و محل آنها، گاهی تفاوتی وجود دارد، ولی در نهایت همگان وجود مراکزی را بعنوان انرژی گیرنده یا انرژی دهنده بدن قبول دارند.

هر یک از رنگها دارای مشخصات و مختصات فراوانی، مخصوص به خود هستند که در زندگی مادی و حالت‌های روحی افراد اثراتی را از خود بجای می گذارند چون گروهی از مشتقات رنگها موجب تحریکاتی در اشخاص می شوند و برخی موجب آرامش و بعضی‌ها باعث ازدیاد یا کم شدن درجه حرارت بدن و حتی گاهی فرد را عصبانی و ناراحت می نمایند و به همین علت هم اشخاص به نسبت حالت‌های روحی و روانی خود، باید رنگهای بخصوصی را انتخاب کنند که با طبیعت ذاتی آنها برابری داشته باشند، حتی این امر در انتخاب رنگ لباس، وسایل منزل و محل کار و... بسیار حائز اهمیت است و به سلامت افراد کمک فراوانی می نماید.

جهت اطلاع و شناخت خوانندگان، ذیلاً به تأثیر برخی از رنگهای موجود در سطح کره خاکی بر حالت روحی بسیاری از افراد می پردازیم سپس چگونگی تأثیر گذاری آنها را بر نقاط مختلف بدن بیان خواهیم کرد.

۱- رنگ آبی - کسانی که اعصابی ناآرام دارند، اگر مدتی از این رنگ

استفاده کنند، آرامش نسبی خوبی را بدست می‌آورند که گاهی استمرار استفاده از همین رنگ، برای کسب سلامت کامل افراد، بسیار سودمند است. رنگ آبی موجب می‌گردد که قدرت دفاعی بدن تا حد زیادی در مقابل امواج محیط بالا رود و شخص بهتر بتواند در کسب سلامت خویش سهیم باشد و زمانی که این رنگ را به مرکز اتصالات نقره‌ای، که در آنها رنگ آبی وجود دارد برخی از انرژی درمانان می‌تابانند، با توجه به بالا بردن قدرت دفاعی بدن، موجب سلامت و آرامش بسیاری از قسمت‌های بدن، بخصوص رفع ناراحتی‌های روماتیسم و درمان ناراحتی‌های عصبی، رفع دلهره، رفع ناراحتی سرع و ناراحتی‌های زیوی و... خواهند گردید.

۲- رنگ نارنجی - این رنگ موجب می‌گردد که نیروی خوش بینی و مثبت بودن افراد در محیط کار و زندگی افزایش یابد و زمانی که این رنگ را به مرکز اتصالات نقره‌ای، که این رنگ در بین امواج نقره‌ای آن قسمت وجود دارد می‌تابانید، نیرو و انرژی زیادی را به افراد می‌دهید و در درمان برخی از ناراحتی‌های میکربی، دستگاه تنفس، نازائی، از بین بردن غدد داخلی، سنگ مثانه، سنگ کلیه و صفرا و کبد، کمک بسیاری را به موج گیرنده خواهید نمود.

۳- رنگ کبود موجب می‌گردد که شخص بهتر بتواند از ذخائر عقلی نهان یافته از ضمیر ناخودآگاه خود بهره‌مند شود، یعنی وقتی این رنگ را به مرکز اتصالات نقره‌ای که رنگ فوق در آنها مشاهده می‌شود، بتابانید، اشخاص از ذخائر عقلی خود بهتر می‌توانند بهره‌مند گردند و حافظه آنان نیز تقویت می‌گردد.

۴- رنگ زرد - این رنگ برای آرام سازی اعصاب بسیار مفید است و

اگر این رنگ را به هر یک از نقاط اتصال ریسمانهای نقره‌ای از خورشیدی بزرگ به بالا بتابانید، در تقویت روحی و جسمی و اعصاب فرد کمک شایانی کرده‌اید که بهترین نقطه آن اتصال چانه یا زرخ در افراد می باشد که تأثیر به سزایی برای تحریک پذیری دارد، علاوه بر موارد فوق، تابانیدن این رنگ برای رفع ناراحتی‌های روده، معده و کبد، طحال و ناراحتی‌های پوستی بسیار مفید است.

۵- رنگ قرمز - کسانی که درجه حرارت آنها پائین‌تر از حد معمول است یا از نظر جنسی ضعیف هستند، استفاده از این رنگ موجب تقویت حالت‌های مزبور در آنها می‌گردد. بهترین مرکز تقویت حرارتی، هر دو خورشیدی‌های کوچک و بزرگ است. تابانیدن این رنگ برای رفع ناراحتی‌های سرماخوردگی، سینوس، ضعف قوای جنسی نیز مؤثر است.

۶- رنگ سبز - این رنگ موجب آرامش اعصاب افراد می‌شود و از این رنگ غیر از مواقع ضروری نباید استفاده زیاد کرد، چون تابانیدن رنگ سبز به مراکز اتصال، معمولاً سلامت دائم را در افراد بوجود نمی‌آورد و به زودی حالت فرد تغییر می‌یابد و به همین علت هم در رنگ درمانی نباید از آن زیادتر از حد متعارف استفاده شود، ولی در آرام سازی موقتی، اثر بسیار خوبی در افراد دارد. تابانیدن این رنگ برای کم کردن فشار خون، بهبود ناراحتی‌های جنسی و ناراحتی‌های روحی بسیار مؤثر است و بهترین مرکز گیرنده رنگ موج فوق، مراکز اتصال ریسمانهای نقره‌ای در قوزک و زیر زانو و خورشیدی کوچک راست است.

۷- رنگ بنفش - تابانیدن این رنگ به اتصال پشت گوش‌ها و مغز

سروکمر، موجب کسب قدرت جسارت و پر دل و پر جرأت شدن افراد می‌گردد. اشخاصی که در زندگی دچار دلهردهای بدون دلیل و ترس و وحشت هستند، تابانیدن این رنگ به مراکز فوق، تأثیر بسزایی در تغییر حالت روحی و روانی آنها خواهد داشت و علاوه بر درمان فوق جهت سلامت مجاری ادرار و ناراحتی‌های عروق، قدرت‌های جنسی و... بسیار مؤثر است.

۹- رنگ سیاه - همانگونه که پوشیدن لباسهای تیره موجب ناراحتی و افسردگی روح و روان می‌شود، تابانیدن این رنگ به هر یک از مراکز اتصال، همان حالت افسردگی و ناراحتی‌های روحی را در افراد بوجود می‌آورد و کسانی که در زندگی دارای هرزه خندی‌های بی دلیل و زیادی هستند، اگر این نور به هر یک از اتصالات ریسمانهای نقره‌ای بخصوص از مرکز خاجی به بالا تابانیده شود، تأثیر زیادی در تغییر حالت آنها خواهد داشت.

۱۰- رنگ سفید - تابانیدن این رنگ به مرکز مغز سر یا رستنگاهی و کمری، موجب می‌گردد که اکثر ناراحتی‌های روحی، روانی، عصبی افراد مرتفع گردند، و علاوه بر رفع ناراحتی‌های فوق، برای جلوگیری از ریزش مو، نیز بسیار مؤثر است.

تابانیدن رنگهای فوق به مراکز اتصال ریسمانهای نقره‌ای، فقط جهت تقویت کردن ریسمانهای و تن پوش است، ولی ارتباطی با رنگهای خاصی که در داخل هاله افراد مشاهده می‌گردد ندارد و روش از بین بردن رنگ هاله‌ها توسط جدول تنظیمی دیگری اجرا خواهد گردید.

جدول هاله درمانی توسط رنگها

با استفاده و توجه کامل به جدول فوق کسانی که می توانند هاله های نورانی و رنگی اطراف بدن افراد را مشاهده کنند با استفاده از تأثیر گذاری امواج رنگهای مختلف بر محل تغییر رنگ هاله ها می توانند سلامت بیمار را به او بازگردانند مشروط بر اینکه عمل خود را بصورت علمی از روی زمان بندی رنگ هاله افراد انجام دهند و تابانیدن این رنگها ارتباطی با رنگ درون هاله ها

دارد.

ردیف	محل درد یا ناراحتی	رنگ هاله در محل درد	رنگ مصرفی برای تغییر حالت رنگ هاله ها
۱	در داخل هاله اطراف ریه	رنگ زرد مشاهده می شود	با تابانیدن رنگ بنفش به محل خورشیدی کوچک راست و چپ رنگ زرد را می شود تغییر داد
۲	در اطراف کلیه ها در داخل هاله ها	رنگ کبود یا نیلی مشاهده می گردد	با تابانیدن رنگ قرمز به محل کلیه ها و کمری می شود رنگ را عوض کرد
۳	در سمت چپ سینه یعنی اطراف قلب	رنگ کبود یا نیلی مشاهده می گردد	با تابانیدن رنگ قرمز به محل کلیه ها و کمری می شود رنگ را عوض کرد
۴	در داخل هاله اطراف سر	رنگ آبی وجود داشت	با تابانیدن رنگ نیلی یا کبود به محل اتصال مغز یا رستنگاه مو، می شود تغییر رنگ در هاله بوجود آورد
۵	در محل استخوانهای ساق و ران یا ساعد و کتف	رنگ سبز مغز پسته ای در هاله اطراف آن دیده می شود	با تابانیدن رنگ قرمز پر رنگ به زیر زانو یا در آرنج دست به اضافه اتصال مغزی، می شود تغییر رنگ بوجود آورد
۶	در محل ناراحتیهای پوست در درون هاله	رنگ قسمتی از هاله کبود یا نیلی میشود	اگر رنگ قرمز گلی را به تمام قسمت پوست بتابانید و سپس حدود دو دقیقه همین رنگ را به محل خورشیدی بزرگ نیز بتابانید رنگ هاله محل پوست تغییر می کند
۷	در محل غدد مختلف رنگ هاله تغییر می یابد	رنگ بنفش در درون هاله آن محل مشاهده می گردد	عامل باید حدود ده دقیقه به محل آن غده امواج نارنجی بدهد و پس از آن دو دقیقه به خورشیدی بزرگ و اتصال مغزی نیز همین نور را بدهد

۸	در هاله اطراف نخاع تغییر رنگ دیده می شود	رنگ زرد در درون نخاع دیده می شود	با تابانیدن رنگ قرمز کم رنگ به کمربند و مغزی، پس از چند بار رنگ آن محل از هاله تغییر می یابد.
۹	در هاله قسمت سینه و شکم تغییر رنگ دیده می شود	این قسمت از هاله به رنگ زرد در می آید	عامل با تابانیدن رنگ بنفش به خورشیدی ها (۳) و چانه و خاجی موجب تغییر رنگ هاله در شخص میشود
۱۰	تغییر رنگ در هاله اطراف کمر یا زانو	به رنگ بنفش دیده می شود	عامل باید رنگ نارنجی را به اتصال کمربند یا کشکک پا و زیر زانو بتاباند تا تغییر رنگ در هاله دیده شود
۱۱	در محل ضرب خوردگی بدن در هاله تغییر رنگ وجود دارد	رنگ خاکستری در محل دیده می شود	باید رنگ زرد را حدود ۱۰ دقیقه به محل درد تاباند و پس از آن خورشیدی بزرگ و مغزی را ۲ دقیقه دقیقه از همین موج داد تا تغییر رنگ بوجود آید
۱۲	بی حسی در قسمتی قسمتی از بدن	رنگ های از رنگ خاکستری در هاله دیده می شود	در این شرایط باید رنگ نارنجی به زرد پی، خورشیدی بزرگ و مغزی داده شود تا تغییر رنگ بوجود آید
۱۳	وجود غدد مزاحم در قسمتی از بدن	رنگ سیاه یا خاکستری مایل به فیلی تند در محل دیده می شود	عامل باید به محل غده یک برع نور سفید بتاباند به اتصال مغزی و خورشیدی بزرگ نیز هر کدام دو دقیقه رنگ سفید بتاباند
۱۴	در اثر فلج شدن قسمتی از هاله بدن تغییر رنگ در همان سمت می دهد	به رنگ ارغوانی یا بنفش تند در می آید	در این صورت باید به نزدیکترین مرکز اتصالات برای ۱۰ دقیقه به هر کدام موج رنگ سبز داد و پس از آن به اتصال پی گوش و مغزی ۲ دقیقه این رنگ را تابانید
۱۵	در اثر ناراحتی های روحي و روانی و عصبی شدید	رنگ های سبز در هاله اطراف سر دیده میشود	با دادن امواج ارغوانی یا بنفش پر رنگ به محل اتصال مغزی، رستنگاه و چشم سوم و پی گوش باید در هاله تغییر رنگ بوجود آورد
۱۶	گاهی در درون هاله شخص به علت وجود جوش، دمل و سایر ناراحتی های پوستی	رنگ بلوطی یا آجری رنگ در هاله محل مشاهده میگردد	با دادن رنگ صورتی به محل و خورشیدی بزرگ و مغزی باید تغییر رنگ در هاله بوجود آورد
۱۷	در اثر بروز ناراحتی های جنسی	رنگ لیمویی زرد کم رنگ در محل دیده می شود	در این شرایط با تأثیر گذاری رنگ آبی پر رنگ اتصال خاجی، کمربند، خورشیدی بزرگ تغییر رنگ در آن قسمت هاله بوجود می آورد